





نامہ

# ایران اسلام

فصلنامه علمی - تحقیقاتی ایران شناسی و اسلام شناسی  
سال اول | شماره سوم | زمستان ۱۳۹۱ | بها: ۴۵۰۰۰ ریال

**صاحب امتیاز:** سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
**مدیر مسئول:** دکتر علی اکبر صفی پور  
**سردبیر:** دکتر کیومرث امیری

## هیئت تحریریه

دکتر حمیدرضا آیت اللهی | دکتر حسن بلخاری | دکتر رسول جعفریان  
دکتر عطاء الله حسنی | دکتر اسحق صلاحی | دکتر برت فراگنر  
دکتر شریف حسین قاسمی | دکتر جواد منصوری | دکتر محمد جواد مرادی نیا  
دکتر مهدی محقق | دکتر عارف نوشاهی | دکتر کریم نجفی برزگر  
دکتر سید علیرضا واسعی | دکتر علی اکبر ولایتی

**ویراستار:** جعفر رستم خانی

**مترجم:** جمیله کوکبی

**ویراستار انگلیسی:** دکتر ادیک ملکیمیان

**ناشر:** انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

**طراحی نشانه:** علیرضا بخشی

**ناظر چاپ:** نصرت الله امیرآبادی

**ویراستار فنی:** دکتر یوسف رضا احمدی

**چاپ و صحافی:** سپهر



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## نشانی

تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، سازمان اسناد و

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تلفن: ۸۱۶۲۳۱۷۷-۸۱۶۲۳۳۱۵

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۳۶۹۳

پست الکترونیک: iranislam@nlai.ir

فروشگاه و نمایشگاه کتاب: میدان ولیعصر، خیابان شقایق، خیابان

به آفرین، شماره ۲۸، تلفن: ۸۹۴۱۹۴۶

# فهرست

سخن سردبیر

۵

## ایران شناسی

### گفتگو

- ۱۱ تعریف ایران شناسی، قلمروهای آن و ایران شناسی در کشورهای اسکاندیناوی | گفتگو با دکتر اشک دالن  
رئیس انجمن ایران شناسی اسکاندیناوی و استاد ایران شناسی دانشگاه استکهلم |  
مقالات
- ۱۹ الکساندر (شاندور) کیگل و ایران شناسی در مجارستان | دکتر میکوش شارکوزی |  
۳۱ بُود و مُود زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های ترکیه و چالش های آن | دکتر رضا دهقانی |  
سیاق: نظام نشانگذاری عددی و محاسبه در دنیای ایرانی | بریان اسپونر و ویلیام هانوی/ترجمه  
۴۳ سلمان قاسمیان و علیرضا نیک نژاد |  
۶۵ مراکز و مؤسسات ایران شناسی در فدراسیون روسیه | سعید شیری |  
۷۵ بازتابی ایران و ایرانیان در تصاویر بردن استانتون | احمدعلی امیری |  
۷۹ ایران شناسی در گذر زمان  
۸۱ سهم آلمان در ایران شناسی | پروفیسور برتولد اشپولر |  
۸۷ گزارش یک کتاب: ایران، دروغ، اثر ژیل لنو | سیاوش اسعد اختی |  
۹۳ بایسته های پژوهشهای ایران شناسی و اسلام شناسی | دکتر محسن جعفری مذهب |  
۹۹ معرفی کتاب | ماری هجران |  
۱۰۷ اخبار

## اسلام شناسی

### گفتگو

- ۱۲۹ اسلام پژوهی فرانسویان؛ از هانری کربن تا شیعه شناسان جدید | در گفتگو با دکتر کریستین بونو (یحیی علوی) |  
مقالات
- ۱۴۷ تأملی در متدولوژی و اسلام پژوهشی پروفیسور پیر لوری استاد دانشگاه سوربن فرانسه | دکتر سعید جازاری |  
۱۵۷ اسلام پژوهی چینی؛ از سلسله های پنجگانه تا هزاره سوم | دکتر عادل خانی |  
چالش های موجود در موتورهای جستجوی پایگاه های آن لاین نسخه های خطی اسلامی  
۱۷۱ | علی مشهدی رفیع - محمد محمدی نیا |  
۱۸۱ اسلام شناسی و اسلام شناسان در استرالیا | دکتر زهرا سبحانی |  
۱۹۳ یوهان یاکوب رایسکه؛ از ادبیات عرب تا اسلام شناسی | شهرام تقی زاده انصاری |  
۲۰۳ معرفی کتاب | شیما طاهری |  
۲۰۹ اخبار  
۲۲۳ چکیده مقالات به زبان انگلیسی

## شرایط پذیرش مقاله

۱. مقالات مرتبط با موضوع ایران شناسی و اسلام شناسی و روش‌های تحقیق، مکاتب، اهداف و کارنامه آنها؛
۲. معرفی و نقد تازه‌ترین کتاب‌ها و مقاله‌های منتشر شده پیرامون اسلام، ایران، انقلاب اسلامی، مسلمانان و تشیع؛
۳. اسناد، نامه‌ها، تصاویر و دست نوشته‌های اسلام شناسان و ایران شناسان که تا کنون منتشر نشده باشد.
۴. مقاله و گزارش نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل و خارج از کشور چاپ شده باشد.

## ضوابط تدوین و نگارش مقاله

۱. مقاله در محیط Microsoft Word با قلم ۱۴ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. توضیحات و اصطلاحات علمی به ترتیب استفاده در متن در همان صفحه آورده شود.
۳. معادل‌های خارجی در هر صفحه در انتهای همان صفحه درج شود.
۴. حجم مقاله از ۱۵ صفحه فراتر نرود. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام نگار و مرتبه علمی در پانویست ذکر شود.
۵. ارجاعات اسنادی در داخل متن آورده شود و ارجاع به منابع به ترتیب سال نشر و شماره صفحه خواهد بود و اطلاعات کامل کتابشناختی منابع در پایان مقاله ارائه شود.

## ملاحظات

۱. هیأت تحریریه نشریه، در رد یا قبول مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات آزاد است.
۳. تنظیم و ترتیب مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیأت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.
۵. مسئولیت مطالب نوشته به عهده نویسنده خواهد بود.
۶. لطفاً مقالات را به نشانی دفتر فصلنامه و یا به پست الکترونیکی [j-iranislam@nlai.ir](mailto:j-iranislam@nlai.ir) ارسال فرمائید.

## سخن سردبیر

در طلیعه هزار سوم، مطالعه و شناخت اسلام و مسلمانان و بازنمایی تصویر آنها در رسانه‌های جمعی و هماوردی و تقابل گفتمانی اندیشه و فرهنگ اسلامی با گفتمانی‌های رقیب، یکی از مباحث و موضوعات مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و پژوهندگان جامعه‌شناس، استادان علم ارتباطات و اسلام پژوهان مسلمان و غیر مسلمان است. توجه جدی تر به اسلام و مسلمانان با پیروزی انقلاب اسلامی و طرح اندیشه اسلام سیاسی و انتشار نظرات ادوارد سعید متفکر امریکایی فلسطینی تبار در کتاب شرق شناسی و تقابل اندیشگی شماری از اسلام شناسان و متخصصان مسایل خاورمیانه با دیدگاه‌های او آغاز و با ارائه نظریه تقابل و تضاد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون و حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ به اوج خود رسید. نتیجه هماوردی گفتمان‌های مسلط پیرامون تاریخ، فرهنگ و اندیشه اسلامی و مسلمانان در بین متفکران و نویسندگان غربی و پادگفتمان‌های آنها در بین نویسندگان مسلمان و مخالفان آنها، پدید آمدن حجم قابل توجهی از نوشته‌های علمی، جدلی و انتقادی بوده است. در پیدایش و گسترش این نوشته‌ها، بسیاری از دولت‌ها، مؤسسات و مراکز علمی و آموزشی، نشریات، رسانه‌ها و اشخاص مسلمان و غیر مسلمان مؤثر بوده‌اند.

این دولت‌ها، نهادها و اشخاص برحسب ضرورت یا هدفی خاص وارد عرصه مطالعات اسلامی شده و با تأسیس مراکز مطالعات اسلامی، اختصاص منابع مالی، اعطای بورس تحقیقاتی یا تحصیلی و یا انجام پروژه‌های مطالعاتی به تقویت جریان اسلام پژوهی مدد رسانیده‌اند. کشورهای فعال و مؤثر در زمینه مطالعات اسلامی را می‌توان به



دو گروه کشورهای اسلامی و غیر اسلامی تقسیم کرد. کشورهای اسلامی که در میدان مطالعات اسلامی در کشورهای غیر مسلمان وارد شده و با تأسیس و حمایت از مؤسسات و مراکز اسلامی در این کشورها نقش تقویت کننده و پیش برنده اسلام پژوهی آکادمیک را داشته اند عبارتند از: بروئی، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، مصر، مالزی، اندونزی و لیبی. برخی از کشورهای غیر مسلمان که با هدف شناخت، کنترل یا مقابله با اسلام و مسلمانان به ایجاد مراکز و مؤسسات اسلام شناسی آکادمیک اقدام کرده و با اختصاص بودجه به پروژه های تحقیقاتی و برگزاری کنفرانس های علمی پیرامون اسلام و مسلمانان، مستقیم و غیر مستقیم، به رشد و گسترش مطالعات اسلامی کمک کرده اند عبارتند از: آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه، هلند، استرالیا، ژاپن و کره جنوبی. اینکه این دسته از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با چه هدف و انگیزه ای به مطالعات اسلامی توجه کرده و چه نوع حمایت یا مشارکتی در ایجاد مؤسسات تحقیقاتی، تشکیل کرسی های اسلام پژوهی در دانشگاه های کشورهای غربی و تأمین هزینه های آنها و اعطای بورس های تحقیقاتی و تحصیلی دارند، موضوعی است که تمام ابعاد، آثار و پیامدهای آن روشن نشده و لازم است در جای خود به آن پرداخته شود.

مسئله دیگری که در ارتباط با مراکز و مؤسسات اسلام پژوهی در کشورهای غربی شایسته توجه و تأمل است، تحقیقات، کنفرانس ها، نشریات و آثار و نوشته های آنهاست. امروزه دهها نشریه اسلام پژوهی آکادمیک و حداقل بیست ناشر معتبر بین المللی مانند انتشارات بریل<sup>۱</sup>، انتشارات دانشگاه های کمبریج<sup>۲</sup>، آکسفورد<sup>۳</sup>، هاروارد<sup>۴</sup> و ییل<sup>۵</sup>، نتایج تحقیقات و آثار تهیه شده در این مراکز و مؤسسات را منتشر می کنند. در کنار این دسته ناشران حرفه ای، دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی و ناشران دیگری نیز هستند به کار نشر و توزیع آثار اسلام شناسان غیر مسلمان و مسلمان اقدام می کنند. به طور کلی، نوشته های اسلام پژوهی را می توان به سه دسته تقسیم کرد: نوشته های متفکران و اسلام شناسان آکادمیک غیرمسلمان، نوشته های متفکران و نویسندگان مسلمان و مطالب روزنامه نگاران و گزارشگران خبری.

نوشته های متفکران و اسلام شناسان آکادمیک غیرمسلمان بر دو دسته اند: نوشته ها و یافته های علمی و نوشته های کژ اندیشانه و تا حدودی مغرضانه. نوشته های دسته اول حاصل و نتایج بررسی ها و کنجکاوی های علمی روشمندان اسلام شناسان هستند. برخی از این نوشته ها، به دلیل ناآگاهی پژوهندگان اسلام شناس با منابع اصلی مسلمانان و ندانستن زبان های اسلامی و یا پیش فرض داشتن، از اعتبار و اهمیت کمتری برخوردارند، اما پاره ای از نوشته ها نیز هستند که از دقت علمی بالایی برخوردارند و اسلام شناس آشنا به زبان های اسلامی و موضوع مورد مطالعه توانسته به منابع اصیل اسلامی دسترسی

1. Brill publication
2. Cambridge University Press
3. Oxford University Press
4. Harvard University Press
5. Yale University Press



داشته و تحقیق ارزنده‌ای ارائه کند. این گونه آثار حاوی دیدگاه و نکات تازه‌ای هستند و اعتبار و ارزش علمی دارند. واقعیت این است که دیدگاه‌ها و نوشته‌های این گروه از اسلام‌شناسان که با تکیه بر تئوری‌های رایج در علوم اجتماعی و انسانی و روش‌های نوین دین‌پژوهی به نگارش در می‌آیند، یا در نشریه‌های علمی پژوهشی معتبر بین‌المللی و یا در قالب کتاب از سوی ناشران معتبر دانشگاهی و غیردانشگاهی در کشورهای غربی مجال نشر می‌یابند و شمار درخور توجهی از پژوهشگران، محققان و دانشجویان در سراسر جهان نوشته‌های آنها را به مثابه داده علمی و نتیجه تحقیق عالمانه می‌پذیرند و به آنها رجوع کرده و ارجاع می‌دهند. همین نوشته‌ها مایه تفسیر و تحلیل روزنامه‌نگاران و تصویرسازان در شبکه‌های ماهواره‌ای و نشریات و تلقی و تصمیم‌سازی سیاستمداران در باره اسلام و مسلمانان می‌شوند.

در باب نوشته‌های کژاندیشانه و مغرضانه اسلام‌پژوهان غیرمسلمان به همین نکته می‌توان بسنده کرد که نوشته‌های این گروه اگر چه در لوای تحقیق علمی چهره می‌بندد اما سایه انگیزه‌های سیاسی، مذهبی یا بدخواهانه از فحوای سخن، نوع نتیجه‌گیری و منابع مورد استناد آنها قابل مشاهده است. این قبیل نوشته‌ها که از آنها به ادبیات جدلی اسلام‌شناسی تعبیر می‌کنیم، در کار تصویرسازی و بازنمایی تصویر اسلام و مسلمانان در رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای بکار می‌رود. روزنامه‌نگاران و خبرسازان حرفه‌ای مشتریان صف اول این نوشته‌ها هستند و از آنها برای نوشتن خبر یا تحلیل سیاسی خود برای توصیف دنیای ذهنی، رفتار مسلمانان و باورهای دینی ایشان استفاده می‌کنند. و اما اسلام‌شناسان مسلمان امروزه، بخش عمده‌ای از تتبعات و تحقیقات در حوزه مطالعات اسلامی در جهان غیرمسلمان حاصل کوشش‌های علمی اسلام‌شناسان مسلمانی است که در نظام آموزشی غربی تحصیل کرده و در دامان روش و سنت آموزشی اسلام‌شناسی آکادمیک غیرمسلمان پرورش یافته و بالیده‌اند. تفاوت نوشته‌های اسلام‌شناسان مسلمان با غیرمسلمان در رویکرد جانبدارانه و آشنایی ریشه‌دار آنها با اندیشه، تاریخ و فرهنگ مسلمانان و دسترسی آسان آنها به منابع اصیل مطالعاتی است، اموری که به راحتی برای اسلام‌شناسان غیرمسلمان فراهم نمی‌شود. اینک بخش قابل توجهی از کارنامه مطالعات اسلامی نوشته‌های اسلام‌شناسان مسلمان است که در کنار نوشته‌های اسلام‌شناسان مشهور و ناموار و گاه در هماوردهای با آنها منتشر می‌شود.

۱. مقصود از اسلام‌شناس در این جا کسی است که با تکیه بر نظریه‌های علمی و با بکارگیری روش تحقیق به مطالعه و بررسی موضوعی پیرامون اسلام یا مسلمانان می‌پردازد.

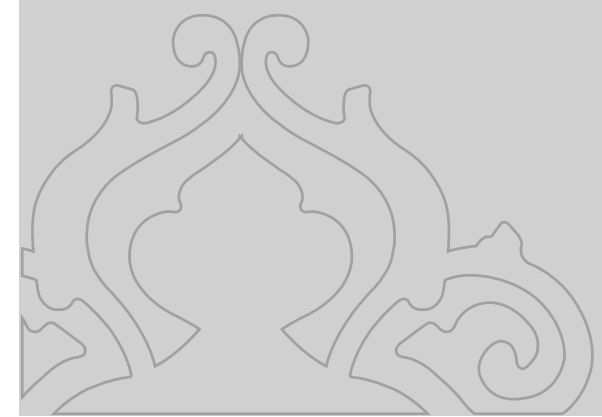
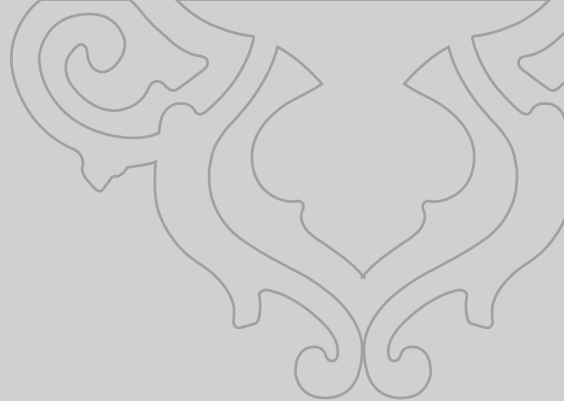
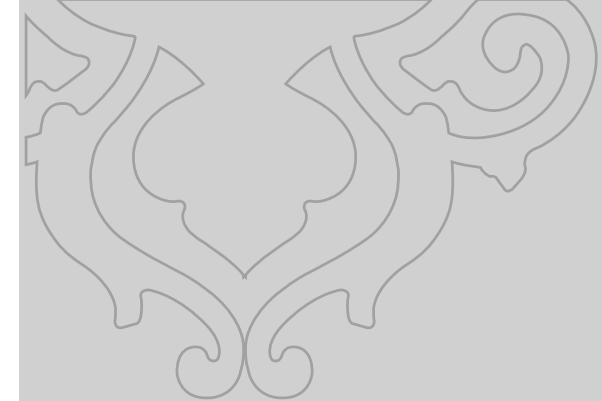


و تأثیرات پژوهش‌های آنها آگاهی داشته باشیم. چرا که بسیاری از این آثار درباره ما و در ارتباط با دین، مذهب، فرهنگ و تمدن ما و سایر مسلمانان است و نمی‌توانیم نسبت به آنها بی‌تفاوت باشیم. بنابراین، بر محققان و مراکز و مؤسسات آموزشی و پژوهشی و بویژه حوزه‌های علمیه و عالمان دینی فرض است که از طریق شناسایی و مطالعه آثار و نوشته‌های اسلام‌شناسان در ورای مرزهای سیاسی، اطلاعات و دانسته‌های خود را از وضعیت کنونی مطالعات اسلامی در کشورهای دیگر و گفتمان‌ها و پادگفتمان‌های مطرح در آن ارتقاء بخشند. پژوهشگران و عالمان دینی ما لازم است بدانند که حاصل کوشش‌های علمی و پژوهشی اسلام‌شناسان ساکن آمریکا و چهار کشور اروپایی انگلیس، آلمان، فرانسه و هلند در دهه گذشته از اسلام‌شناسان مسلمان در بسیاری از کشور اسلامی بیشتر است و آنها از نظر عرصه‌ها و موضوعات نوپدید، کارهای تازه، نکته‌ها و پرسش‌های جدید، کشف نسخه‌های خطی مهجور مانده، معرفی برخی متفکران و شخصیت‌های مسلمان از دریچه و زاویه دیگر و گشودن گره‌های ناگشوده علمی، فکری و روشی پیشی گرفته و نتیجه تتبعات آنها بازتاب گسترده‌ای در بین طبقات تحصیلکرده ما و سایر کشورهای اسلامی داشته است.



# ایران تناسلی





## تعریف ایران شناسی، قلمروهای آن و ایران شناسی در کشورهای اسکاندیناوی

گفتگو با دکتر اشک دالن رئیس انجمن ایران شناسی اسکاندیناوی و استاد ایران شناسی

دانشگاه استکهلم

اشک دالن (برجسته نیا) پژوهشگر فرهنگستان سوئد در استکهلم است. او بیش از ده سال به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و تاریخ ادیان ایرانی در دانشگاه‌های اپسالا، استکهلم و اسلو مشغول بوده است. اشک دالن بنیانگذار و رئیس انجمن ایران شناسی اسکاندیناوی است و ادبیات فارسی و دین‌های ایرانی جزو زمینه‌های پژوهشی اوست. آخرین آثار او «دستور زبان فارسی» (۲۰۱۰) و «فارسی برای نوآموزان» (۲۰۱۲) است. او همچنین چندین اثر ادبی فارسی از جمله چهار مقاله نظامی عروضی، لمعات فخرالدین عراقی و اشعار حافظ و مولوی را به سوئدی برگردانده است. مصاحبه حاضر با دکتر دالن که در نوشته‌های ایرانیان به غلط داهلن معرفی می‌شود، به مدد دنیای مجازی و از طریق پست الکترونیکی انجام شده است نکته قابل اشاره درباره این مصاحبه آن است زمانیکه با آقای دکتر دالن برای انجام مصاحبه تماس گرفته شد، ایشان با صمیمیت و روی خوش تقاضای ما را پذیرفتند و با تعیین زمان مشخص پاسخ پرسش‌های ما را ارائه کردند. از این بابت از جناب دکتر دالن که وقت گرانبهای خود را به این کار اختصاص دادند، تشکر می‌کنیم.

### ● تعریف شما از ایران شناسی چیست و چه زمینه‌ها یا حوزه‌هایی را در برمی‌گیرد؟

ایران شناسی یک زمینه گسترده میان رشته‌ای است که به مفهوم عمومی آن شامل مطالعات زبان، تاریخ، ادیان و فرهنگ اقوام ایرانی است. این زمینه پژوهشی از لحاظ جغرافیایی به مرز و بوم کشور ایران امروزی محدود نمی‌شود بلکه ایران بزرگ یا ایران زمین تاریخی را دربر می‌گیرد، یعنی تمام مناطق جغرافیایی که میراث ایرانی دارد - از بوسنی در باختر گرفته تا بنگال در خاور - و علاوه بر



دکتر اشک دالن

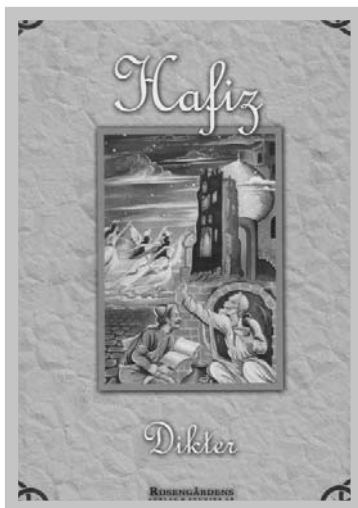
آن حدود پنج میلیون ایرانیان خارج از کشور. ایران شناسی در اروپا از آغاز یعنی از قرن نوزدهم میلادی با زبان شناسی تطبیقی هند و اروپایی و زبان شناسی تاریخی به طور عام ارتباط نزدیکی داشت و در واقع به دنبال کوشش هایی که در راستای تفسیر و تحلیل اوستا و سنگ نوشته های پارسی باستان به عمل آمد، پدیدار شد. کشور آلمان در آن زمان پیشگام بود و نخستین کرسی ایران شناسی سال ۱۹۰۳ در دانشگاه گوتینگن<sup>۱</sup> آلمان تأسیس شد. ایران شناسان به زبان شناسی تاریخی و مطالعات تاریخی متون می پرداختند و می کوشیدند تا تاریخ، فرهنگ و ادیان اقوام ایرانی را از طریق زبان و

متون آن ها بشناسند. به دلایل تاریخی علوم زبان شناسی و ادبیات امروز هنوز پایه های اصلی این زمینه میان رشته ای را تشکیل می دهد. ایران شناسان قرن بیستم مطالعات مهمی درباره تاریخ ایران باستان و تاریخ ادیان ایرانی، به ویژه دین مزدایسنا، انجام دادند و آثار ارزنده ای در مطالعه نسخه های خطی و زبان شناسی تاریخی با توجه به جنبه های ادبی، تاریخی و زبان شناختی آن، منتشر کردند. رژیم سابق ایران هم پشتیبانی چشمگیری از ایران شناسی می کرد که از جمله در همایش های رم و تخت جمشید ۱۹۷۱ و در سلسله کتاب های معتبر «اکتا ایرانیکا»<sup>۲</sup> قابل مشاهده است. ایران شناسی در سی سال اخیر حضور چشمگیری در غرب داشته است. نخستین انجمن ایران شناسی اروپایی در سال ۱۹۸۳ در شهر رم تأسیس شد و دو سال پس از آن جلد اول دانشنامه «ایرانیکا»<sup>۳</sup> زیر نظارت احسان یارشاطر منتشر شد.

### ● ایران شناسی خارجی با ایران شناسی ایرانیان چه تفاوتی دارد؟ اگر تفاوتی هست در چیست؟ در روش است؟ در محتوی یا نتیجه تحقیق است؟

ایران شناسی هم در اروپا و هم در ایران از آغاز مبتنی بر زبان شناسی و به ویژه زبان شناسی تاریخی یا فیلولوژی بوده است. به این دو همچنین می توان باستان شناسی را که اهمیت بسیاری در درک تکامل تاریخی تمدن پیشامدرن داشت، اضافه کرد. به عنوان مثال، کاوش های پیشگامانه باستان شناسی ارنست هرتسفلد<sup>۴</sup> در تخت جمشید زمینه ساز درک ما از شرایط اداری، اقتصادی و اجتماعی سرزمین هخامنشی گردید. یا ریچارد هالوک<sup>۵</sup> از دانشگاه شیکاگو با انتشار مطالعات خود در سال ۱۹۶۹ درباره خط میخی الواح گلی که در گوشه شمال غربی تخت جمشید کشف شده بود، موجب رنسانسی در مطالعات ایران شناسی و به ویژه دوره هخامنشی شد. و این رنسانس هنوز

1. Georg-August-Universität Göttingen  
 2. Acta Iranica: Encyclopédie permanente des études iraniennes  
 3. Encyclopaedia Iranica  
 4. Ernst Herzfeld (1879-1948)  
 5. Richard Hallock (1906-1980)



ادامه دارد. درحالیکه پژوهش های تاریخی پیشین به مراجع یونانی درباره ایران باستان وابسته بود، دستیابی به این یافته های کهن و رمزگشایی از خط آن، جهان نویی برای پژوهش باز نموده و دیگر به منابع یونانی که در بسیار موارد به دولت و تمدن ایران دشمنی می ورزیدند وابسته نیستیم. اجداد هخامنشی ما به طور مستقیم دارند با ما حرف می زنند!

ایران شناسان در داخل ایران بیشتر در پیشرفت زبان شناسی و علم ادبیات زبان های ایرانی سهم داشتند. دانشمندانی چون علی اکبر دهخدا و محمد معین خدمات ارزشمندی در زمینه زبان شناسی و انتشار

لغت نامه و فرهنگ نویسی ارائه داده اند. پرویز ناتل خانلری، ذبیح الله صفا و احمد تفضلی آثار مهمی درباره تاریخ زبان و ادبیات فارسی نوشتند و بزرگانی دیگر مانند ایرج افشار به علم کتاب شناسی از جمله کتاب شناسی فردوسی و شاهنامه و فهرست نویسی نسخه های خطی فارسی در نقاط مختلف جهان خدمت کردند. تفاوت عمده بین پژوهش ادبی در ایران و اروپا یا آمریکا این است که علم ادبیات در ایران کم و بیش به نسخه های خطی و مطالعات توصیفی زبان شناختی تاریخی محدود بوده و کمتر به مباحث نظریه و تطبیقی پرداخته است. نوشته های عبدالحسین زرین کوب و محمد رضا شفیعی کدکنی در زمینه نقد ادبی نمونه های استثنایی است.

ایران شناسی به خاطر روند مسلط در علوم انسانی در دهه های اخیر تا حد بسیاری متأثر از نظریه های نویی است که در تعامل با علوم اجتماعی که بر پایه های اجتماعی فرهنگ تاکید دارد، پدید آمده است. ایران شناسی امروز این کثرت نظریه ها در زبان شناسی، نقد متون و انسان شناسی را در آغوش خود گرفته و فراتر از حوزه پیشین خود گسترش پیدا کرده است. این واقعیت به خصوص در علم تاریخ ادیان قابل مشاهده است که علاوه بر زبان شناسی تاریخی، علم کلام و پدیده شناسی؛ به جنبه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باورها و رسم و رسوم های مذهبی نیز می پردازد. برای نمونه میکائل استاوسبرگ در کتاب خود با عنوان «آیین پرستش در دین مزدایسنا» مسائل گوناگونی مانند نظریه ها، متون آیین پرستش، جنسیت و حرفه موبدان را در چهارچوب زمینه های اجتماعی و محلی بررسی می کند.

● **دستاوردها و نتایج مثبت مطالعات ایران شناسی خارجیان برای ما چه بوده است؟ چه**

1. Michael Stausberg (ed.), *Zoroastrian Rituals in Context*, 2004.

**منابع تازه ای به ما معرفی کرده اند؟ چه جنبه های ناشناخته ای ما را به ما شناسانیده اند یا آنکه روش های دیگری برای شناخت ایران و فرهنگ و تاریخ آن به ما آموخته اند؟**



ایران شناسان خارجی و به ویژه دانشمندان اروپایی و آمریکایی، خدمات بزرگی در زمینه های گوناگون از زبان شناسی تاریخی تطبیقی گرفته تا روش شناسی و به ویژه روش نقد تاریخی که نقش اساسی در فهم ما از سیر تکامل تاریخی فرهنگ ایرانی و وضعیت اجتماعی اقوام ایرانی دارد، ارائه داده اند. تا زمان معاصر یعنی دوره مدرن، دانش ما ایرانیان از اجداد باستانی به اساطیر و داستان های نقلی، کتبی و شفاهی، که متأثر از فرهنگ سامی و خیلی وقت ها با آن آمیخته بوده محدود بود. برای نمونه آتشکده آذرگشنسب و معبد آناهیتا که در بالای کوه اسنوند واقع هستند با سلیمان پادشاه قوم یهود پیوند داده شد و تخت سلیمان نام گرفت. نمونه های فراوان از روند سامی شدن میراث فرهنگی ایران وجود دارد. زمانی که گئورگ فریدریش گروتفند<sup>۱</sup> و هنری راولینسون<sup>۲</sup> رمز سنگ نبشته های ایلامی و پارسی باستان را گشودند، ما ایرانیان برای نخستین بار توانستیم فرهنگ ملی خود را کشف کنیم و درک جدیدی از تاریخ باستانی مان به دست بیاوریم. ابراهیم پورداو، که سال ۱۹۳۷ نخستین کرسی استادی زبان و فرهنگ ایران باستان در دانشگاه تهران را به دست آورد یکی از برجسته ترین دانشمندان ایرانی بود که تحت تاثیر ایران شناسانی اروپایی قرار گرفت. پارسیان هند هم نگهدارنده کهن ترین نوشتار و سروده های ایرانی، یعنی اوستا و ادبیات زبان پهلوی بودند و آن ها نیز در احیای فرهنگ ملی در ایران قرن بیستم نقش داشتند. صادق هدایت از روشنفکران و نویسندگان ایرانی بود که روانه بمبئی (مومبای) شد تا زبان اجداد خود را بیاموزد و مطالعات زبان شناسی او منجر به ترجمه چند آثار پهلوی گردید.

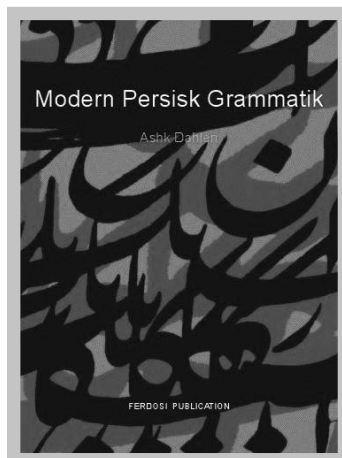
پژوهش ایران شناسان اروپایی در زمینه نسخه های خطی و زبان شناسی تاریخی نیز زمینه ساز روش های انتقادی تحقیق و ویرایش آثار ادبی شد. نقد متون از طریق تحلیل تطبیقی نسخه های موجود و بازسازی متون اصلی پایه تمام پژوهش ادبی است و اهمیت آن را نمی شود دست کم گرفت. در این باره می توان به ویرایش های انتقادی رینولد نیکلسون<sup>۳</sup> از آثار عرفانی فارسی مانند مثنوی معنوی و کشف المحجوب یا ادوارد براون<sup>۴</sup> از آثار ادبی و تاریخی مانند تذکره الشعرا و دولتشاهی و تاریخ طبرستان اشاره کرد. کار بازسازی متون اصلی یک فرایند مداوم است و تا به امروز ادامه داشته است. در سال ۱۹۷۷ نسخه ای خطی از شاهنامه فردوسی در شهر فلورانس ایتالیا کشف شد که در کتابخانه ملی آن شهر نگهداری می شود. این کهن ترین نسخه خطی موجود از این حماسه ایرانی است و خوشبختانه جلال خالقی مطلق در ویرایش انتقادی خود از شاهنامه که بین سال های ۱۹۸۸-۲۰۰۸ در هشت جلد منتشر شد به این نسخه دسترسی داشت.

● **عده ای بر این عقیده اند که گروهی از ایران شناسان تصویر نادرست و ناموجهی از ایران و ایرانیان ارائه نموده اند، به نظر شما اگر این نظر درست است، این وجوه ناموجه و نادرست کدام است و در چه زمینه هایی است؟**  
بی شک در میان شرق شناسان افرادی بوده و هستند که نقشه یا اهدافی غیرعلمی دارند و

1. Georg Friedrich Grotefend (1775-1853)
2. Henry Rawlinson (1810-1895)
3. Reynold Alleyne Nicholson (1868-1945)
4. Edward Granville Browne (1862-1926)



یا می‌کوشیدند واقعیت یک پدیده یا حادثه را تحریف کنند. این هم اتفاق افتاده که دولت‌ها از پژوهشی پشتیبانی کنند که با ایدئولوژی حاکم سازگار و همساز است یا حتی به طور مستقیم چنین پژوهش‌هایی را سفارش کنند. ایران‌شناسی هم مصون از این مسائل نبوده و نیست. چنانکه شاهد بودیم که تاریخ ایران توسط مورخان در اتحاد جماهیر شوروی بر اساس فلسفه تاریخی مارکسیستی تحلیل و عرضه می‌شد. دسته‌ای از مورخان ایرانی نیز تحت تاثیر آثار تاریخ‌نویسان شوروی مانند ایلیا پطروشفسکی<sup>۱</sup> بودند. البته به نظر من خدمات این نوع آثار علمی را که بر ایدئولوژی مارکسیسم استوار است نباید



نادیده گرفت یا از کنار آن‌ها به سادگی رد شد. بر عکس می‌توان از لحاظ معرفت‌شناختی از آن‌ها استفاده کرد تا جنبه‌های ناشناخته احتمالی از تاریخ و درک خود ما از آن‌ها روشن شود. نتیجه این کار این است که برداشت ما نسبت به موضوع گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. هر پژوهشی بر پیش‌فهم‌ها و شرایط خاصی استوار است. وقتی که یک پژوهش تاریخی را در مقابل پیش‌فهم‌ها و انگاشته‌های نویسنده آن قرار دهیم، برداشتی گسترده‌تر از پدیده یا حادثه مورد نظر بدست می‌آید، حتی اگر روش استنتاج و نتیجه آن پژوهش نادرست باشد.

انتقادی که عده‌ای نسبت به شرق‌شناسان دارند بر این باور است که هدف اصلی شرق‌شناسی تسلط و ترویج و دفاع از منافع سیاسی و اقتصادی خاصی بوده است. در این باره باید به نکته پیشین برگردم. تاریخ‌نشان داده که فرضیه‌هایی که بر اساس پیش‌فهم‌های ایدئولوژی خاصی پدید آمده‌اند در یک بحث آزاد علمی ابطال‌پذیر<sup>۲</sup> و قابل‌آزمون هستند. به بیان دیگر بحث علمی درباره یک فرضیه یا ایده تنها وقتی ممکن است که تمام معرفت‌علمی را ابطال‌پذیر بدانیم. این که برخی ایران‌شناسان دیدگاه خاص سیاسی داشته‌اند یا حتی از لحاظ شغلی ماموریت‌های سیاسی داشته‌اند خود به خود باعث نمی‌شود که مطالعات آنها هدف یا منافع سیاسی خاصی داشته باشد. در میان ایران‌شناسان برجسته اروپایی و آمریکایی نمونه‌های بسیاری داریم. ادوارد براون، نویسنده کتاب «تاریخ ادبیات ایران»، درگیر انقلاب مشروطه بود و سخت با مشروطه‌خواهان همدردی و از آن‌ها حمایت می‌کرد. یا گرتروید بل<sup>۳</sup> که شاید لطیف‌ترین ترجمه‌های دیوان حافظ را به انگلیسی ارائه کرد، مأمور سیاسی انگلستان در خاورمیانه بود و نقشی کلیدی در «کشورسازی» دولت نو بنیاد عراق داشت. خانم آن لمبتون<sup>۴</sup> نویسنده آثار مرجع متعدد درباره تکامل اجتماعی ایران در قرون میانه، نیز مشاور سیاسی انگلستان و از دشمنان سرسخت فرایند ملی‌شدن صنعت نفت در ایران بود. جان لیمبرت<sup>۵</sup> نویسنده یکی ممتازترین مطالعات موجود درباره شیراز قرن چهاردهم

1. Ilya Pavlovich Petrushevsky (1898-1977)

2. Falsifiability or refutability

3. Gertrude Bell (1868-1926)

4. Ann Lambton (1912-2008)

5. John Limbert



میلاادی، دستیار معاون وزیر خارجه آمریکا و مسئول میز ایران در این وزارتخانه است. به نظر بنده ایران شناسی نسبتاً از پژوهش ایدئولوژیک که اهداف و منافع سیاسی خاصی را دنبال می کند، عاری بوده است. حضور چشمگیر دیاسپورای ایرانی در اروپا و آمریکا همزمان با فرایند جهانی شدن دانش در دهه های اخیر هم شرایط و محتوی عملی ایران شناسی را دگرگون کرده است. بسیاری از برجسته ترین ایران شناسان امروز در غرب، ایرانی الاصل هستند و برخی از آنها تحصیل کرده ایران هستند، از جمله محسن آشتیانی، فخرالدین عظیمی، تورج دریایی و امثال آن ها. وجود ایران شناسان ایرانی و خارجی در خارج از کشور به پیچیده کردن تصویر ایران و نمایاندن این مطلب که فرهنگ و تمدن ایران پدیده ثابت و یکدستی نیست بلکه تجلی های گوناگون و گاه متضادی دارد، کمک کرده است. به نظر من کثرت نظریه ها، فرضیه ها و روش های علمی فرصت مهمی است تا ایران شناسی به وظیفه خود که ارائه تصویر عینی و پیچیده ای از تاریخ، فرهنگ و جامعه ایران است، جامه عمل بپوشاند.

### ● وضعیت کنونی ایران شناسی در حوزه کشورهای اسکاندیناوی چطور است؟ و چه چالش هایی در پیش دارد؟

پژوهش ایران شناسی در کشورهای اسکاندیناوی به عنوان یک زمینه مستقل علمی از اوایل قرن بیستم وجود داشته و مانند جاهای دیگر اروپا از دل رشته های زبان شناسی تاریخی و تطبیقی بیرون آمده است. نمایندگان برجسته ایران شناسی در سوئد مانند هنریک ساموئل نیبرگ<sup>۱</sup> و گئو ویدنگرن<sup>۲</sup> به تاریخ دین های ایرانی در دوران باستان پرداخته در حالیکه ایران شناسان دانمارکی، از جمله آرتور کریستن سن<sup>۳</sup> و جس آسموسن<sup>۴</sup>، بیشتر تاریخ ادبیات و تاریخ سیاسی ایران تمرکز کردند. گئورگ مرگنشیورنه<sup>۵</sup> ایران شناس نروژی، آثار مهمی درباره زبان های ایرانی شرقی نوشت و دانشجوی او پردس اکثر شاروو<sup>۶</sup>، استاد مطالعات ایران شناسی دانشگاه هاروارد، از برجسته ترین ایران شناسان امروز است. گمان می کنم که نزد ایرانیان، کریستن سن نامدارترین ایران شناس اسکاندیناوی به شمار آید چون او بارها به ایران مسافرت کرده و در همایش های علمی در این کشور حضور یافته و تعداد بسیاری از کتاب های او مانند «ایران در زمان ساسانیان»<sup>۷</sup> نیز به فارسی ترجمه شده است. او خاطرات خود از سفرهایش به ایران را تحت نام «ایران قدیم و ایران جدید» در دو جلد منتشر کرده است. شاخه ادبیات در ایران شناسی اسکاندیناوی توسط افرادی مانند بو اتاس، اشک دالن، کلاوس پدرسن، داریوش کارگر و آندرس ویدمارک<sup>۸</sup> ادامه یافته است و به دوره ها و سبک های گوناگون ادبی می پردازد. بزرگترین مرکزهای ایران شناسی امروز در دانشگاه های کپنهاگ دانمارک و اپسالای سوئد قرار دارند. پژوهش ها در کپنهاگ بر ادبیات معاصر فارسی و تاریخ و جامعه ایران معاصر متمرکز است در حالیکه مرکز ایران شناسی اپسالای زیر نظارت کارینا جهانی<sup>۹</sup> به زبان شناسی اختصاص یافته و پژوهش در علم تاریخ و تاریخ ادبیات و هنرهای ایرانی نیز انجام می دهد.

1. Henrik Samuel Nyberg (1889-1974)
2. Geo Widengren (1907-1996)
3. Arthur Christensen (1875-1945)
4. Jes Asmussen (1928-2002)
5. Georg Morgenstierne (1892-1978)
6. Prods Oktor Skjaervo
7. Arthur Christensen, L'Iran sous les Sassanides, 1936.
8. Bo Utas, Ashk Dahlén, Claus Valling Pedersen, Dariush Karagar, Anders Widmark
9. Carina Jahani

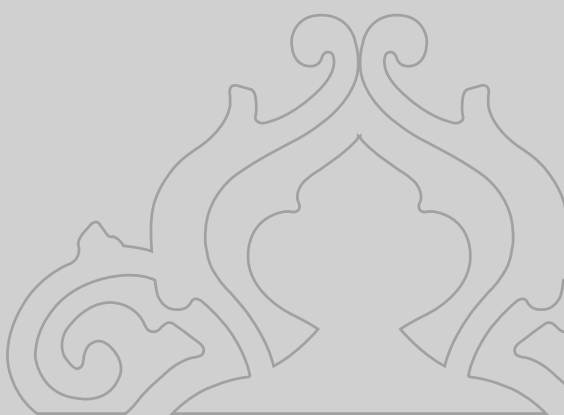
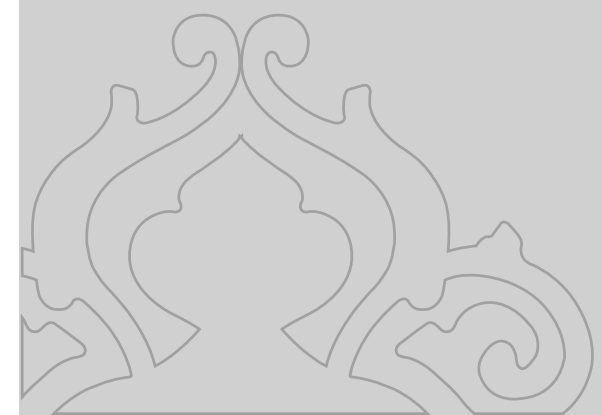


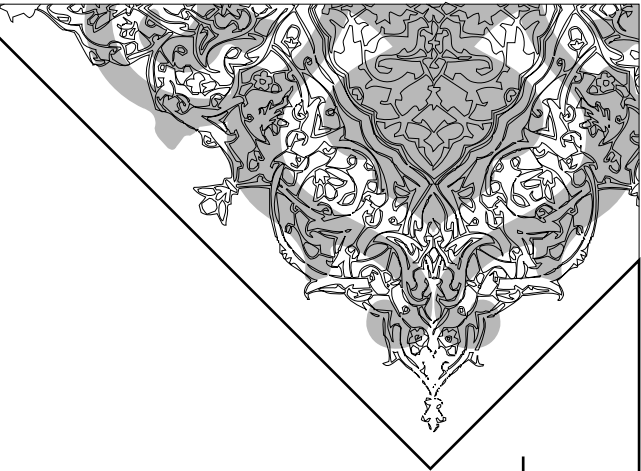


● لطفاً درباره انجمن ایران شناسی اسکاندیناوی که گویا خود شما مدیر آن هستید، توضیح

دهید.

ایران شناسان اسکاندیناوی از سال ۲۰۱۰ در شبکه ای به نام انجمن ایران شناسی اسکاندیناوی<sup>۱</sup> همپیوند هستند. این انجمن در سال ۲۰۱۲ نخستین همایش خود را در دانشگاه اسلو نروژ برگزار کرد که نزدیک به بیست سخنران و بیش از دویست شرکت کننده از کشورهای اسکاندیناوی و جهان را گردهم آورد. همایش بعدی قرار است در سال ۲۰۱۵ در دانشگاه اوسلا برگزار شود. علاوه بر این، دو سال پیش نیز دو کنفرانس بین المللی با محتوای ایران شناسی در دانشگاه اوسلا برگزار شد، یکی در زمینه زبان شناسی ایرانی و دیگری با محوریت شاهنامه و فردوسی. در دهه اخیر تعداد دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در حوزه اسکاندیناوی بسیار افزایش پیدا کرده و آشنایی عموم مردم اسکاندیناوی با فرهنگ و تمدن ایران هم افزون شده است. این واقعیت در تعداد ترجمه های ادبی، سمینار و نشست های علمی و نمایشگاه های ایران شناسی قابل مشاهده است. تأسیس نشریه ای علمی با کمیته بین المللی از سردبیران نیز در فهرست برنامه های آینده انجمن ایران شناسی اسکاندیناوی است. به گمان من آینده ایران شناسی در حوزه اسکاندیناوی امیدبخش است ولی این که این زمینه میان رشته ای بتواند رشدی شایسته و زایا داشته باشد و نتیجه علمی خود را به مردم این کشورها برساند، به کوشش و موفقیت خود ایران شناسان و امکانات آن ها ارتباط دارد. پیوند ایران شناسان کشورهای اسکاندیناوی با نهادها و دانشمندان داخل ایران نیز نقشی کلیدی دارد زیرا تبادل نظر و دسترسی استادان و دانشجویان به مراکز پژوهشی، کتابخانه ها و بایگانی های اسناد در ایران از اهمیتی اساسی برای رشد این رشته برخوردار می باشد. این نکته را از تجربه و مشاهدات شخصی خودم می گویم زیرا سفرهای آموزشی و پژوهشی برای من نقش و اهمیت بسیاری، نه تنها در آموختن زبان فارسی بلکه در آشنا شدن با فرهنگ اجتماعی و ادبی ایران، داشته و دارد.





## الکساندر (شان‌دور) کیگل و ایران شناسی در مجارستان

■ دکتر میکوش شارکوزی<sup>۱</sup>

### مقدمه

الکساندر (شان‌دور) کیگل یکی از ناشناخته‌ترین ایران‌شناسان دنیاست. یکی از دلایل ناشناخته ماندن او آن بود که پس از مرگش به مدت ۵۰ سال کرسی شرق شناسی دانشگاه بوداپست و دروس زبان و ادبیات فارسی به محاق تعطیل گرفتار آمد و کسی نبود که جای خالی او را پر و فعالیت‌هایش را دنبال کند. همین دلیل کافی بود که اسم، خاطره و پویه‌های علمی و آموزشی کیگل به فراموشی سپرده شود و همکاران و شرق‌شناسان خارجی و مجاری از ارزش آثار و فعالیت‌های این ایران‌شناسی و شرق‌شناس بی‌ادعا و سخت‌کوش غافل بمانند. این محقق گمنام مجار در نیمه دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم در مجارستان زندگی می‌کرد. با ارزیابی فعالیت‌های علمی و ارزش و سطح بالای علمی آثار برجای مانده از کیگل، می‌توان او را یکی از پیشگامان و مهم‌ترین شرق‌شناسان کشور مجارستان به شمار آورد.

۱. دکتر میکوش شارکوزی، ایران‌شناس اهل مجارستان، فارغ‌التحصیل رشته ایران‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه دولتی بوداپست است. موضوع رساله دکتری او تاریخ طبرستان پیش از دوره ایلخانان است. وی در حال حاضر استادیار رشته تاریخ دانشکده علوم انسانی دانشگاه پروتستان بوداپست به نام "کاشپار کارولی" است.

آشنایی با زندگی، فعالیت‌های علمی و آموزشی و آثار این ایران‌شناس گمنام مجاری و بنیان‌گذار ایران‌شناسی در کشور مجارستان، چگونگی و دلایل تکوین هسته ایران‌شناسی و دلایل وجود نسخه‌های خطی فارسی در این کشور را روشن می‌سازد. این قلم امیدوار است که در آینده نزدیک بتواند چند مقاله مجاری زبان کیگل درباره ایران را به فارسی، زبانی که همواره مورد علاقه شان‌دور کیگل بود، برگرداند تا هم برداشت و تلقی او را از فرهنگ و ادبیات فارسی بنمایاند و هم چگونگی تشکیل هسته اولیه ایران‌شناسی در کشور مجارستان را به روشنی بکشد.



## وضعیت مجارستان در نیمه دوم قرن نوزدهم

مجارستان کشوری است قدیمی با ملت، آداب و سنن بسیار ریشه دار. این کشور از قرن پانزدهم تا اواخر جنگ جهانی اول کشوری غیر مستقل بود. سلطه طولانی چند قرنه عثمانیان و اتریشیان بر این سرزمین موجب شد که این کشور کهنسال که در تاریخ خود کشور بسیار تأثیر گذاری بوده، کاملاً دست نشانده حکومت های خارجی شود. با آنکه مجارستان پس از ۱۵۰ سال استیلای عثمانی بالاخره از یوغ عثمانیان رهایی یافت، اما دیری نپایید که دوباره تحت سلطه امپراطوری هابسبورگ (اتریشیان) درآمد. دوره حکومت اتریشی ها پس از شکست عثمانی ها تا فروپاشی دولت دو جانبه اتریش- مجارستان در اواخر جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ بیش از دوپست سال به طول انجامید. مجارها پس از چند قیام و انقلاب ناموفق علیه اتریشیان در سال های ۱۷۱۱ و ۱۸۴۸ با فرانس ژوزف اول، امپراتور اتریشی در سال ۱۸۶۷ پیمان بسته و موافقت کردند که مجارها از حقوق مساوی با اتریشی ها برخوردار گشته و تا حدی استقلال و یک نوع خود مختاری داشته باشند.

با وجود آن که سیطره خارجیان و مسایل گوناگون سیاسی و اجتماعی به مجارستان صدمه زیادی وارد کرد، با این همه، اقتصاد و فرهنگ کشور در دوره اتریش- مجارستان تقویت و شکوفا شد. از جمله علوم در این دوره زمانی را می توان به باستان شناسی و تحقیقات تاریخ شناسی مجارهای قدیم قبل از نفوذ مسیحیت به مجارستان، هزار سال پیش، دانست. در دوره بیداری مجارها بعد از سال ۱۸۶۷، به علت ریشه آسیایی مجارها و گسترش پژوهش های تاریخی می توان یک گرایش به سنن و مبانی تمدن های آسیایی در مراکز فرهنگی مجارستان مشاهده کرد. اولین رشته شرق شناسی مجارستان که در آن زبان های شرقی (فارسی، ترکی عثمانی، عربی، عبری و هندی) تدریس می شد، در سال ۱۸۶۷ به همت "ارمینوس وامبری" در دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوداپست تشکیل گردید. مؤسس این رشته وامبری شاید معروف ترین شرق شناس و محقق مجاری کشور ما بود. فعالیت وی در عرصه شرق شناسی نه تنها در مجارستان که در کل اروپا شهرت یافت. وامبری به رغم عدم دریافت دیپلم دبیرستان، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا و فقر ایام کودکی، بنیانگذار شرق شناسی مجارستان شد. با آنکه وی در تمام زندگی نسبتاً لنگ بود، با نوآوری های علمی و خاطرات سفرها و سرگذشت های خود در ایران، ترکیه و آسیای مرکزی توانست عنوان بنیانگذار و تأثیر گذارترین شرق شناس مجارستان در قرن نوزدهم را از آن خود کند. البته باید خاطر نشان سازیم که از جمله عوامل توسعه شرق شناسی در کشور مجارستان علاوه بر علاقه عمومی، سنن قدیمی و تأثیر اساطیر کهنه کوچ نشینی قبایل مجار در هزار و صد سال پیش نیز بوده است. باید به یاد داشت از آن اقوامی (هونها، آوارها، پچنگها، کومانها، یاسها) که از طرف شرق (آسیا، دشت قپچاق، روسیه و اوکراین) وارد قلمرو «کارپات» شدند، تنها مجارها توانستند هویت و زبانشان را در اروپای مرکزی حفظ کنند. به غیر از مجارها هیچ قوم شرقی کوچ نشین نتوانست در برابر هجوم حکومت های آلمانی و بیژانسی بایستد، از این رو نهایتاً پراکنده و



منقرض شدند. معلوم است که منابع و مورخین ایرانی، ترکی و عربی اطلاعات بسیار ارزشمند و اکثراً دقیقی درباره تاریخ و فرهنگ مجار داشتند. بر بنیاد همین اطلاعات بود که ریشه و اصلیت مجارها همواره مورد توجه شرق شناسان مجار قرار می گرفت. به این دلیل پژوهشگران و استادان شرق شناس مجار زبان های شرقی (فارسی، ترکی و عربی) را با اهمیت می شمردند.

### شاندور کیگل و تکوین ایران شناسی در مجارستان

بنیانگذار تدریس زبان و ادب فارسی در مجارستان ارمینیوس وامبری بود. وی تقریباً یک سال را در ایران گذراند و مدتی هم مترجم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار شد. وامبری بیش از سی سال استاد زبان و ادبیات فارسی بود. وقتی که ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه با مقامات کشور مجارستان در شهر بوداپست ملاقات کردند، وامبری نقش مترجم را ایفا می کرد. البته از یاد نبریم که هر چند وامبری فارسی را نیک آموخته بود، اما گرایشش بیشتر به زبان ها و لهجه های ترکی بود. بنابراین، اکثر شاگردان وامبری، که نسل دوم شرق شناسان مجارستان بودند، بیشتر متخصصین زبان های ترکی هستند. چنانکه "ایگناتس کونوش" و "جولا نیمت" معروف ترین ترک شناسان مجارستان در نیمه اول قرن بیستم، وارثان و جانشینان وامبری در رشته شرق شناسی دانشگاه بوداپست، هر دو همانند استاد خود متخصص زبان و ادبیات ترکی بودند. تنها یک نفر از شاگردان وامبری به نام شاندور کیگل بود که کاملاً متمایل به ایران شناسی شد و در تمام زندگی به تحقیق و آموزش مباحث و موضوعات ایران شناسی مشغول شد.<sup>۱</sup>

۱. میکلوش شارکوزی: یک شاگرد وامبری/ زندگی و آثار شاندور کیگل ۱۸۶۲-۱۹۲۰، مجموعه مقالات کنفرانس دوم بین المللی وامبری، دونایسکا ستردا: اسلوواکی ۲۰۰۵؛ صص ۱۲۰-۱۶۳ و نیز برای اطلاع بیشتر پیرامون زندگی و فعالیت های علمی کیگل بنگرید به این منبع به زبان مجاری:

Miklos Sarkozy: Egy Vambery tanitvány –Kegl Sandor elele es munkassaga (1862-1920).

۲. در مورد اصالت فامیل کیگل نگاه کنید به:

Ivan Nagy: Magyarország csaladai cimerekkel es nemzedekrendi tablakkal, Budapest 1859. 160-161

ایوان ناجی: آرمها و شجرات خانواده های اشراف زادگان

مجارستان، بوداپست ۱۸۵۹: ۱۶۰-۱۶۱ برای آگاهی از تمول و زمین های خاندان کیگل مطالعه این منبع سودمند است:

Magyarország foldbirtokosai es foldberloi, szerk. A Magyar Kiralyi Statisztikai Hivatal, Budapest, 1925. 243

صاحبان و مستأجران مزارع کشور مجارستان؛ دفتر دولتی آمار سلطنت مجارستان؛ بوداپست ۱۹۲۵.

3. Gaal L: Kegl Sandor 1862-1920. Gal Shandor kiogl (Budapesti Szemle 564 (1924) 37-44.

شاندور کیگل در سال ۱۸۶۲ در یک روستای قدیمی در اطراف شهر بوداپست به دنیا آمد. وی اصالت اشرافی داشت و اقوام او از تبار و ریشه اتریشی بودند. اجداد خانواده کیگل احتمالاً پس از فروپاشی حکومت عثمانی سیصد سال پیش در مجارستان مستقر شده اما موقعی که کیگل متولد شد، خانواده او کاملاً مجار زبان شده و زبان آلمانی را از دست داده بودند. بر اساس آمار آرشیو استان "پشت" و آرشیو ملی مجارستان، خانواده کیگل بسیار توانا و ثروتمند بود و علاوه بر زمین های وسیع کشاورزی، اسب، شیلات، و برکه هم داشتند.<sup>۲</sup>

هیچ یک از نیاکان کیگل گرایشی به شرق شناسی نداشتند. والدین او خود را در زمره نجیب زادگان به شمار می آوردند. شاندور کیگل یک خواهر بزرگ و یک برادر کوچکتر داشت. این سه برادر و خواهر از کودکی فوق العاده با استعداد بودند و علاقه زیادی به علم آموزی داشتند. کیگل با آنکه هیچ تحصیلاتی نداشت به هشت زبان خارجی مسلط شد، برادر کوچکترش یانوش کیگل نیز فارغ التحصیل رشته حقوق شد.<sup>۳</sup>

دلیل علاقه کیگل به موضوعات شرق شناسی نامعلوم است. شاید نوشته ها و سفرنامه های ایرانی و آسیای مرکزی ارمینیوس وامبری تأثیرگذار و الهام بخش به کیگل در دوران نوجوانی بوده باشد. کیگل پس از اخذ دیپلم در سال ۱۸۸۵ به رشته زبان های شرقی دانشگاه بوداپست رفت. در



دانشگاه، کیگل به یاد گرفتن زبان‌های شرقی مشغول گشت. وی زبان و ادبیات فارسی و ترکی عثمانی را از آرمینیوس وامبری و زبان و ادبیات عرب را از ایگناتس گلدزیهر معروف‌ترین عرب شناس و اسلام‌شناس اروپای نیمه دوم قرن نوزدهم آموخت. کیگل بعد از اتمام فوق لیسانس در اندک مدتی درسش را در دانشگاه کمبریج انگلیس و پس از آن در دانشگاه وین ادامه داد. پس از اتمام تحصیلات و فعالیت‌های علمی خارج از مجارستان کیگل به بوداپست بازگشت و مشغول تکمیل پایان‌نامه دکترای خود شد. موضوع تز کیگل تحلیل متنی عربی بود با عنوان "حیات الحیوان". این متن در مصر در قرن هفتم توسط کمال الدین دمیری تألیف شده بود. به نظر می‌آید که کیگل پس از دفاع از پایان‌نامه دکترای خود، بیشتر به ادبیات عربی قرون وسطی تمایل داشته است. اما یک مسافرت غیر منتظره به ایران و اخذ بورس تحصیلی یک فرصت استثنایی برای کیگل فراهم آورد تا گرایش و علاقه خود را از تحقیقات عرب‌شناسی به ایران‌شناسی معطوف کند. در سال ۱۲۶۹/۱۸۸۹ کیگل با دریافت بورس دولت اتریش - مجارستان و با پشتیبانی وامبری به کشور ایران سفر کرد. مسیر کیگل به ایران بسیار جالب و هیجان‌آور بود. کیگل در ابتدای سفر از بوداپست تا استانبول با قطاری که تازه افتتاح شده بود، سفر کرد. وی در شهر استانبول، پایتخت حکومت عثمانی، با وامبری ملاقات کرد. وامبری در آن موقع مترجم هیئتی از اساتید اتریشی - مجارستانی بود و در شهر استانبول اقامت داشت. کیگل از استانبول تا شهر باتومی، در مرز حکومت عثمانی و امپراطوری تزاری با کشتی، سفر کرد. سپس دوباره سوار قطار شد و از باتومی گرجستان تا شهر باکوی جمهوری آذربایجان کنونی گذر کرد. کیگل در سال ۱۲۹۹ ه. ق. از شهر باکو با کشتی روسی به بندر انزلی رسید. این سفر دریایی بسیار مشکل و پر مخاطره بود. کیگل از بندر انزلی در استان گیلان و از مسیری که روس‌ها میان رشت و قزوین ساخته بودند به شهر قزوین و نهایتاً به تهران رسید.<sup>۱</sup>

### حضور کیگل در فرهنگستان علوم مجارستان

کیگل در سال ۱۹۰۰ به خاطر مقالات متعدد و پشتیبانی وامبری، کاندیدای عضویت فرهنگستان علوم مجارستان شد. اگرچه عضویت کیگل در آن سال و سال‌های پس از آن از طرف فرهنگستان تأیید نگردید، اما سرانجام در سال ۱۹۰۶ در نتیجه حمایت وامبری و گلدزیهر و سایر اساتید شرق‌شناسی، به عضویت رسمی فرهنگستان درآمد.<sup>۲</sup> از فعالیت‌های کیگل در فرهنگستان مجارستان می‌توان به چند مورد اشاره نمود. وی چندین سخنرانی درباره تحقیقات خود و فرهنگ و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات فارسی در کشور هند ایراد کرد. این موضوعات پس از سال ۱۹۰۶ مهمترین علائق علمی کیگل به شمار می‌رفت.<sup>۳</sup>

در سال ۱۹۰۶ که کیگل به عضویت رسمی فرهنگستان پذیرفته شد، فهرست نویسی نسخ خطی کتابخانه شرق‌شناسی فرهنگستان را بر عهده گرفت. این فهرست دربرگیرنده همه متون قدیمی فارسی، عربی، ترکی، اردو، هندی و زبان‌های آسیای مرکزی است که قبل از سال ۱۹۰۶

۱. برای آگاهی از چگونگی سفر کیگل به ایران ر.ک: سفر من به کشورایران  
Sandor Kegl: Utazasom Perzsiaba, Vasarnapi Ujsag (1890) 36.184.  
۲. Akademiai Ertesito 1906. p.205  
فرهنگستان درباره اعضای نوین فرهنگستان مجارستان.  
۳. برای آشنایی با علائق گوناگون علمی و فرهنگی کیگل بنگرید به فهرست آثار کیگل در آخر این مقاله.



در این کتابخانه نگهداری شده بود.<sup>۱</sup> فهرست نسخ خطی کتابخانه شرق شناسی که به نام «فهرست کیگل» مشهور شده، تا به امروز اهمیت خود را حفظ کرده و همچنان مورد استفاده است. بعد از درگذشت کیگل، به این فهرست، کلکسیون خصوصی وی و صدها متن کمیاب و ارزشمند مجموعه های چند شرق شناس دیگر اضافه شد. حدود چهل سال پیش بر مبنای فهرست کیگل، فهرست کامل نسخ خطی شرقی در فرهنگستان علوم مجارستان تهیه و ارائه گردید.

کیگل در سال ۱۹۱۴، اوایل جنگ جهانی اول، به عضویت هیأت علمی "اروپای جنوبی" نیز پذیرفته شد.<sup>۲</sup> کار و وظیفه این هیأت، تحلیل مشکلات تاریخی اروپای جنوبی به ویژه شبه جزیره بالکان بود که تازه از یوغ حکومت عثمانی رها شده بود. در سال ۱۹۱۹، بعد از جنگ جهانی اول، مجله فرهنگستان، کیگل را به عنوان یکی از افتخارات شرق شناسی، متخصص شهیر مجارستانی و سندشناس ایرانی معرفی کرد.<sup>۳</sup>

کیگل شخصیت و زندگی دو جانبه ای داشت. با وجود آن که در استخدام دانشگاه بوداپست بود و به تدریس زبان و ادبیات فارسی اشتغال داشت، همزمان عضو رسمی فرهنگستان بود و در آنجا نیز با جدیت بسیار کار می کرد. این استاد سرشناس ایران شناسی که صاحب املاک اطراف بوداپست بود و اصالت نجیب زادگی داشت، هر هفته چندین بار با درشکه خود سی کیلومتر مسافت را طی می کرد و به بوداپست می آمد و پس از اتمام کارش به به روستای خود "اپورکا-پوستاستنتکیرای" باز می گشت. کیگل در روستای "اپورکا-پوستاستنتکیرای" کاخی داشت که به خاندان کیگل تعلق داشت و با برادر و خواهر خود تا آخر عمر زندگی کرد. کیگل در همین کاخ در روز ۲۸ دسامبر سال ۱۹۲۰ به علت سکت قلبی غیر منتظره در آنجا درگذشت. کیگل سه روز بعد در روستای «پِرگ»، نزدیک کاخ، دفن گردید.

قابل توجه است که کیگل و خواهر و برادرش هیچکدام تن به ازدواج ندادند و خاندان کیگل با پیشینه تاریخی و اشرافیتش بدون وارث ماند و در سال ۱۹۲۵ با مرگ آخرین عضو خانواده، کاخ و مزارع آنها به تملک دولت در آمد.<sup>۴</sup>

### نوشته های کیگل

بررسی فهرست و عناوین نوشته های کیگل گویای آن است که گستره پژوهش های او، علی رغم پراکندگی موضوعاتش، حوزه ای نسبتاً مشخص بوده و ادبیات کلاسیک فارسی و ادبیات دوره قاجاریه بیش از هر چیز دیگر نظرش را جلب کرده بود. نوشته های کیگل به سه زبان مجاری، انگلیسی و آلمانی نوشته شده است.

مقالات متعدد و مختلف کیگل به چهار گروه تقسیم می شود:

گروه اول به پژوهش های مربوط به ادبیات کلاسیک فارسی تعلق دارد. از جمله مقالات علمی این گروه، مقاله مختصر ولی بسیار مهم به زبان انگلیسی است که کیگل در سال ۱۹۰۰ در مجله

۱. Akademiai Er-tesito 1909, 233

۲. فرهنگستان، کیگل: فهرست

نسخ خطی کتابخانه شرق

شناسی را تهیه کرده است.

۳. Akademiai Ertesito

۱914. 465

درباره اعضای جدید فرهنگستان

مجارستان.

۴. Akademiai Ertesito

1919. 276

درباره اعضای جدید فرهنگستان

مجارستان.

۵. در آرشیو اسناد فرهنگستان

مجارستان ۲۵ تا عکس از خانواده

کیگل باقی مانده است؛ اکثر این

عکس ها تصویر خود کیگل

را نشان می دهد. با نگاه به این

عکس ها نمی توان پی برد که

کیگل چه مشکلات بهداشتی یا

بیماری در آخر عمرش داشته است.

(شماره عکس های خانواده کیگل

در آرشیو اسناد. MTAKK. Ms.

۱۲۲-۱۰۶/۷۵-۵.



JRAS منتشر کرده است. موضوع این مقاله، کشف چند بیت ناشناخته از مولوی در یک نسخه خطی دیوان شمس تبریزی است که کیگل احتمالاً در ایران خریداری کرده بود. به نظر می‌رسد که کیگل چند بیت منحصر به فرد را که تا آن زمان کسی در دیوان شمس ندیده بود، کشف کرده بود. عنوان این مقاله «شعری از دیوان شمس تبریزی» بود. یکی دیگر از مقالات این گروه که به زبان مجاری نوشته شده بود، به معرفی سنایی به عنوان یکی از اولین نمایندگان عرفان ایرانی اختصاص داشت. در این مقاله کیگل شاهکار سنایی کتاب حدیقة الحقیقة و طریقة الشریعة را تحلیل و شماری از ابیات آن را به زبان مجاری ترجمه می‌کند. محتوای این مقاله و شیوه تحلیل کیگل نشان می‌دهد که وی فارسی کلاسیک را نیک آموخته بود و در ترجمه سعی می‌کرده معانی اصطلاحات عرفانی سنایی را درست فهمیده و آنها را به زبان مجاری برگرداند.

از فحوای کلام و بیانات کیگل در مراسم عضویت رسمی فرهنگستان مجارستان که به موضوع ارتباط احتمالی رباعیات مولوی با رباعیات عطار و سنایی پرداخته بود، چنین به نظر می‌رسد که او از اشعار عرفانی مولانا متأثر بوده است.

کیگل قبل از جنگ جهانی اول شروع به نوشتن مقاله پیرامون ادبیات فارسی در خارج از ایران به ویژه در قلمرو کشور هند و حکومت عثمانی کرد. یکی از نوشته‌های در خور اعتنای کیگل در مورد ادبیات فارسی در هندوستان، مقاله او درباره امیر خسرو دهلوی بود که در سال ۱۹۱۱ به چاپ رسید. کیگل همچنین چند مقاله درباره ادبیات فارسی در قلمرو امپراطوری عثمانی نگاشت. یکی از این مقالات با عنوان «اشعار فارسی سلطان سلیم اول عثمانی» در کتابی به مناسبت شصتمین سالروز تولد گل‌زبهر در سال ۱۹۱۰ منتشر شد.

وی همچنین پس بازگشت از ایران چندین مقاله درباره ادبیات فارسی در دوره قاجاریه نوشت. به نظر پاره ای محققان، الهام بخش این دسته از آثار کیگل، نسخه خطی بوده است که او در تهران در مدت شش ماه اقامتش خریداری کرده بود. نکته جالب درباره سبک کار کیگل آن بوده که او بیشتر نوشته‌های خود را پس از انتشار به زبان مجاری سریعاً به آلمانی ترجمه می‌کرده است. با این همه، نگاشته‌های او درباره ادبیات عصر قاجاریه مهمترین و جدی‌ترین آثار او شناخته شده است. کیگل به مدت شش سال (۱۸۹۲-۱۸۹۸) شش مقاله درباره شعرای دوره قاجاریه نوشت که اکثر آنها برای محققین غربی اواخر قرن نوزدهم کاملاً ناشناخته بودند. تمرکز کیگل بر ادبیات عصر قاجاران و علاقه او به اشعار شاعران کلاسیک ایران و نوآوری‌های او در زمینه ایران شناسی تا بدان جا اهمیت و اعتبار یافت که وامبری از او تقدیر کرد. وامبری در یکی از نامه‌های خود که به هیأت شرق شناسی فرهنگستان علوم مجارستان درباره کوشش کیگل در یافتن منابع جدید مربوط به ایران و معرفی شاعران ناشناخته ایرانی چنین نوشت:

"دوست عزیز، بنده کار دکتر کیگل را برای سخنرانی در حضور اعضای هیأت شرق شناسی فرهنگستان با کمال میل پیشنهاد می‌کنم، آقای کیگل به مدت چهار سال شاگرد خودم بود و به





او زبان های شرقی تدریس می کردم. دکتر کیگل تازه از کشور فارس (ایران) بازگشته و پس از مراجعتش این مقاله (مورد نظر هیات شرق شناسی) را به صورت کاملاً علمی نوشته به طوریکه این نوشته بدون دست خوردگی قابل انتشار است. این جانب معتقدم کسی از محققین اروپایی همانند کیگل نیست، چون منابعی که مورد توجه و دسترسی دکتر کیگل بوده هیچ یک از متخصصین اروپایی تا کنون به آنها دسترسی نداشته اند."

پنج مقاله کیگل پیرامون ادبیات فارسی یا شاعران پارسی گوی هند و عثمانی در مجله شرق شناسی WZKM به چاپ رسید. خلاصه تحقیقات کیگل در زمینه ادبیات دوره قاجاریه در مجله مؤسسه مشرق شناسی آلمان ZDMG در سال ۱۸۹۳ مجال نشریافت، این تحقیقات بیشتر به معرفی سوانح زندگی، اندیشه و سبک شعر شاعران اواخر دوره قاجاریه اختصاص داشت. کیگل در نخستین مقاله از این مجموعه که به شیبانی (یک شاعر بدین ایرانی) می پردازد، علاوه بر نکات علمی درباره اندیشه شاعر، شماری از اشعار او را نیز به آلمانی ترجمه می کند. مقاله دوم او درباره شایق (شاعر زندگی رندی در فارس) است. تا آن روزگار کسی شایق را نمی شناخت و این کیگل بود که آخرین وارث شاعران رند مسلک قرون وسطی را شناساند. در مقاله سوم که به آلمانی نوشته شده، کیگل اشعار رضاقلی خان هدایت را معرفی کرده است. به غیر از این مقاله کیگل، تاکنون هیچ نوشته جدی درباره شعر این دولتمرد و سیاستمدار بانفوذ ایرانی عصر قاجاران به زبان های اروپایی مشاهده نشده است. در نوشته دیگری از کیگل که مفصل ترین کار علمی او نیز هست، ادبیات فارسی دوره قاجاریه از فتحعلی شاه تا به قدرت رسیدن مظفرالدین شاه معرفی شده است. در این نوشته، اطلاعات کاملی از نظم و نثر و چگونگی پیدایش نمایشنامه نویسی به زبان فارسی ارائه شده است. کیگل اولین محقق مجار و اروپایی بود که چند فصل از نمایشنامه های آخوندزاده را به زبان مجاری ترجمه کرد و درباره تأثیر این دراماتیسست آذربایجانی بر ادبیات نمایشی ایران نوشت. در همین نوشته، کیگل خلاصه ای از زندگینامه شاعران دربار قاجار را ارائه و چند بیت از کتاب یا اشعار آنها را به مجاری ترجمه می کند. در توضیح چگونگی کار کیگل در معرفی دوره قاجاریه باید گفت که او بخشی از کتاب پریشان قآنی، زندگینامه و اشعار یغما، شعرگنم زبیده خانم و طلوس خانم همسران فتح علی شاه قاجار و زندگینامه خانواده وصال و پسران او را آورده است. وی همچنین توضیحات مبسوط و مفصلی به ادبیات زنانه و زنان شاعره، مسایل اجتماعی، رقابت ها، تفرقه ها، شورش ها و فتنه های جاری بین زنان و درباریان سلاطین قاجار ارائه داده است. بخش دیگری از نوشته های او مربوط به فعالیت ها و نوشته های علمی دوره قاجاریه است.

سومین گروه از نوشته های کیگل به ایران شناسی اختصاص دارد. در بین این گروه از نوشته ها، یک مقاله با عنوان "سرود مردم عادی ایران" که در سال ۱۸۹۹ در مجله علوم انسانی فرهنگستان مجارستان به زبان مجار نشر یافت، اهمیت بیشتری دارد. نظر به ارزش و کیفیت علمی این نوشته می توان گفت که این مقاله بهترین نوشته کیگل در زمینه ایران شناسی است.



موضوع این مقاله تحلیل مجموعه سرودهای ملی مردم ایران بود که کیگل در زمان اقامت خود در تهران گرد آورده بود. برخی از این سرودها در مقاله ژوکوفسکی در سال ۱۸۸۸ چاپ شده بود؛ ولی تمام این سرودها برای اولین بار منتشر می گردید. کیگل در این مقاله می نویسد: " که این سرودها از لحاظ وزن شعر، عروض و معمای شاعرانه ای که در بطن خود نهفته دارند، فوق العاده متنوع و متعدد هستند. بعضی از سرودها با اینکه خیلی ساده هستند اما چند سرود شباهت زیاد به مثنوی مولانا و اشعار حافظ دارند". کیگل علاوه بر معرفی سرودها برای خوانندگان مجار زبان، آن ها را به صورت کامل تحلیل می کند. وی سرودهایی را که در خیابان ها و کوچه های تهران شنیده، یادداشت و هر شعر و سرود را در پانویست های مقاله به زبان مجاری آوانویسی کرده است. بر اساس این آوانویست های مجاری، شکل اصلی این سرودها کاملاً نوسازی شده است. کیگل در مورد روابط شعر کلاسیک و شعر عامیانه معاصر (شعر اواخر قرن نوزدهم) به نکته ای اشاره می کند که از دیدگاه جامعه شناسی زبان قابل توجه است. وی می نویسد: "شعر جامی و سعدی را همه چوپانان ایرانی می فهمند و با خود زمزمه می کنند". از این نکته روشن می شود که کیگل سرودهای مردم عادی را تحت تأثیر اشعار شاعران بزرگ سبک کلاسیک می داند. باید خاطر نشان کرد که مقاله "سرود مردم عادی ایران" کیگل با اینکه اولین و قدیمی ترین مجموعه سرودهای مردم عادی ایران است، تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده است. ضمن آنکه منابع مورد استفاده کیگل و آن نسخه خطی که در آن این سرودها را یادداشت کرده برای محققان ناشناخته مانده است. امید است که این نوشته ارزشمند کیگل هر چه زودتر به زبان فارسی ترجمه و در دسترس پژوهشگران مردم شناس و متخصصان ادبیات فولکلوریک ایران قرار گیرد.

گروه چهارم نوشته های کیگل به آثار او در دایرة المعارف های مجارستان و مطالب و موضوعات گوناگون شرق شناسی، ادیان، مردم شناسی، طنز و مطایبه اختصاص دارد. کیگل در این گروه از نوشته ها به دین بودیسم، ادبیات سانسکریت، آموزش و پرورش در کشورهای مسلمان و وضعیت زنان در جوامع شرقی نیز پرداخته است. بخشی از مقالات احتمالاً تحت تأثیر خواهر کیگل که عاشق ادبیات شرقی بود پیرامون ادبیات انگلیسی و فرانسوی نوشته شده است.

### کتابخانه کیگل

چنان که گفته شد، کیگل تا آخر عمر در همان کاخ قدیمی، میراث خانوادگی اش بود در نزدیکی بوداپست، اقامت کرد. تنها سرگرمی کیگل علاوه بر تحقیقات علمی، گردآوری کتاب های شرق شناسی و نسخ خطی قدیمی و کمیاب بود. وی تمام درآمد مزرعه های خود را صرف خرید نسخه های خطی فارسی، عربی و ترکی می کرد و هیچ مشکل سیاسی، اقتصادی و فامیلی نمی توانست مانع علائق او در گردآوری نسخه های خطی و مطالعات علمی شرق شناسی اش باشد. خوشبختانه کتابخانه بزرگ و ارزشمند کیگل بعد از درگذشت وی کاملاً سالم و همچنان محفوظ



مانده است. این کتابخانه چهار سال پس از درگذشت کیگل به درخواست برادرش (یانوش کیگل) به بوداپست انتقال یافت. جولانیمت، تُرک‌شناس مشهور مجارستان و استاد رشته شرق‌شناسی از طرف فرهنگستان مسئول انتقال کتابخانه به فرهنگستان علوم مجارستان شد. جولانیمت در

گزارش خود به فرهنگستان درباره کتاب‌های کیگل چنین نوشت "درباره کتابخانه دکتر کیگل باید بگویم که مجموعه ارزشمند کتاب‌ها و نسخه‌های خطی دکتر کیگل از کتابخانه وامبری و مجموعه کتاب‌های گلدزیهر ارزشمندتر و متنوع‌تر است". اکثر نسخ خطی کتابخانه کیگل در کتابخانه‌های عمومی ما پیدا نمی‌شود، این باعث می‌شود که مجموعه غنی شرق‌شناسی فرهنگستان مجارستان با این کتاب‌ها بسیار غنی‌تر و متنوع‌تر شود.<sup>۱</sup> با بررسی فهرست کتاب‌ها و نسخه‌های خطی فارسی، عربی، ترکی و اردوی کیگل می‌توان گفت کتابخانه او در آن زمان نه تنها در مجارستان که در اروپای مرکزی بی‌نظیر بود و بدیلی برای آن وجود نداشت. کتابخانه کیگل دارای ۱۱۰۰۰ جلد کتاب، نسخه خطی و انواع مجلات بود.<sup>۲</sup> در میان این کتاب‌ها و نسخ خطی می‌توان به ۵۹ جلد نسخه خطی فارسی اشاره کرد. با توجه به آن در حال حاضر تعداد کل نسخه‌های خطی در کتابخانه شرق‌شناسی فرهنگستان ۱۲۰ نسخه می‌باشد، می‌توان گفت که تقریباً نیمی از این آثار خطی توسط کیگل خریده شده بود. اکنون قدیمی‌ترین متن کلاسیک فارسی که در کتابخانه شرق‌شناسی فرهنگستان مجارستان یافت می‌شود از مجموعه کتاب‌های کیگل است. این نسخه ارزشمند کتاب کلیده و دمنه است که قدمتش به سال ۱۳۱۹م. به دوره ایلخانان و زمان حکومت سلطان ابوسعید بر می‌گردد.<sup>۳</sup> در پایان این نوشتار به فهرست نوشته‌ها و آثار منتشر شده کیگل اشاره می‌کنم.

### فهرست آثار علمی و فرهنگی کیگل

#### الف: مقالات انگلیسی و آلمانی

Seibni, ein Moderner Persischer Dichter des Pessimismus, WZKM 6 (1892) 157-165

شیبانی، یک شاعر بدبین فارسی معاصر

Zur Geschichte der Persischen Literatur des 19. Jahrhunderts, ZDMG 47

(1893) 130-142.

نکته‌ها در ادبیات فارسی قرن نوزدهم

Sajek, der Satyriker des Vagabundenlebens in Irân, WZKM 7 (1893), 338-344.

شایق هجو نویس، زندگی رندی در ایران

Muhamed Hibelrudî's Gami' ul-tamtil. Die Erste Neupersische Sprichwörter-sammlung, ZDMG 48 (1894) 692-698.

۱. گزارش جولانیمت به دبیر فرهنگستان علوم مجارستان در باره کتابخانه کیگل در آرشیو اسناد فرهنگستان به شماره MTAK ۳۰۱۲ از جمله این ۱۱۰۰۰ جلد، ۳۰۱۲ جلد کتاب به زبان‌های شرقی و ۲۶۹۹ دفترچه یا کتابچه باقی مانده است. متأسفانه فهرست دقیق این کتاب‌ها در حال حاضر وجود ندارد. و علت آن این است که کتابخانه کیگل پس از انتقال به بوداپست بین بخش‌های مختلف کتابخانه شرق‌شناسی تقسیم شد. در سال ۱۹۲۷ خیرنامه فرهنگستان مجارستان اعلام کرد که تا روز ۳۱ دسامبر ۱۹۲۶، ۴۴۶۶ جلد کتاب با موضوعات شرق‌شناسی متعلق به کیگل فهرست گردیده است.

Akademiai Ertesito 1927.  
21. (خیرنامه فرهنگستان) Mtakk ral 1431/1924 شماره نامه برادر کیگل به هیأت فرهنگستان در آرشیو اسناد فرهنگستان RAL 1046/1025.

3. E. Apor: Kegl's Bequest and the Persian Manuscripts in the Oriental Collection, E. Apor (ed.) Jubilee Volume of the Oriental Collection 1951-1976. Budapest 1978. 35-4.

آی. آپور: میراث کیگل و نسخ خطی در کتابخانه شرق‌شناسی E. Apor: Kegl Sandor es az Akademia konyvtara.

آی. آپور: شاندور کیگل و کتابخانه فرهنگستان

Fekete G. (ed.) Oroksegunk, elo multunk, gyujtemenyek a Magyar Tudomanyos Akademia konyvtaraban. pest 2001. 270-290

میراث ما؛ سابقه زنده ما؛ مجموعه کتابخانه فرهنگستان علوم مجارستان.



جامع التمثیل محمد هبله رودی، اولین مجموعه ضرب المثل های فارسی

Die Memoiren eines Prinzen von Persien, WZKM 9 (1895) 254-267.

خاطرات یک شاهزاده ایرانی

.Rizâ Qulî Xân als Dichter, WZKM 11 (1897) 63-125

شعر رضاقلی خان هدایت

Visâl und seine Söhne, eine Dichterfamilie des Modernen Persiens, WZKM 12 (1898) 113-126.

وصال و پسرانش، یک خانواده از شاعران ایران معاصر

A Poem from the Divân of Shams-i Tabrîz, JRAS (1900) 147-150.

یک شعر از کلیات دیوان شمس تبریزی

Öaclabiyeh (Ein Türkisches Lehrgedicht aus Persien), Keleti Szemle 6 (1905) 363-370.

تعلیبه: یک شعر ایرانی به زبان ترکی

Hali, ein Dichter des Indischen Islam, Vossische Zeitung 1911?.

حالی شاعر اسلامی هند

#### ب: زبان مجاری

Teherani Emlékek, Magyar Salon 7. Aprilis (1890) 438-442.

خاطرات تهرانی

Orvosok, Mollak és Dervisek Perzsiaban, Magyar Salon 7. Augustus (1890) 543-547.

پزشکان، ملایان و درویشان در ایران

Egy Perzsa Kiraly Hareme, Budapesti Szemle 173 (1891) 378-392.

حرم یک پادشاه ایرانی

Politikai Iranyelvek Keleten Nyolczszaz evvel Ezelott, Budapesti Szemle 188 (1892) 298-307

ایده های سیاسی در مشرق هشت صد سال پیش

Tanulmányok az Ujabbkori Perzsa Irodalom Történetéből, Ertekezések a Magyar Tudományos Akadémia Nyelv- és Szeptudományi osztálya Köréből, Budapest 10 (1892) 577-762.

مقالات تاریخ ادبیات معاصر فارسی

Kelet Szocialistái, Magyar Szalon 10. Október (1893) 118-126.





سوسیالیست های مشرق

Amanat es a Hindusztani Drama, Egyetemes Philologiai Kozlony 18 (1894) 38-42.

امانت و نمایشنامه هندوستانی

Naszreddin Sah uti Naploja 1889-ből, Budapesti Szemle 217 (1895) 117-135.

سیاحت نامه ناصر الدین شاه در سال ۱۸۸۹

A Buddhismus, Budapesti Szemle, 242 (1896) 314-318.

دین بودیسم

A Perzsa Nepdal, Ertekezések a Magyar Tudományos Akademia Nyelv- es Szeptudományi Osztálya Kőrebol Budapest 17/3 (1899) 112-155.

سرود توده فارسی

Anszari, a Heratiereg, Egyetemes Philologiai Kozlony, Budapest 24 (1900) 103-105.

انصاری، پیر هرات

Szenaji és a Perzsaa kolteszet, Ertekezések a Magyar Tudományos Akademia Nyelv- es Szeptudományi Osztálya Kőrebol, Budapest 18/9 (1904) 491-663.

سنائی و شعر عرفانی فارسی

Dselaled-Din Rumi Negysoros Versei, Ertekezések a Magyar Tudományos Akademia Nyelv- es Szeptudományi Osztálya Kőrebol, Budapest 19/10 (1907) 563-634.

رباعیات جلال الدین رومی (مولوی)

Hindusztani Tanulmányok, Akademiai Ertesito (1909) 361-372.

مقالات هندوستانی

Hindusztani Tanulmányok, Akademiai Ertesito, (1909) 552-562.

مقالات هندوستانی

Khoszrev, India Legnagyobb Perzsa Koltoje, Akademiai Ertesito (1910) 552-562.

امیر خسرو دهلوی بزرگترین شاعر فارسی زبان هند

Szelim Szultan mint Perzsa Kolto, Goldziher-Emlekkönyv (1910)

سلطان سلیم به عنوان شاعر فارسی

Bhagavadgītā, Ertekezések a Magyar Tudományos Akademia Nyelv- es Szeptudományi Osztálya Kőrebol Budapest 19/10 (1907) 563-634.

tudományi Osztálya Közéből, Budapest 21/10 (1911) Budapest (1911) 246-279.

باغوادگیتا

Emir Khosrev, Ertekezések a Magyar Tudományos Akadémia Nyelv- és Széptudományi osztálya közéből, Budapest 21/10 (1911) 575-616.

امیر خسرو دهلوی

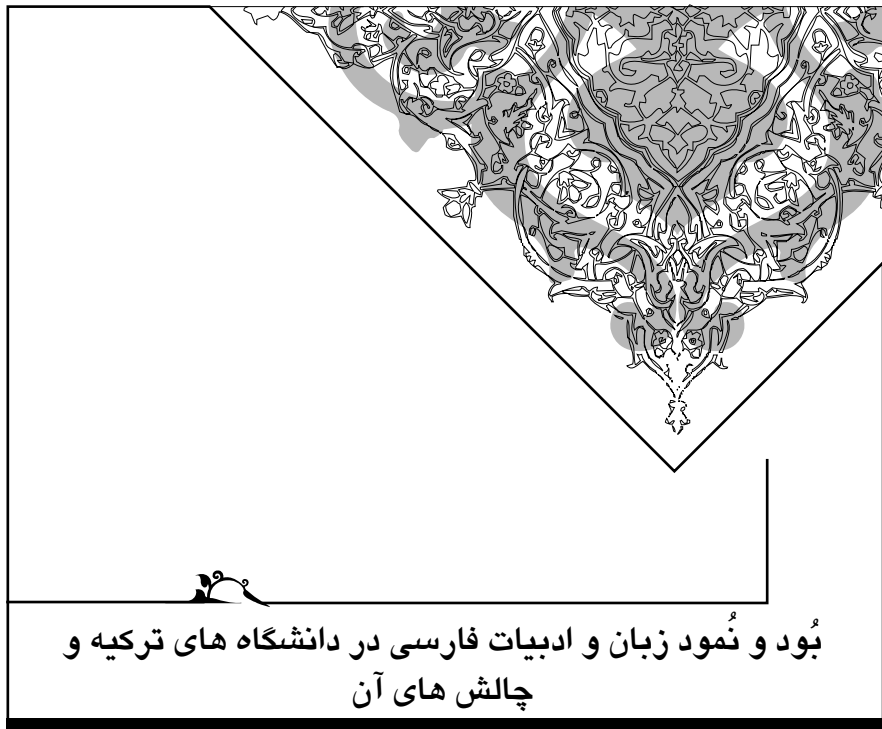
A Regi Torok Koltok és Ahmed pasa, Akadémiai Értesítő (1914) 550-553.

شعراى قدیمی ترک و احمد پاشا

Heinrich: Egyetemes Irodalomtörténet. Budapest ?, I. Perzsia 329-362.

تاریخ ادبیات فارسی





## بود و نمود زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های ترکیه و چالش های آن

■ دکتر رضا دهقانی<sup>۱</sup>

### چکیده

پس از تأسیس نظام جمهوری در ترکیه (۱۹۲۲)، تدریس زبان و ادبیات فارسی از برنامه آموزش متوسطه نظام آموزشی این کشور حذف، اما در دانشگاه ها همچنان تداوم یافت و به اهتمام ادیبان و فضایی چون معلم رفعت، احمدآتش، شمس الدین گون التای، عدنان صادق ارزی، علی نهاد تارلان و عبدالباقی کلپینارلی شعله زبان و ادب فارسی در آن دیار فروزان و پر فروغ باقی ماند. هم اکنون زبان و ادبیات فارسی در چندین دانشگاه ترکیه (آنکارا، استانبول، ارزروم، قونیه و کریک تپه) تدریس می شود و هر سال چند صد دانشجو در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانش آموخته می شوند. همزمان، زبان فارسی به عنوان واحد درسی در رشته های الهیات و زبان شناسی، تاریخ و ادبیات ترکی نیز مورد اقبال و توجه دانشجویان علاقمند است. آنچه در این نوشتار به آن می پردازم علاوه بر معرفی مهم ترین مراکز آموزشی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، چالش ها و آسیب هایی است که مانع از آموزش مطلوب و استاندارد زبان و ادبیات فارسی به فارسی آموزان ترک می شود.

**واژگان کلیدی:** زبان فارسی، ترکیه، آموزش، چالش ها و راهکارها

### مقدمه

۱. عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تبریز و پژوهشگر مطالعات ترکیه



که محمل فرهنگ و تمدن ایرانی است به سبب غناء و توانایی ویژه اش به مرور در فرهنگ و زبان سایر ملت ها از جمله ترکان نفوذ کرده است. ترکان برحسب موقعیت جغرافیایی، مناسبت‌های تاریخی، همسازی‌های فرهنگی و شرایط و عوامل اجتماعی، روابط پیوسته و ناگسسته‌ای با ایرانیان داشته‌اند. آنچه مسلم است این که نفوذ واقعی فرهنگ ایران در آسیای صغیر کمی پیشتر از استقرار حکومت سلجوقیان چهره بست و به تدریج بر فرهنگ غالب در دربار روم چیرگی یافت. بنا به نوشته ابن بی بی در کتاب *الاورامر العالییه فی الامور العالییه*، در دوره سلجوقیان، فارسی هم زبان رسمی و مکاتبه بود و هم زبان انس و الفت و تکلم مردمان عادی، وزیران و سلاطین ترک زبان با یکدیگر بود و بیشتر آنان فرزندان خود را به فراگیری این زبان تشویق می‌کردند (ابن بی بی، ۱۳۵۰: ۲۳۶). سنت فارسی دانی و فارسی آموزی در دوران حاکمیت عثمانی همچنان ادامه یافت و آموزش فارسی از دروس اصلی مدارس عثمانی بود. با فروپاشی دولت عثمانی و استقرار نظام جمهوری در ترکیه که راه و رسم غربیان را برای اصلاحات در پیش گرفت، زبان فارسی از نظام آموزشی مدارس حذف و آموزش آن به دانشگاه‌ها منحصر و محدود ماند. از آن زمان تا به امروز، آموزش زبان فارسی در کرسی‌های زبان فارسی برخی دانشگاه‌های ترکیه علی‌الذمادامه یافته است. سؤال اصلی در این پژوهش این است که وضعیت آموزش زبان و ادب فارسی در دانشگاه‌های ترکیه چگونه است و با چه مشکلات و چالش‌هایی روبرو است و راه‌برونشو از این مشکلات و چالش‌ها چیست؟ ناگفته آشکار است که چالش‌های موجود در امر آموزش زبان فارسی در مراکز علمی و آموزشی ترکیه آمیزه‌ای از مسائل و مؤلفه‌های فرهنگی، آموزشی و سیاسی - اقتصادی است که در فرآیند آموزش با شدت و ضعف بروز می‌یابند.

### آموزش زبان فارسی در دوره عثمانی

با استقرار دولت عثمانی در آناتولی و بخش‌های وسیعی از آسیا، اروپا و شمال آفریقا، زبان فارسی همپا با توسعه و گسترش نفوذ این دولت رواج یافت. این دوران همزمان است با تکوین و رشد زبان ترکی، زبان رسمی دولت عثمانی. با توجه به سطح نازل ادبیات و زبان ترکی در آن روزگار، سلاطین و مردمان ترک زبان، فارسی را به عنوان زبان فاخر علم و ادب بکار می‌بردند. نگاشته‌های مورخان و ادیبان این دوره که تماماً به زبان فارسی نوشته شده و در کتابخانه‌های این کشور در دسترس قرار دارد، مؤید این ادعاست. افزون بر آن، در آن سال‌ها آثار ستارگان بلند ادب فارسی مانند عطار، مولانا، سعدی، حافظ، جامی و بسیار کسان دیگر بخشی از اندیشه، فرهنگ و ادب ترکی بود و دانشمندان ترک بر این متون شروح، حواشی و تعلیقات بسیار می‌نوشتند. علت اصلی این پذیرش صمیمانه این بود که ترکان بدون هیچ شائبه‌ای بزرگان ادب فارسی را در دایره بزرگ فرهنگ اسلامی خود و بخشی از سرمایه فرهنگی خود می‌دانستند. از این رو، این آثار و اندیشه‌های مندرج در آنها را به عنوان آثار مشترک اسلامی در مدارس عثمانی تدریس می‌کردند (اروس، دریا، آینده زبان و ادب فارسی در ترکیه، ۱۳۹۰/۱/۶).





اندیشوران ترک، فارسی را وسیلهٔ ایجاد الفت و افزایش همبستگی‌ها می‌دیدند و هرگز نمی‌اندیشیدند که این زبان در پی سلطهٔ سیاسی یا تحمیل فرهنگی قدم برمی‌دارد. اغلب سلاطین عثمانی همان گونه که فرزندان خود را به فراگیری زبان فارسی تشویق می‌کردند، از اعزاز فارسی‌نویسان نیز دریغ نمی‌ورزیدند. بعضی از آنان چون سلطان محمد، سلطان بایزید، سلطان سلیم و سلطان سلیمان علاقه‌مند به شعر فارسی بوده و اشعاری به زبان فارسی سروده‌اند (ریاحی، ۱۳۶۹: ۸۹).

در کنار سلاطین و درباریان، توجه و علاقهٔ سخنوران ترک به فارسی نیز بر رونق این زبان در میان ترکان می‌افزود. این دو گروه، از راه‌های مختلف به ترویج زبان و ادبیات فارسی مدد می‌رساندند؛ بعضی چون فضولی ردپای سخنوران نامی فارسی‌گوی را تعقیب کرده؛ برخی چون نوائی به استقبال شاعران بزرگ ایرانی می‌رفتند و در اقتفای آنان شعر می‌ساختند. عده‌ای هم چون سروری، سودی، لامعی و شمعی در وادی شرح نویسی قدم می‌گذاشتند. عده‌ای چون شعوری، شاهدی و حلیمی نیز به تدوین فرهنگ‌های دوزبانه همت می‌گماشتند (مفتاح، وهاب ولی، ۱۳۷۴: ۳۲۸).

در نیمهٔ اول قرن نوزدهم (۱۹۰۲ تا ۱۹۴۹) مجلات و روزنامه‌های فارسی بسیاری در استانبول چاپ و به ایران فرستاده می‌شد. این نشریات تأثیر بسزایی در تحول اندیشه و تحول نثر فارسی بر جای گذاشتند. برخی از نشریات تأثیر گذار آن روزگار، روزنامه اختر، خاور، شمس و مجلات حوار، معلومات، پارسی، الدستور، جهان اسلام، شیدا و اخوت بودند. انتشار این تعداد روزنامه و مجله در استانبول نشان از آشنایی و علاقهٔ ترک‌ها به زبان و ادبیات فارسی بوده است. این ادبیات یا به تعبیر دیگر ادبیات کلاسیک ترک که در دورهٔ عثمانی به اوج خود رسید، مهم‌ترین وجه مشترک دو ملت ایران و ترک است که تحت نفوذ شدید ادبیات فارسی شکل گرفته و تا نیمه دوم قرن نوزدهم آثار گرانسنگی پدید آورده است (گولپینارلی، ۱۳۴۷: ۲۸).

آموزش زبان و ادبیات فارسی با تشکیل مکاتب رشدیه در زمان دولت عثمانی در مکتبخانه‌ها به صورت رسمی شروع شد. سپس در زمان تنظیمات<sup>۱</sup> و عصر مشروطیت با حضور دانشمندان و ادیبان مهاجر ایرانی در استانبول در نظام تعلیم و تربیت عثمانی وارد شد و در مدارس در برنامه‌های آموزشی مدارس رشدیه (دبستان)، اعدادیه (متوسطه)، دارالفنون و دارالمعلمین (عالی) گنجانده شد. در همین زمان بود که به همت میرزا حبیب اصفهانی اولین کتاب دستور زبان فارسی بنام «دستور سخن» در استانبول چاپ شد و دانش‌آموزان علاوه بر یادگیری مکالمه زبان فارسی با دستور زبان فارسی نیز آشنا شدند (رئیس نیا، ۱۳۸۵: ۴۹۹).

با ورود جریان‌های ادبی و سیاسی مغرب‌زمین به قلمرو عثمانی از قرن هجدهم و بویژه قرن نوزدهم و تأسیس نهادهای مدرن آموزشی، زبان‌های فارسی و عربی اندک اندک رونق و اعتبار گذشتهٔ خود را وا نهادند و زبان‌های فرانسوی و آلمانی جای آنها را گرفتند. در حالی که زبان فارسی در مدارس فرنگی ماب عثمانی مانند «انجمن دانش» و «جمعیت علمی» عثمانی نیز تدریس می‌شد، اما زبان و ادبیات ترکی به مرور از مضامین مشترک دور و به ادبیات غرب نزدیک شد. از

۱. جنبش اصلاحات در

حکومت عثمانی از سال ۱۲۵۵

تا چند دهه پس از آن.



قرن نوزدهم به بعد، گروهی از ادیبان و زبان‌شناسان ترک برای تصفیه ترکی از کلمات عربی و فارسی، حرکت جدیدی آغاز کردند. این گروه معتقد بودند که زبان ترکی را باید از تأثیر عربی و فارسی وارهانید. این حرکت، نقطه عطفی در تحول زبان ترکی بود و راه را برای پاکسازی کلمات عربی و فارسی به ویژه در دوره جمهوری هموار کرد (ÖKSÜZ, 1995: 143).

### آموزش زبان فارسی در عصر جمهوری

با تأسیس جمهوری ترکیه در ساخت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی کشور دگرگونی‌هایی عظیم و ریشه‌ای پدید آمد. یکی از این تحولات بنیادین و کارساز، تلاش برای ساده و سره کردن زبان ترکی و پیراستن آن از واژگان فارسی و عربی بود.

آتاتورک، بانی جمهوری ترکیه، معتقد بود که ترک‌ها با تدریس علوم دینی و عربی و فارسی نمی‌توانند در میان ملل پیشرفته جایگاه ممتازی کسب کنند. از این رو، بر آن شد تا زبان ترکی را از سیطره زبان‌های خارجی، به خصوص عربی و فارسی برهاند. او بر این باور بود زبانی که مخلوطی ناهماهنگ از سه زبان ترکی، عربی و فارسی است و نام ترکی عثمانی را یدک می‌کشد، میدان را برای تحول و پیشرفت زبان ترکی تنگ کرده و فهم آن نه تنها برای مردم عادی، که برای روشنفکران و دانشجویان هم مشکل شده است. زیرا مجبوراند دستور سه زبان متفاوت از هم را یاد بگیرند و این کار چندان آسان نیست.

آتاتورک گذشته از فراهم کردن زمینه مناسب برای گسترش زبان ترکی، حروف لاتین را نیز جایگزین الفبای عربی کرد. با این که در ترکیه و سایر مناطق جهان اسلام عده‌ای با فکر او مخالفت کردند، اما وی از این اقدام منصرف نشد و در سال ۱۹۲۸ توانست الفبا را تغییر دهد. پس از این کار، تدریس زبان‌های عربی و فارسی از درس‌های مدارس حذف شد. در سال‌های بعد در دانشگاه‌های نوپای ترکیه، زبان‌های چینی، هندی، اردو و اروپایی تدریس می‌شد و کرسی‌هایی برای آموزش زبان‌های عربی و فارسی نیز دایر گشت. از آن زمان به بعد زبان‌های فارسی و عربی تنها در سطح دانشگاه تدریس می‌شد. امروزه، در چهار دانشگاه استانبول، آنکارا، ارزروم و قونیه کرسی‌های زبان و ادب فارسی در سطوح لیسانس، فوق لیسانس و دکترا برقرار است. در ضمن زبان ادبیات فارسی در کرسی‌های زبان و ادبیات ترک، تاریخ، فلسفه در دانشکده‌های الهیات به عنوان درس اختیاری ارائه می‌شود. در هشتاد سال گذشته، هزاران دانشجو در دانشگاه‌های ترکیه در رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شده‌اند و بسیاری از آنها همچنان با زبان و فرهنگ ایران سروکار دارند.

با توجه به اهمیت رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های استانبول و آنکارا و نقش آنها در معرفی زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ ایران به مردم ترک زبان، در اینجا وضعیت آموزش ادبیات فارسی، فرهنگ و تاریخ ایران در این دو دانشگاه می‌پردازیم:



## کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول

چنانکه گفتیم، پس از تأسیس جمهوری ترکیه آموزش زبان فارسی از مدارس ابتدایی و متوسطه برچیده شد و آموزش آن به دانشگاه‌ها منحصر و محدود گردید. معتبرترین دانشگاه آن سال‌ها که میراث عصر عثمانی هم تلقی می‌شد، دانشگاه (دارالفنون) استانبول بود که زبان فارسی در آن تدریس می‌شد.

اما راه اندازی کرسی مستقل زبان و ادبیات فارسی به سال‌های جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. در اثنای جنگ و در پی فشارهای دولت نازی بر دانشمندان و هنرمندان، شماری از شرق‌شناسان آلمانی از کشور گریخته و به ترکیه پناهنده شدند. از جمله معروف‌ترین این افراد، هلموت ریتر شرق‌شناس و دانشمند آلمانی بود که پس از پناهندگی به ترکیه در سال ۱۹۳۸ به اتفاق پرفسور احمد آتش، انستیتوی شرق‌شناسی وابسته به دانشگاه استانبول (دارالفنون) را بوجود آورد. در این مؤسسه آموزشی و علمی، دروس زبان و ادبیات فارسی و عربی تدریس می‌شد.

در سال‌های دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، گروه زبان و ادبیات فارسی منحصر به آموزش زبان و ادبیات فارسی نبود، تحقیق، بررسی و گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات کلاسیک و معاصر ایران و تاریخ و فرهنگ ترک در منابع فارسی را نیز در بر می‌گرفت. فارغ‌التحصیلان گروه زبان و ادبیات فارسی پس از گذراندن مراحل آموزشی و پژوهشی عنوان «زبان‌شناس در رشته زبان و ادبیات فارسی» را کسب می‌کردند. در زمان حضور هلموت ریتر تحقیقات بسیار ارزشمندی در زمینه نسخه‌های خطی فارسی توسط خود او و شاگردانش همچون احمد آتش، تحسین یازیچی و اورهان بیلگن انجام گرفت. کتاب گرانسنگ «دریای جان» تألیف هلموت ریتر که در موضوع اشعار و افکار عطار نیشابوری است، از جمله کارهای آن دوره است. شاگردان ریتر با تبلیغ این کتاب و با آموزش و تدریس زبان و فرهنگ ایران، به معرفی اندیشه، ادبیات و فرهنگ ایران در سرزمین ترکان همت گماشتند. این کتاب بارها در ایران تجدید چاپ و منتشر شده است. شاگردان نامی هلموت ریتر، احمد آتش و تحسین یازیچی، دکتر ناجی تکماک و دکتر اروهان بیلگین (که مدارک تحصیلی خود را از ایران گرفته بودند)، محمدکانار و دکتر میلانی (تنها استاد ایرانی مقیم ترکیه) با کوشش خود کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول را رونق بخشیده و دانشجویانی در رشته ایران‌شناسی و زبان و ادب فارسی تربیت کردند. برخی از این شاگردان اینک در زمره ایران‌شناسان نامور ترک بشمارند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملاحظات سیاسی و دیدگاه منفی مسئولین سازمان آموزش عالی ترکیه نسبت به روابط علمی و آموزشی با ج.ا.ایران و عدم تأیید مدارک فارغ‌التحصیلان ترک از دانشگاه‌های ایران و عدم تبادل استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، کرسی زبان

و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول با رکود شدید مواجه گردید. افزون بر این، این سازمان به مرور اقدام به حذف واحدهای درسی زبان فارسی در رشته‌های الهیات، تاریخ، زبان و ادبیات ترکی نه تنها در دانشگاه‌ها که در مدارس امام خطیب<sup>۱</sup> نیز کرد. در چند سال اخیر با عنایت به توسعه و گسترش روابط دو کشور ج.ا.ایران و ترکیه، توجه به آموزش و فراگیری زبان و ادبیات فارسی روند

۱. این مدرسه‌های مذهبی از سال ۱۹۴۹ بر اثر فشار افکار عمومی جامعه ترکیه، با هدف تربیت ائمه و خطبای دینی به نام مدرسه‌های امام خطیب تأسیس شدند.



رو به رشدی داشته و با حمایت های نهادهای مسئول ایرانی، کرسی زبان و ادبیات فارسی رونق گرفته و تعداد دانشجویان در مقاطع لیسانس و فوق لیسانس فزونی گرفته است .

### کرسی زبان و ادبیات فارسی در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ در دانشگاه استانبول

در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ به سبب نظام کنکور ترکیه و بی انگیزگی شرکت کنندگان در کنکور برای انتخاب رشته زبان و ادبیات فارسی، این رشته رونق پیشین خود را فرو نهاده بود. به همین دلیل در سال های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به دلیل افت محسوس دانشجویان جدید، تعداد فارغ التحصیلان به همان نسبت کاهش داشت. البته این را باید متذکر شد از سال ۲۰۰۳ با توجه به بهبود و گسترش روابط همه جانبه بین دو کشور و تغییر نظام آزمون کنکور ترکیه، انگیزه برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی بیشتر شده و دانشجویان به این رشته علاقه نشان می دهند.

جدول: دانشجویان وارد شده به رشته زبان و ادبیات فارسی (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹)

سال	ورودی ها	فارغ التحصیلان
۲۰۰۰	۱	—
۲۰۰۱	۴	۳۱
۲۰۰۲	۴	۲۵
۲۰۰۳	۳۴	۶
۲۰۰۴	۴۰	۸
۲۰۰۵	۳۷	۸
۲۰۰۶	۴۱	۱۷
۲۰۰۷	۴۰	۳۵
۲۰۰۸	۵۰	۱۹

در سال ۲۰۱۱، علاوه بر پذیرش ۵۰ دانشجوی روزانه، ۳۰ دانشجوی شبانه نیز در مقطع لیسانس و ۸ دانشجو در مقطع فوق لیسانس پذیرش شد. در حال حاضر، بیش از ۱۵۰ دانشجو در مقطع لیسانس و ۸ دانشجو در مقطع فوق لیسانس و یک دانشجو در مقطع دکتری در کرسی زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل اند. اعضای هیأت علمی این گروه عبارتند از: پروفسور دکتر مصطفی چیچکلر رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی، دکتر گوزل یوز، دکتر محمد آتالای و خانم دکتر گولر نوح اوغلو.

### کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آنکارا

دانشگاه آنکارا که به دستور مستقیم آتاتورک در سال ۱۹۳۵ احداث شد، از جمله دانشگاه هایی است



که در دانشکدهٔ زبان، تاریخ و جغرافیای آن زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود. این گروه که از همان آغاز تاکنون بی‌وقفه فعالیتش را ادامه داده، صدها استاد فاضل تربیت کرده و هر سال به آموزش تعداد زیادی دانشجو توفیق یافته و آثار فراوانی در فرهنگ، ادبیات و تاریخ ایران منتشر کرده است. استادان و برخی دانشجویان این گروه در «نشریه زبان های شرقی» گروه زبان ها و ادبیات شرقی دانشگاه آنکارا، مقالات متعددی پیرامون زبان و ادبیات فارسی نشر داده اند.

گروه زبان و ادبیات فارسی در حال حاضر با ۲ استاد، ۳ دانشیار و ۴ مربی برنامه های آموزشی خود را در سه مقطع لیسانس، فوق لیسانس و دکترا به اجرا در می آورد. تعداد دانشجویان این گروه در سال تحصیلی ۲۰۱۰-۲۰۰۹، تعداد ۶۱ نفر بود که از میان آنان ۵۶ نفر در دورهٔ لیسانس، ۲ نفر در دورهٔ فوق لیسانس و ۳ نفر در دورهٔ دکتری ادامهٔ تحصیل دادند. ۲۰ نفر دانشجو نیز در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ پذیرفته شده است.

در باب دروس آموزشی گروه زبان و ادبیات فارسی می توان گفت که دانشجویان دورهٔ لیسانس در دو سال اول با مطالبی چون تاریخ، جغرافیای ایران، زبان ها، ادیان، ادبیات ایران پیش از اسلام و دستور زبان فارسی آشنا می شوند. در دو سال اخیر، ادبیات ایران مربوط به دوره های مختلف و آثار شاعران و نویسندگان معروف ایرانی تدریس می شود. عناوین دروس دورهٔ کارشناسی به این شرح است: دستور زبان فارسی، قرائت، املاء و ترجمه، ترجمه از ترکی به فارسی و مکالمه، تاریخ ادبیات ایران، متون آسان فارسی، متون تاریخی و کلاسیک فارسی، بررسی متون فارسی، متون مدرن فارسی، متون کلاسیک فارسی و شرح متون، اطلاعات ادبی و انشاء. دانشجویان دورهٔ لیسانس باید ظرف چهار سال ۱۲۸ واحد درسی دربارهٔ وجوه و ابعاد گوناگون زبان و ادبیات فارسی بگذرانند. دانشجویان سایر رشته ها نظیر زبان و ادبیات ترکی، تاریخ، فلسفه و تاریخ هنر نیز زبان فارسی را به عنوان واحد اختیاری انتخاب می کنند.

درس های دوره های فوق لیسانس و دکتری بیشتر به متون سنگین تر و موضوعات تخصصی تر گرایش دارد و در آن روش های ترجمه، نقد و تحلیل آثار نویسندگان و شاعران فارسی زبان در قرن بیستم، اسلوب و نثر فارسی، شرکت در سمینار و نوشتن رساله وجود دارد. در این مقاطع دانشجویان از یک طرف به بررسی آثار نویسندگان شاخص و برجستهٔ زبان و ادب فارسی می پردازند و از دیگر سو به تحقیق درخصوص نسخه های خطی که مستقیماً با زبان، ادبیات، تاریخ و فرهنگ ترک ارتباط دارند، اهتمام می ورزند.

در خصوص فرصت های شغلی فارغ التحصیلان زبان و ادب فارسی نیز این سخن گفتمی است که فارغ التحصیلان رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، علاوه بر کادر آموزشی دانشگاه ها، در وزارت امور خارجه، وزارت کشور و وزارت فرهنگ ترکیه استخدام می شوند.

حال بینیم دانشجویان رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی چه منابعی در اختیار دارند و دانشگاه آنکارا چه میزان کتاب دارد؟ کتابخانهٔ دانشکده زبان، تاریخ و جغرافیای دانشگاه آنکارا حدود ۲۰۰۰ جلد



کتاب فارسی دارد که بیشتر آنها از طریق اهداء گرد آمده اند. اغلب این کتاب ها مرجع هستند و کتاب های تازه منتشر شده در ایران کمتر در بین آنها مشاهده می شود. این کتابخانه حدود ۴۰۰۰ نسخه خطی فارسی نیز دارد که تعدادی از آنها در زمره آثار نادر اند.

اعضای گروه زبان و ادبیات فارسی:

در حال حاضر اعضای گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آنکارا عبارتند از: پروفسور مرسل اوزترک رئیس گروه و استاد زبان و ادبیات فارسی، دکتر عبدالسلام بیلگن، دکتر حاجبی کیرلانقیچ، دکتر دریا ارس و سعادت کوجا ترک.

### چالش های آموزش زبان فارسی

نظر به این که بخش مهمی از فرهنگ و تاریخ مردمان ترک در لابلای کتاب های فارسی نهفته و به قید کتابت درآمده، پژوهشگران ترک برای آشنایی با منابع ادبیات، تاریخ و فرهنگ خود ناگزیر از مراجعه به این کتاب ها هستند. به همین جهت دانشوران و پژوهشگران ترک زبان ترجیح می دهند که با آموختن زبان فارسی و نه از راه ترجمه، از این منابع مستقیماً بهره مند شوند. فایده دیگر فارسی آموزی ترک ها آن است که واژه ها و تعابیر بسیاری که از زبان فارسی وارد زبان ترکی شده، به آموختن زبان ترکی کمک می کند و پژوهشگران ترک از این راه با بخش مهمی از واژگان و تعبیرات زبان ترکی نیز آشنا می شوند.

فایده دیگر فارسی آموزی به روابط ایران و ترکیه در عرصه های مختلف و به ویژه عرصه اقتصادی بر می گردد. پر پیداست که ترکان آشنا به زبان فارسی سریع تر و آسان تر امکان پیدا کردن شغل در زمینه های اقتصادی را خواهند داشت. به دلایل مذکور در سال های اخیر تقاضا و علاقه برای فراگیری زبان فارسی در میان گروه های مختلف جامعه ترکیه مخصوصاً دانشجویان و علاقه مندان به فرهنگ و تمدن ایرانی افزایش یافته است. علی رغم چنین زمینه مساعد و علاقه مندی وافر برای آموختن زبان فارسی، وضعیت زبان فارسی در مراکز علمی و آموزشی ترکیه مطلوب نیست و موانع و مشکلاتی بر آن سایه افکنده اند. برای پاسخ گویی به علاقه و اشتیاق فارسی آموزان شایسته است موانع و چالش های آموزش زبان فارسی در ترکیه شناسایی و برای آنها چاره اندیشی شود.

### چالش ها و مشکلات

۱. در تدریس زبان فارسی به جای منابع واحد و استاندارد از منابع متنوع استفاده می شود و عده ای از استادان بنا به سلیقه شخصی از کتاب های استادان ضرغامیان، احمد صفار مقدم، حسن انوری و یدالله ثمره و برای قرائت متون از روزنامه های فارسی زبان استفاده می کنند.
۲. بهره گیری ناکافی شبکه های ماهواره ای فارسی زبان و فضای مجازی در آموزش زبان فارسی؛
۳. کمبود امکانات سمعی - بصری در کرسی های آموزش زبان فارسی و تأکید بر شیوه های قدیمی

آموزش زبان



۴. کاستی های مجموعه «فارسی بیاموزیم» در برابر نیازهای روز افزون فارسی آموزان
۵. فقدان رسم الخط متحد الشكل و ساده و گاه ناسازگار با محیط های رایانه. چنین مشکلی موجب می شود فارسی آموزان زبان فارسی را به خط لاتین بنویسند، چرا که نگارش به خط فارسی در نظر آنان دشوار است.
۶. آینده شغلی نا معلوم برای فارغ التحصیلان زبان و ادبیات فارسی. درحالی که بسیاری از دانشجویان ترک به خاطر فعالیت گسترده شرکت های چینی و کره ای انگیزه بیشتری برای فراگیری زبان های این کشورها دارند و می پندارند که با یادگیری این زبان ها امکان پیدا کردن شغل مناسب را خواهند یافت. هر اندازه روابط و مناسبات اقتصادی ایران و ترکیه گسترش یابد به همان میزان انگیزه فارسی آموزان برای یادگیری این زبان بیشتر خواهد شد.
۷. یکی از بزرگترین آفات آموزش زبان فارسی، نفوذ خرده فرهنگ گفتاری در فرآیند آموزش زبان است. این مسأله درباره دانشجویانی که برای استفاده از بورس زبان فارسی یا دوره دانش افزایی به ایران می آیند، بیشتر موضوعیت دارد. این خرده فرهنگ گفتاری که عمدتاً در بین جوانان رواج دارد به واسطه قدرت تأثیر گذاری رسانه های دیداری و شنیداری در بسیاری موارد گسست با ترک زبانان را بیشتر کرده است، اصطلاحات و عبارات فاقد ریشه زبانی و آمیختگی با پاره ای واژگان بیگانه از جمله ویژگی های این خرده فرهنگ گویشی است که زبان فارسی را نارسا و آشفته می کند (رضایی، ۱۳۷۶: ۳۴-۳۵). این مشکل زمانی دو چندان می شود که دانشجویان خارجی که برای فراگیری فارسی به ایران می آیند بیش از هر چیز تحت تأثیر این خرده فرهنگ قرار گرفته و دچار سردگمی می شوند. چرا که آنچه در محاوره می آموزند زبانی است که فرسنگ ها با فارسی سخنوران و ادیبان عالیقدر ایران زمین تفاوت دارد.
۸. فقدان یک نظام ارزشیابی مستمر و دقیق در فرآیند آموزش و سنجش مهارت های چهارگانه زبان آموزان
۹. بی تجربه بودن شماری از استادان زبان فارسی در تدریس زبان به خارجیان.
۱۰. مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی که در ایران برگزار می شود و هدفش تبادل اطلاعات و تجربه بین استادان زبان فارسی با یکدیگر است به خاطر سطح نازل برخی مقالات و تکراری بودن آنها و عدم ارایه گزارشی نقادانه از عملکرد کرسی های زبان فارسی در خارج از کشور چندان کارآمد و مؤثر نیست.
۱۱. متون و دروس زبان فارسی در مراکز مورد استفاده ایران شناسی و زبان و ادبیات فارسی فاقد جامعیت است و تکیه آن ها عمدتاً بر ادبیات کلاسیک ایران است و کمتر به ادبیات معاصر به ویژه ادبیات داستانی و نثر معاصر پرداخته می شود.
۱۲. اجرایی نشدن کامل موافقتنامه های فرهنگی مانند ماده سوم موافقتنامه فرهنگی بین ایران و ترکیه که در سال ۱۳۳۷ در تهران امضاء شده است.



۱۳. فقر منابع کتابخانه ای مانند لغت نامه ها و آثار شاعران و بزرگان ادب فارسی. این کمبودها در کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قونیه و کرسی های نوبنیاد در دانشگاه های دیگر بیشتر مشهود است.

### فرجام سخن

زبان فارسی در بلندای تاریخ پرنشیب و فراز ایران زمین نقش تعیین کننده ای در زبان و فرهنگ ملت های حوزه جهان ایرانی داشته است. این زبان عاملی پایدار در پیوند و یگانگی ایرانیان و ابزاری ارزشمند برای تعامل فرهنگی ایرانیان با ملت ها و کشورها بوده است. زبان فارسی از زمان ورود ترکان به آناتولی مورد توجه قرار گرفت و زبان رسمی دستگاه سلاجقه روم شد. در دوره عثمانیان نیز زبان و ادبیات فارسی صدر نشین بود و جایگاه شایسته ای داشت و سلاطین عثمانی آن را عزیز می داشتند. در سراسر عصر عثمانی، زبان فارسی در مدارس مختلف تدریس می شد و همچون زبان دوم جهان اسلام و زبان شعر و معنویت چه در بین بخش های وسیعی از مردمان و چه در بین اصحاب دانش و درباریان پر طرفدار بود. با تأسیس وزارت معارف عثمانی و ترویج نظام تعلیم و تربیت به سیاق اروپایی، تدریس زبان فارسی در تمام سطوح آموزشی از رشدیه گرفته تا دارالفنون برقرار بود. با استقرار نظام جمهوری در ترکیه تدریس زبان فارسی از برنامه آموزشی مدارس حذف و به دانشگاه ها انتقال یافت. و این زبان به عنوان یکی از زبان های شرقی در دانشگاه های ترکیه تدریس می گردید و تا به امروز همچنان ادامه یافته است.

در سال های اخیر تدریس زبان فارسی فراز و فرود بسیار داشته است. دگرگونی های برق آسای اقتصادی و فرهنگی سراسر جهان که با تعبیر جهانی شدن از آن یاد می شود بیش از هر چیز به تهدید میراث های مشترک ملل دامن زده است. زبان فارسی به عنوان میراث مشترک ملل حوزه بالکان، شبه قاره هند، پاکستان و آسیای مرکزی و بسیاری نقاط دیگر مورد تهدید قرار گرفته است. چرا که این زبان با فرآیندهای عمیق اقتصادی و فرهنگی پیوند خورده و آموزش و انتشار آن با حضور در بازارهای اقتصادی کشورها در هم تنیده شده است. بنابراین، هرگونه کوتاهی در آسیب شناسی آموزش زبان فارسی در ترکیه باعث می شود زبان هایی مانند چینی، کره ای و ژاپنی عرصه را بر زبان فارسی و بالندگی آن در کشور ترکیه تنگ گردانند.

### منابع:

۱. ابن بی بی (۱۳۵۰) اخبار سلاجقه روم: *الاولو الامر العلالیه فی الامور العلالیه*، باهتمام ه. هوتسما، بانضمام تعلیقات و اضافات مشتمل بر بعضی از اخبار سلاجقه روم، باهتمام محمد جواد مشکور، تهران، بی نا.
۲. گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۴) *در بیان ادبیات دیوانی*، ترجمه و توضیحات توفیق ه. سبحانی، تهران: سروش.





۳. رضایی، والی (۱۳۷۶) *زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد*، نامه فرهنگستان، س ۶ ش ۳، تهران.

۴. ریاحی، محمد امین (۱۳۶۹) *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: انتشارات پاژنگ.

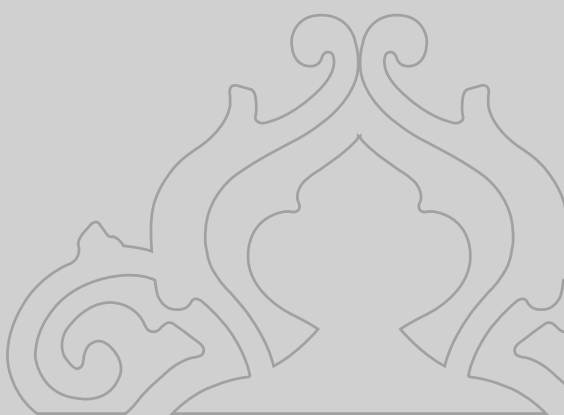
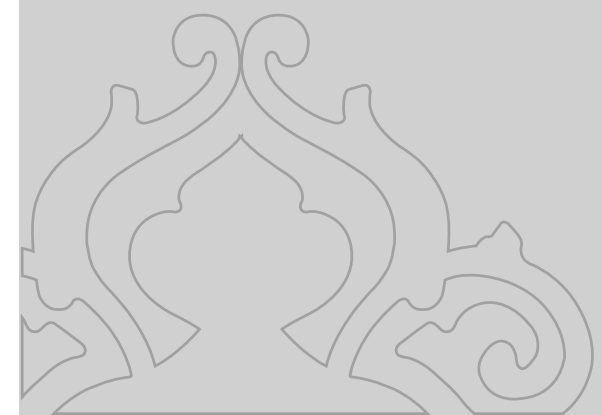
۵. رئیس نیا، رحیم (۱۳۸۵) *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، چ اول، تهران، نشر مینا.

۶. ریتز، هلموت (۱۳۸۷) *دریای جان: سیری در آراء و احوال شیخ فریدالدین عطار نیشابوری*،

ترجمه عباس زریاب‌خویی و مهرآفاق بایبوردی، ۲ج، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

۷. مفتاح، الهامه، وهاب ولی (۱۳۷۴) *نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه*، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

ÖKSÜZ, Yusuf Ziya (1995) *Türkçenin Sadeleşme Tarihi Genç Kalemler ve Yeni Lisan Hareketi*, Ankara, Türk Dil Kurumu Yayınları,





## سیاق: نظام نشانگذاری عددی و محاسبه در دنیای ایرانی

■ بریان اسپونر و ویلیام هانوی<sup>۱</sup> / سلمان قاسمیان<sup>۲</sup> و علیرضا نیک‌نژاد<sup>۳</sup>

۱. این متن ترجمه ای است از مقاله ای با همین عنوان که در منبع ذیل قابل دسترسی است: Brian Spooner and William L Hanaway, Siyaq: Numerical Notation and Numeracy in the Persianate World, in "Oxford handbook of the History of Mathematics", edited by Eleanor Robson & Jacqueline Stedall., New York, Oxford University Press Inc., First published 2009, Chapter 5.2, pp.429-447.

۲. دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان.

۳. دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان

۴. اگرچه مؤلفان نظام کنونی سیاق را مربوط به اعراب می داند اما ریشه اصلی آن را متعلق به ایران دانسته و معتقد اند حتی در دوران اسلامی بیش از هر جای دیگر در حوزه تمدنی ایران رواج داشته است. م

سیاق نوعی نظام عددی است که نوع امروزی آن در دوران نخستین خلافت اسلامی و به شکل دقیق تر در عصر خلفای بنی امیه در دمشق و در فاصله سال های ۶۵۶ و ۷۵۱ میلادی رواج یافت.<sup>۴</sup> این نظام در سراسر مناطق ایرانی تا دوران جدید رواج داشت. پایه این نظام عددی در شکل شماره ۱ و ۳ نمایش داده شده است. این نظام بر اساس نگارش کلمات عربی به جای استفاده از اعداد طرح ریزی شده است. قدیمی ترین موارد بر جای مانده از کاربرد سیاق مربوط به محاسبات عددی دوران خلیفه مقتدر عباسی در بغداد و در حدود سال های ۹۱۸-۹۱۹ میلادی است (کرمر، ۱۸۸۷). تا آن تاریخ، هر حرف به صورت شکسته و مقصور نوشته می شد. به تدریج خواندن به سبک سیاق تحول یافت تا جایی که برای کسانی که با آن آشنایی نداشتند، دشوار شد. این دشواری چه برای ایرانیان باسواد و کسانی که در زمینه ادبیات عرب تخصص داشتند و چه برای کسانی که بی سواد تلقی می شدند مشهود بود. چراکه به طور کلی نظامی بود که برای کاربردهای ویژه تخصصی شده بود. سیاق به عنوان یک نظام جدید شمارش و محاسبه چون بر اساس اعداد اعشاری پایه ریزی شده است، اهمیت چندانی در پیشبرد علم ریاضیات ندارد، چرا که تنها خصوصیت آن از نظر این علم این است که برای هر عددی یک حرف مشخص دارد. با این وجود سیاق به عنوان یک روش محاسباتی مزایا و معایب خاص خود را دارد که نقش تاریخی آن را در سده های نهم تا بیستم نمایان می کند.

سیاق وظیفه اصلی ثبت مقادیر، اندازه ها و هر چیزی را که با اندازه گیری و شمارش سروکار



Value of the Figure in dinars	Arabic original	Stages of Deformation		
				Current form
1	واحد, عدد	حده	ح	ح
2	عدوان	عده	ع	ع
3	ثلاثة	ثله	ث	ث
4	اربعه	لعه	ل	ل
5	خمسة	هله	ه	ه
6	سنة	سه	س	س
7	سبعة	معه	م	م
8	ثمانية	هه	ه	ه
9	تسعة	عه	ع	ع
10	عشرة	عشر	عشر	عشر
11		عشر	عشر	عشر
12		عشر	عشر	عشر
13		عشر	عشر	عشر
14		عشر	عشر	عشر
15		عشر	عشر	عشر
16		عشر	عشر	عشر
17		عشر	عشر	عشر
18		عشر	عشر	عشر
19		عشر	عشر	عشر
20	عشرون	عشر	عشر	عشر
30	ثلاثين	عشر	عشر	عشر
40	اربعين	عشر	عشر	عشر
50	خمسين	عشر	عشر	عشر
60	ستين	عشر	عشر	عشر
70	سبعين	عشر	عشر	عشر
80	ثمانين	عشر	عشر	عشر
90	تسعين	عشر	عشر	عشر

شکل شماره ۱: حروف سیاق برای واحد های دهگان، آنچنان که در حوزه تمدنی ایران مرکزی نشان می دهد که چگونه حروف برای شمارش ها تدریجاً از شکل رایج خود افتاد (کاظم زاده، ۱۹۱۵).



Value of the Figures in dinars	Arabic original	Stages of Deformation		
				Calligraphic form
100	مائة	مائه	مائه	مائه
200	مئتا	مائه	مائه	مائه
500	خمسمائة	مائه	مائه	مائه
900	اربعمائة	مائه	مائه	مائه
500	خمسمائة	مائه	مائه	مائه
600	ستمائة	مائه	مائه	مائه
700	سبعمائة	مائه	مائه	مائه
800	ثمانمائة	مائه	مائه	مائه
900	تسعمائة	مائه	مائه	مائه
1000	الف	الف	الف	الف
2000	الفين	الفين	الفين	الفين
3000	ثلاثة الف	الفين	الفين	الفين
4000	اربعة الف	الفين	الفين	الفين
5000	خمسة الف	الفين	الفين	الفين
6000	سنة الف	الفين	الفين	الفين
7000	سبعة الف	الفين	الفين	الفين
8000	ثمانية الف	الفين	الفين	الفين
9000	تسعة الف	الفين	الفين	الفين

شکل شماره ۲: سیاق برای اعداد صدگان و هزارگان که در دوره میانه تاریخ ایران رواج داشت و نشان می دهد که چگونه اعداد سیاق با افزایش شمارگان تغییر شکل می دهند (کاظم زاده، ۱۹۱۵).



Value of the figures in dinars	Arabic original	Stages of Deformation		
				Current form
10.000	1			
20.000	2			
30.000	3			
40.000	4			
9 t.	8 t.	7 t.	6 t.	5 t.
1000,000	10			
2000,000	20			
3000,000	30			
4000,000	40			
90 t.	80 t.	70 t.	60 t.	50 t.
200 t.	400 t.	300 t.	200 t.	100 t.
1000 t.	900 t.	800 t.	700 t.	600 t.
6000 t.	5000 t.	4000 t.	3000 t.	2000 t.
1,000,000 t.	900,000 t.	800,000 t.	700,000 t.	600,000 t.

شکل شماره ۳: زیرنویس حروف سیاق برای اعداد بزرگتر آنچنان که در ایران سده های میانه استفاده می شد، نشان می دهد که چگونه کلمات به جای اعداد تدریجاً از شکل افتاد (کاظم زاده، ۱۹۱۵).



دارد بر عهده داشت. از این رو، نقش های متفاوتی را عهده دار بود که در اشکال خاص و متفاوت در اسناد سراسر منطقه ای که از لحاظ فرهنگ و تمدن به دنیای ایرانی شهرت دارد، رواج داشت.<sup>۱</sup> بدین خاطر، از اصطلاح ایرانی سیاق در مناطق شمال و شرق قلمرو جهان اسلام نیز استفاده می شود (هاجسون، ۱۹۷۴). چراکه زبان فارسی، به استثنای متون دینی مشخص، زبان ادبی رایج میان اقوام مختلف این حوزه طی هزار سال گذشته بوده است. از ابتدا فارسی زبان نخبگان درباری هخامنشیان (۳۳۰-۵۵۹ ق.م) بود. زبانی که در ابتدا در شکل خط میخی به صورت مکتوب درآمد و برای دوره های بعد در قالب الفبای آرامی تجلی یافت. بعدها به دنبال تهاجم اعراب و تصرف غرب ایران و بخش هایی از ایران در آسیای مرکزی از سوی اعراب، زبان و کتابت فارسی برای نخستین بار پس از سلطه اعراب به شکل و شمایل خطوط عربی خود را در دربار سامانیان و در منطقه ای که امروزه ازبکستان نامیده می شود، نشان داد.

طی این مدت، در سراسر منطقه وسیعی که امروزه شامل آسیای مرکزی، افغانستان و ایران می شود این خط و زبان به شکل جدید رسمیت یافت و گسترش پیدا کرد. در سده سیزدهم، در زمان حکومت مغولان، این زبان بیش از پیش در مسیر راه های تجاری منتهی به چین مرکزی توسعه پیدا کرد. عثمانی ها هم وابسته به این زبان بودند و آن را از طریق آناتولی در اروپای شرقی و بالکان رواج دادند. سرانجام در سده شانزدهم، در زمان حاکمیت گورکانیان هند، زبان فارسی زبان اصلی اداری و ادبی مناطقی از جنوب آسیا شد. در این مناطق وسیع متأثر از مدنیت و فرهنگ ایرانی؛ زبان فارسی، نماد سواد و فرهنگ در جامعه بود و میزان آگاهی و دانش فرد را نشان می داد. از طرف دیگر، زبان فارسی مبنای تمامی فعل و انفعالاتی شد که بر سواد، در معنی دانش مدیریت و حسابداری استوار بود و تا مدت ها و بر اساس یک سنت باستانی زبان شفاهی و ارتباطی مردمی با زمینه های فرهنگی متفاوت گردید. هرچند بعد ها به دلایل مشخص در برخی مناطق جای خود را به زبان های درجه پایین تر داد.

اگر چه زبان فارسی برای پیشرفت و توسعه نواحی وسیع پیرامون ایران، در آغاز سده چهاردهم، مسیر روشنی را ترسیم می کرد و در مناطق وسیعی از حوزه تمدنی ایران طی سده های نهم تا پانزدهم و بیستم همچنان زبان اصلی ارتباطات کتبی و لسانی باقی ماند، اما در مقابل زبان های دیگری که در آن نواحی به صورت محلی مورد استفاده بود، تداوم نیافت و به جای آن برای مثال در هند زبان انگلیسی جایگزین فارسی شد. به این معنی که استفاده از زبان رایج تر همچون فارسی بیشتر برای سهولت ارتباطات اداری، ادبی و حتی تجاری صورت می گرفت. از این رو استعمارگران انگلیسی با تسلط بر هند، در سال ۱۸۳۷ زبان انگلیسی را جایگزین زبان فارسی کردند. در حالی که در سال ۱۸۳۷ زبان اردو (یکی از شاخه های زبان هند و ایرانی) همچنان در برخی مراکز دولتی مانند دادگاه ها استفاده می شد. در نتیجه این تحول، سیاق به عنوان یک روش محاسباتی جایگاهی در میان اسناد حکومتی نداشت و کنار گذاشته شد. اما در زمینه های دیگری

۱. سیاق معمول ترین واژه رایج برای این نظام است که با سیلاب کشیده تلفظ می شود. معادل های دیگر این واژه عبارتند از: خط سیاق رقم khatt-e siyāq، خط رقم khatt-e raqam، خط دیناری khatt-e dināri، حساب رقم hesāb-e roqum، خط رقم khatt-e roqumi و حساب دیناری hesāb-e dinār. در منابع لاتین برای اجتناب از به کارگیری معادل های این واژه در زبان های مختلف حوزه تمدن اسلامی از واژه رایج در حوزه تمدنی ایران یا منطقه میانه دریای سیاه تا آسیای مرکزی استفاده می شود. به منظور اجتناب از سردرگمی ناشی از تقسیمات یا کاربردهای متفاوت سیاق به اعداد سیاق بیشتر از اصطلاح رایج در زبان فارسی استفاده می کنیم. برای نام های مختلف یک اصطلاح مربوط به سیاق بیشتر از واژه ایرانی آن استفاده کردیم.



نظیر زمین های کشاورزی و ملکی و سایر محاسبات مربوط به تملک تا مدت ها رایج بود. اندکی پس از آنکه سیاق در نخستین سازمان دیوانسالاری عرب در دمشق و بغداد به کار گرفته شد، مراکز سیاسی جدید در شرق که ایران نامیده می شد و سرزمین کنونی ایران، جمهوری های آسیای مرکزی و افغانستان را شامل می شد، شروع به اصلاح و بهبود روش های محاسباتی دیوانی خود و انواع متون و اسناد قدیمی دوران ساسانیان کردند. آنان همچنین برای تسهیل دیوانسالاری خود به ایرانیان متوسل شدند. با این حال آنان به سیستم نگارش عددی ساسانیان بازنگشتند. از این رو، عجیب می نماید که سیاق به عنوان سبک محاسباتی در مناطق ایرانی یعنی منطقه وسیعی که در بالا توضیح داده شد، بیشتر از مناطق تحت نفوذ فرهنگ عربی همچون سوریه، عربستان و مصر به طور گسترده به کار گرفته شد و این استفاده گسترده تا قرن بیستم همچنان ادامه پیدا کرد. ماندگاری و دوام روش محاسباتی سیاق در سراسر جهان ایرانی برای مدت زمانی طولانی بدون در نظر گرفتن سایر احتمالات و بدون در نظر گرفتن تغییرات روی داده در سرزمین های مجاور ایران نیازمند توضیحات مفصل است که در حد ممکن در پایان این نوشتار به آن خواهیم پرداخت.

### محاسبه به روش ایرانی

سیاق یکی از اجزاء مکمل حسابداری ایرانیان بوده و کارکردهای مختلف این روش محاسباتی به صورت خصوصی و مستقل از روش های دیگر آموزش داده می شده است. برای مدت طولانی در ناحیه وسیعی از حوزه تمدنی ایران از بوسنی هرزگوین بالکان و آناتولی تا چین و هند (یعنی در ایران کنونی و مناطق دارای زبان مشتق از فارسی) شمارش اعداد اگر چه به روش سیاق صورت می گرفت اما به گونه ای متفاوت از یکدیگر بود. برای هدف های متفاوت استفاده کنندگان از سیاق سبک خاص خود را به کار می بردند. تنها دو هدف عمده شمارش و تعیین مقادیر در سراسر این ناحیه وسیع به یک شکل کاربرد داشت ولی به گونه ای متفاوت نوشته می شده است. در برخی مناطق جمع و تفریق اعداد مستلزم نگارش آن نبود. از این رو، ما هر یک از این وظایف کلان سیاق را به منظور روشن ساختن ماهیت و کارکرد آن به طور جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

**اول:** محاسبات عادی که تقریباً در تمام متون نوشتاری به صورت یکسان مشاهده نشده است، یعنی این روش جنبه نوشتاری کمتری داشت و بیشتر با استفاده از ابزار شمارشگری مختلف مانند چرتکه که به اشکال گوناگون طرح ریزی می شدند انجام می گرفت. این روش در نمودارها و جدول هایی روی یک سطح تخت یا به روش محاسبه جدول گونه که حاکی از اعداد اعشاری بود صورت می گرفت. در متون اسلامی موجود، تا پیش از به کارگیری روش های محاسباتی جدید عربی و هندی، هیچ نشانه ای از وجود روش نگارش عددی یافت نشده است. (سی اف نتز، ۱۱؛ ۲۰۰۲) به علاوه برخی از رایج ترین اشکال بازی های ایرانی از قبیل تخته نرد، تنها به محاسبات ریاضی وابسته نیست بلکه تا حد زیادی به مهارت و خلاقیت ذهنی و قدرت جابجایی و مانور فرد





استفاده کننده بستگی دارد. استفاده ماهرانه از حسابگر که به عنوان ابزار محاسباتی تخت یا چرتکه است، نیز اهمیت داشت.

این روش نسبتاً غیر علمی حساب، نیازهای اکثریت بی سواد را برطرف می کرد و حساب آنان را از اقلیت باسواد جدا می کرد. وضعیتی که احتمالاً در بیشتر سرزمین های متمدن ایرانی تا دوره های اخیر یکسان بوده است. اما این تقسیم ممکن است در دوران حکومت های ایرانی عمیق تر و حتی از لحاظ تاریخی با اهمیت تر بوده است.

**دوم:** شمارش و جدول سازی است که مورد استفاده ایرانیان یا کاربران اعداد اصلی و ترتیبی محلی بود. این روش که در شکل های شفاهی و مکتوب برای شمارش استفاده می شد، بعد ها برای اعداد هندی نیز استفاده شد.

**سوم:** نظام قدیم یادداشت عددی است. این نظام که از الفبای سامی به جای مانده، مربوط به نظام الفبایی سواد عربی و اسلامی است. همانگونه که شکل حروف الفبایی آرامی و یونانی حامل ارزش های عددی یکسانی است، حروف عربی نیز چنین وضعی دارد. در الفبای زبان عربی این نظام به ابجد معروف است که برای شمارش اعداد چند رقمی های پیچیده به ویژه شمارش صفحات کتاب استفاده می شد. این روش در برخی شرایط ادامه پیدا کرد و هنوز در بخش مقدمه کتاب های چاپی کاربرد دارد و برای تاریخنگاری نیز بکار می رود. همچنین در مواردی چون شمارش صفحات و کلماتی که گویای معنی تواریخ خاص و سال های مهم هستند، امکان استفاده دارند. نظام ابجد اگرچه به خوبی از عهده ایفای نقش در نظام اعداد برآمد اما برای اعداد بزرگ به گونه ای دست و پاگیر بوده و ناکارآمدی خود را نشان داده است.

**چهارم:** شکل عربی آنچه در غرب به اعداد عربی مشهور است، مدت ها پس از پذیرش سیاق از سرزمین هند به جهان اسلام راه پیدا کرد. این اعداد قبلاً توسط خوارزمی در اوایل قرن نهم میلادی در بغداد مورد استفاده قرار گرفته بود. اما به جز در مواردی که در قالب حروف ابجد بکار رفت، به شکل نظام عددی وسیع با کاربرد عمومی رواج نیافت، حتی اعراب پس از این نیز سیاق را جایگزین نظام حروف الفبایی نکردند و تنها از آن برای سندسازی و جعل سند استفاده می کردند. دلیلی که برای به تعویق پذیرش نظام عددی هندیان عنوان شده، وابستگی آن به نقاط است (باقری، ۱۹۹۸، ۳۰۱، به نقل از مازندرانی، ۱۹۵۲: ۲۴). عدد صفر هنوز هندی و نشانگر فقدان عدد و در شمارش عدد به طور کامل رایج نشده بود. با توجه به این زمینه ما اکنون می توانیم، بر روی سیاق تمرکز کنیم.

سواد و دانش در میان اعراب فاتح اهمیت چندانی نداشت. سواد اعراب حتی در دوران بعد نسبت به طبقات دانشمند و حاکم در شاهنشاهی ساسانی که جانشینشان شدند، بسیار کمتر و زمانی که اعراب به علم آموزی روی آوردند دانش آنان بازهم سطحی می نمود. جامعه ساسانیان و دبیران حرفه ای یک طبقه ممتاز بودند. این وضعیت به دیوان های اسلامی که نویسندگان حرفه ای یا منشی داشتند منتقل شد. در نخستین دوره توسعه دیوانسالاری اسلامی، منشیان از میان



دیوانسالارانی بودند که در دنیای تحت حاکمیت ساسانیان رشد یافته بودند و اداره آسیای غربی را از اوایل سده سوم بر عهده داشتند. احتمالاً آنان از یک سابقه طولانی بهره می بردند. به همین دلیل از خدمت گرفتن عمال قبلی در دوران صدر اسلام اجتناب می کردند.

روند عربی سازی دستگاه حاکمه شاید یک سیاست مشخص و برنامه ریزی شده از سوی خلفا بود. گفته می شود سیاست عربی سازی خلیفه اموی-عبدالملک در سال ۷۰۶ میلادی به راه افتاد (هینتز، ۳، ۱۹۵۰). استفاده از عربی در کلیه مکاتبات اداری به سرعت گسترش یافت. این وضع شاید به کمک و یا همراهی غیر عرب ها بویژه نخبگان دیوانسالار ایرانی صورت گرفت. کاتبان غیر عرب اغلب به اسلام تغییر دین می دادند و تکالیف مذهبی را بجای می آوردند. آنان ادبیات عرب و گونه جدید ادبی را که به زبان قرآن بود، ترویج می دادند. هرچند تجربه نظام اداری سامانیان در برخی نقاط نفوذ و اهمیت خود را حفظ کرد، اما در سده هشتم میلادی بود که نگارش عددی به عربی گرایید. چون بیشتر فعالیت های دیوانی به زبان عربی بود، تعجیبی ندارد که ثبت شماره ها و اعداد نیز به صورت عربی درآمده باشد.

آغاز رواج سیاق، روند ورود اعداد هندی را تسریع کرد و آن را به جلو انداخت. فضای عرب گرایی رایج که به تدریج عمومیت می یافت، مانع پذیرش عمومی سیاق در دوره های بعدی شد. البته تعیین میزان قدرت و تاثیرگذاری چنین ملاحظات عرب گرایانه قومی در سده های نخستین دشوار است. با این وجود، شواهدی در دست است که تغییرات ناشی از تعصب اسلامی حکومت های جدید به ویژه منشیان غیر عرب را که به دین اسلام درآمده بودند، نشان می دهد. در ایجاد این تعصب دینی، حاکمان جدید که رویکرد قومی سیاسی داشتند و از سواد و فرهنگ نیز بی بهره بودند کمتر از اشراف و اعیان که دغدغه دینی نداشتند، نقش داشتند.

سیاق با بهره گیری از نظام های رایج آن زمان انعطاف پذیری بیشتری می یافت. به ویژه که به آسانی قابلیت کوچک سازی اعداد بزرگ را داشت و با آن ها سازگار بود. ضمن آنکه منشیان از آن استفاده می کردند. اما اعداد هندی بیشتر توسط دانشمندان در ریاضیات و علوم دیگر بکار می رفت. این که سیاق چه در منشاء و ریشه شناسی به چه طریق مورد استفاده قرار گرفت در ابهام قرار دارد. فرهنگ واژگان عربی، سیاق را وارد سوق (بازار) کرد، بدون آنکه ارتباطی برای آن ذکر کند. بعد ها سیاق را مستعربین آوردند که بیانگر روش آن ها در طرفداری از عربی سازی بود. اما ممکن است نوعی جعل واقعیت باشد که بعدها در سده ۱۳ هجری، رواج یافت (باقری، ۱۹۹۸:۲۹۹، به نقل از ابن طلقی). یک دانشمند ایرانی سیاق را واژه ای ایرانی می داند و ریشه آن را به دوران قبل از اسلام باز می گرداند و استدلال می آورد که واژه به معنی شماره است (راهنما، ۱۹۹۵).

### اشکال رسمی سیاق

عربی سازی نحوه نگارش و یادداشت ها به صورت عددی که به سیاق شهرت یافت، به آسانی، با



نوشتن اسامی به شکل عدد عربی آغاز به کار کرد. ممکن است این شیوه از سبک های شناخته شده دیگر زبانی الگوبرداری شده باشد. برای مثال یک روش کپی برداری از سبک های رایج در یونان باستان، قبل از پذیرش نظام عددی اکروفونیک در سده هفتم قبل از میلاد متداول شد. اما اینکه با یک برنامه ریزی قبلی متداول شد یا روندی غیر ارادی داشت که با رواج سبک نگارش حرفه ای اقبال یافت، هیچ مدرک کتبی وجود ندارد. در آن روزگار، اسامی عددی به سرعت اختصاری شده و پس از آن، بومی سازی و تغییر شکل داده شدند و تمام یونانیان از آنها استفاده کردند.

یونانیان شکلی از یادداشت عددی به وجود آورده بودند که خط شکسته بی نظیری بود. انتقال از کلمات خوانا و معنا داری که برای فرد آشنا به الفبای عربی و باسواد قابل فهم بود، به نسل جدید که به سیاق شهرت یافت برای هر باسوادی بسیار دشوار و سخت بود و تنها برای کسانی که آن را به دقت فرا می گرفتند قابل استفاده بود. تنها یک نکته قابل توجه بود و آن ماهیت بی نظیر الفبای عربی بود که در جامعه فرهنگی و ادب دوست جهان اسلام آن زمان شکل گرفته بود. روند رو به رشد توجه به سیاق در میان ادیبان بدون شک به واسطه تجربه فراوان و فعالیت های با دوام حرفه منشی گری بوده است.

با وجود مفروضات موجود و شناخت ما از نحوه خواندن متون الفبایی، باز هم متن را نه به شکل حروف به هم چسبیده که مانند لغات معنادار می خوانیم. اما وقتی با اعداد کار می کنیم شمارگان و ترکیبات آن را به صورت مشابه در ذهن مجسم می کنیم. اگر این وضع برای ما درست باشد، در مورد سیاق نیز همانند حروف چاپی لاتین که مجزا نوشته می شود، صادق است.

قبل از عربی سازی دیوانسالاری در دوره اموی، ایرانیان به نظام رایج خود که هزوارش می خواندند، خو گرفته بودند. پیش از ورود اسلام، نگارش زبان فارسی با استفاده از الفبای آرامی صورت می گرفت و بسیاری از واژه های فارسی را با معادل آرامی آن می نوشتند ولی آن ها را به لفظ فارسی می خواندند. ایرانیان در رمزگشایی از متون، واژه های آرامی - فارسی را به طریق خاصی می خواندند. بنابراین، آن ها بیش از اعراب و دیگران با نظام سیاق آشنایی داشتند. در واقع، آنها به یک زبان ساده دیگر می نوشتند ولی همزمان آن نوشته را به زبان خود می خواندند. با مقایسه نگارش سیاق به زبان عربی با دیگر زبان ها پی می بریم که سیاق تنها یک خط ساده یا شکسته نیست. عربی در مقایسه با خط الفبای لاتین قابلیت های بهتری دارد و اگرچه عربی مثل خط لاتین الفبایی است اما نه با حرف مجزا که با واژه های کشیده و سرهم نوشته می شود. هر واژه سرهم و کشیده از طریق یک سلسله حروف به هم چسبیده، متن نوشته را ممکن می سازد. شمار حروف یکپارچه و سرهم بر اساس ماهیت خاص حروف و جایگاه آن در واژه و نظمی که حروف را در کنار هم قرار می دهد متفاوت است. در گروهی از واژگان، حروف بر اساس شکل خود قرار می گیرند. استقلال یا چسبان بودن هر حرف به شکلی متفاوت به تقدم و تأخر حروف در هر واژه ارتباط دارد. به این معنی که هر حرف با توجه به شکل خاصش در گروه مجزایی قرار دارد و اینکه قبل از



یک حرف چسبان (مثل: ب، م، ت...) یا مستقل (د، ر، آ، و...) قرار گیرد، ویژگی متفاوتی خواهد داشت. بدین ترتیب، با بررسی مجموعه ای از متون خطی متوجه می شویم که هر یک از این خطوط به سبک خاص نوشته شده‌اند. به طور کلی می توان چهار شکل از الفبای مختلف و در مواردی اشکال مجزا از یکدیگر را شناسایی کرد. در مقایسه با دستنوشته ها و متون خطی موجود در دنیای غرب، سبک خطها در متون نوشتاری جهان اسلام از تنوع بیشتری برخوردار است و گونه‌های متفاوت مخفف، کشیده، فشرده یا مترکم را شامل می‌شود.

زمانی که سیاق متداول شد، خطوط نگارش عربی در گذر زمان اشکال متفاوتی داشت و هریک از این سبک‌ها در نحوه نگارش سیاق تأثیرگذار شد. بنابراین، زمانی که اعداد را به شکل سیاق به سواد عربی ضمیمه کردند، بر تمام اشکال حیاط اجتماعی جامعه فرهیخته اسلامی تأثیر نهاد و این تأثیر تا دوره جدید و عصر مدرنیسم که به واسطه تغییرات اجتماعی سبک نگارش جدید متداول شد، ادامه یافت. عدم توجه عمومی به چاپ متون به سبک سیاق در ایران و بی‌توجهی به دیگر سبک‌های چاپ نتیجه ظهور جامعه مدرن بود، جامعه ای که سیاق را یک روش سنتی و غیر متداول تلقی می‌کرد.

در جوامع اسلامی و ایرانی، دیوانسالاران یک جامعه کوچک نخبه و ماهر را تشکیل می‌دادند و برای جلوگیری از نابودی مهارت هایشان نیازمند به کارگیری نیروی جدیدی بودند، این تجدید نیرو یک سنت مهم بود. منافع دیوانسالاران در حفظ و احتمالاً در تغییر مهره‌ها و روش‌ها نهفته بود. ارزش فرهنگی زبان مکتوب عربی که معمولاً ناشی از اهمیت قرآن به عنوان زبان مکتوب خداوند بود، از جهتی با احساس ممنوعیت دسترسی همگانی به زبان عربی و اجتناب از کاربرد غیر دینی آن همراه بود. این احساس در میان ایرانیان اینگونه بیان می‌شد که در امور غیر دینی باید از زبان خودشان استفاده کنند.

علی‌رغم مشکلات سبک سیاق و اختلافات سه امپراطوری مهم اسلامی اواخر سده میانه، عثمانی، صفویان و گورکانیان هند، هر سه امپراطوری از سیاق برای امور اقتصادی و اداره سرزمین‌های خود بهره می‌گرفتند. این وضع تا اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم ادامه یافت. سبک سیاق هم برای محاسبات و هم برای دفترداران سازمان های مالی و اقتصادی ایران و عثمانی و حکومت گورکانی و نیز حاکمان ازبک آسیای مرکزی کاربرد داشت. بازرگانان، زمینداران، سازمان‌های آبیاری و سایر سازمان‌ها و افراد بخش خصوصی این مناطق نیز از سده هشتم تا بیستم میلادی از سیاق استفاده می‌کردند. همچنین سیاق در برخی مدارس ایران جزو بخشی از یک برنامه آموزشی حداقل تا دهه ۱۹۳۰ و در هند و پاکستان تا مدتی پس از این تاریخ تدریس می‌شد. در ترکیه عثمانی نیز تا ۱۹۲۸ و پیدایش عصر مدرنیسم و غرب‌گرایی کاربرد داشت. در ایران، اندک زمانی پس از ترکیه سیاق از برنامه آموزشی مدارس حذف شد. اما در مناطق غیر شهری ایران و جنوب آسیا تا نیمه دوم سده بیست همچنان رواج داشت.



علی‌رغم اینکه سیاق کم اهمیت تلقی می‌شد، اما مزیت‌هایی نسبت به سایر سبک‌های محاسبه عددی داشت. اگرچه تاریخ توسعه آن به شکل تحول از خط شکسته به یک خط غیر قابل فهم نمود یافته است، این نوع حساب تنها به صورت رمز گونه خوانده می‌شود و تا جایی رمز گونه است که با هیچ نوع خط نگارشی قابل مقایسه نباشد. این خط از راست به چپ نوشته می‌شود و بر تقسیم اعداد به دهگان، صدگان و هزارگان و غیره بنا شده است. شکل اصلی این سبک همان ترکیب رمزهاست که نماد اعداد هستند و برخی مواقع با ایجاد تغییر در آن‌ها با هم ترکیب می‌شوند. برخی مواقع در زیر و یا بر روی عددی دیگر و یا در سمت چپ آن‌ها قرار می‌گیرند (شکل شماره ۵ و ۶).

به جز ارقامی که قبل از دهگان می‌آیند، بزرگترین ارقام اعشاری در ابتدا نوشته و تنها پس از کامل شدن عدد خوانده می‌شوند. از این‌رو، بارمعنایی هر عدد در این سبک شمارش بسته به اعداد دیگری است که همراه آن ذکر می‌شوند.

این مشخصه زبان فارسی است که اعداد به شکل شمار سنج ذکر و در بیان شفاهی و نگارش خوانده می‌شود. اما شمارگان سیاق همواره نمایانگر مقدار هستند نه اینکه صرفاً شکل اختصاری چیزی باشند. نمودارهای سیاق که در ایران امروز به مثابه مرکز اصلی و نقطه مرکزی ارتباط شبکه‌ای جوامع اسلامی رواج داشت با دو هدف اصلی مورد استفاده قرار می‌گرفت:

۱: ثبت مقادیر نقدی و محاسبه مقادیر آن ۲: ثبت مقدار کالا و محاسبه میزان و وزن آن  
واحد اندازه گیری پول، دینار بود و وقتی شمار آن افزایش می‌یافت به صورت زیر ثبت می‌شد، ۱ هر ۵۰ دینار یک شاهی؛ ۲ هر ۲۰۰ دینار برابر با یک عباسی؛ ۳ هر هزار دینار مساوی یک قران؛ ۴ هر ده هزار دینار برابر یک تومان. از عدد ۱ تا ۹۹۹ به دینار خوانده می‌شد. در حالی که از ۱۰,۰۰۰ به بالا، تمام اعداد به تومان محاسبه می‌شود. استفاده مستقیم از تمام پول‌های رایج برای محاسبه سیاق نشان می‌دهد که سیاق ارتباط تنگاتنگی با شمارش و محاسبه سکه‌ها داشته است. اما در مقابل برای محاسبه اوزان و مقادیر کالاها و اجناس یک نوع سیاق به شکل نسبتاً متفاوتی در نظر گرفته می‌شد.





۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
ا	با	لعا	لعا	صا	ل	بعا	لعا	لعا
د	ن	للی	للی	و	س	بوا	لعا	لعا
ر	ل	لعا	لعا	ن	س	لعا	لعا	لعا
س	ل	لعا	لعا	و	س	لعا	لعا	لعا
ع	ر	لعا	لعا	لعا	ل	لعا	لعا	لعا
ا	ن	لعا	لعا	لعا	ل	لعا	لعا	لعا
ا	ل	لعا	لعا	لعا	ل	لعا	لعا	لعا
ا	ن	لعا	لعا	لعا	ل	لعا	لعا	لعا

۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا
لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا
لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا
لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا
لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا
لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا
لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا
لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا	لعا

شکل شماره ۶: نمونه ای از انواع سیاق در اسناد دوران میانه و اواخر عصر عثمانی (Öztürk, ۱۹۹۶: ۶۶)

سیاق برای ثبت مقادیر دیگر که بیشتر از دینار و مَن بود، مثل مثقال (معادل ۳٫۶۴ گرم) مساحت‌های زمین و موارد مشابه نیز کاربرد داشت. اگرچه به نسبت تعداد افراد با سواد، شمار اندکی قادر به استفاده آسان از سیاق بودند، اما برای ثبت امور مربوط به زمین و املاک، حسابرسی امور بازرگانی و مسائل کاملاً خصوصی و پنهانی، جایزه، رشوه یا مبلغ پرداختی یا دریافتی از سیاق استفاده می کردند.



در سالنامه های برجای مانده از قرون میانه که از سیاق برای ثبت اعداد استفاده می کردند، نه دسته برای تعیین رقم های اعشاری بکار می رفت. این دسته ها جدول زیر مشخص شده است.

شماره	دهگان	صدگان	هزارگان	ده هزار	صدهزار
۱ دینار	۱۰ دینار	۱۰۰ دینار	۱۰۰۰ دینار	۱۰۰۰۰ تومان	۱۰۰۰۰۰ تومان
۲ دینار	۲۰ دینار	۲۰۰ دینار	۲۰۰۰ دینار	۲۰۰۰۰ تومان	۲۰۰۰۰۰ تومان
۳ دینار	۳۰ دینار	۳۰۰ دینار	۳۰۰۰ دینار	۳۰۰۰۰ تومان	۳۰۰۰۰۰ تومان
۴ دینار	۴۰ دینار	۴۰۰ دینار	۴۰۰۰ دینار	۴۰۰۰۰ تومان	۴۰۰۰۰۰ تومان
۵ دینار	۵۰ دینار	۵۰۰ دینار	۵۰۰۰ دینار	۵۰۰۰۰ تومان	۵۰۰۰۰۰ تومان
۶ دینار	۶۰ دینار	۶۰۰ دینار	۶۰۰۰ دینار	۶۰۰۰۰ تومان	۶۰۰۰۰۰ تومان
۷ دینار	۷۰ دینار	۷۰۰ دینار	۷۰۰۰ دینار	۷۰۰۰۰ تومان	۷۰۰۰۰۰ تومان
۸ دینار	۸۰ دینار	۸۰۰ دینار	۸۰۰۰ دینار	۸۰۰۰۰ تومان	۸۰۰۰۰۰ تومان
۹ دینار	۹۰ دینار	۹۰۰ دینار	۹۰۰۰ دینار	۹۰۰۰۰ تومان	۹۰۰۰۰۰ تومان

در اسناد مربوط به اواخر حکومت عثمانی، ثبت کسر ها و اعداد اعشاری با استفاده از سیاق صورت می گرفت (شکل شماره: ۵، ۱، ۳، ۶ و) بیان کننده نمودارهای عملی سیاق بود. این موارد با کلمات عربی برای تعیین اعداد و نشان می دهد.<sup>۱</sup>

### جامعه شناسی سیاق

رده بندی رسمی سیاق به عنوان یک نظام ضعیف که از کلمات برای تعیین اعداد استفاده می کند، اهمیت تاریخی سیاق را با ابهام مواجه کرده است. سؤال این است که چه چیزی موجب تمایز سیاق از دیگر نظام های رایج شده و اهمیت جامعه ای که سیاق را ابداع کرده و بکار برده در چیست؟

مسیری که منجر به ارائه این نظام شد و شرایط استفاده از آن که به مدت ۱۲ قرن تداوم یافت، هر دو به یک سلسله عوامل خاص در سازماندهی جامعه اسلامی بستگی داشته است. این وضع با آنچه در جهان مسیحیت، هند، جهان بودایی و کنفوسیوسی و جوامع شرق و غرب ایران تفاوت زیادی داشته است. سیاق به جای آنکه مورد استفاده تجار و دانشمندان باشد که مستقیماً منافعشان با اعداد و کمیت ها تامین می شد، مهارت های تخصصی نویسندگان کم اهمیتی بود که از میان اقوام غیر عرب برخوردار بودند. در واقع، خط و زبان ملتی دیگر در خدمت حاکمیت اعراب بدوی بود. اعرابی که تا آن زمان از نعمت سواد و ادبیات بی بهره بودند و از همه جهت وامدار ایران بودند. با این

۱. نمونه دیگری از اقسام محلی را می توان در Oz Turk, 1996, p.66 مشاهده کرد. برای بررسی نمونه های مختلف سیاق در اسناد عثمانی مربوط به دوره میانه و جدید نیز ر.ک: مجمع الارقام، میرزا بدیع الدین، ۱۹۸۱:۱۱۷ Haydar Abad and Suth-ern India / Bukhara in Central Asia, Weber, 2007, p.251, Kashmir, Shkeb, no ate, 182.





همه، به کارگیری سیاق در جوامع مترقی و کوچک شهری و مراکز حکومتی و تجاری بزرگ بهتر عمل کرد و کاربرد وسیع‌تری یافت. چرا که این نظام تمامی جنبه‌های نویسندگی را ترقی بخشید. در همان حال در مقابل کسانی که در خارج از این جوامع بسته و کوچک خواهان مداخله و اختلال در امور آن جامعه بودند یک سد حائل بود. آن‌ها با همین سیاست به خطوط زیبا و خوشنویسی روی آوردند و مردم شهر آنگونه که باب طبع شان بود آن‌ها را از سیاق دور نگاه داشتند.

جوامع مترقی کوچک در هر شهر با بکارگیری سیاق با جوامع با سواد مشابه در شهرهای دیگر و تحت حاکمیت دولت‌های دیگر ارتباط داشتند. از این رو، سیاق کفایت تبدیل شدن به یک معیار استاندارد برای عملکرد هر یک از این گروه‌ها را در خود داشت. با این وجود، نتوانست مانع از برخی تمایلات محلی برای تغییر شکل سیاق و تفاوت‌های ظاهری در آن باشد. این تغییر شکل بعدها در نظام‌های سیاق رایج در قلمرو عثمانی، پادشاهی صفویان و امپراطوری گورکانیان هند نمایان شد. سیاق به دلایل مشابه، کمتر در خارج از جوامع نخبه کوچک و خصوصی و یا خارج از سازمان‌های مربوط به املاک و تجارت حکومت‌ها شناخته شد.

سیاق در دیگر نمونه‌های نگارش در میان افرادی که در خارج از گروه‌های تخصصی و محدود عمل می‌کردند، وارد نشد. چرا که آن‌ها نیازی به شناخت سیاق نداشتند. در جوامع کوچک، افراد در دوران شاگردی سیاق را فرا می‌گرفتند و هنگامی که به کاری مشغول می‌شدند، آن را در عمل بکار می‌بردند. آموزش سیاق نه به عنوان بخشی از آموزش‌های عمومی و همگانی بلکه یک نوع مهارت اختصاصی تلقی می‌شد. محققین غربی کمتر به ماهیت سیاق توجه داشته‌اند. تنها کسانی که در زمینه‌های خاص مانند اقتصاد، تاریخ، یا دیپلماسی تحقیق می‌کنند نیم‌نگاهی به ماهیت سیاق داشته‌اند.

به طور کلی، تاریخ علم و ادبیات در سرزمین‌های تحت سیطره تمدن بزرگ ایران با نوعی ابهام همراه است. از یک طرف اغلب مردم سواد دینی داشتند و قادر به خواندن متون دینی عربی مانند قرآن بودند (اگرچه اکثریت آن‌ها معنای متون عربی را نمی‌دانستند) و این میزان از توان عمومی برای خواندن متون بسیار وسیع‌تر از سطح سواد جوامع متمدن دیگر تا دوره رواج آموزش عمومی در عصر جدید بود. از طرف دیگر فرهنگ فراگیری سواد کاربردی (سواد اقتصادی و تجاری و ..) تنها محدود به گروه کوچکی از نخبگان بود. قابلیت خواندن و نوشتن سیاق حتی از این هم محدودتر بوده است. از این رو، باید پرسید که چرا تحولات تاریخی مربوط به ارقام و جوامع متمدن ایرانی بسیار متفاوت‌تر از جاهای دیگر بود؟ چرا جامعه ایرانی پس از تسلط اعراب شخصیت‌هایی همچون خوارزمی را پرورش داد که در ارقام و ارقام به نقاط دیگر جهان (اعداد هندی) تکیه می‌کند و به صورت موقت آن را جایگزین سیاق ایرانی می‌کند؟ و سیاق پس از رواج در جوامع عربی بار دیگر در ایران رواج پیدا کرد؟

ما اکنون در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که متکی به نظام اعداد و ارقام جهانی است و کسانی هستند که با این روش همراه نشده‌اند. متداول شدن روش جدید محاسبه عددی در دنیای رومی



و محاسبات آن در حدود ۳۰۰ سال قبل صورت گرفت که از جهان هند و عربی به غرب وارد شد. در دو سده اخیر روش جدید محاسبه اعداد در سراسر جهان متمدن و در زبان های مختلف رواج یافت. این سبک جدید زمینه را برای توسعه یک فرهنگ اقتصادی گسترده تر فراهم کرد و پدیده مدرنیسم، تکنولوژی و نظام اداری نوین را تحت تأثیر خود قرار داد. بدین ترتیب کاربرد چرتکه نوع خاصی از فرهنگ شد. اما این روش محاسباتی که برخلاف سیاق نوشتاری نبود و از قابلیت های سندی سیاق برخوردار نبود چراکه چرتکه یک روش محاسباتی عینی بود و نمی توانست در قالب یک سند نوشتاری ارائه شود. به این دلیل نمی توانست به عنوان مبنای محاسبه بکار رود.

چرا جوامع ایرانی به ارتقای نظام محاسباتی سیاق نپرداختند و از روند روبه رشد حسابداری در دنیای مدرن عقب ماندند؟ جالب است بگوییم که نادرشاه افشار فرمانروای سده هجدهم ایران دستور داد کتابت در درون حکومتش به سبک نگارش فارسی صورت گیرد و کاربرد سیاق را منع کرد (محمد کاظم وزیرمرو، نامه الامرای نادری، به نقل از فلور، ۱۹۹۸:۹۵). اما پس از مرگ او در سال ۱۷۴۷ دیوانسالاران بار دیگر به سیاق روی آوردند و به مدت یک قرن و نیم دیگر آن را به کار گرفتند. در پاسخ به این پرسش که چرا چنین شد باید گفت که رمز این مساله در نحوه سازماندهی جامعه ایرانی نهفته است. این نحوه سازمان دهی مبتنی بر شریعت اسلام و قوانین شرعی بود که نوعی شرایط و قرارداد اجتماعی خاص و ویژه است. قانون از یک سلسله اصول اسلامی نشأت می گیرد که مستقل از حکومت عمل می کند و بلا تغییر است. قانون از سوی گروهی از صاحب نظران و علمای نخبه، که وجود و کیان آن ها مستقل از نظارت دستگاه حاکمه شکل می گرفت، مورد بحث و تغییر بود و در جامعه اعمال می شود. از آغاز سده نهم خلیفه، در مقایسه با هر امپراطور دیگر، دارای قدرت و نفوذ نبود و از سال ۱۲۵۶ تا ۱۸۷۱ هیچ خلیفه ای که مظهر نوعی مرکزیت قدرت باشد، وجود نداشت.

تمرکزگرایی سیاسی که به شکل حکومت های محلی ضعیف نمایان شد، نظام اقتصاد تجاری مراکز جمعیتی دور از هم را از مراکش تا چین به هم پیوند می زد. مردم سرزمین هایی با این وسعت و عظمت به دلیل نبود حکومت های مقتدر، وجود جامعه باز قرون میانه را تجربه می کردند. وجود سرزمین های دور دست و بسیار وسیع، پیشرفت و ترقی تجارت ایران را به احتمال زیاد کند می کرد. عدم رشد سیاق ممکن است نتیجه وسعت زیاد سرزمین و نیاز مبرم تجار به سفرهای طولانی در چنین منطقه وسیعی بوده باشد. از این رو، جوامع ایرانی به دلیل پراکندگی و فشار متعدد سیاسی تغییرات اجتماعی را تجربه نکردند و به راحتی نتوانستند سواد را به نهایتاً غرب را به مدرنیته رساند، فرا گیرند. سواد در جامعه ایران تا حد زیادی در دسترس همگان نبود و سواد حسابگری نیز تا این زمان در تعاریف مربوط به سواد عمومی جایگاه خاصی نداشت. این نوع دسترسی به سیاق بایک واقعیت دیگر نیز محدود می شد. در حالی که در لوای نویسندگی، سبک های خوش نویسی متعددی رواج داشت و لزوم آگاهی از اشکال مختلف هنر خوشنویسی اسلامی احساس می شد، برای سیاق به عنوان یک جنبه مهم از سواد کاربردی هیچ سبک خوشنویسی رایج نشد. به علاوه، عملکرد وسایل غیر کتبی همچون



چرتکه و پذیرش عمومی آن باعث کاهش توجه نسبت به توسعه سواد حسابگری مکتوب شد. در این اوضاع و احوال نویسندگان ترغیب می شدند که موقعیت اجتماعی میراث گونه و منافع خود را از طریق افزایش دامنه اطلاعات حفظ کنند و در حد امکان در انحصار خود نگه دارند، در ضمن مرزهای میراث خود را از هجوم نظام ها و مهارت های جدیدی که ممکن بود میراثشان را به خطر اندازد در امان نگه دارند. بنابراین، حفظ موقعیت اجتماعی و امتیازات زمینه حفظ و تداوم سیاق را فراهم و جریان فراگیری علم حسابداری به سبک مدرن را کند می کرد. تا اواخر سده نوزدهم، زمانی که نویسندگان در برابر جریان امپریالیسم توان مقاومت خود را از دست دادند، هیچ چیزی نتوانست مانع از اخلاص حافظان سیاق در جریان فراگیر نظام جدید حسابداری جدید شود (Netz, 2002: 15). نتز در بحث راجع به ارتباط سواد محاسباتی و دستگاه حاکمه یونان باستان این مطلب را به درستی بیان کرده است. ما نیز می توانیم چنین ارتباط پیچیده ای را میان سطح سواد حسابگری و تاریخ سیاسی جهان ایرانی به روشنی در نظر بگیریم.<sup>۱</sup> به خصوص اینکه تحولات سیاسی ایران همواره بدون توجه به اهمیت شهروندان روی داده و هیچ گاه آنان به عنوان شهروند جدی تلقی نکرده اند. در حالی که پیشرفت اقتصادی از طریق مهم شمردن شهروندان و ارزش گذاری تولیدات و دسترنج همان شهروندان پدید می آید.

### نتیجه:

حسابداری به نوعی باعث تسهیل و افزایش آگاهی گروهی می شود. اگر افراد بتوانند اعداد بزرگ را محاسبه کنند، می توانند یک اجتماع بزرگ را سازماندهی و مدیریت و در کنار آن یک امپراطوری و یک اقتصاد بزرگ را اداره کرده و در نهایت به یک حکومت قدرتمند دست یابند. تا زمانی که که امپریالیسم سایه خود را بر جهان ایرانی گسترش نداده بود، هیچ فشاری برای تغییر ماهیت اقتصاد سیاسی جهان ایرانی وجود نداشت. زمانی که به عنوان واکنش در برابر امپریالیسم نوین، محدودیت های اجتماعی از سر راه سواد عمومی برداشته شد، جریانی که در اواخر سده نوزدهم آغاز شد، محدودیت های حساب سیاق که قرن ها به دلایل اقتصادی و اداری ادامه داشت، نتوانست تداوم یابد. به هر حال، اسناد مکتوب بر جای مانده از سیاق می تواند تا مدت ها به عنوان یک منبع مطالعاتی ارزشمند و مهم برای مورخان تلقی شود. در این برهه زمانی، بدون شک، مطالعه کاربردی اعداد و کمیت ها در جامعه ایرانی آگاهی ما را نسبت به ویژگی ها و شرایط اجتماعی علم حساب بالا می برد.

### منابع:

مهمترین و غنی ترین مرجع برای شناسایی منابع بیشتر کتاب «فروغستان» اثر محمد علی فروغی اصفهانی است.<sup>۲</sup>

۱. نظر مؤلف در اینجا متوجه وجود دیوانسالاری به سبک ایرانی و وجود خاندان های مخصوصاً ایرانی در دستگاه حکومت هایی است که پس از اسلام در حوزه تمدن و فرهنگ ایران از مدیترانه تا آسیای مرکزی حکمرانی کرده اند.  
۲. برای جلوگیری از اطلاع کلام بخشی از توضیحات مربوط به منابع حذف شد و اگر چه بسیاری از منابع ذکر شده در فهرست منابع فارسی است اما به همان شکل اصلی در متن انگلیسی ذکر شد و برخی از منابع بی نام و نشان حذف گردید. برای بررسی اصل آن به فهرست منابع مقاله در متن اصلی رجوع شود.م



Navvab `Aziz Jang Bahdor Val., Shams al-Olam., Siyaq-e dekkān, Hyderabad (Deccan): `Aziz al-Matabe`, 1313/1896.

Netz, Reviel, 'Counter Culture: Towards a History of Greek Numeracy', History of Science, 2002.

Nyberg, Henrik S, A Manual of Pahlavi, 2 vols, Harrassowitz, 1964.

St Clair-Tisdall, W, Modern Persian Conversation Grammar, Heidelberg: Groos, 1923.

Bahr al-javāher F `elm al-daft̄er, Tehran, 1306/1888.

Wollaston, Arthur N, An English-Persian Dictionary, John Murray, 1904 reprint New Delhi: Cosmo, 1978.

Öztürk, Said, Osmanlı arşiv Belgelerinde Siyakat yazısı ve Tarihi Gelisimi, Istanbul: OSAV, 1996.

Pihan, Antoine Paulin, Notice sur les divers Genres d'écriture Ancienne et moderne des Arabes, des Persians et des Turcs, Paris: L'Imprimerie Impériale, 1856.

Pihan, Antoine Paulin, Exposé des Signes de Numération Usités chez les peuples Orientaux Anciens et Modernes, Paris: L'Imprimerie Impériale, 1860.

Shakeb, Mohammad Ziyā` al-Din Ahmad, and Hasan al-Din Ahmad, Jāme` al-`Atiyyāt, Hyderabad (Deccan): Vala Akademi, no date. Based on the work of Navvāb `Aziz Jang Bahādor and others.

Stewart, Charles, Original Persian letters and other Documents, with fac-similes, London: Kingsbury, Parbury, Allen, & Co, 1825.

Weber, Siegfried, Die persische Verwaltung Kaschmirs (1842–1892), 2 vols, Österreichische Akademie der Wissenschaften, 2007.

Hinz, Walther, 'Ein Orientalisches Handelsunternehmen im 15. Jahrhundert', Die Welt des Orients, 4 (1949), 313–248.

Hinz, Walther, 'Das Rechnungswesen Orientalischer Reichsfinanzämter im Mittelalter', Der Islam, 29 (1950), 1–29, 113–141.

Hodgson, Marshall G S, The Venture of Islam, 3 vols, University of Chicago Press, 1974.

Ibn al-Nadim, Al-Fihrist (trans [from the Arabic] M R Tajaddod), Tehran: Ebn





Sina, 1343/1964.

Ibn Tiqtaqa (Ibn 9 iqthaqa), Fakhr. History (Arabic text ed W Ahlwardt), Gotha: F A Perthes 1860, Karimi, Asghar, 'Hes.b-i siy.q' ya "hes.b-i din.ri" ', Mardom Shenasi va Farhang-e. 'Mma-ye Ir.n (AI 2536/1977), 91–100.

Karimi, Asghar, 'Vhedh-ye and za-giri dar il-e bakhtiyri va hesab-e siyaq', Mardom Shen.si va Farhang-e `mma-ye Ir.n (1353/1974), 47–57.

Kazim-zadeh, H, 'Les chi` res siyâq et la comptabilité persane', Revue du Monde Musulman.1915.

Al-Meyhani, Mohammad ibn `Abd al-Kh.leq, Dastur-e Dabiri (ed Adnan Sadik Erzi), Ankara:Türk Tarih Kurumu, 1962.

M.zandarani, `Abd-Allah b. Mohammad, Die Resala-ye falakiyya: ein persischer Leitfaden des statlichen Rechnungswesens (um 1363) (ed and trans Walther Hinz), Steiner, 1952.

Menninger, Karl, Number Words and Number Symbols: a Cultural History of Numbers, MIT Press, 1969.

Mirza Badi` Diwan, Majma` a l-arq .m (Madzhma` a l-ark.m ' Collection of numerals)(`Persian text ed A B Vildanova), Nauk, 1981.

Mostow[`Abd-Allah, Sharh-e zendag.ni-ye man, Tehran: Zavvar, reprint 1321/1942. VolumeII, 335–340 .

İnalcik, Halil, 0 e Customs Register of Ca5 a, 1487–1490, Department of Near Eastern Languages, Harvard University, 1995.

Jahshiyāri, Mohammad ibn `Abdus, Ketāb al vozarā va'l-kottāb (ed M al-Saqqa et al), Cairo:Mustafā al-Bābī al-Halabī wa-Awlāduhu, 1938.

Karimi, Asghar, 'Hesāb-i siyāq' ya "hesāb-i dināri" ', Mardom Shenāsi va Farhang-e `Āmma-ye Irān (AI 2536/1977), 91–100.

Shenāsi va Farhang-e `Āmma-ye Irān (1353/1974), 47–57.

al-Kāshi, Jamshid ibn Mas`ud, Mi\_ āh al-hisāb, Tehran, 1888.

al-Meyhani, Mohammad ibn `Abd al-Khāleq, Dastur-e Dabiri (ed Adnan Sadik Erzi), Ankara:Türk Tarih Kurumu, 1962.

Bagheri, Mohammad, 'Siyaqat accounting: its origin, history, and principles', Acta Orientalia, Budapest), 51 (1998), 297–301.



Barker, M A R, A Course in Urdu, 3 vols, Montreal Institute of Islamic Studies, 1967.

Elker, Salahaddin, Divan rakamlar., Ankara: Türk Tarih Kurumu, 1953.

Floor, Willem, A F scal history of Iran in the Safavid and Qajar periods, 1500–1925, New York: Bibliotheca Persica, 1998.

Forbes, William, A grammar of the Goojratee language, Bombay: private publication, 1829.

Gulam Ahmed Munshi, Farung al-af`al, or dictionary of Persian verbs: amadan nameh, Bombay: Homee, Sorab & Co, 1925.

Günday, Dündar, Arsiv belgelerinde siyakat yaz.s. .zellikleri va Divan Rakamlar., Ankara: Türk Tarih Kurumu, 1974.

Alparslan, `Ali, `Khatt`, Encyclopaedia Iranica, Routledge & Kegan Paul, 1982, 1124–1125.

Amoli, Shams al-Din Mohammad b. Mahmud, Nafā`es al-fonun F `arāes al`Oyun (ed Mirza Abu al-Hasan Sha`rani), Tehran: Eslāmiya, 1377/1998. See especially vol I, 303–311.

Barker, M A R, A course in Urdu, 3 vols, Montreal Institute of Islamic Studies, 1967.

Elker, Salahaddin, Divan rakamları, Ankara: Türk Tarih Kurumu, 1953.

Floor, Willem, A F scal history of Iran in the Safavid and Qajar periods, 1500–1925, New York: Bibliotheca Persica, 1998.

Forbes, William, A grammar of the Goojratee language, Bombay: private publication, 1829.

Golchin Ma`āni, Ahmad, `Resāla dar `elm-e siyāq`, Majalla-ye Dāneshkada-ye Adabiyāt-e Dāneshgāh-e Tehrān, 12 (1344/1965), 355–623.

Gulam Ahmed Munshi, Farung al-af`al, or dictionary of Persian verbs: amadan nameh, Bombay: Homee, Sorab & Co, 1925.

Habib, Irfan, O e agrarian system of Mughal India, 1556–1707, 2nd ed, Oxford University Press, 1999.

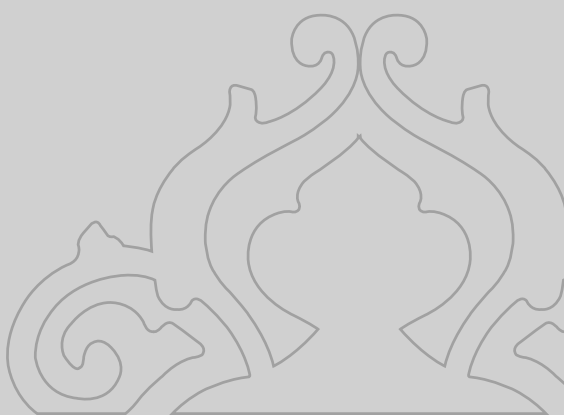
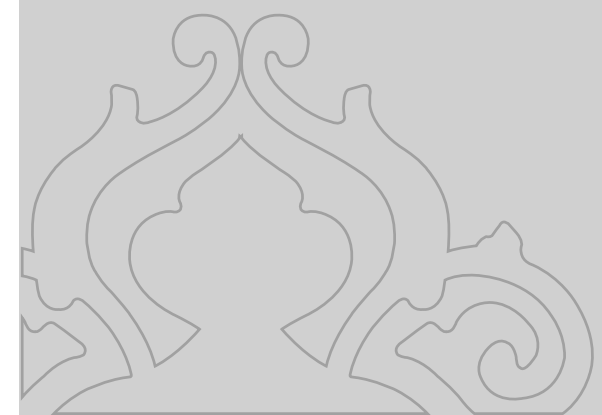
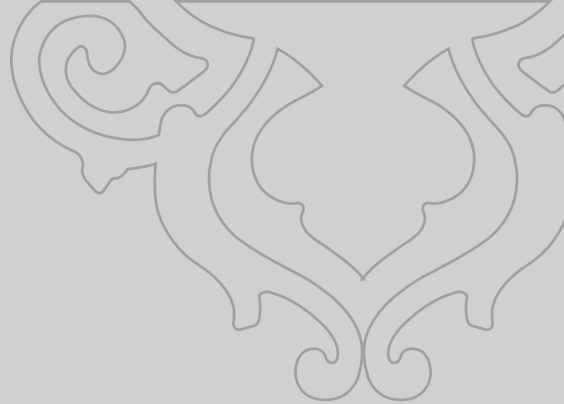
Hanaway, William L, and Spooner, Brian, Reading nasta`liq: Persian and Urdu hands from 1500 to the present, Costa Mesa, CA: Mazda, 1995; 2nd revised ed, 2007.



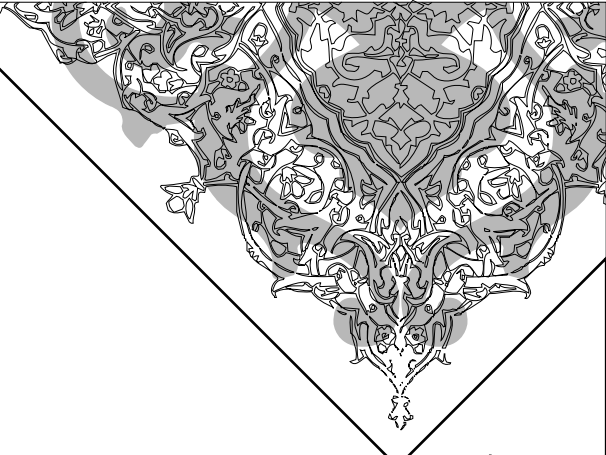


Heywood, C J, 'Siyākat', Encyclopaedia of Islam, vol 9, 2nd ed, Brill, 1997, 692–693.

Alam, Muza\ar, '9 e making of a munshi', Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East 24/2 (2004), 61–72.







## مراکز و مؤسسات ایران شناسی در فدراسیون روسیه

■ سعید شیری

مکتب شرق شناسی و به تبع آن ایران شناسی و اسلام شناسی روسیه سرگذشت پر نشیب و فرازی داشته است. در دوران روسیه تزاری شرق شناسی روسیه در هم‌آوردی با مکتب شرق شناسی بریتانیای کبیر تلاش‌های گسترده‌ای برای شناخت شرق و شرقیان صورت داد و کارنامه پر بارى پدید آورد. تلاش برای شناخت و معرفی ایران در روسیه در نیمه اول قرن نوزدهم آغاز گشت. فعال شدن سیاست امپراطوری روسیه در ایران در قرن نوزدهم و انتشار نوشته‌های دیپلمات‌ها، کارمندان نظامی و بازرگانان روس در آن روزگار موجبات تکوین و تشکیل ایران شناسی دانشورانه را فراهم آورد. توصیفات علمی سفرنامه‌های ن.و. هانیکو، ن. زارودنی و کارهای ارزشمند بارتولد، میلر، زالمان و ژوکفسکی به پیشرفت ایران شناسی کمک کرد و نهادهای خاصی برای مطالعه و شناخت فرهنگ، تاریخ و مسائل ایران پدید آمد.

با برآمدن نظام سوسیالیستی، شرق شناسی روسیه با تکیه بر اندیشه مارکسیسم و ماتریالیسم تاریخی به سمت دیگری حرکت کرد و بر پایه آموزه‌های مارکسیسم ادبیات دیگری را به‌عنوان شرق شناسی ارائه که در آن بر جنبش‌های اجتماعی تأکید می‌کرد. در دوره اتحاد شوروی سابق، ایران شناسی با تحقیقات دانشمندان مارکسیست که در وهله اول تاریخ معاصر را بررسی می‌کردند، فریبه‌ی یافت و ایران شناسان برجسته‌ای در مسکو، لنینگراد و چند شهر دیگر پدید آمدند و با تحقیقات خود سنت ایران شناسی روس مبتنی بر اندیشه‌های ماتریالیسم تاریخی و تحلیل طبقاتی تاریخ را بوجود آوردند. ایران شناسان مارکسیست در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۹۰ آثار و نوشته‌های بسیار پیرامون تاریخ باستانی ایران، تاریخ قرون وسطی و تاریخ جدید، سیاست روسیه تزاری و شوروی در



نمایی از دانشگاه سنت پترزبورگ

ایران تألیف و منتشر کردند. رویکرد و جهت گیری این نوشته‌ها بیشتر معطوف به تاریخ و مسایل اجتماعی- اقتصادی ایران در قرن بیستم، روابط ایران و شوروی، تاریخ نهضت‌های آزادیخواهانه و سیاست دولت‌های امپریالیست در ایران بود. در دوره شوروی سابق، روابط نزدیک ایران با کشورهای غربی، روابط دو کشور ایران و روسیه، کنجکاوی‌های علمی، اهداف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مطامع استعماری ضرورت شناخت زمینه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی ایران را برای سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان اتحاد جماهیر شوروی توجیه می‌کرد. یکی از لوازم این توجه و نیاز به شناخت جنبه‌های گوناگون کشور و مردم ایران، تأسیس مؤسسه‌ها و مراکز گوناگون ایران‌شناسی و تربیت ایران‌شناسان در رشته‌های گوناگون تاریخ ایران، زبان‌شناسی زبان‌های ایرانی، اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی ایران و ادبیات و فرهنگ ایران بوده است. با فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ فعالیت‌های مراکز و مؤسسات ایران‌شناسی کمی کُند شد و حتی در یک مقطعی، خصوصاً در مورد مراکز و مؤسسه‌های شرق‌شناسی، به فراموشی سپرده شد. اما این روند دیری نپایید و در سال‌های بعد دوباره شرق‌شناسی و ایران‌شناسی فعال شد. مخصوصاً با رویکردهایی که ولادیمیر پوتین دارد و به دنبال احیای قدرت شوروی سابق در شکل روسیه جدید است، ایران‌شناسی هم تجدید حیات تازه‌ای پیدا کرده است. در دو دهه گذشته، مراکز و مؤسسات ایران‌شناسی در روسیه به قرار دوره شوروی سابق حرکت نمی‌کنند و اندک اندک روش‌های پژوهشی و آموزشی پیشین را فرو نهادند و کوشیدند فارغ از ایدئولوژی به مطالعه، بررسی و آموزش مباحث و موضوعات مربوط به فرهنگ، تاریخ، ادبیات، دین و نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران بپردازند.

نظر به اهمیت مراکز و مؤسسات ایران‌شناسی روسیه در شناخت و معرفی ایران و نیز تأثیر



آنها در سنت ایران شناسی در کشورهای مشترک المنافع لازم است با این مراکز و مؤسسات آشنا شویم. آنچه در پی می آید، اشاره ای مختصر بر مهم ترین مراکز و مؤسسات فعال در زمینه ایران شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در پهنه فدراسیون روسیه است.

### مؤسسه کشورهای آسیا و آفریقا:

مؤسسه زبان های شرقی در سال ۱۹۵۶ در دانشگاه مسکو تأسیس شد و پس از مدتی نام او به مؤسسه آسیا و آفریقا تغییر یافت. با تشکیل این مؤسسه، گروه های زبان و ادب فارسی و ترکی از دانشکده زبان و ادبیات جدا و به این مؤسسه منتقل شدند. در سال ۱۹۷۲ مؤسسه تجدید ساختار یافت و هدف آن بسط و گسترش پیدا کرد و فارغ التحصیلان آن هم در زمینه زبان های کمیاب و هم در رشته های تاریخ، زبان شناسی، ادبیات، سیاست و اقتصاد کشورهای آسیا و آفریقا آموزش می دیدند. آموزش ها و کلاس ها در سه بخش تاریخ، زبان و ادبیات و مسائل اقتصادی و اجتماعی برگزار می شد.

برنامه های آموزشی مصوب (۱۹۹۴) مؤسسه آسیا و آفریقا برای مقطع کارشناسی چهارسال و موضوعات و دروس آن عبارتند از: منطقه شناسی با تخصص در یکی از رشته های شرق شناسی، تاریخ، زبان و ادبیات شرقی و اقتصاد کشورهای آسیایی و آفریقایی. فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی علاقمند به ادامه تحصیل می توانند با گذراندن دو سال تحصیلی به اخذ کارشناسی ارشد نائل آیند. دانشجویان مؤسسه آسیا و آفریقا در زمان تحصیل حداقل با دو زبان شرقی و یکی از



نمایی از دانشگاه مسکو



زبان غربی مانند انگلیسی، آلمانی و فرانسوی آشنا می‌شوند. در بخش تاریخ، مسائل و موضوعات تاریخی کشورهای خاور نزدیک و میانه، کشورهای آسیای جنوبی، چین و کشورهای آفریقایی تدریس می‌شود. فارغ التحصیلان بخش تاریخ مؤسسه آسیا و آفریقا علاوه بر دروس تخصصی، دروس عمومی مانند تاریخ روسیه، باستان شناسی و نژاد شناسی را نیز فرا می‌گیرند.

بخش زبان و ادبیات مؤسسه آسیا و آفریقا در بردارنده دپارتمان‌های: فیلولوژی یا واژه شناسی زبان و ادبیات عرب، فارسی، ترکی، هندی، زبان‌های کشورهای آسیای جنوب شرقی، کره‌ای، مغولستانی، چینی، ژاپنی، زبان‌های اروپای غربی و آفریقا شناسی است. دانشجویان بخش زبان و ادبیات، دوره‌های مشترک ادبیات، زبان شناسی عمومی و تاریخ ادبیات را فرا می‌گیرند. آن‌ها همچنین دروس تخصصی آواشناسی نظری، دستور زبان، لغت و لهجه شناسی و تاریخ زبان‌های شرقی، ادبیات، تاریخ، جغرافیا و نظام سیاسی کشور یا منطقه مورد مطالعه را نیز می‌آموزند.

### کرسی ایران شناسی

همزمان با راه اندازی مؤسسه زبان‌های شرقی در سال ۱۹۵۶، پروفسور «ویرا راستارگویوا» به عنوان رئیس کرسی زبان و ادبیات فارسی انتخاب شد. این منصب در سال ۱۹۶۰ به پروفسور «پیسیکوف» تفویض شد. پس از وی به ترتیب پروفسور «لیبیدف» و پروفسور «ولادیمیر ایوانف» عهده دار این سمت بودند. در این کرسی دانشمندان سرشناسی مانند: آوچینیکف (زبان شناس)، نیکیتا ولیفکووسکایا (ادبیات شناس)، شارووا (زبان شناس) و لییدوف (افغان شناس) به تدریس و پژوهش اشتغال داشتند. در کرسی ایران شناسی، زبان‌های فارسی، فارسی دری، پشتو (از سال ۱۹۶۹)، کردی و تاجیکی (از سال ۱۹۶۰) تدریس می‌شود. امروزه استادان زیر در این کرسی فعالیت دارند: پروفسور ایوانف استاد زبان و ادبیات فارسی؛ پروفسور آستروفسکی استاد زبان دری؛ پروفسور میکروف استاد زبان فارسی؛ دکتر ریسنر استاد زبان و ادبیات فارسی؛ خانم زاوزیرسکایا استاد زبان دری؛ خانم ساروکینا استاد زبان و ادبیات فارسی و خانم آرداشکوا استاد ادبیات.

### دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه

دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شد. این دانشگاه مشتمل بر هفت دانشکده است. در دانشکده زبان شناسی این دانشگاه کرسی زبان‌های شرقی دایر است. در این کرسی سالانه ۵۰ دانشجوی (۲۵ نفر در بخش زبان‌های شرقی و ۲۵ نفر در بخش زبان‌های غربی) پذیرفته می‌شوند. در بخش زبان‌های شرقی، دانشجویان می‌توانند از میان شش زبان (عربی، هندی، فارسی، دری، ژاپنی، ترکی و کره‌ای) یکی از زبان‌ها را به عنوان زبان تخصصی انتخاب کنند. به دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، علاوه بر آموزش زبان فارسی، زبان‌های عربی، فرانسه، یونانی باستان و نیز زبان‌های اوستا و پهلوی نیز آموزش داده می‌شود. بخش ایران شناسی، استاد رسمی ندارد و استادان



آن از سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی جذب می‌شوند. امروزه استادان ایران‌شناس و زبان و ادبیات فارسی زیر با بخش ایران‌شناسی دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه همکاری می‌کنند. ولادیمیر ایوانف (از مؤسسه آسیا و آفریقا) استاد زبان معاصر فارسی؛ ناتالیا چالیسووا (از مؤسسه شرق‌شناسی) استاد فرهنگ‌شناسی ایران؛ سوفیا وینوگرووا (از مؤسسه زبان‌شناسی) استاد زبان اوستا و فارسی باستان و ویچسلاو موشکالو استاد زبان فارسی.

### شعبه ادبیات ملل آسیا

در این شعبه، یک گروه ایران‌شناس تحت ریاست پروفسور کامیساروف، رئیس شعبه، به آموزش و تحقیق پیرامون ادبیات کلاسیک و معاصر ایران مشغول اند. این گروه پژوهشی بنیادی با عنوان «تاریخ ادبیات فارسی» انجام داده است. استادان زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناس در این بخش سه نفر هستند که اسامی آنها چنین است: پریگارینا استاد ادبیات فارسی و زبان‌های آسیای جنوبی، جهانگیر دری استاد متون نظم فارسی و نیکولا یوسکایا استاد و پژوهشگر ادبیات معاصر ایران.

### بخش ایران‌شناسی مؤسسه زبان‌شناسی آکادمی علوم فدراسیون روسیه

مؤسسه زبان‌شناسی مهم‌ترین مرکز زبان‌شناسی فدراسیون روسیه است که در آن تحقیقات علمی درباره زبان‌های رایج و پُرگوشور دنیا انجام می‌گیرد. تعداد پژوهشگران و محققان این بخش بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ نفر است. در مؤسسه زبان‌شناسی آکادمی علوم فدراسیون روسیه، بخش زبان‌های آلمانی، رومانیایی، فنلاندی، قفقازی، ایرانی، هندی، آفریقایی، خاور دور و زبان‌شناسی اجتماعی دایر است. بخش ایران‌شناسی یا زبان‌های ایرانی در سال ۱۹۵۲ تأسیس شد و نخستین رئیس آن پروفسور راستورگویوا بود. در حال حاضر دکتر ایفموف مدیر این بخش است.

بخش ایران‌شناسی مؤسسه زبان‌شناسی آکادمی علوم فدراسیون روسیه در تربیت استادان و پژوهشگران ایران‌شناس خدمات ارزنده‌ای انجام داده است. برخی از ایران‌شناسان معروف جمهوری‌های آسیای میانه و قفقاز از فارغ‌التحصیلان این بخش هستند.

استادان کنونی بخش ایران‌شناسی مؤسسه زبان‌شناسی عبارتند از: دکتر والتین ایفموف، پروفسور جایی ایدلمن، خانم تاتیانا پالخالینا و آقای محمد عیسی یف. شماری از پژوهشگران رشته ایران‌شناسی نیز این اشخاص هستند: خانم‌ها آزا کریمووا، یلیتا مولچانووا، سوفیا وینوگرووا، لیلی دادخداویوا، آلا لوشکووا و ویچسلاو موشکلو.

محققان و پژوهشگران بخش ایران‌شناسی تمام زبان‌های ایرانی و برخی لهجه‌های فارسی را مطالعه و بررسی کرده و آثار درخور اعتنایی را نیز به چاپ رسانده‌اند. زبان‌ها و لهجه‌های مورد مطالعه در بخش ایران‌شناسی شامل فارسی معاصر، فارسی باستانی و میانه (پهلوی)، فارسی تاجیکی، دری، کردی، تاتی، تالشی، گیلکی، مازندرانی، لری، بختیاری، سمنانی، گویش‌های استان



فارس، زبان های پامیری، زبان افغانی، آسی، آموری و پراچی بوده است. در سال های اخیر، پژوهشگران بخش ایران شناسی دو کتاب ارزنده «بنیاد زبان های ایرانی» در شش جلد و «آموزش مقایسه ای زبان های ایرانی» در ۲ جلد به چاپ رسانده اند. ضمن آنکه برخی از آثار محققان ایران شناس این بخش به زبان های اروپایی، تاجیکی و فارسی نیز ترجمه شده اند.

### مؤسسه نظامی زبان های خارجی

هدف مؤسسه نظامی زبان های خارجی، تربیت مترجمین زبان های خارجی برای نیروهای نظامی روسیه است. به فارغ التحصیلان این مؤسسه، درجه افسری اعطا می شود. در این مؤسسه، کرسی زبان های شرقی از جمله فارسی وجود دارد. در زمان شوروی سابق، سالانه ۱۰ تا ۲۰ دانشجو در گروه فارسی پذیرفته می شد. با فروپاشی اتحاد شوروی و کاهش نیروهای نظامی، تعداد دانشجویان بخش فارسی به مراتب کاهش یافته است. در حال حاضر در بخش زبان های شرقی مؤسسه نظامی زبان های خارجی، سه استاد زبان فارسی حضور دارند. پر سابقه ترین استاد زبان فارسی مؤسسه، دکتر واسکانیان است، وی از سال ۱۹۸۸ تا کنون استاد بخش زبان های شرقی بوده و کتاب «فرهنگ ها و خودآموزی های محاوره ای دو زبانی»، فارسی به روسی و روسی به فارسی را تألیف کرده است.

### آکادمی سازمان فدرال ضد جاسوسی

در این مؤسسه کرسی زبان های کشورهای خاورمیانه دایر است و زبان های عربی، فارسی و ترکی تدریس می شود. آکادمی هر ساله پنج تا شش دانشجو در رشته زبان و ادبیات فارسی می پذیرد. دوره آموزشی آکادمی پنج ساله بوده و در این مدت در هر هفته دوازده ساعت زبان فارسی تدریس می شود. در حال حاضر، شش استاد زبان و ادب فارسی به تدریس در این آکادمی اشتغال دارند. اسامی برخی از استادان چنین است: مارینا متخصص ادبیات فارسی؛ ویلا فرولوا و گالینا گولپوا.

### مؤسسات ایران شناسی در جمهوری های خود مختار:

الف) جمهوری خود مختار داغستان

#### بخش شرق شناسی دانشگاه دولتی داغستان

دانشگاه دولتی داغستان در سال ۱۹۳۲ پا گرفت. تدریس زبان فارسی در این دانشگاه در سال ۱۹۹۵ در گروه تاریخ آغاز شد و تا به امروز ادامه داشته است. رئیس بخش شرق شناسی این دانشگاه دکتر حسین تیکایو استاد ادبیات عرب است.

ب) جمهوری خود مختار باشقیرستان

#### بخش زبان شناسی و روزنامه نگاری دانشگاه دولتی باشقیرستان

دانشگاه دولتی باشقیرستان در سال ۱۹۵۷ تأسیس گردید ولی آموزش زبان فارسی از سال ۱۹۹۳ آغاز شده است. استاد زبان و ادبیات فارسی و رئیس بخش فارسی دکتر سیسانبایف متخصص



ادبیات شرق است. در سال ۱۹۹۸، اتاق زبان فارسی در بخش زبان شناسی دایر گردیده اما استاد، وسایل کمک آموزشی و امکانات کافی ندارد.

پ) جمهوری خودمختار آستییای شمالی

**بخش زبان های شرقی دانشکده روابط بین المللی دانشگاه دولتی آستییای شمالی (دانشگاه**

**ک.ل.خیتلاگودوا)**

این دانشگاه در سال ۱۹۷۲ افتتاح شد ولی بخش زبان های شرقی آن در سال ۱۹۹۴ تأسیس گردید. زبان فارسی در بخش زبان های شرقی به عنوان زبان فرعی تدریس می شود. استادان کنونی زبان فارسی این بخش دو نفر اند: سلطان یک میخاییلوویچ قرایف و البروس باتیریکویچ ساتسایف.

**دانشگاه دولتی علوم انسانی تاتارستان**

این دانشگاه در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد و از همان سال بخش فیلولوژی و کلاس زبان فارسی آغاز به کار کرد. اتاق فرهنگ ایران نیز از مارس ۱۹۹۹ در این دانشگاه دایر شده است. استادان کنونی زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه عبارتند از: آلبرت اخمت زیانوویچ بورخانف استاد تاریخ ایران، فریده شاوکاتونا آکولوا استاد زبان شناسی و زبان و تاریخ ادبیات ایران و میرسیوف عبدالایوویچ شفیف استاد زبان و ادبیات فارسی معاصر.

**مؤسسات ایران شناسی در سن پترزبورگ:**

الف) کرسی زبان شناسی و ادبیات ایران دانشکده شرق شناسی دانشگاه سنت پترزبورگ :

سنت پترزبورگ بزرگ ترین مرکز شرق شناسی روسیه است. تدریس زبان های شرقی در دانشکده شرق شناسی دانشگاه سنت پترزبورگ از سال ۱۸۰۴ آغاز شد. بخش زبان عربی و فارسی در دانشگاه سن پترزبورگ اولین بار در سال ۱۸۱۸ افتتاح شد. با تأسیس دانشکده شرق شناسی در سال ۱۸۵۵ کلاس های زبان پشتو، ادبیات فارسی، زبان اوستا و فارسی باستان گشایش یافتند. بخش ادبیات ایران در سال ۱۹۱۶ تأسیس گردید. در سال های ۱۸۷۶ تا ۱۹۱۶، زالیمان، ایران شناس معروف زبان پهلوی، اوستا و مبانی زبان های ایرانی را در این دانشکده تدریس می کرد. از سال ۱۸۸۶ پروفسور ژوکوفسکی، بزرگ ترین متخصص روسی اسلام در ایران، زبان فارسی معاصر، ادبیات و گویش های فارسی را تدریس می کرد.

پروفسور فریمان، ایران شناس برجسته روسیه، اولین رئیس کرسی زبان شناسی و ادبیات ایران در سال های ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۱ و بعداً در سال های ۱۹۴۴-۱۹۵۰ بود. در سال های ۱۹۵۰-۱۹۸۱ ایران شناس معروف پروفسور بولدریف و در سال های ۱۹۸۱-۱۹۹۱ پروفسور بوگولیوبدوف رئیس این کرسی بودند. رئیس کنونی کرسی ایران شناسی، پروفسور ایوان استبلین کامنسکی است. در سال های گذشته، ایران شناسان نام آوری مانند رومانوویچ، برتلس، زاروین و بوگولیوبدوف به عنوان استاد یا رئیس کرسی ایران شناسی در دانشکده شرق شناسی دانشگاه سنت پترزبورگ فعالیت کرده اند.



## مؤسسه دولتی روابط بین المللی مسکو

این مؤسسه که در دهه ۱۹۶۰ گشایش یافته وابسته به وزارت امور خارجه روسیه است. در این مؤسسه، رشته های دیپلماسی، حقوق و اقتصاد بین الملل و ۴۷ زبان خارجی از جمله فارسی آموزش داده می شود. نکته در خور اعتنا در باب این مؤسسه آن است که هر سال در هر سه رشته دیپلماسی، حقوق و اقتصاد بین الملل سه یا چهار دانشجو برای تخصص ایران شناسی پذیرفته می شوند و همه دانشجویان علاوه بر رشته منتخب خود، زبان فارسی را نیز آموزش می بینند. استادان ایران شناس در دو کرسی زبان های خاورمیانه و شرق شناسی (تاریخ، اقتصاد و حقوق) حضور دارند. زبان فارسی در این مؤسسه توسط «گئورگی ونیامینویچ آرسانیس» و «یلنا لونا گلاذکوا» تدریس می شود. در کرسی شرق شناسی نیز دکتر «دراییلوفسکی» تاریخ و سیاست خارجی ایران را تدریس می کند.

### گروه ایران شناسی بخش خاورمیانه و نزدیک :

اکثر ایران شناسان مؤسسه شرق شناسی سن پترزبورگ در گروه ایران شناسی و شماری دیگر در گروه های مختلف بخش های خاورمیانه و خاور دور مؤسسه شرق شناسی کار می کنند. گروه ایران شناسی در سال های گوناگون تحت ریاست ایران شناسان معروفی مانند زاخودیرن تسیبولسکی، کوزنیتسوف، آراباجان و تسوکانوف بوده است. در سال های دهه شصت و هفتاد در بخش خاورمیانه ایران شناسان نامداری چون سترویف، دیاکونف، پیگولیوسکایا، داندامایوف و پتروشکی حضور داشتند و درباره تاریخ ایران تحقیق می کردند.

امروزه، در گروه ایران شناسی چندین استاد و پژوهشگر به آموزش و پژوهش پیرامون فرهنگ، تاریخ، زبان های ایرانی، اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی ایران اشتغال دارند. اسامی و زمینه تخصصی آن ها چنین است: دکتر آراباجان محقق اقتصاد و تاریخ ایران، دکتر شمس الدین بدیع تبریزی متخصص اقتصاد و سیاست داخلی ایران، دکتر علی یف پژوهشگر تاریخ معاصر و سیاست داخلی ایران، دکتر کلاشتورینا فرهنگ شناس، کولاگینا محقق سیاست داخلی ایران در قرن های هجدهم و نوزدهم، محمدووا پژوهشگر اقتصاد ایران، اورولوف محقق سیاست خارجی و فدورووا پژوهشگر مناسبات ایران و آمریکا.

### شعبه مؤسسه شرق شناسی آکادمی علوم روسیه در شهر سن پترزبورگ:

در سال ۱۸۱۸ موزه آثار خطی شرقی در شهر سن پترزبورگ تأسیس گردید. با بسط و گسترش این موزه در سال ۱۹۳۰ مؤسسه شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی پدید آمد. چند سال پس از جنگ جهانی دوم این مؤسسه از سن پترزبورگ به شهر مسکو انتقال داده شد و فقط یک شعبه از آن در این شهر به نام شعبه نسخه های شرقی باقی ماند. بعد از گذشت دو سال، شعبه نسخه های



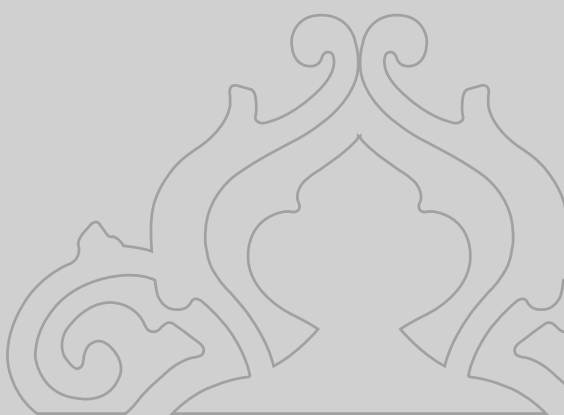
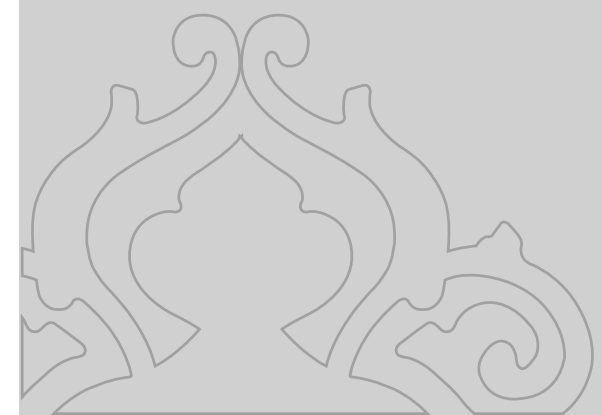


شرقی، مجدداً به مؤسسه شرق‌شناسی شعبه سن پترزبورگ تغییر نام یافت که وابسته به مؤسسه شرق‌شناسی مسکوست.

این مؤسسه به آموزش میراث ادبی و فرهنگی ایران توجه نشان می‌دهد. در حال حاضر در شعبه خاورمیانه مؤسسه شرق‌شناسی سن پترزبورگ، یازده کارمند ایران پژوه و افغان شناس حضور دارند. در این مؤسسه بخش زبان، تاریخ و ادبیات کرد، باستان‌شناسی ایران، دستنویس‌های فارسی و تاجیکی مطالعه و تحقیق می‌شود. آرشیو نسخه‌های خطی مؤسسه دارای پنج هزار نسخه خطی فارسی است.

### **مؤسسه زبان‌شناسی وابسته به آکادمی علوم روسیه در شهر سن پترزبورگ**

پس از فروپاشی شوروی، گروه ویژه «زبان‌های هند و ایرانی» در بخش مطالعات تطبیقی زبان‌های هند و اروپایی در مؤسسه زبان‌شناسی آکادمی علوم روسیه در شهر سن پترزبورگ ایجاد شد. این گروه در دو دهه گذشته آثار علمی متعددی درباره تاریخ و وضعیت کنونی زبان‌های مختلف هند و ایرانی منتشر کرده است. در این سال‌ها ایران‌شناسان معروفی نظیر پروفیسور زاروبین بنیان‌گذار آموزش علمی زبان‌های کوچک و بی‌خط و دکتر سوکولوف بنیان‌گذار آموزش علمی صداها در زبان‌های ایرانی در این گروه به تحقیق پرداخته‌اند. در زمان شوروی سابق، مؤسسه زبان‌شناسی سنت پترزبورگ سهم ارزنده‌ای در تربیت ایران‌شناسان روس داشت. در حال حاضر در این مؤسسه، گروه ویژه ایران‌شناسی وجود ندارد و ایران‌شناسانی مانند پروفیسور گرونبرگ، پروفیسور هرتسینبرگ، دکتر ایوبی و دکتر سمیرنوا در شعبات مختلف مؤسسه به پژوهش اشتغال دارند.





## بازنمایی ایران و ایرانیان در تصاویر بردن استانتون

■ احمدعلی امیری

هنگامی که سخن از ایران، مردم ایران و شناخت و معرفی ایران و ایرانی می‌شود، ذهن‌ها و فکرها به سوی ایران‌شناسان، پژوهشگران و مردم‌شناسان نشانه می‌رود. به اندیشه کمتر کسی خطور می‌کند که یک عکاس هم می‌تواند ایران‌شناس و ایرانی‌شناس باشد و بتواند همانند ایران‌شناسان حرفه‌ای و آکادمیک، ایران و ایرانی را بشناسد و بشناساند. امروزه، همه چیز دگرگون شده و هر چیزی تقریباً ممکن شده است. به جای ایران‌شناسان نستوه و مایه‌وری چون ادموند باسورث، آنه ماری شیمبل، ریچارد فرای و آرتور پوپ که عمر خود را صرف شناخت تاریخ، فرهنگ یا هنر ایران می‌کردند، دیپلمات‌ها، روزنامه‌نگاران یا توریست‌هایی پیدا شده و می‌شوند که با سفری چند ماه یا چند روزه به ایران به خود جرئت می‌دهند که در باره ایران و ایرانیان مقاله یا کتاب نوشته یا اظهار نظر کنند. در دو دهه گذشته، پدیده یا گروه دیگری در کنار این گروه‌ها سربرآورده‌اند که به جای کتاب و مقاله نویسی یا اظهار نظر کارشناسی، با دوربین عکاسی به سراغ ایران و ایرانیان آمده و با عکس‌های خود به معرفی ایران و فرهنگ و زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان پرداخته‌اند. نخستین کسی که به صورت جدی به معرفی ایران از طریق تصویر اقدام کرده و بر دیگران حق تقدم دارد، ریکاردو زیپولی، ایران‌شناس نام‌آور ایتالیایی است. عکاس دیگری که در دو ماه گذشته به ایران آمده و با انتشار تصاویر خود از دریچه دوربین عکاسی به ایران و ایرانیان نگریسته و تصاویر متفاوتی از مردم و سرزمین ایران به نمایش گذاشته، «برندن استانتون» است. تصاویری که عکاسانی امثال زیپولی و استانتون از ایران و ایرانیان گرفته و به نمایش گذاشته‌اند، گوشه‌هایی از واقعیت‌های مردمان این سرزمین و زیستگاه آنهاست، واقعیتی که به جای صفحات



کاغذ کتاب ها و مجلات بر دوربین عکاسی جای گرفته اند. بازنمایی حوادث، رفتار آدم ها یا به طور کلی سوژه ها از طریق دریچه دوربین عکاسی و تصویر، از پدیده های عصر ارتباطات است. عصری که در آن عکاسان حرفه ای و کارآزموده با یک تصویر جهانی را به جوش و خروش درمی آورند و موضوعی را به عرصه افکار عمومی می کشانند. عصری که عکاسان حرفه ای می توانند با یک تصویر، جهانی از اطلاعات، احساس، نفرت، علاقه، آگاهی یا شناخت تولید کنند، کاری که گاه از صد کتاب بر نمی آید.



برندن استانتون

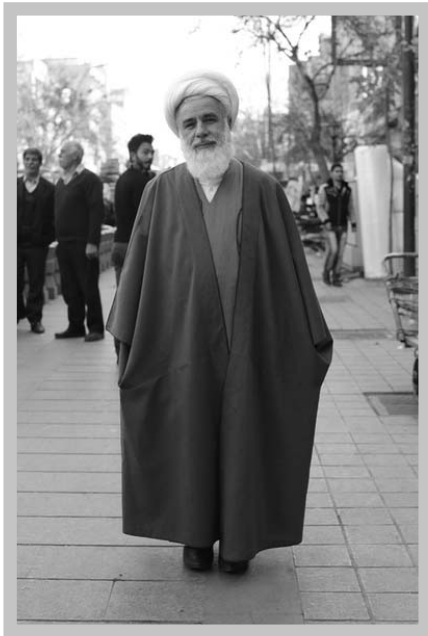
«برندن استانتون»، یک عکاس شهری خلاق، جوان و معروف اهل نیویورک است، که دو سه سال پیش بعد از این که شغلش را در شیکاگو از دست داد، تصمیم گرفت به نیویورک برود و از آدمها در فضاهای عمومی شهر مانند خیابان، پارک، مترو، رستوران و جاهای دیگر عکس بگیرد. هدف اول برندن این بود که نقشه نیویورک را با تصاویر آدمها از محله های مختلف شهر بازسازی کند. اما کم کم با اتفاق هایی که حین عکاسی با آنها مواجه شد و گفت و گوهایی که بین خودش و سوژه ها رد و بدل شد، تصمیم گرفت هدف اول را کنار بگذارد و با روش جدیدی کارش را ادامه دهد. برندن در دو سال از بیشتر از پنج هزار نفر در فضاهای عمومی شهر نیویورک عکس گرفته و به جز توضیح های کوتاه اما خواندنی که زیر اکثر عکس ها آورده، نزدیک به پنجاه داستان کوتاه از آدم های داخل عکس هایش نوشته است. محبوبیت برندن طی این دو سال به جایی رسید که توانست در ده روز بیشتر از سیصد و بیست هزار دلار برای کمک به آسیب دیدگان حوادث



یک زن ایرانی در نگاه استانتون



هنر فرش ایرانی از دوربین عکاس نیویورکی



طبیعی نیویورک جمع‌آوری کند. امروزه، اسم صفحه فیس‌بوک و توئیتر و وبلاگ برندن چند صد هزار نفر بازدید کننده دارد. عنوان وبلاگ وی «آدم‌های نیویورکی» است. او در تازه‌ترین پروژه خود با عنوان «آدم‌های نیویورکی در ایران» این بار نقشه شهرهای تهران و شیراز را با آدم‌هایش ترسیم کرد و با گفت‌وگوهایی که میان او و سوژه‌هایش در ایران ردوبدل شد فضاها را بازسازی



کرده است. این عکاس مشهور که در اواخر آذرماه سال ۱۳۹۱ به ایران آمد و تا دوم دیماه در ایران بود، فارغ از حاشیه‌ها به عکاسی از شهروندان ایرانی پرداخته است. کشور ایران از نگاه وی بسیار دیدنی است و توضیحات مختصر وی پای هر عکس، ارتباط گیری با سوژه‌ها را برای مخاطب ملموس تر می‌کند. بردن از خانواده مهاجر افغانستانی که در شیراز زندگی می‌کنند عکاسی کرده و با شاگرد قالی‌فروشی در بازار، بشقابی را که تنها پلو بوده برای نهار شریک شده است. او سراغ قالی‌های رنگارنگی رفته که در کوچه و بازار به چشمش خورده‌اند و بعد هم راهی موزه فرش شده است؛ بعد از استقبال کاربران از انتشار عکس‌های بردن استانتون از مردم کوچه و خیابان تهران، نوبت به دیگر شهرها رسید؛ اصفهان، ایبانه، سپیدان و شهر شیراز. بردن استانتون در کوچه و خیابان شهر شیراز نیز پرسه زده و از مردم در حافظیه، شاه‌چراغ، باغ ارم و آرامگاه سعدی عکس گرفته است. مجله‌های روی کیوسک‌های مطبوعاتی هم از چشم دوربین او پنهان نمانده‌اند. بردن با مردم شوخی می‌کند و شوخی‌هایش را در عکس‌هایش نشان می‌دهد. درباره پسرپچه‌ای که در آغوش مادرش حین خرید خوابیده نوشته است: «خب مردها هیچ وقت خرید دوست ندارند»<sup>۱</sup>.

۱. برای مشاهده بازنمایی طبقات مختلف ایرانیان در نگاه دوربین بردن استانتون بنگرید به آدم‌های نیویورکی در ایران "Humans of new York" در تارنمای او به این آدرس:  
[www.humansofnewyork.com](http://www.humansofnewyork.com)



# ایران تناسی

## در گذر زمان





### اشپولر، برتولد (۱۹۱۱-۱۹۹۰)<sup>۱</sup>

برتولد اشپولر از شرق شناسان و ایران شناسان بزرگ آلمانی و متخصص در مغول شناسی، تاریخ و فرهنگ اسلامی شرق و تاریخ دوران اسلامی ایران بود. وی تحصیلات خود را در دانشگاه های هایدلبرگ، مونیخ و برسلاو در رشته تاریخ و زبان شناسی اسلامی به پایان رسانید و از دانشگاه گوتینگن به اخذ دکتری نائل آمد. اشپولر به پانزده زبان قدیم و جدید مسلط بود و با لهجه عربی مصری به خوبی حرف می زد. وی سال ها در دانشگاه های هایدلبرگ، مونیخ و هامبورگ و برسلاو تدریس کرد و در سال های ۱۹۳۴ و ۱۹۳۵ با مؤسسه

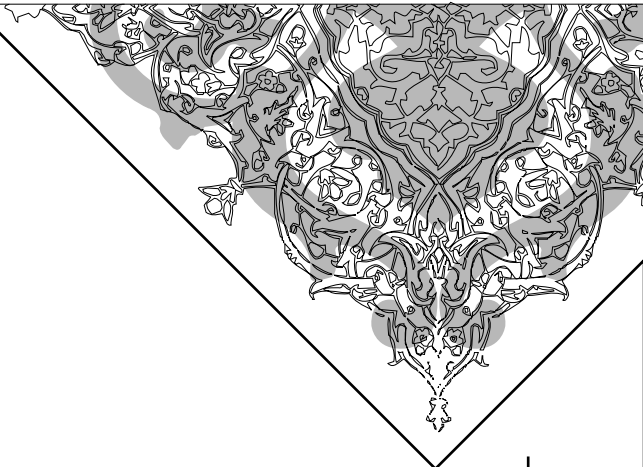
تاریخ سیلزی همکاری داشت. پس از جنگ جهانی دوم او به عنوان استاد مطالعات اسلامی جانشین کارل هاینریش بکر در مؤسسه تاریخ و فرهنگ خاور نزدیک در دانشگاه هامبورگ شد. دانشگاه (برن) درجه دکترای افتخاری در علوم الهی و دانشگاه (بردو) درجه دکترای افتخاری ادبیات به وی اعطا کردند. اشپولر در سال های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۵ استاد مدعو در دانشگاه های آنکارا و استانبول و از سال ۱۹۵۸ مدیر انجمن مطالعات اسلامی دانشگاه هامبورگ و از نویسندگان مجله «اسلام» بود. در تظاهرات دانشجویی سال ۱۹۶۷ او را به عضویت در گروه اس آ و حزب نازی متهم کردند و او در پاسخ دانشجویان معترض را شایسته «اردوگاه مرگ» دانست و به همین دلیل مدتی از کار رسمی خود برکنار شد.

پاره‌ای از مهمترین آثار برتولد اشپولر:

- دیپلماسی اروپایی در قسطنطنیه تا قرارداد صلح بلغراد ۱۷۳۹
- مردم و سرزمین‌ها بین ولگا و اورال
- اردوی زرین: مغول‌ها در روسیه از ۱۲۲۳ تا ۱۵۰۲
- تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، دو جلدی
- تاریخ مغول در ایران: سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان
- مغولان در تاریخ
- آسیای میانه (مجموعه مقالات تاریخی)
- تاریخ‌نگاری در ایران
- جهان اسلام: دوران خلافت
- سلسله‌های متقارن در ایران: طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان و ...
- ترکان در ایران

1. Bertold Spuler





## سهم آلمان در ایران شناسی<sup>۱</sup>

■ پروفیسور برتولد اشپولر

دو فرهنگ از سه فرهنگ بزرگ و مهمی که خاور نزدیک اسلامی را تحت نفوذ خود قرار داده‌اند دارای تماس مستقیم با اروپا بوده‌اند. توسعه سریع قدرت اعراب در اثر ظهور پیغمبر اسلام قبل از هر چیز اقوام روس را در مناطق جنوبی اروپا طعمه خویش قرار داد. جنگ‌های صلیبی نیز به عنوان مهم‌ترین عکس‌العمل غرب (عکس‌العملی که در نهایت از نظر سیاسی بی‌نتیجه ماند)، بطور عمده از طرف ملت‌های روس، فرانسوی و از نظر مسلمان‌ها، اسپانیایی‌ها برپا و هدایت گردید. پس از جنگ‌های صلیبی، با ایجاد یک امپراطوری بزرگ اسلامی، ترک‌های عثمانی از استانبول گذر کرده و به دروازه‌های وین رسیدند و با ملل اروپای جنوب غربی تا همسایگی آلمان پیش رفتند. بدین ترتیب، غربیان برای مدت طولانی از نظر سیاسی و نظامی دشمن و رقیب سرسختی برای عثمانی‌ها شدند.

نتیجه تماس ملل غرب با اعراب و ترک‌ها این بود که مسلمانان و مذهب آن‌ها با دقت بیشتری مورد کاوش و تحقیق قرار گرفت. تماس و برخورد فکری اروپائیان با دنیایی که تا آن زمان برایشان بیگانه بود، آن‌ها را در شناسایی موقعیت خویش یاری کرد. باید گفت که مخاصمات و جنگ‌های صلیبی پس از پایان جنگ و حتی سال‌ها پس از آن در طرز قضاوت اروپائیان نسبت به ترک‌ها و اعراب بی‌تاثیر نبود. در ارتباط با آلمان می‌توان گفت که در حین جنگ‌های صلیبی، ملت آلمان از شناسایی دشمنان خود غافل نماند و با شناخت مسلمانان و بویژه ترک‌ها و اعراب، پایه‌های تفاهم و دوستی دو جانبه بعدی را فراهم آورد. با این همه، روابط اروپائیان و خصوصاً

۱. این مقاله نخستین بار در فروردین ماه ۱۳۴۶ در مجله کاوه (مونیخ)، شماره ۷، صص ۱۶-۲۰ منتشر شد. نظر به اهمیت این نوشته و نویسنده نامدار آن، اینک با ویرایش و اضافات جدید و معرفی کوتاهی از این ایران‌شناس بلند آوازه و آثارش باز نشر می‌شود.



آلمانی‌ها با سومین ملت بزرگ خاور میانه یعنی ایران دقیقاً غیر از روابط آن‌ها با ترک‌ها و اعراب است. روابط آلمانی‌ها با ایرانیان همواره از تحولات و چالش‌های سیاسی برکنار بوده است. ایرانی‌ها تنها ملتی هستند که در دوره اسلامی مرکز ثقل یک امپراطوری بزرگ نبودند، حتی در دوران‌های تاریخی که ایران مناطق و سرزمین‌های وسیعی مانند بین‌النهرین و قسمت‌هایی از قفقاز را با ساکنان عرب و ترک آن‌ها تحت نفوذ خود داشت، همواره عوامل ایرانی سایر عوامل را تحت الشعاع خود قرار می‌داد.

تحت این شرایط بود که ایرانیان به شعر و هنر خود افتخار می‌کردند و به آن‌ها وفادار می‌ماندند و تحت تأثیر عوامل دیگری قرار نمی‌گرفتند. ایرانیان به علت این فطانت سیاسی، تنها ملت مسلمان خاور نزدیک بودند که با اروپائیان و بخصوص آلمان‌ها ارتباط دوستانه برقرار کرده و نگذاشتند که خصومت و اختلاف روابطشان را تیره کند.

هنگامی که، کمی پس از ترک‌ها، ایران مسلمان مورد توجه آلمانی‌ها قرار گرفت، موقعیت سیاسی و نظامی این کشور ارزش و اهمیت چندانی نداشت که توجه آن‌ها را به سوی خود جلب کند. آنچه که اروپاییان و بویژه آلمانی‌ها را متوجه ایران کرد، آثار گرانسنگ در ادبیات و هنر ایران بود که هسته مرکزی و اساسی تمدن این کشور بود، آثاری که بیش از نیروی نظامی در حفظ و ترقی جایگاه و موقعیت ایران در دنیای اسلامی تأثیر داشته است. اگر اعراب و ترک‌ها متصرفات خود را با شمشیر تسخیر می‌کردند، ایرانیان با داشتن قدرت نظامی، که اغلب در اختیار داشتند، همیشه در قامت یک نیروی قدرتمند فرهنگی در بین ممالک اسلامی ظاهر می‌شدند.

ایران با سلاح صلح‌آمیز فکر و تمدن، موقعیت اعراب را با میراث فرهنگی باستانی خود ارتقاء داد و فرهنگ آن‌ها را غنی‌تر ساخت و حکومت خلفای عباسی را رهبری کرد. همچنانکه مدت زیادی از تسخیر ایران توسط ترکان سلجوقی نگذشته بود که سلاطین ترک خود را گرفتار و بنده فرهنگ ایران یافته و خود به صورت نیرومندترین حامی و حافظ فرهنگ ایرانی درآمدند.

در قرن شانزدهم آتش جنگ بین ایران و ترکان عثمانی به شدت شعله‌ور بود، علیرغم مخاصمه خونبار دو طرف، سلطان سلیم اول (۱۵۲۰-۱۵۱۲) امپراطور ترک اشعار خود را جز به زبان پارسی نمی‌سرود و تاریخ‌نویسان ترک گزارش غلبه ترکان بر ایرانیان را به زبان فارسی می‌نوشتند. البته باید این را نیز دانست که تنها ترک‌ها نبودند که تا قرون اخیر شاگردان ساعی فرهنگ ایران اسلامی بودند، همسایگان دیگر ایران مانند ترکان آسیای مرکزی (خصوصاً ازبک‌ها) در شمال و مسلمانان هند در جنوب شرقی نیز از فرهنگ ایران خوشه‌های فراوان بر گرفتند. همسایگان ایران در هنر، شعر، تاریخ‌نویسی و نثر نه تنها از مکاتب هنری و ادبی ایران پیروی می‌کردند که در این



زمینه‌ها از زبان های فارسی، اردو و ازبک نیز استفاده می کردند. بنابراین، جای تعجب نیست که اروپا نیز با احترام در برابر عظمت فکری ایرانیان سر تعظیم فرود آورد. اولین ایران شناس آلمانی آدام اولتاریوس<sup>۱</sup> (۱۶۰۰-۱۶۷۱) در قرن هفدهم نه تنها در کتاب خود به نام سفرهای شرقی (که سه بار تجدید چاپ شده) زندگی ایرانی را تشریح کرده که خود را موظف دانسته که در کتاب (گلزار ایرانی) خود ترجمه‌ای از گلستان سعدی را به جهان غرب ارائه نماید و اولین قدم را در راه شناساندن ادبیات ایران به هموطنان آلمانی زبانش بردارد. با این همه، اولتاریوس را هنوز نمی توان یک

ایران شناس واقعی به شمار آورد اما کتاب انگلبرت کمپفر<sup>۲</sup> (۱۹۵۱-۱۷۱۶) با عنوان «خاطرات سفر شرق» (۱۷۱۲) که به زبان لاتین نوشته شده و ایران و ایرانیان را به خوبی معرفی کرده باید یک تحقیق علمی محسوب داشت. همین کتاب بیست سال پیش توسط والتر هینتس<sup>۳</sup> به آلمانی تحت عنوان «در دربار شاهنشاهان ایران» (چاپ لایپزیگ ۱۹۴۰) ترجمه و منتشر گردید. این اثر از مهم ترین منابع تحقیق ایران در باره حکومت سلسله صفوی است.

البته آثار متعدد دیگری نیز توسط سیاحان آلمانی، که برخی از آن ها مدتی طولانی نیز در ایران زندگی کرده‌اند، نوشته شده که از نظر ارزش علمی به پای کتاب کمپفر نمی رسد. علیرغم ارزش نازل علمی این آثار، پاره ای اطلاعات مندرج در آن ها برای شناسائی کشور ایران اهمیت غیر قابل انکاری دارند. ذکر نام این آثار از حوصله این مختصر بیرون است. البته نباید تصور کرد که کشور ایران تنها از نظر موقعیت استثنائیش در دوره صفوی مورد توجه غرب و بخصوص آلمان ها بوده است. از سال ۱۹۰۲ هنگامی که ژرژ فریدریش گروتفند<sup>۴</sup> (۱۷۷۵-۱۸۵۳) در گوتینگن زمینه خواندن خطوط میخی را فرام آورد، رفته رفته پرده از حقایق هخامنشیان، تنها حکومت جهانگشای ایران در دوران قبل از اسلام، برداشته شد. پیش از آن، تاریخ ایران به صورت یک جانبه و ناعادلانه توسط یونانیان نوشته شده بود. با شروع کوشش های شرق شناسان و ایران شناسان بسیاری از کشورها که محققان آلمانی بین آن ها مقام شامخی دارند، صدای داریوش از دل سنگ ها و از ورای قرن ها به گوش دنیای امروز و آیندگان رسید و مقاصد و اقدامات این شهریار بزرگ آشکار گشت.

تحقیقات خارجیان درباره ایران منحصر به دوره هخامنشیان نیست. آشنائی با پارسیان هند، این محافظان باوفای فرهنگ فراموش شده ایران قبل از اسلام، موجب شد تا به کمک کتاب ها، اسناد و نوشته های این دوره میراث پیشینیان که تقریباً از ذهن ایرانیان پاک شده بود مجدداً زنده شود. همچنین تعداد زیادی از زبان ها و مذاهب ایرانی نیز بر ما آشکار گردید و اطلاعات امروزی ما از دوره اشکانیان و ساسانیان برپایه‌های محکمی قرار گرفت. چند سال پیش، کریستیان بارتولومه<sup>۵</sup> (۱۸۵۵-۱۹۲۵) در کتاب خود به نام «لغتنامه پارسی قدیم» (چاپ استراسبورگ ۱۹۰۴) (۱۹۰۴)

1. Adam Olearius
2. Engelbert Kampfers
3. Waltehr Hinz
4. G.F.Gortefend
5. Christian Bartholomae



مجموعه‌ای از اطلاعات درباره دوره‌های تحول زبان فارسی را با چنان دقت جمع‌آوری کرد که تا به امروز همچنان یکی از مراجع اصلی ایران‌شناسی شناخته می‌شود. پس از او، فریدریش کارل آندره آس<sup>۱</sup> (۱۸۴۶-۱۹۳۰) اسناد و مدارک متعددی مربوط به زبان فارسی قرون میانه را کشف و جمع‌آوری کرد که با وجود انتقاداتی که در جزئیات بر آن وارد شده، همان اسناد و مدارک پایه‌های تحقیقات بعدی را بنیان نهاد. با تکیه بر همین منابع بود که ادوارد میر<sup>۲</sup> (۱۸۵۵-۱۹۳۰) و هانس هینریش شدر<sup>۳</sup> (۱۸۹۶-۱۹۵۷) توانستند رابطه‌های فرهنگی و مسائل مربوط به تاریخ مذهب را توضیح دهند که تا آن زمان کسی اطلاعی از آنها نداشت. افزون بر این، در زمینه اعتقادات مذهبی ایرانیان و اسلام نیز با روش‌های جدید مطالعات و تحقیقاتی صورت گرفته است. در اینجا شایسته است که از تئودور نولدکه<sup>۴</sup> (۱۸۳۶-۱۹۳۰) نام ببریم که بیش از هشتاد سال قبل برای اولین بار راه تفسیر اخبار و احادیث صدر اسلام به زبان عربی را نشان داد<sup>۵</sup>. به غیر از این، نولدکه به کمک آثار کارل فولرس<sup>۶</sup> و پولیوس موهل<sup>۷</sup> آلمانی و با همیاری سایر مستشرقین غیر آلمانی پیرامون چگونگی ایجاد، اهمیت و محتوای حماسه بزرگ ازلی ایران یعنی شاهنامه فردوسی تحقیقاتی انجام داده است.

در اینجا شایسته است که یادی نیز از دانشمند آلمانی فریتس ولف<sup>۸</sup> (متوفی ۱۹۴۳) بکنیم که پس از دانشمندان فوق‌الذکر عمر خود را وقف تحقیق در شاهنامه کرد و تفسیر و حواشی بر آن نوشت و نشر داد (برلین ۱۹۳۶). وی در زمان حکومت ناسیونال سوسیالیست آلمان نازی به وضع فجیعی کشته شد.

به هر صورت، تاریخ ادبیات ایران در دوره اسلامی (تنها توسط دانشمندان آلمانی) به طور کامل بررسی و شناسانده نشده و مطالعه و تحقیق درباره ادبیات جدید ایران از قرن دهم میلادی به بعد به همت یوهان ولفگانگ فن گوته انجام گرفته است. در حال، این حافظ شاعر ایرانی بود، نه تازی و نه ترک، که زیبایی و مقام شعر شرقی را به گونه‌ای پدید آورد و ارائه نمود که گوته مؤلف دیوان غربی و شرقی را به بحث و تحقیق خلاقانه در زندگی، اشعار و افکار این بزرگترین غزلسرای ایران تشویق و ترغیب کرد. گوته با معرفی حافظ نه تنها برای او در ادبیات جهانی مقامی بس ارجمند باز کرد که برای معرفی، تفسیر و بیان آثار ادبی ایرانیان به غربیان چشم‌انداز تازه‌ای به روی گنجینه‌های ادبی این ملت بزرگ گشود و آن‌ها را با دنیایی از زیبایی و اندیشه‌های ناب آشنا کرد. البته پیش از گوته، آلمانی‌ها از طریق یوزف فریهرفن هامر پور گشتال<sup>۹</sup> (۱۷۷۴-۱۸۵۶) با پاره‌ای اندیشه‌های بزرگان ادب فارسی مانند حافظ آشنا شده بودند. با تفسیر هامر پور گشتال از حافظ (دیوان حافظ، توپینگن، ۱۸۱۲)، که مورد استفاده گوته نیز واقع شده بود، در قرون نوزدهم و بیستم یک سلسله شرح‌ها و ترجمه‌های شعر فارسی به آلمانی منتشر شد که ما را با ادبیات فارسی تا بدان اندازه آشنا ساخت که نظیر آن در کشورهای اسلامی سابقه نداشت. پژوهشگران آلمانی از آن پس نسبت به وظیفه‌ای که گوته برای ایشان تعیین کرده و ایشان را به مطالعه و شناخت بزرگان

1. F.K. Andreas
2. Eduard Meyer
3. H.H.Schaeder
4. Theodor No?ldeke

۵. تاریخ پارسیان و اعراب در زمان ساسانیان، ترجمه از متن عربی طبری، لیدن، ۱۸۷۹.

6. K.Vullers
7. Julius Mohl
8. Fritz Wolf
9. J.F.VOn Hammer Purgstall



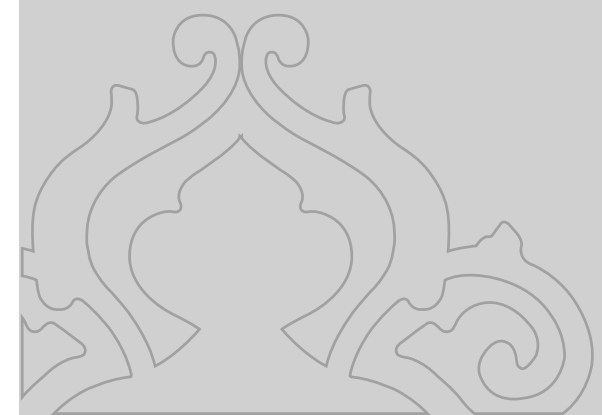
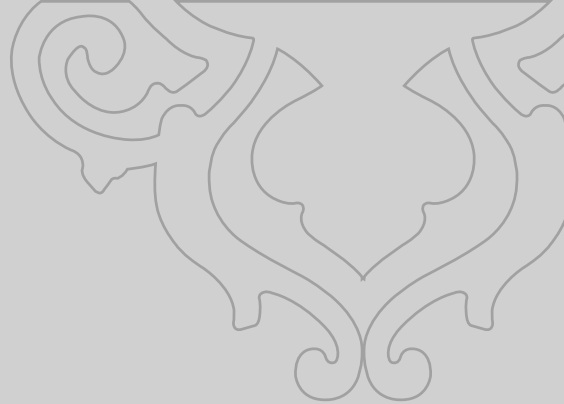
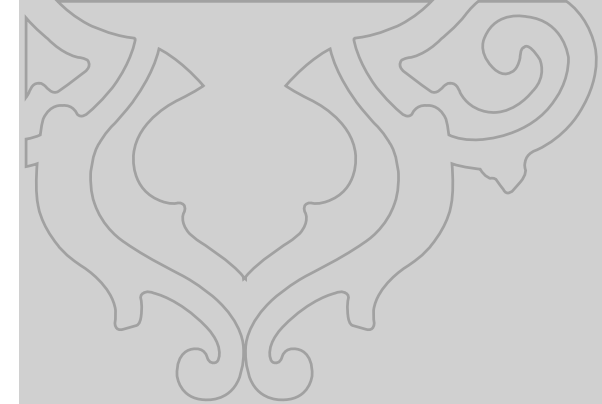
ادب فارسی رهنمون شده بود، وفادار ماندند. آنچه را که دانشمندان بزرگی مانند فردریش روکرت<sup>۱</sup> (۱۷۸۸-۱۸۶۶) و آدولف فریدریش گراف فن شاک<sup>۲</sup> (۱۸۱۵-۱۸۹۴) و پاپاول هورن<sup>۳</sup> (۱۹۰۸-۱۸۶۳) و فریدریش روزن<sup>۴</sup> (۱۸۵۶-۱۹۳۵) و یا از میان معاصرین دانشمندان بزرگی مانند هلموت ریتز<sup>۵</sup> برای معرفی، تجلیل و واکاوی ادبیات فارسی انجام داده‌اند هرگز فراموش نخواهد شد و برای ایرانیان نیز خالی از اهمیت و فایده نیست.

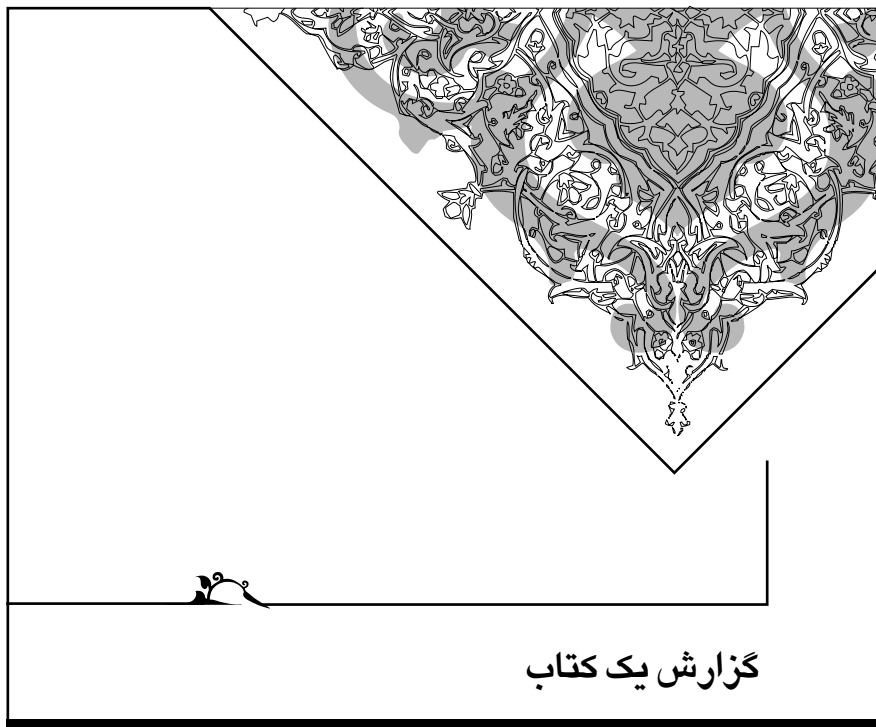
به موازات تحقیق درباره ادب فارسی، عده ای از دانشمندان آلمانی به تحقیق و شناخت مذهب شیعه دوازده امامی که مذهب رسمی ایرانیان است، پرداخته‌اند. از میان آن‌ها، رودولف شتروت هان<sup>۶</sup> (-۱۹۶۰ ۱۸۷۷) با دو کتاب «شیعه اثنا عشری» (لایپزیگ ۱۹۳۶) و «ادبیات شیعه» (لایپزیگ ۱۹۳۶) اشتهار بیشتری دارد. همچنین می‌توان از باستان شناسی و تاریخ هنر ایران نیز نام برد که دانشمندان آلمانی درباره وسعت و جنبه‌های خیره‌کننده آن‌ها از زوایای مختلف مطالعه کرده‌اند. در این مورد باید از فریدریش ساره<sup>۷</sup> (۱۸۶۵-۱۹۴۵) و ارنست هرتس فلد<sup>۸</sup> (۱۸۷۹-۱۹۴۸) نام ببریم که به علت اشتهار فراوان و شمار زیاد آثارشان می‌توان از برشمردن یکایک آثارشان صرف‌نظر کرد. با این که میل ندارم از زندگان نام ببرم ولی از یادآوری نام ارنست کوهنل<sup>۹</sup> نمی‌توانم خودداری کنم.

نباید تصور کرد که ایران‌شناسی آلمان منحصرأ در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، مذهب، تاریخ و هنر ایرانیان محدود ماند. دانشمندان آلمانی تنها به گذشته ایران (هرچقدر هم زنده باشد) و آثار کلاسیک ایران اکتفا نمی‌کردند، به مسائل و موضوعات جدید مربوط به ایران و توسعه و آبادانی آن نیز توجه می‌کردند و تحقیقات انجام می‌دادند.

آنچه که دانشمندان آلمانی به موازات کارهای دیگر در زمینه زمین‌شناسی و تحقیقات جغرافیائی، که برای توسعه و پیشرفت اقتصادی ایران مهم شمرده می‌شود، انجام داده‌اند به خوبی در کتاب بسیار آموزنده‌ای که آلفونس گابریل<sup>۱۰</sup> به نام «تحقیقات درباره ایران» (چاپ وین ۱۹۵۲) منتشر کرده و مقاله‌ای<sup>۱۱</sup> که ولفگانگ لنتز<sup>۱۲</sup> نوشته، منعکس شده است. در این کتاب به اکتشاف معادن و آب‌های زیرزمینی، کمک‌های پزشکی، تجهیز کشور با مدارس حرفه‌ای و مؤسسات آموزشی مشابه و آموزش جوانان ایرانی در آلمان و کمک مالی برای توسعه کشاورزی و صنعتی پرداخته شده است. البته در بیشتر این مسایل و موضوعاتی که در کتاب آمده، دانشمندان آلمانی به میزان قابل ملاحظه‌ای سهمیم بوده‌اند. به این ترتیب نباید روابط اقتصادی بین دو کشور ایران و آلمان را تنها یک مبادله اقتصادی در نظر گرفت. بلکه باید علاقه و احساس مشترک محققین و دانشمندان آلمانی را که در کلیه رشته‌ها نسبت به ملتی که با آن از سال‌های طولانی علاقت دو جانبه داشته‌اند، نیز در نظر گرفت.

1. Friedrich Ruckert
2. A.F.Graf Von Schack
3. Paul Horn
4. Friedrich Rosen
5. Hellmut Ritter
6. R.Strothman
7. Friedrich Sarre
8. Ernst Herzfeld
9. Ernst Kuhnel
10. Alfons Gabriel
۱۱. منتشرشده در مجله جمعیت آلمانی مشرق زمین، شماره، ۱۰۴، صص ۵۲۹-۵۲۴.
12. Wolfgang Lentz





## گزارش یک کتاب

■ سیاوش اسعداخری



«ایران، دروغ» کتاب منحصر به فرد نویسنده و محقق فرانسوی، ژیل لنو، دیدگاه جدیدی نسبت به ایران و موضوعات بحث بر انگیزی که اکثریت قریب به اتفاق رسانه‌ها و متفکران غربی درباره ایران رواج می‌دهند، ارائه می‌دهد. ژیل لنو در این اثر، فارغ از هرگونه تعصب و پیشداوری، واقعیت ایران و مسائل آن را آنگونه که با تحقیق و تفکر شخصی طی چندین سال تلاش شناخته به هموطنان فرانسه زبان خود می‌شناساند. وی با حرکت بر خلاف جریان فکری جامعه خویش، تلاش می‌کند تا دروغ‌های رسانه‌های غربی در مورد ایران را افشا کند.

ژیل لنو «ایران، دروغ» را زمانی نوشته که رسانه‌های غربی توجه ویژه‌ای به سیاست در ایران معطوف داشته و با استفاده از کلیشه‌های از پیش ساخته این کشور را آن گونه که با سیاست‌های سران غرب سازگار است، معرفی می‌کنند. در حقیقت، این کتاب واکنشی است نسبت به کلیشه‌های دروغین رسانه‌های غربی درباره ایران.

ژیل لنو در مقدمه کتابش می‌نویسد: «این کتاب در شرایط اضطراری نوشته شده؛ چند دقیقه قبل از اینکه اتفاق جبران ناپذیری رخ دهد. در زمانی که دنیای ما با سرعت تمام به سوی پرتگاه پوچی

1. Gilles Lanneau: Iran : le mensonge, Diffusion International Edition, 2010.



سرازیر شده، آنجا که بدی خود را به جای خوبی جا زده و جامه خود را برتن خوبی کرده است. من جرأت می‌کنم و صدایی آهسته درجهت مخالف برمی‌آورم. به امید موفقیت خطر می‌کنم. در دادگاه این جهان با ارزش‌های وارونه‌اش که از «محور شرارت» دفاع و «محور خیر» را متهم می‌کند، از محور خیر پشتیبانی می‌کنم».

ژیل لنو، در ۲ فوریه ۱۹۴۹ در رنس فرانسه متولد شد. شغل وی طراحی و ایجاد فضای سبز به شکل باغ و پارک است. وی یک نهاد برای کمک غذایی به محرومین و تقویت اخلاقیات در جامعه فرانسه تأسیس کرده است. ژیل لنو به ایران، پاکستان و هند سفر کرده و تحقیقاتی درباره افسانه‌های هندی-اروپایی و پایداری آنها در مناطقی که به سنت‌های گذشته پایبندند، انجام داده است. او درباره فرهنگ و اسطوره‌های ایرانی و هندی کتاب نوشته و کنفرانس‌هایی برگزار کرده است. آثاری که تاکنون از ژیل لنو منتشر شده عبارتند از: «مادر آب» (۱۹۸۶)، «در کشور نگهبانان قله‌ها» (۲۰۰۱)، «سی پرند» در مقابل خورشید» (۲۰۰۵)، «ریشه: سفری به سوی بی‌نهایت» (۲۰۰۹) و «ایران، دروغ» (۲۰۱۰). شناخت محتوای برخی از آثار ژیل لنو امکان آشنایی بیشتر با شخصیت او را فراهم می‌آورد.

«سی پرند» در مقابل خورشید» مجموعه سفرنامه‌هایی است که به وصف ایران می‌پردازد و هر فصل با بخشی از اشعار حافظ آغاز می‌شود. ایران، هند، مالزی، مراکش و پاکستان نمونه‌هایی از کشورهای مقصد در این سفر سی ساله هستند. این نویسنده به شیوه‌ای تازه که در نوشته‌های کمتر گردشگری بازتاب یافته، به شناختی عمیق از این کشورها رسیده است. ژیل لنو در این کتاب در قالب داستان، تجربه منحصر به فرد خود از برخورد با انسان‌ها، کشورها و تمدن‌ها در زمینه و بطن اجتماعی آن‌ها در اختیار خواننده می‌گذارد و اثری خواندنی و پرکشش خلق می‌کند. نگاه ساده، بی‌آلایش و دقیقی که این کتاب نسبت به حقیقت موجودات و جهان ارائه می‌دهد، از نقاط قوت این اثر است.

«ریشه: سفری به سوی بی‌نهایت» گزارش سفری است به ایران امروز در جستجوی اصل و مبدأ. این کتاب شرح برخوردهای غیرمنتظره با یک خاخام مرموز؛ پیامبران تورات و یک مرزبان که‌نسال است بر فراز کوهی که روزی پرستشگاه میترا بوده است.

آخرین کتاب ژیل لنو، با عنوان «ایران، دروغ» واکنشی است نسبت به دروغ‌پراکنی رسانه‌های غربی درباره ایران بخصوص بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸. لنو در ابتدای این کتاب با اشاره به تعداد زیادی اسم ایرانی، از آن‌ها به عنوان دوستانی که به او در نوشتن کتاب کمک کرده‌اند، تشکر می‌کند. این کتاب که در هفت فصل سامان یافته، از ستایش فرهنگ و تمدن غنی و اصیل ایرانی در دوره هخامنشی آغاز و به بحثی در باب آینده این سرزمین ختم می‌شود. در کتاب «ایران، دروغ»، نویسنده کلیشه‌های غربی درباره ایران را زیر سوال می‌برد و نادرستی آن‌ها را با ذکر نمونه‌هایی از مشاهدات شخصی خود برملا می‌کند. سرفصل‌های این کتاب چنین





است: ایران باستان، ایران احمدی نژاد، حقیقت ایران، انرژی هسته ای، ایران در جهان، انتخابات ریاست جمهوری و آینده ایران. در این جا در باب هر یک از فصول شرح مختصری آورده می شود. فصل اول با عنوان "ایران باستان" به اصالت فرهنگ ایرانی و قدمت تاریخی آن در مقایسه با غربیان می پردازد و فرهنگ شرقی را برتر از فرهنگ غرب معرفی می کند. وی هدف از این فصل را چنین بیان می کند: «دروغ ها از بس تکرار شده اند، در ژرفای ذهنیت نا آگاه مردم جا خوش کرده اند و جای واقعیت را گرفته اند. تصویر منفی که در غرب به ایران نسبت داده شده، نمونه ای از این نوع دروغ هاست. این دروغ ها نه تنها بعد از تحولات سیاسی این کشور ... که از زمان ایران باستان نیز درباره ایران و در نوشته های یونانیان وجود داشته است.» اولین دروغ غربی ها که ژیل لنو در این فصل به آن را چالش می کشد چنین معرفی شده است: «ایران باستان یک امپراتوری وحشی بود...» وی با بیان گوشه هایی از واقعیت های تاریخی و فرهنگ ایران، به نقض این دروغ و تصور نادرست غربیان از فرهنگ باستانی ایران پرداخته است.

فصل دوم کتاب این چنین آغاز می شود: «ما در دسامبر ۲۰۰۹ هستیم، ۶ ماه پس از انتخاباتی که کل جهان را به هیاهو درآنداخت.» فصل "ایران احمدی نژاد"، اشاره ای به آخرین انتخابات ریاست جمهوری در ایران دارد و برای درک بهتر آن، این جریان را در کنار دیگر رویدادهای بین المللی آن زمان بررسی می کند. ژیل لنو به وقایع مهم آن زمان در دنیا مانند قتل عام مردم غزه، انتخابات الجزایر، تونس و آمریکا اشاره می کند و با انتقاد شدید از رسانه های غربی، نحوه انعکاس این وقایع و وقایع ایران را محکوم می کند. وی می نویسد که چرا که رسانه های غربی از تقلب در انتخابات تردید برانگیز کشورهای حامی غرب هیچ سخنی به میان نمی آورند و از قتل عام های فلسطینیان به راحتی می گذرند. اما با ایران به گونه ای متفاوت برخورد می کنند، ادامه فصل دوم به معرفی مختصر زندگی محمود احمدی نژاد و شواهدی از عملکردهای وی در ۴ سال گذشته می پردازد. ژیل لنو پس از توضیح عملکرد رئیس جمهور در داخل کشور، در فصل سوم به توصیف جنبه های مختلف اجتماع ایرانی می پردازد تا خواننده فرانسوی را با واقعیت های جامعه ایران آشنا کند. او بدین منظور ساختار نظام سیاسی ایران را توضیح می دهد و آنچه را که متفکران غربی دخالت روحانیت در سیاست کشور تلقی می کنند، به عدم قدرت درک آن ها نسبت می دهد. به گفته لنو، باید ایران را با پیچیدگی ها و تجربه قدرت و حکومت چند هزار ساله اش شناخت تا بتوان ظرافت و قدرت آن را درک کرد. مسئله آموزش و پرورش دومین موضوعی است که در این فصل بررسی می شود. افزایش چشمگیر جمعیت با سواد ایران پس از انقلاب اسلامی و کیفیت آموزش، فزونی بودجه آموزش و پرورش از بودجه ارتش و ۶۶ درصد دانشجویان دختر، از مباحثی است که در این بخش بدان پرداخته می شود. نویسنده با تحقیر شماری از رسانه های غربی و نمایاندن تصویر منفی که آن ها از اقتصاد ایران ارائه می دهند، می نویسد: مسافری که برای اولین بار به این کشور سفر می کند و با شهرهای مدرن مواجه می شود، از دروغ هایی که رسانه های



غربی درباره ایران منتشر می کند، حیران می شود. در ادامه این فصل جنبه های گوناگون زندگی اجتماعی ایرانیان بررسی و با جامعه غربی و نگاه غالب غربیان درباره ایران مقایسه می شود. לנו یافته ها و مشاهدات خود را با انتظار و زمینه ذهنی بسیاری از غربیان ناسازگار می بیند و مقصر اصلی این ناسازگاری را رسانه های غربی می داند. برای مثال وی به فاصله موقعیت اجتماعی زنان در ایران و تصور غربیان از آن اشاره می کند و می نویسد: «فقط حضور چند ساعته در یک شهر ایرانی کافی است تا نظر دیرباورترین آدم ها را درباره زنان ایرانی عوض کند، زنانی که تنها رانندگی می کنند، یا با دوستان خود به رستوران می روند، زوج های جوان دانشجویی که دست در دست هم دارند... و بر خلاف تصور عامه زنان بدون تبعیض به بازار کار و انواع مشاغل دسترسی دارند. در صورتیکه ذهنیت بسیاری غربیان این است که زن ایرانی خانه نشین و غیر مستقل است» . ژیل לנו در این فصل علاوه بر بیان نقاط قوت و دفاع از ایران، ضعف ها و مشکلات را نیز بدون بزرگ نمایی بیان می کند. به گفته او اگرچه یارانه های دولتی به رفاه مردم کمک کرده، اما باعث ترویج فرهنگ اسراف در بین ایرانیان شده است. ژیل לנו همچنین به کلیشه هایی که در رسانه های فرانسه در مورد ایران وجود دارد اشاره کرده و آن ها را غیر واقعی و تا حدودی اغراق آمیز دانسته است. وی برای مثال در این باره به آمارهای غیر واقعی که رسانه های غربی درباره ایران و مصرف مواد مخدر ارائه می کنند، استناد می کند و این آمارها را نادرست می شمارد.

نویسنده در فصل چهارم پس از ارائه کلیاتی پیرامون شرایط زندگی در ایران، برنامه هسته ای ایران را که یکی از بحث های پر سر و صدا در غرب است، مورد بررسی قرار می دهد. در این فصل ابتدا هدف برنامه هسته ای ایران طبق گفته مقامات ایرانی و این سوال مطرح می شود که چرا کشوری که تولید کننده نفت و گاز طبیعی است به انرژی هسته ای روی آورده است؟ در پاسخ به این سؤال، ژیل לנו به رشد جمعیت و اقتصاد قدرتمند ایران و نیاز روز افزون این کشور به انرژی اشاره می کند. از نظر לנו، فروش منابع فسیلی راه عمده کسب درآمد کشور است؛ افزایش نیاز به انرژی و افزایش مصرف داخلی آن شرایط را به گونه ای عوض کرده که در آینده ایران ناچار به وارد کردن انرژی خواهد شد. לנו چنین نتیجه گیری کرده است که ایران انتخاب دیگری ندارد. پس باید منابع دیگر انرژی برای خود فراهم کند، چرا که اقتصاد کشور به این منابع وابسته است. نویسنده در ادامه این مباحث، فرضیه استفاده نظامی از انرژی هسته ای ایران را پیش می کشد و برای بررسی احتمال این فرضیه این چنین می نویسد: ایران یک قدرت اقتصادی است و در این سخن تردیدی نیست. این موقعیت این حق را به ایران می دهد که برای حفظ و تقویت این موقعیت در آینده کوشا باشد. مشکل از همین جا آغاز می شود. چرا که قدرت های دیگر منطقه ای در پی پدید آوردن و تقویت چنین جایگاهی در منطقه هستند ولی ایران را از این کار باز می دارند. فصل پنجم کتاب به موضوع ایران در دنیا اختصاص دارد. در آغاز این فصل به دو مورد جنجال برانگیز از سخنان محمود احمدی نژاد اشاره می شود که بازتاب رسانه ای گسترده ای در دنیا



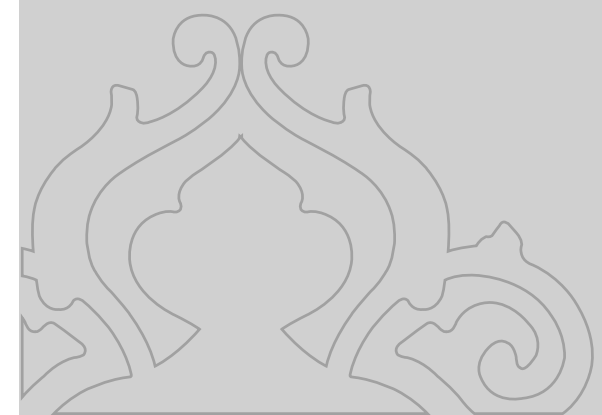
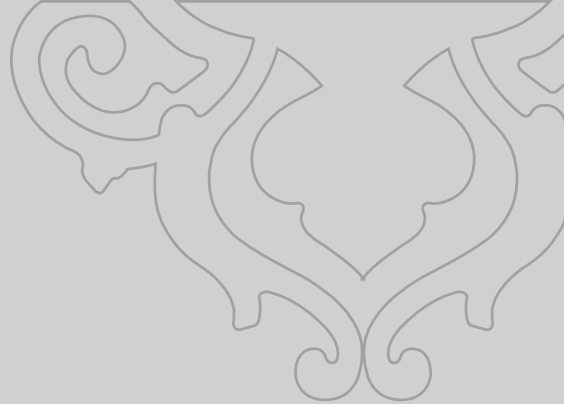
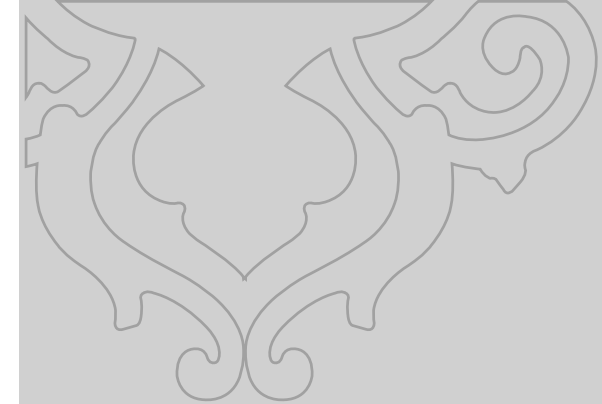
داشت: تهدید دولت اسرائیل و نفی هولوکاست. ژیل لنو برای شرح ماجرا هر دو جمله رئیس جمهور ایران را در درون متن کامل سخنان او جای داده و موقعیت زمانی سخنان ایشان را شرح نموده تا معنای مورد نظر از سخنان ایشان را به درستی توضیح دهد. در توضیح موقعیت زمانی این سخنان، ژیل لنو تهدیدهای اسرائیل و آمریکا علیه ایران را یاد آور می شود و سخنان رئیس جمهور ایران را پاسخی به این تهدیدها می داند. البته ژیل لنو دیدگاه روشنی در تأیید یا رد این سخنان ندارد اما بر این نکته تأکید می ورزد که رسانه های غربی با استناد به بخش کوتاهی از سخنانی از کل متن و عدم اعلام تهدیدهای آمریکا و اسرائیل بر ضد ایران، مفهوم سخن را تغییر داده اند. لنو سپس با بررسی روابط ایران با سایر کشورهای جهان می نویسد که این کشور به غیر از آمریکا، اروپای غربی و اسرائیل، با سایر کشورهای دنیا روابط خوبی دارد و کشورهای قدرتمندی چون روسیه، چین، هند و ترکیه از حامیان ایران هستند.

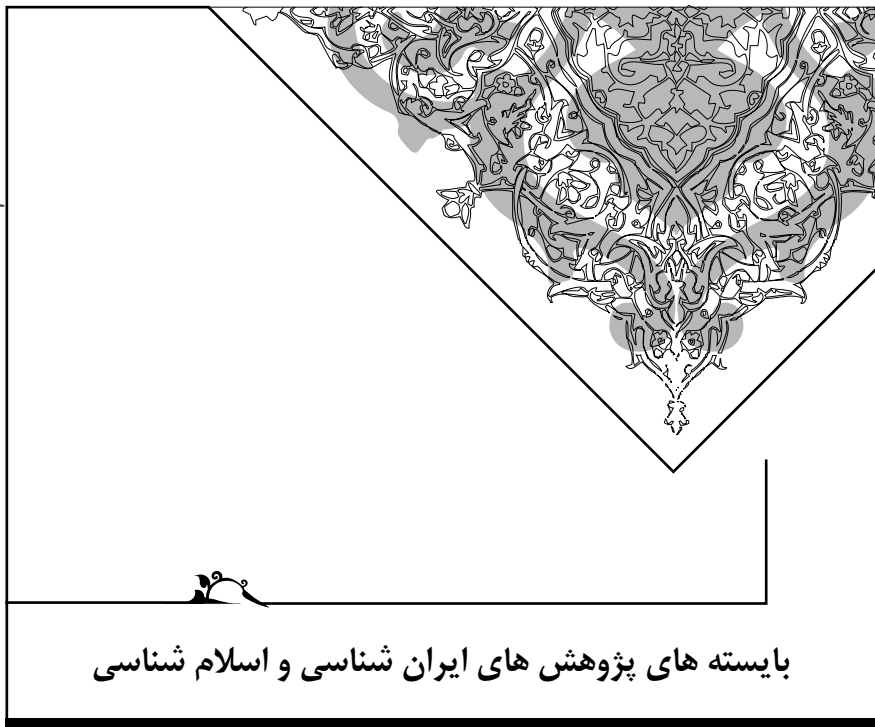
فصل ششم نگاهی به جریانات آخرین انتخابات ریاست جمهوری در ایران دارد و از پیشداوری رسانه های غربی که پیشاپیش اعلام کرده بودند که آقای احمدی نژاد دوباره انتخاب نخواهد شد سخن به میان می آورد. ژیل لنو بر این عقیده است که محمود احمدی نژاد با عملکردهایش برای بهبود شرایط طبقات محروم و روستاهای دورافتاده، که پیش از آن نادیده گرفته شده بودند، حمایت این گروه ها را جلب کرد و توانست آرای آن ها را بدست آورد.

فصل آخر کتاب «ایران، دروغ» با نگاهی به آینده ایران، به بررسی چند فرضیه و احتمال درباره وضعیت ایران در آینده می پردازد. نویسنده با برشمردن پاره ای ویژگی های این کشور مانند حس وطن دوستی ایرانیان، انتخاب رویکرد توسعه اقتصادی، غنی بودن منابع مواد اولیه و جمعیت جوان تحصیل کرده از آینده ای روشن برای ایران سخن می گوید.

ژیل لنو ایران را کشوری صلح طلب می خواند و بر این باور است که خطری از جانب ایران وجود ندارد. چرا که علیرغم فرصت هایی که برای این کشور فراهم شده، تلاشی برای توسعه مرزهایش نکرده و برنامه هسته ای اش نیز ساخت بمب نیست. سپس لنو ریشه رفتار ضد ایرانی غربیان را واکاوی می کند و قدمت این رفتار را به زمان هخامنشی برمی گرداند. لنو می نویسد که تفکر ایرانی عمیق و پیچیده است و غرب نمی تواند این پیچیدگی را درک کند؛ آینده ایران نیز از همین طرز فکر متفاوت پیروی خواهد کرد. ایران مدرن و پیشرفته امروز و آینده به ارزش های اصیل خود پایبند می ماند. دنیای عرفان و معنویت در قلب فرهنگ ایران است و در آینده نیز خواهد بود و غرب به چنین فرهنگ و معنویتی دسترسی ندارد.

لنو به حضور دین در زندگی ایرانیان اشاره می کند و می پرسد: آیا دین کلید حقیقی آینده ایران است یا مانعی است در راه پیشرفت کشور؟ غرب دین اسلام و بویژه اسلام شیعی را شیطانی قلمداد می کند. اما در غرب کسی حقیقتاً اسلام، شیعه و شیعیان را نمی شناسد.





## بایسته های پژوهش های ایران شناسی و اسلام شناسی

■ دکتر محسن جعفری مذهب<sup>۱</sup>

هر پژوهشگری در خلال جستجوها و تحقیقاتش به موادی دست می‌یابد که شاید هرگز منتشر نشود، زیرا حجم و اندازه اطلاعات یا مطالبش برای نگاشتن یک مقاله یا کتاب کافی نیست و آن‌ها را به صورت یادداشت ثبت و ضبط می‌کند و معلوم نیست این یادداشت‌ها پس از درگذشت محقق چه می‌شود و چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرد. کم‌اند پژوهشگرانی که یادداشت‌های خود را به مرکزی معتبر بسپارند و اندک‌اند اندیشمندانی که یادداشت‌هایشان به همت شاگردان وفادارشان منتشر شود. از این رو پیشنهاد می‌شود گزارش مختصری از وجود این‌گونه یادداشت‌ها، مراکز نگاه دارنده و افراد مطلع از کم و کیف اسناد، و فهرست مجمل اسناد در آن نشریه منتشر گردد تا به نوعی مالکیت معنوی پژوهشگران بر آثارشان حفظ و محترم شمرده شود. حتی می‌توان از پژوهشگران خواست پیش از خاتمه عمر درازشان، خود گزارشی از این یادداشت‌ها تهیه کنند.

گاه می‌شود بر اثر تجربه‌ای یا تأملی، طرحی به ذهن پژوهشگر می‌رسد که بنا به دلایلی خود از اجرای آن ناتوان است. مثلاً توان علمی یا تخصص لازم یا توان مالی یا وقت کافی یا دسترسی به منابع آن را ندارد؛ بدین خاطر بهتر است طرح را در جایی مطرح کند تا کسانی که آن توانایی‌ها را دارند و مانعی بر سر راهشان نیست طرح را به اجرا درآورند. چه طرح‌هایی که به دلیل عدم ارائه، در ذهن یا یادداشت‌های طراح مانده و پس از او یا با خود به گور رفته یا به دست دیگران به دور ریخته شده یا نفر دیگری آن طرح‌ها را به نام خود مطرح کرده است. چه بسیار پژوهش‌های مهمی که جرعه آن با استفاده از یادداشت‌های بزرگان تهیه شده و جرعه تحقیق را در ذهن پژوهشگر نخستین زده و از طریق این اوراق، یادداشت‌ها و حواشی کتاب یا مقاله ارزشمندی نوشته شده است.

۱. پژوهشگر و عضو هیأت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران



گاه می شود طراحی در فرم پژوهشی (پروپوزال) نوشته شده و به سازمانی یا نهادی دانشگاهی یا پژوهشی داده می شود تا در شورای پژوهشی آن نهاد مطرح و داوری و تصویب و تأمین بودجه و اجرا شود. اما بدلائیل شخصی یا اداری یا بدلیل قرار نداشتن استاد فلان و معاون و مشاور خاص در میان نام مجریان و مشاوران طرح، پروپوزال اعلان وصول یا داوری نمی شود، یا آنکه پژوهش پیشنهادی در شورای پژوهشی مطرح یا تصویب نمی شود. گاهی اوقات طرح پژوهشی تصویب می شود اما سازمان یا نهاد خاص بودجه ای برای این تحقیق ندارد. در این گونه مواقع طراح نه تنها این طرح را به فراموشی می سپارد که طرح نویسی و اندیشه پردازی را نیز از یاد می برد البته اگر این گونه طرح ها بعدها بنام دیگران (که مقبولترند) منتشر و اجرا نگردد.

پیشنهاد می شود از این پس صفحاتی از نشریه نامه ایران و اسلام به انتشار ایده ها و طرح های ایران شناسی و اسلام شناسی محققان و پژوهشگران و نظرات و پیشنهادات کسانی که موضوع یا طرح پژوهشی را دارند ولی توان اجرای آن را ندارند، اختصاص یابد. حتی با ذکر احتیاط می توان پیشنهاد کرد نامه ایران و اسلام پیوستی ماهانه بنام "بایسته های ایران شناسی و اسلام شناسی" منتشر کند.

فایده دیگر این اعلام موضوع آن است که به مصداق «الفضل للمتقدم»، بدین وسیله نام طراح اصلی ایده یا موضوع در جایی ثبت می شود و سابقه ای از آن به جای می ماند. هرچند این نیز خالی از سوء استفاده نیست و بعید نیست سودجویان طرح بخواهند با ثبت آن از خود رفع اتهامی کنند، اما در هر صورت ثبت همین گونه طرح ها از سویی به سود جامعه علمی و از سوی دیگر بازشدن مچ برخی از فرصت طلبان خواهد شد.

شاید این سؤال به میان آید که این پیشنهاد چه جایی در این نشریه دارد و چرا به سازمان دیگری ارائه نشده است. طرح این پیشنهاد در این نشریه علت های دیگری دارد. در سال های پیش چند طرح را در دایره هایی محدود مطرح کردم که هیچ کدام به عمل در نیامد و همه آن طرح ها سوخته شد. اینک تأسف می خورم که چرا آن طرح ها را منتشر نکردم تا صاحب همتی یافته شود و برخی از آن ها را به اجرا درآورد. یکی دوبار هم طرح خود را مختصر و مفصل منتشر کردم<sup>۱</sup> تا صاحب همتی آن را اجرا کند که البته سرانجامی نیافت.

چرا ایده ها و طرح های پژوهشی خود را منتشر نمی کنیم؟

۱: می ترسیم کسی آن ها را جدی نگیرد؟

۲: می ترسیم کسی آن را بیسندد و خود تحقیق را انجام دهد، اما برای اجرای آن از ما یاری نخواهد و ما را دعوت نکند؟

۳: می ترسیم کسی آن را بیسندد و بگذارد ما اجرا کنیم اما در زمان اجرا، فلان رئیس اداره یا معاون پژوهشی یا ناظر طرح با نابلدی یا کارشکنی های خود مانع اجرای درست تحقیق شوند و کار گل نصیب محقق و مجری طرح شود؟

۱. "ضرورت بررسی ۳۰ سال پژوهش آرشیوی در ایران"، گزارش میراث، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷ و "طرحی درباره یک سفرنامه" انشا و نویسندگی، ش ۱۸ فروردین ۹۱.



۴: می ترسیم کسی ایده یا موضوع تحقیق ما را بپسندد و بی اعتنا به ما طرح را به اجرا درآورد.

۵: می ترسیم .....

از چه می ترسیم؟ اگر بترسیم و افکار و ایده های خود را منتشر نکنیم، آیا می توانیم آنها را با خود بگور بپریم؟ بنظر می رسد مرده شوران بهشت زهرا اجازه بردن هیچ چیز به ما نمی دهند. طرح های زیادی به ذهنمان می رسد که به دلایل زیادی توان اجرای آن را نداریم. برخی طرح ها هم تاریخ مصرف دارند. اگر ما اجرا نکنیم یا نگذاریم دیگران به اجرا درآورند، حتی به گور معنوی هم نمی توانیم ببریم. بیاییم ایده ها و طرح هایمان را منتشر کنیم.<sup>۲</sup>

انتشار دو طرح توسط دکتر حسن حبیبی "طراحی مقدماتی برای ایران شناسی نظام یافته"<sup>۳</sup> و "طرح تدوین اطلس تاریخی زبان و ادب فارسی"<sup>۴</sup> نشان می دهد حتی کسانی چون دکتر حبیبی که از دور و نزدیک دستی بر آتش اجرای طرح های ملی دارند، حتی طرحی را که شاید سازمان متبوع ایشان ارجح در اجرای آن است در مجله نهاد دیگری منتشر می کند، مبدا دیگران از آن محروم بمانند. او در مقدمه طرح دوم می نویسد:

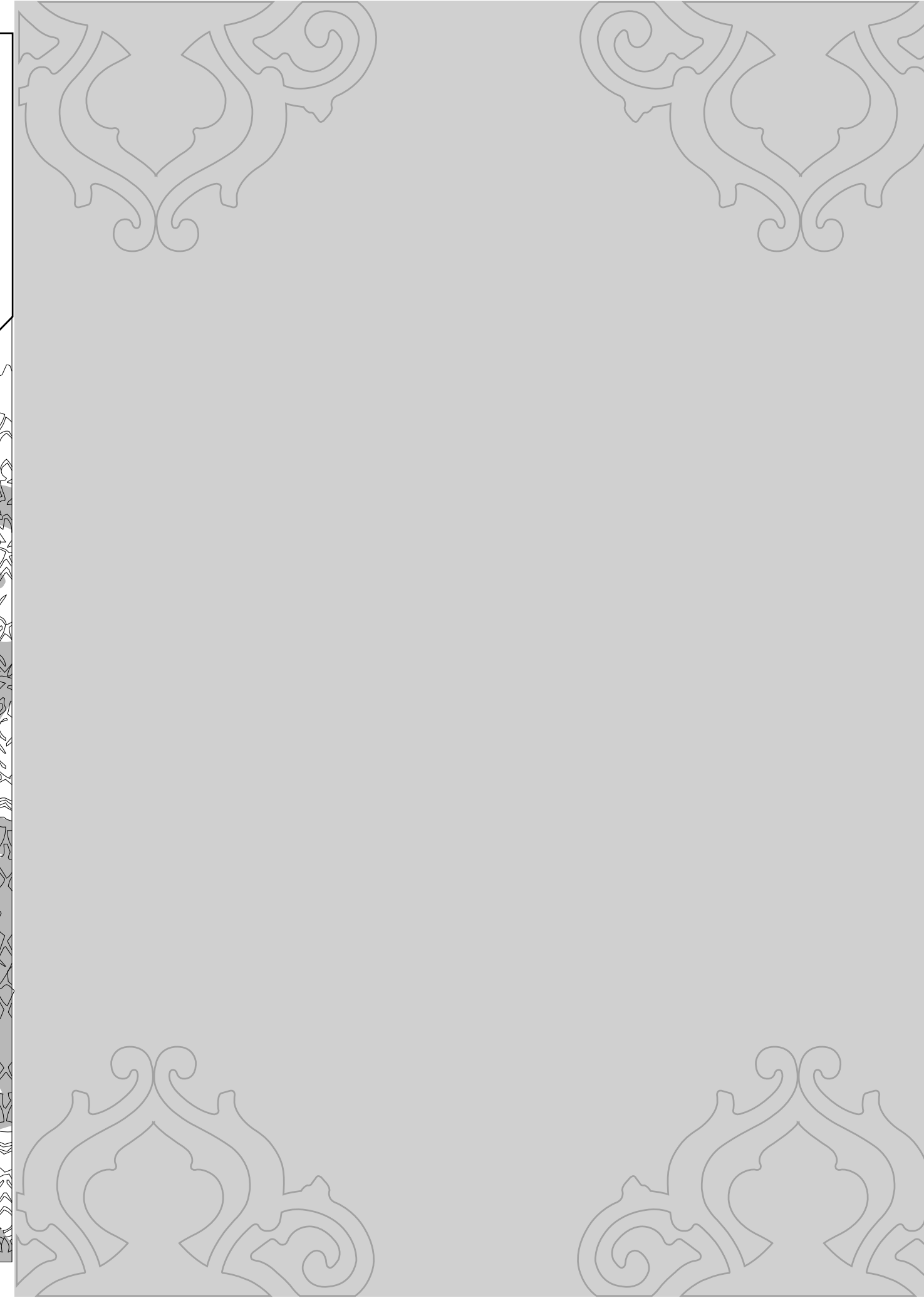
"البته این آرزوست که اگر بر جوانان عیب نباشد برای من رنجور که نیرو و رمق جوانی را ندارم چه بسا خیال محال باشد. اما چه می توان کرده، بقول مسرور،

ای آرزو هنوز جوانی من پیر گشتم و تو همانی

بی گمان تهیه چنین اطلسی به همکاری گروهی از پژوهشگران کارآموده پا به رکاب و جوان نیاز دارد که ...

و البته کسانی چون ایشان که تجربه عمر خود را به بهای رایگان در اختیار دیگران گذارد، نادرند.

۱. این پیشنهاد پیشتر دو بار و به صورت های دیگر هم مطرح شد: «بایسته ها» نامه بهارستان، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۳۷۹  
«لطفاً طرح ما را بدزدید و اجرا کنید»، گزارش میراث، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷.  
۲. فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۹  
۳. نامه فرهنگستان پاییز ۱۳۹۰

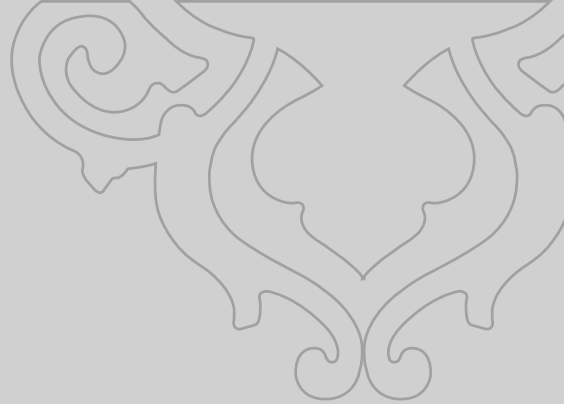
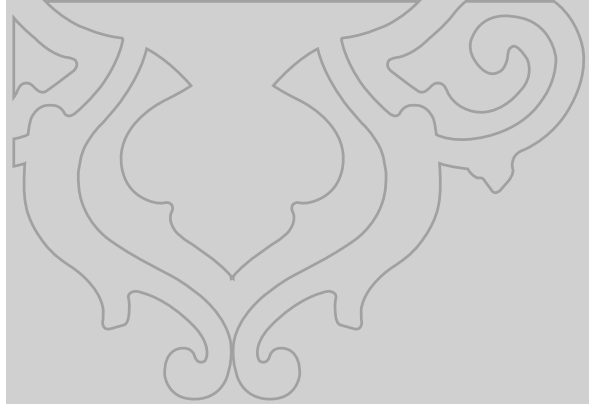






# معرفی کتاب







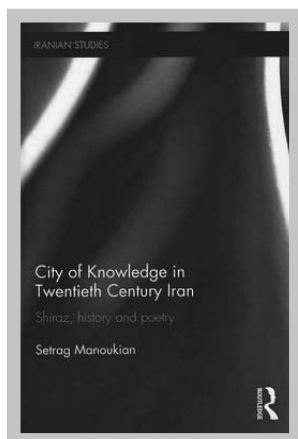
## معرفی کتاب

### ماری هجران

بررسی آثار منتشر شده در حوزه ایران شناسی و مسائل مربوط به ایران نشانگر آن است که شمار قابل توجهی از ایرانیان تحصیلکرده و فرهیخته در خارج از کشور در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر، ادبیات، اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی ایران تحقیق می کنند. آثار این عده از هموطنان ایرانی باعث رشد و ارتقاء مطالعات ایرانی و تقویت جایگاه زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور و در بین ایرانیان خارج نشین خواهد شد. در این شماره از مجله، شش کتاب معرفی می شود. سه کتاب به دو ایرانی مقیم خارج از کشور تعلق دارد، از این کتاب ها، دو کتاب ابتکاری، بسیار متفاوت و درخور اعتنا به معصومه رایس با عناوین: ایران در دوران قرون وسطی (برای گروه سنی نوجوان و جوان) و ایران: ۵۰۰۰ سال لباس، جواهرات و لوازم آرایش و یک کتاب بسیار ارزنده به دکتر محمود امید سالار به نام: حماسه ایران و امپراطوری آمریکا اختصاص دارد. سایر کتاب های معرفی شده عبارتند از: بیمارستان ها در ایران و هندوستان، ۱۵۰۰-۱۹۵۰ اثر فابریزیو، اسپتزیالی؛ شهر دانش ایران در قرن بیستم؛ شیراز، تاریخ و شعر نوشته سترگ مانوکیان و موسیقی ایرانی و سرگرمی های مردمی؛ از مطربی تا موسیقی از گای بری لی و ساسان فاطمی.

Manoukian, Setrag(2011) *City of Knowledge in Twentieth Century Iran Shiraz, History and Poetry*, Routledge, 260pp.

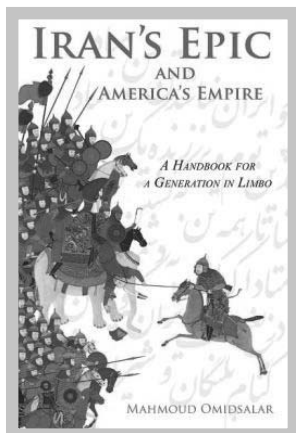
سترگ مانوکیان (۲۰۱۱) *شهر علم و دانش ایران در قرن بیستم؛ شیراز، تاریخ و شعر، راتلج (از سلسله مطالعات ایرانی) ۲۶۰ ص.*



نویسنده کتاب، سترگ مانوکیان مردم شناس ایتالیایی، متخصص در تاریخ معاصر ایران و استادیار انستیتو مطالعات اسلامی و بخش مردم شناسی دانشگاه مک گیل کانادا است. مانوکیان در این کتاب به معرفی تاریخ فرهنگی ایران معاصر و شیراز می‌پردازد، شهری که به شعر و شاعری و سنت هایش مشهور است. او در این اثر روابط تنگاتنگ تاریخ، شعر و سیاست را بررسی می‌کند. تجزیه تحلیل‌های او که چرا و چگونه شیراز به‌عنوان پایتخت فرهنگی شناخته شده و چگونه ایرانی‌ها از مفهوم فرهنگ برای تفکر در باره خودشان، گذشته‌شان و روابطشان با دیگر نقاط جهان استفاده می‌کنند،

از بخش‌های خواندنی این کتاب است. نویسنده در باره تاریخ شیراز و چگونگی تأسیس آن چنین آورده است: محل اولیه، این شهر در محل قلعه ابونصر بوده است. شهر شیراز پیش از اسلام قلعه‌ای بوده که قدمت آن به دوران ساسانی و پیش‌تر بازمی‌گردد. این شهر در دوران بنی‌امیه به محل فعلی منتقل شد و به بهای اضمحلال استخر - پایتخت قدیمی استان فارس - رونق گرفت. شیراز در دوران صفاریان، بوییان و زندیه، پایتخت ایران بوده است. وی در توصیف این شهر نیز چنین نوشته است: شیراز به شهر شعر بیشتر به دلیل دو شاعر نام‌آور این خطه یعنی حافظ و سعدی مشهور شده است. شیراز همچنین به شهر باغ و گل و بلبل نیز شهرت دارد. البته گفتنی است که باغ در فرهنگ ایرانیان دارای جایگاه ویژه‌ای بوده و این شهر از قدیم به داشتن باغ‌های بسیار زیبا و مردم مهربان اشتهار داشته و مشهورترین باغات شیراز باغ ارم، باغ دلگشا، باغ عفیف و باغ جهان نما بوده است. کتاب دارای یک مقدمه، شش فصل و نتیجه‌گیری است: عناوین فصول کتاب چنین است: فصل اول: خطه شیراز؛ فصل دوم: زمان، فضا و فرهنگ؛ فصل سوم: ویرایش فرهنگ؛ فصل چهارم: نگارش تاریخ شیراز؛ فصل پنجم: تنش در شهر علم و دانش؛ فصل ششم: تاریخ و شعر و نتیجه‌گیری. در این کتاب نویسنده کوشیده با بکارگیری روش‌های مردم‌شناسی و تئوری‌های این علم، تجزیه و تحلیل‌های گوناگونی از آداب و سنن ایرانیان ارائه دهد. او توضیح می‌دهد که چگونه تاریخ و شعر دو مقوله مؤثر برای بحث درباره حال، آینده و گذشته شهرها هستند و سؤالات علمی برای درک ابعاد سیاسی زندگی در ایران امروز حیاتی است.

آثار دیگری که تاکنون از این نویسنده منتشر شده عبارتند از: ۱. قدرت، دین و تاثیر آن، عرف اجتماعی و مبارزه برای تفوق در قرن بیستم شیراز ۲. فرهنگ، قدرت و شعر در شیراز ۳. قوم‌نگاری: متن تصورات خیالی اشیا (به زبان ایتالیایی) ۴. ملاحظات غیر معمول: مقدمه‌ای بر مکتب استعماری، رفتارشناسی (به زبان ایتالیایی) ۵. عبور از میان کدها: رفتارشناسی خاورمیانه و خاور میانه شناسی در ایتالیا (به زبان ایتالیایی) ۶. عصیان یک قلب بیچاره: صد غزل از سعدی شیرازی.



Omid Salar Mahmoud (2012) *Iran's Epic and America's Empire*, Afshar publication, 254pp

محمود امید سالار (۲۰۱۲) حماسه ایران و امپراطوری آمریکا، انتشارات افشار، ۲۵۴ ص.

محمود امید سالار، نویسنده این کتاب، یکی از برجسته ترین افراد فردوسی و شاهنامه شناس جهان است و به این اثر جاویدان تسلط کامل دارد. وی تحصیلات خود را در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه برکلی آمریکا به اتمام رسانده و دارای مقالات بسیاری در موضوع ادبیات فولکلوریک ایران

است. وی همچنین شش جلد از شاهنامه فردوسی را زیر نظر دکتر خالقی مطلق و احسان یارشاطر ویرایش و تصحیح کرده است. دکتر محمود امید سالار از سال ۱۹۹۰ با بخش ویراستاری دانشنامه ایرانیکا همکاری دارد و از سال ۲۰۰۶ عضو شورای عالی دائرة المعارف بزرگ اسلامی در تهران بوده است.

امید سالار در این کتاب به بررسی اجمالی تاریخ ایران از آغاز قرن هفتم پیش از میلاد تا زمان فردوسی یعنی قرن یازدهم میلادی پرداخته است. این کتاب شامل تاریخ، شعر و زندگینامه نویسنده آن نیز هست. حماسه ایران و امپراطوری آمریکا، بیانیه سیاسی و دلیرانه ای است که توسط این استاد محقق ادبی نوشته شده است.

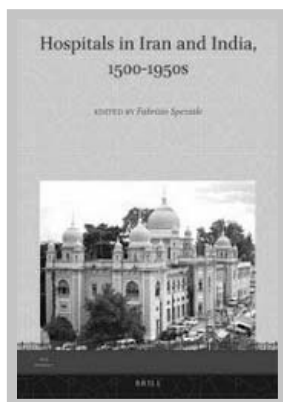
پروفسور هاگوپ کوکیان (Hagop Kevorkian) متخصص رشته ایران شناسی و ادبیات تطبیقی دانشگاه کلمبیا در نیویورک در باره این اثر می نویسد:

امید سالار متخصص مطالعات شاهنامه، در این اثر کوشیده است روایتی شخصی درباره جوهر و مفهوم بزرگترین اثر ادبی جهان فارسی زبانان را تهیه و ارائه نماید. وی همچنین سعی نموده حوزه ستیزه جویی تاریخ پیش از دوران مدرن و زندگی نویسنده حماسه یعنی ابوالقاسم فردوسی را بیان دارد. شاهنامه کتاب حماسی ملی ایران است، این اثر خلاصه ای از اسطوره های ایرانی، افسانه ها و تاریخ ایران زمین است و شباهتی به دیگر آثار حماسی هند- اروپایی ندارد، تمرکز فردوسی در این اثر بر روی ایران است که هم موضوع آن و هم قهرمانان آن مورد ستایش قرار گرفته اند. بر خلاف سایر آثار کلاسیک هند و اروپایی، شاهنامه به زبان زنده امروزی است به طوری که برای فارسی زبانان ایران، افغانستان و آسیای مرکزی قابل فهم است.

کتاب حماسه ایران و امپراطوری آمریکا اثری است مشتمل بر پیشگفتار، یادداشتی در مورد متن و ترجمه، مقدمه و نه فصل. عناوین این فصول عبارتند از: تاریخ به عنوان تخیل؛ فصل دوم: اسکندر؛ از حمله تا ادغام، الف) مردمی جدید در سرزمینی کهن ب) جذب و شکوه، مقاله ای درباره



عشق و جنگ، ج) اسکندر در اشعار حماسی ایران، د) سلوکیان و هیاهو برای یونانی شدن؛ فصل سوم: قدرت پارتیان و توانگری ساسانیان الف، سواد ساسانیان؛ فصل چهارم: زبان، تهاجم، هویت، الف) نژاد، هویت و قصه ای به عنوان تاریخ، ب) ورود به بحران، ج) جنگ، مقاومت و همکاری، د) حرکات موزون فرهنگی؛ فصل پنجم: پنهان شدن در نمایشی ساده: زبان فارسی و تهاجم اعراب، الف) فارسی و عربی: کشمکش یا عمل متقابل؟ ب) زبان و بوروکراسی، ج) پدر یا فرزند؛ فصل ششم: فردوسی در واقع و تخیل، الف) فردوسی: سؤالاتی که اغلب پرسیده می شوند، ب) آیا فردوسی یک زرتشتی بود؟ ج) آیا فردوسی شاهنامه را نوشته است؟ د) آیا شاهنامه پاسخی ملی گرایانه به تهاجم اعراب بود؟ ه) آیا فردوسی محمود را ملاقات کرد؟ و) آیا دختر فردوسی هدیه پادشاه را رد کرد؟ ز) آیا محمود ترک بود و شاهنامه به او توهین کرد؟ ح) آیا محمود از فردوسی به دلیل مذهب متنفر بود؟ و) آیا فردوسی از به کاربری لغات عربی امتناع کرد؟ فصل ششم: اثری هنری، اثری از هویت: الف، در آغاز غول و اژدها بودند، ب) دوران قهرمانان، از برادر کشی تا مشروعیت: داستان پیشرفت، د) قتل اکوان (Akvan)، پایان دوران افراسیاب، ه) از جا بجا کردن تا عقیم سازی؛ فصل هفتم: شخصت‌های کتاب، الف) شاهنامه و ملی گرایی ایرانی، ب) روی پرچم چیست؟ ج) کشور به عنوان خانه ملی، د) هر چیزی برای هر کسی، ه) عشق اژدها، و) هزینه‌های خیانت؛ فصل هشتم: مسئولیت مرد قهوه ای الف، ایران و اسلام، اتحادی ثمر بخش، ب) در جستجوی خلوص، کتابنامه و فهرست.



Speziale Fabrizio (2012) *Hospitals in Iran and India, 1500- 1950s*. Brill Academic Pub, Iranian studies, 244pp

فابریزو، اسپتزیالی (۲۰۱۲) *بیمارستان ها در ایران و هندوستان، ۱۵۰۰-۱۹۵۰* (از سلسله مطالعات ایرانی)، انتشارات آکادمیک بریل، ۲۴۴ ص.

کتاب بیمارستان ها در ایران و هند تحقیقی درخور توجه درباره تاریخ و نقش بیمارستان ها در جهان هندی - ایرانی در اوایل دوران مدرن است. این اثر دیدگاه متفاوتی پیرامون بیمارستان های ایران و هندوستان پس از قرون وسطی را ارائه می دهد. در این دوره زمانی، بهره گیری از طب و داروهای سنتی ابوعلی سینا و استفاده از داروهای غربی به صورت همزمان رواج داشته است. در عصر صفویه - گورکانیان هند، بیمارستان ها به روش درمانی بوعلی سینا بیماران را مداوا می کردند. اما در دوران قاجاران ایران و حکمرانی بریتانیایی ها در هند، بیمارستان های ایران و هند اندک اندک از روش های سنتی فاصله گرفته و خود مرجعی مهم برای گسترش طب غربی شدند.



محتوای این کتاب، چشم اندازی جدید بر تاریخ دارو، پزشکی و مؤسسات پزشکی در ایران و هند است. تصویری که در این کتاب از روش های مدرن و سنتی مداوای بیماران و داروهای آن ها ارائه می شود، نشان می دهد که این روش ها و داروها دارای دو جنبه متفاوت و متضاد با یکدیگرند و شفاخانه ها یا بیمارستان ها و داروهای مورد استفاده آن ها که با روش درمانی بوعلی سینا بیماران را معالجه می کردند، سمبل دانش و توانایی دانشمندان مسلمان بودند. با ورود انگلیسیان به شبه قاره و سیطره آن ها بر این سرزمین پهناور، مؤسسات و روش های درمانی مسلمانان اندک اندک توسط بریتانیایی ها به حاشیه رانده شد و روش ها و دارو های غربی جایگزین آن ها شدند.

کتاب بیمارستان ها در ایران و هندوستان از ۱۵۰۰ تا دهه ۱۹۵۰ شامل: فهرست تصاویر، بخش مقدمه، چهار فصل، فهرست لغات، چکیده ها و نمایه است. نام نویسنده و عناوین فصول کتاب چنین است: ویلم فلور؛ فصل اول: بیمارستان ها در دوران صفویه و قاجار: تحقیقی پیرامون تعداد بیمارستان ها، رشد و اهمیت آن ها؛ کریستینا بس توس<sup>۱</sup>؛ فصل دوم: با یکدیگر و جدا از هم: بیمارستان های کاتولیک در جمع گوا (Goa)؛ کلودیا پرکل<sup>۲</sup>؛ فصل سوم: شفای بیماران و شاهزادگان: حکیم ها و دکتر ها در بوپال (Bhopal)؛ آنا ونزن<sup>۳</sup>؛ فصل چهارم: همدرد، چگونه درد را به روش مسلمانان شریک شویم .

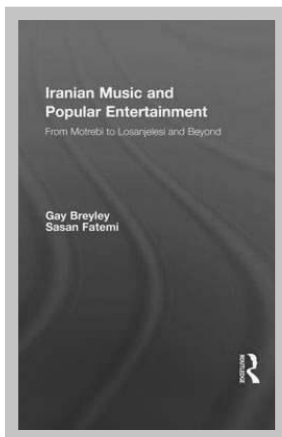
این اثر تحقیقاتی است که چهار نفر از نویسندگان و محققان ایران شناس و هند شناس انجام داده اند. در این جا به اجمال شرح مختصری از رشته و فعالیت های نویسندگان این کتاب می آوریم: دکتر ویلم فلور متخصص در رشته توسعه اقتصادی ایران و اسلام شناسی از دانشگاه اولترخت هلند است. وی دکتری خود را در سال ۱۹۷۱ از دانشگاه لیدن هلند دریافت کرده و از سال ۱۹۸۳ به عنوان متخصص انرژی در استخدام بانک جهانی بوده است.

کریستینا بس توس فارغ التحصیل رشته مردم شناسی از دانشگاه لیسبون و آثار وی بیشتر در زمینه جامعه، علم و قدرت، مردم شناسی، تاریخ و مطالعات علمی است. وی در دانشگاه های پرتغال، برزیل و ایالات متحده فعالیت داشته است.

دکتر کلودیا پرکل متخصص در رشته های شرق شناسی، اسلام شناسی، مطالعات بین فرهنگی و دارو های سنتی اسلامی در هند است.

دکتر آنا ونزن دارای درجه دکتری در رشته مطالعات خاور نزدیک از دانشگاه نیویورک است. مطالعات وی بر تاریخ و ادبیات دوران قاجار و روابط ایران و غرب متمرکز بوده و در سال های اخیر به تدریس فرهنگ اسلامی در دانشگاه IULM<sup>۴</sup> ایتالیا اشتغال داشته است.

1. Cristiana Bastos
2. Claudia Preckel
3. Anna Vanzan
4. Libera Università di  
Lingue e Comunicazione



Breyley, Gay & Fatemi, Sasan (2014) *Iranian Music and Popular Entertainment: From Motrebi To Losangelesi and Beyond*, London: Routledge, 224 pp.

گای بری لی و ساسان فاطمی (۲۰۱۴) *موسیقی ایرانی و سرگرمی‌های مردمی؛ از مطربی تا موسیقی لوس آنجلسی و آن سوتر*، لندن: انتشارات راتلج، ۲۲۴ص.

ساسان فاطمی استاد بار دانشگاه تهران و گای بری لی فوق دکترای مدرسه کنسرواتوار دانشگاه استرالیا نویسندگان این کتاب هستند که با همکاری یکدیگر کتاب موسیقی ایرانی ...

را که همان موسیقی عامه پسند ایرانی از قرن بیستم تا کنون است، نوشته اند. این اثر به بررسی نقش موسیقی کوچه بازاری در جامعه و فرهنگ ایرانی و روند رو به پیشرفت آن می‌پردازد. کتاب شامل یک مقدمه و ۷ بخش به این شرح است: تولید: مطرب و روحوضی؛ گردن کلفت‌ها و سایر اجتماعات مطربی؛ مجموعه‌های مطربی و موسیقی کافه‌ای؛ تکامل تدریجی اجتماعات مطربی از دهه ۱۹۵۰؛ تکامل تدریجی موسیقی عامه پسند ایرانی قبل از انقلاب اسلامی؛ پاپ، بیت و راک؛ پس از انقلاب اسلامی؛ عامل لوس آنجلس؛ ساخت ایران: موسیقی عامه پسند جدید و نتیجه‌گیری.

Price Massume(2012) *Medieval Iran, culture of Iran Youth Series*, 2012,72pp.

معصومه پرایس (۲۰۱۲) *ایران در دوران قرون وسطی*، سلسله انتشارات فرهنگ ایران برای جوانان، آن‌هیتا، ۷۲ ص.

این کتاب که در کانادا منتشر شده به ایران در دوران قرون وسطی و بررسی زندگی ایرانیان پس از حمله اعراب مسلمان به این سرزمین در قرن هفتم و تغییر چشمگیر مذهبی و چگونگی حفظ هویت ایرانیان و سلطه و نفوذ فرهنگی و زبانی آن‌ها بر سرزمین‌های شرقی می‌پردازد. نویسنده برای تبیین دیدگاه خود درباره این مسائل، محدوده زمانی قرن هفتم میلادی (از حمله اعراب به ایران) تا تأسیس سلسله قاجار در سال ۱۷۹۴ را مورد بررسی قرار می‌دهد.

این اثر اولین کتابی است که درباره وضعیت ایران در قرون وسطی به صورت مصور برای کودکان ۸ سال به بالا منتشر شده است. در این کتاب، تغییرات زندگی فرهنگی و مذهبی ایرانیان و ظهور سلسله‌های مستقل ایرانی و غلبه آن‌ها بر دستگاه خلافت در قرن دهم، ورود ترکان به ایران در قرن دهم، پیروزی ایرانیان بر مغول‌ها و ظهور تیمور لنگ و نیز روش زندگی





و وضعیت هنری چند دوره مهم تاریخ ایران بررسی گردیده است. از دیگر مطالب این کتاب، تهاجم ترکمن ها، حکومت صفویه و چگونگی استقرار آن ها و رنسانس جدید در هنر و معماری ایرانی است. کتاب با غلبه نادر شاه افشار بر هند و سلسله زندیه و با اطلاعاتی درباره مصنوعات دیدنی ایرانی مانند جواهرات، سرامیک فرش ها و ابزاری که در زندگی روزانه مردم در قرن دوازدهم میلادی به کار می رفته به پایان می رسد. با اینکه مطالب و نوشته های گوناگون این کتاب بسیار موجز و مختصر است اما با این همه، همین نوشته های کوتاه، اطلاعات مفید و آموزنده ای از جنبه های مختلف تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم و هنر ایرانی، همراه با تصاویر بسیار زیبا، به خوانندگان نوجوان و جوان ارائه می دهد و او را با تحولات تاریخی و مسائل فرهنگی و هنری ایران آشنا می کند.

این کتاب با واژه نامه، فهرست، جدول زمانی و تاریخ هنری ایران و ۱۴۵ تصویر از آثار موجود در موزه های ایران، اروپا و آمریکا منتشر شده است. کتاب ایران در دوران قرون وسطی با استقبال کتابخانه های مدارس در ایالات متحده آمریکا و استرالیا مواجه گردیده و به عنوان اثری برجسته توسط ریک استیو در شبکه تلویزیونی پی. بی. سی معرفی شده است. این کتاب همچنین برنده مدال برنز کتاب های کودکان مون بیم در سال ۲۰۰۹ شده است.



Price Massoume & Waibel Zohreh  
(2012) *Iran: 5000 years of clothing, Jewellery and Cosmetics*, Anahita production, 212pp.

معصومه پرایس و زهره ویبل (۲۰۱۲) / ایران:  
۵۰۰۰ سال لباس، جواهرات و لوازم آرایش،  
آناهیتا، ۲۱۲ ص.

معصومه پرایس تحصیلات خود را در رشته مردم شناسی در ایران و انگلستان به پایان رسانده و سال ها درباره فرهنگ ایران مطالعه و تحقیق و چندین کتاب و مقالات منتشر کرده است. در سال ۲۰۰۵، اثری از وی تحت عنوان «مردم متفاوت ایران» توسط انتشارات ای. بی. سی به چاپ رسید. این اثر در سال ۲۰۰۷ در فصلنامه مطالعات خاور میانه به عنوان «کتابی که باید خوانده شود» معرفی گردید. این کتاب تحقیقی است درباره تاریخ و تحولات پوشش، زینت آلات و لوازم آرایشی در ایران. مطالب این کتاب با تصویری زیبا با کیفیتی عالی از بسیاری از گنجینه های تاریخی ایران که در موزه های جهان نگهداری می شوند، تزئین گردیده است. در این اثر، تاریخ اجتماعی انواع لباس ها، زینت آلات و سایر تزئینات و لوازمی که در ایران برای به کار می رفته بررسی شده و از تأثیر و



جایگاه لباس، زینت آلات و لوازم آرایش در میان طبقات اجتماعی، مراسم مذهبی و اهمیت آن‌ها برای زنان و مردان سخن به میان آمده است. این کتاب دارای ۲۹۳ تصویر، واژه نامه، فهرست و کتابنامه است.

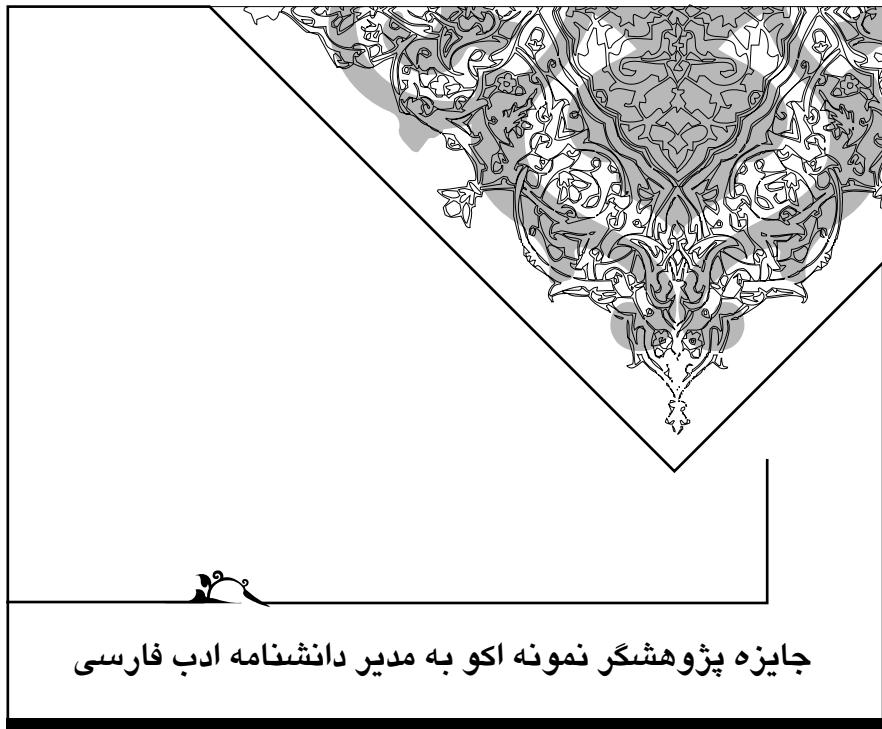
مصومه پرایس آثاری دیگر درباره جنبه های متفاوت فرهنگ ایرانیان نشر داده است. برخی از این آثار مانند: رفتار، زنان و مردان و والدین و ارتباط بچه ها با یکدیگر.



# الخبز



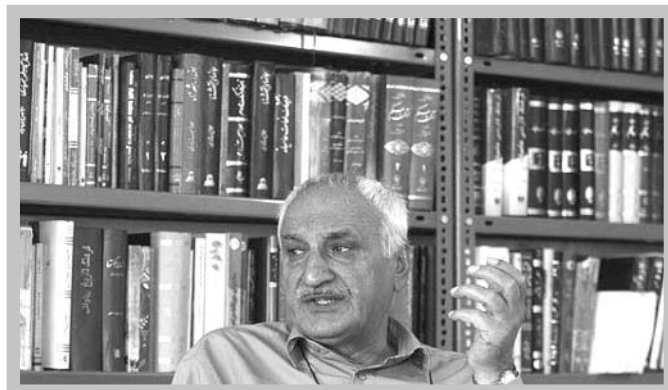




## جایزه پژوهشگر نمونه اکو به مدیر دانشنامه ادب فارسی

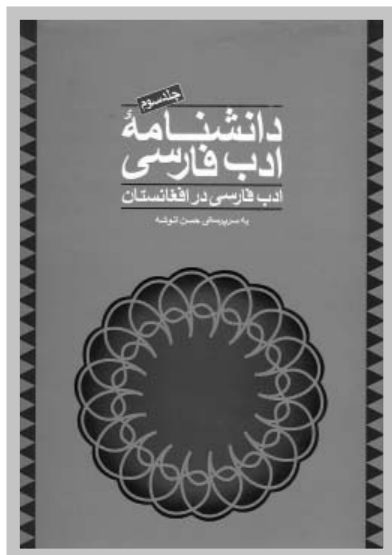
استاد حسن انوشه، مدیر و سرویراستار نامور دانشنامه ادب فارسی و مترجم توانای «تاریخ ایران» کمبریج و نویسنده ده‌ها مقاله و نزدیک به صد مدخل در دانشنامه‌های گوناگون، نامی آشنا در حوزه ایرانشناسی و فرهنگ و ادب ایرانی است. استاد انوشه که همانند کیمیا شناسان وقت از حُبّ خمول برخوردار است و در گوشه‌ای دنج به کار مطالعه و تحقیق پیرامون زبان و ادب فارسی و فرهنگ گرانسنگ ایرانی اشتغال دارد، کارنامه‌ی پر باری از کتاب، مقاله، ترجمه، تصحیح و بالاخره دانشنامه نویسی دارد. دانشنامه سترگ ادب فارسی او در نُه مجلد، اثری است مایه اعجاب و تحسین ایران دوستان، ایرانشناسان و آشنایان با تاریخ، ادبیات، فرهنگ ایران و جهان ایرانی است. در تجلیل و تبجیل این دانشنامه، نام آوران سخن و استادان سخن سنج داخلی و خارجی بسیار گفته و نوشته و بر همت بلند استاد انوشه آفرین‌ها نثار کرده‌اند. چند ماه قبل، نوبت به سیاستمداران و کارگزاران فرهنگی کشورهای عضو اکو رسید تا آنها نیز به دانشنامه ادب فارسی و استاد حسن انوشه با اعطای جایزه پژوهشگر نمونه اکو ادای احترام کنند.

در اینجا، گزارش چگونگی برگزیده شدن و اعطای جایزه و سفر به جمهوری آذربایجان را از زبان استاد انوشه می‌خوانیم.



## گزارشی از یک مراسم فرهنگی و سیاسی

کمابیش یک سال و نیم پیش دکتر حجت‌الله ایوبی و دکتر سید مصطفی ابطحی، رئیس و معاون مؤسسه فرهنگی اکو به بنده خبردادند که در سال ۲۰۱۲ نشست از سران کشورهای هموند اکو در باکو برگزار می‌شود و در آن‌جا از پژوهشگران برگزیده این کشورها تقدیر می‌کنند. در پی آن فرمودند که به دلیل اهمیت دانشنامه ادب فارسی شما در معرفی و شناساندن حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی به جهانیان و نمایاندن سرچشمه‌های سرمایه‌های فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشورهای واقع در قلمرو جهان ایرانی به آنها، این اثر قابل تقدیر و بنده را شایسته دریافت جایزه پژوهشگر نمونه اکو دانسته‌اند. شش ماهی گذشت تا آن که آقای حیدری از وزارت امور خارجه تلفنی با من تماس گرفت و خواست که خلاصه‌ای از کارنامه علمی و فرهنگی‌ام را برای ایشان بفرستم تا برای نظرخواهی و گرفتن موافقت اعضای هموند اکو بفرستند. در شهریور ۱۳۹۱، آقای حیدری به من اطلاع دادند که کشورهای دهگانه هموند اکو پیشنهاد مؤسسه فرهنگی اکو را تصویب کرده و بنده به عنوان پژوهشگر برگزیده اکو پذیرفته شده‌ام و لازم است که به جمهوری آذربایجان که اجلاس سران اکو در آن‌جا تشکیل می‌شود، سفر کنم. مقدمات سفر به همت بخش اقتصادی سازمان اکو فراهم شد و من و همسرم به باکو رفتیم. پس از شبی استراحت در مهمانسرای رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در باکو، در بامداد روز بعد به همراه راهنمایی از سفارت، به هتل هیلتون راهنمایی شدم و از آن‌جا به اتفاق چند همراه ایرانی که هر یک به مناسبتی در این اجلاس شرکت داشتند رهسپار ساختمان همایش شدم. این ساختمان که همانند پرندهای دریایی با بال‌های گشوده است در نزدیکی دریای مازندران/گیلان/گرگان/آبسکون/کاسپین(والبته نه خزر) برافراشته شده است. ساختمان همایش بنای پهناوری است که ظاهراً به قصد برپایی اجلاس‌های بین‌المللی ساخته شده است. پس از درآمدن به درون ساختمان، ما برگزیدگان را که



هشت تن از ده کشور از کشورهای هموند اکو بودیم، به جایی جداگانه در همان ساختمان راهنمایی کردند و دولتمردان به کار خود سرگرم شدند. گفت‌وگوهای اهل سیاست تا دو بعدازظهر به درازا کشید و نوبت به تقدیر از پژوهشگران رسید. رؤسای جمهوری‌های ایران، آذربایجان، ترکیه و پاکستان و نخست‌وزیر، معاون نخست‌وزیر یا رئیس مجلس برخی کشورها مانند قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان در جلسه بزرگداشت حاضر آمدند. پس از گذشت نیم ساعتی، ما هشت تن را که قرار بود از رئیس اجلاس اکو، آقای الهام علی‌یف، رئیس جمهوری آذربایجان، لوح افتخار و سند تقدیر دریافت کنیم آماده کردند که به ترتیب

حروف الفبای نام کشورها در صندلی کنار هم بنشینیم تا نامان را بخوانند و برای گرفتن جوایزمان به جایگاه برویم. در جایگاه تنها دو تن ایستاده بودند که با برگزیدگان دست می‌دادند و عکس و فیلم می‌گرفتند، یکی آقای علی‌یف و دیگری دبیرکل اکو. من نفر سوم بودم و پیش از من دو تن دیگر که از آذربایجان و افغانستان بودند پیش رفتند و تقدیرنامه و لوحشان را گرفتند. آقای علی‌یف پس از دادن لوح و تقدیرنامه دست بر شانه برگزیده کشورها می‌گذاشت و به ترکی با آن‌ها احوال‌پرسی و آرزوی توفیق می‌کرد و آن‌ها نیز از ایشان سپاس‌گزاری می‌کردند. در بازگشت از جایگاه یکی از کارکنان وزارت امور خارجه یا نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران مرا به سوی جایگاهی که رئیس جمهوری و وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران نشسته بودند هدایت و آقایان دکتر محمود احمدی‌نژاد و دکتر علی‌اکبر صالحی به احترام من از جایشان برخاستند و با گفتن تبریک به من دست دادند و با من روبوسی کردند. پس از پایان اجلاس، کلیه شرکت‌کنندگان اجلاس را به ناهار بردند و در رستورانی در نزدیکی دریا که بیست کیلومتری با سالن اجلاس فاصله داشت به صرف ناهار پرداختند.

همه این مراسم در روز سه شنبه به پایان رسید، اما من و همسرم که در پی فرصتی برای استراحت بودیم و مهمانسرای بی مشتری رایزنی فرهنگی را جایی مناسب یافتیم دو روز دیگر در باکو ماندیم و به لطف آقای نوری (رایزن فرهنگی) از پاره‌ای جاهای دیدنی باکو دیدن کردیم. یکی از دیدنی‌ترین جاهای باکو، گورستان بزرگان جمهوری آذربایجان است که جایی تماشایی است و اصلاً به گورستان نمی‌ماند. در این گورستان پیکره هر یک از مردگان را برحسب پیشه‌ای که داشته و هنری که می‌ورزیده بر بالای سر آرامگاهش برپا کرده‌اند و بیننده از روی سیما و حالت سر و دست پیکره در می‌باید آن که زیر پایش آرمیده چه هنری یا پیشه‌ای داشته است؛ مثلاً رشید بهبودوف دارد آوازی



می‌خواند و یا صمد ورغون شعری می‌نویسد و امیروف لابد شور معروفش را می‌سازد. در این گورستان کم نبودند ایرانیانی که در پی رسیدن به آب به سراب استالین رسیده بودند، مانند سیدجعفر پیشه‌وری و غلام یحیی دانشیان، که روزگاری می‌خواستند بخشی از کشور ما را باج سیبیل استالین کنند، اما اکنون چنان در گورستان به خواب رفته‌اند که توکاهای سیاه و قهوه‌ای بر روی سنگ گورشان با آرامش راه می‌رفتند و از کسی که در زیر پایشان آرمیده بود هیچ هراسی نداشتند.

باکو همچنان شهری است دو چهره؛ یک چهره‌ای که به تازگی از آن ساخته‌اند و ظاهری آراسته و زیبا دارد و چهره‌ای که پنهان است و باید رفت و دید، کوچه‌هایی تنگ‌تر از کوچه‌های آشتی‌کنان و خانه‌های چندان فرسوده و درهم فشرده که نمی‌توان باور کرد که کسی بتواند در آن‌ها زندگی کند. اما تا بخواهی امنیت و آرامش دارند و این آرامش و امنیت را به روشنی می‌توان در چهره‌های مردم دید. کسی معترض کسی نیست و همه با اطمینان و آرامش از کنار هم می‌گذرند و کنجکاو رفتار و کردار یکدیگر نیستند. مردم آذربایجان این رفتار میان خود را با حیوانات نیز داشتند، چنان که پاره‌ای از این حیوانات تا خیلی به آن‌ها نزدیک نمی‌شدی رعایت احتیاط نمی‌کردند. به هر تقدیر، من جاهای دیگر جمهوری آذربایجان را ندیدم، اما اگر مشت باکو نمونه‌ای از خروار سراسر کشور باشد، باید گفت که سخن سولژنیستین که کمونیست‌های روسیه به مراتب تبهکارتر از روس‌های تزاری بودند و به مردم خود و همهٔ جهانیان دروغ می‌گفتند هیچ گزافه نیست. من در آخرین روزی که در باکو بودم به نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان رفتم و از کتاب‌ها و نشریات آن دیدن کردم. در آن‌جا دیدم که ما حضور فرهنگی بسیار بی‌رونتی در آن‌جا داریم. یک نمونه بگویم و بگذریم. ما به جای این که کتاب‌های فارسی گنجینه‌های جمهوری آذربایجان را به چاپ برسانیم و به آن‌ها بگوییم که روزگاری در سرزمینی که شما زندگی می‌کنید از نظامی و فلکی و بدر و مجیر و خاقانی و عباس‌قلی با کیخونوف و حاتم اردوبادی و ملانپناه واقف آثارشان را به فارسی می‌نوشتند، سروده‌های فارسی فضولی بغدادی را به ترکی ترجمه می‌کنیم و یا کتاب‌هایی در آن‌جا به چاپ برسانیم که هیچ کمکی به پیوندهای فرهنگی میان ما و آن‌ها نمی‌کنند و به یادشان نمی‌آورند که روزگاری دراز ما و آن‌ها سرگذشت مشترک داشتیم و غفلت ما از حوادثی که در جهان می‌گذشت مایهٔ جدایی میان ما شد. دیگر در جمهوری آذربایجان کسی به یاد نمی‌آورد که دو برادر باکویی به نام‌های حسن‌خان و حسین‌خان بودند که سیسیانوف را در پای دیوارهای باکو از پای درآوردند و قنات آب سردار تهران را این دو برادر کردند و یکی از مواد قرارداد گلستان اخراج آن‌ها از ناحیهٔ قفقاز بوده است، چون می‌خواستند که از میهن خود در برابر دراز دستی روس‌های تزاری دفاع کنند. ما به آن‌ها نگفتیم که یحیی خلوتی که گور گنبددارش که در میانهٔ مجموعهٔ کاخ‌های شروان شاهان نهاده است همهٔ آثارش را به فارسی نوشته و با تخلص خلوتی به فارسی شعر می‌گفته. شروان شاهان نام‌های فریدون و منوچهر و اخستان داشتند و به جای ما یونسکو به بازسازی آثارشان کمک می‌کند.





## مسافران دیار خاموشان

جهان مطالعات ایرانی در دو سه ماه گذشته، سه تن از صمیمی ترین و شاخص ترین چهره های خود را از دست داد و آنها را به سرای جاودان بدرقه کرد. این سه تن، یکی باستان شناس (ژان پرو از فرانسه)، یکی فرهنگنامه نویس و مؤلف بیش از ۱۵۰ اثر علمی (یوری روبینچیک از روسیه) و دیگری استاد برجسته و پیشکسوت زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پکن (زن یان شین از چین) بود. برای ادای احترام به کوشش های علمی و فرهنگی صادقانه این دوستان و علاقمندان فرهنگ ایران، در اینجا نگاهی داریم به زندگی و فعالیت های علمی، تحقیقی و آموزشی این رهروان سفر بی بازگشت. تا هم از زحمات و همراهی های ایشان در شناخت و معرفی فرهنگ ایران تشکر کرده و هم یاد آنها را گرامی داشته باشیم.

### ژان پرو<sup>۱</sup>، باستان شناس ایران دوست (۱۹۲۰-۲۰۱۲)

ژان ژوزف فرانسوا پرو تحصیلاتش را در زمینه باستان شناسی سوریه در مدرسه لوور پاریس آغاز کرد. وی در سال ۱۹۴۵ برای ادامه مطالعاتش وارد مدرسه فرانسوی باستان شناسی در اورشلیم شد سپس در محوطه های متعددی در شرق مدیترانه، آسیای صغیر و ایران کاوش کرد. در سال ۱۳۴۵، پس از بازنشستگی رومن گیرشمن، پرو به جانشینی او برگزیده شد و سرپرستی هیأت باستان شناسی فرانسه در ایران را بر عهده گرفت. کاوش های شوش تا انقلاب اسلامی ادامه یافت و پس از آن متوقف شد. شوش، از مهم ترین محوطه هایی بود که ژان پرو به مدت یازده سال در آن ها کاوش و موزه کنونی شوش را راه اندازی کرد. مشهورترین یافته کاوش او در شوش، مجسمه سنگی ناقص داریوش بود که اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می شود.

او علاوه بر درجه استادی در دانشگاه پاریس ۳ (سوربن جدید)، پژوهشگر ارشد مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (CNRS) نیز بود. ژان پرو یکی از افرادی است که باستان شناسی را به صورت علمی در شوش انجام داد و توانست نقشه کاخ داریوش را نیز به دست آورد، با توجه به کارهای عظیمی که انجام داد، باید گفت که او خدمت زیادی به ایران کرده است. به گفته فرشاد اکتسابی، کارگردان مستند «سووز»: ژان پرو علاوه بر نقشه کاخ داریوش، مجسمه داریوش را هم پیدا کرد. او با این که ۱۰ سال در ایران به کاوش باستان شناسی پرداخت، تنها کسی بود که چیزی از ایران به فرانسه با خود نبرد. پرو ساختمانی را که محل اقامتگاه باستان شناسان فرانسوی در شوش بود، تخلیه و آن را به موزه تبدیل کرد و با آثاری که کشف کرده بود، موزه کنونی شوش را راه اندازی کرد که تعداد بازدیدکنندگان آن در همان زمان از تعداد بازدیدکنندگان موزه ملی ایران بیشتر بود. وی افزود: توصیفی که پرو از ایران داشت، این بود که ایران سرزمین نور و روشنایی

1. Jean Perrot



است و آبی آسمان ایران هرگز از ذهنم بیرون نمی‌رود. این، نگاه زیبایی او را به ایران نشان می‌دهد».

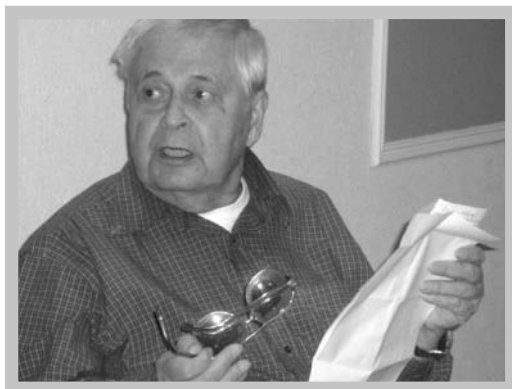


وی مشغول نگارش یک کتاب جدید درباره ایران بود که اجل به او مهلت نداد. این‌ها نشان‌دهنده علاقه او به این کشور بود؛ به طوری که تا آخرین لحظات عمر خود از نوشتن درباره ایران دست نکشید. در سال ۱۹۹۰، جشن‌نامه‌ای به مناسبت هفتادسالگی او زیر نظر فرانسوا والا انتشار یافت که یکی از مقالات آغازین آن به قلم دکتر فیروز باقرزاده، «ژان پرو، دوست ایران»

(Jean Perrot, ami de l'Iran) نام داشت. تازه‌ترین اثر پرو، کتاب کاخ داریوش در شوش (Le palais de Darius à Susa) است که در سال ۲۰۱۰ انتشار یافت. ژان پرو در سن ۹۲ سالگی، در واپسین روزهای سال ۲۰۱۲ (روز کریسمس) درگذشت. یادش گرامی!

### یوری روبینچیک ایران شناس بزرگ (۱۹۲۳-۲۰۱۲)

یوری روبینچیک روز دهم نوامبر سال ۱۹۲۳ در خانواده‌ای تحصیل کرده در مسکو چشم به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی را با درجه ممتاز به پایان رسانده و مدال طلای موفقیت در تحصیل را دریافت کرد. چند روز پس از پایان تحصیلات ابتدایی، جنگ جهانی آغاز شد. یوری جوان همراه با همکلاسان عازم جبهه مسکو شد تا در گروهان زرهی به میهن خدمت کند. اما در ماه آگوست همان سال، یوری هفده ساله، به ارتش فراخوانده شد. گروهانی که وی در آن حضور داشت، طی ماه‌های اکتبر و نوامبر سال ۱۹۴۱ در خطرناک‌ترین خط جبهه میان دو شهر در حومه مسکو از خودگذشتگی به خرج داد.



یوری روبینچیک



پس از شکست آلمان‌ها در حومه مسکو، اوایل سال ۱۹۴۲، یوری رویینچیک وارد دانشکده افسری ارتش سرخ با گرایش زبان‌های شرقی گردید. وی باید از میان زبان‌های شرقی ترکی، چینی، هندی و فارسی یکی را انتخاب می‌کرد. زمانی که دلیل انتخاب را از وی سوال کردم، نگاهش را به روبرو خیره کرد و گفت: «یک حس درونی به من تاکید می‌کرد که باید زبان فارسی بخوانم. ایران برای من همیشه جالب توجه بوده است. همیشه نیروی مرا به سوی تاریخ و فرهنگ این کشور می‌کشاند. پس زبان فارسی را انتخاب کردم».

پس از دریافت مدرک، دوره کوتاهی را برای تدریس پشت سر گذاشت و در همان دانشکده دعوت به کار شد. سال ۱۹۵۳، از رساله علمی خود تحت عنوان «جملات مرکب در زبان فارسی امروز» دفاع کرد. رساله وی در سال ۱۹۵۹ مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته و برای چاپ و آموزش توصیه شد. دومین کتاب یوری رویینچیک «زبان فارسی معاصر» (۱۹۶۰) نام داشت. اولین سفر وی به ایران در سال ۱۹۵۵ به عنوان مترجم و محقق صورت گرفت. اما بهترین و پرثمرترین سفر برای وی در سال ۱۹۶۰ و از طرف سازمان یونسکو به ایران بود. وی در این سفر، مدت چهار ماه فرصت داشت تا از تمام نقاط ایران دیدن کند. رویینچیک بهترین خاطرات خود را در این سفر، دیدار با دکتر محمد معین، پرویز ناتل خانلری، شجاع‌الدین شفاء و سایر دانشمندان زبان فارسی می‌داند. در این چهار ماه، وی مأموریت داشت که همراه با بزرگان ادب فارسی به تدوین فرهنگ لغت دو جلدی فارسی - روسی بپردازد.

رویینچیک پس از آن، امکان حضور در ایران را برای شرکت در کنفرانس‌های مختلف علمی پیدا کرد. آخرین بار در سال ۲۰۰۲ به ایران سفر کرد. کلاس‌های درس رویینچیک و کارگاه‌های زبان فارسی وی در ذهن دانش‌آموختگان اهل باکو، تاشکند، دوشنبه و سمرقند که محل برگزاری دائمی کارگاه‌ها و کنفرانس‌های زبان‌شناسی زبان فارسی بود، باقی مانده است.



کتاب فرهنگ فارسی روسیه رویینچیک



روبینچیک مؤلف بیش از ۱۵۰ اثر علمی اعم از کتاب، مقاله و توصیه‌هایی درباره روش تدریس است. اما وی در میان تمام آثار خود از هفت اثر به شکل ویژه یاد می‌کرد که عبارتند از:

۱. «دوره مقدماتی آموزش زبان روسی» (۱۹۵۱) کار مشترک با گرانت آوانسیان واسکانیان استاد زبان فارسی؛
۲. کتاب «جملات مرکب در زبان فارسی معاصر» (۱۹۵۹)؛

۳. کتاب «زبان فارسی معاصر» (۱۹۶۰). این اثر

در سال ۱۹۷۱ با اندک تغییرات و با اضافات به زبان انگلیسی منتشر شد؛

۴. فرهنگ لغت دو جلدی فارسی - روسی (۱۹۷۰). این فرهنگ سه مرتبه در روسیه و به دفعات در ایران تجدید چاپ شده است. یوری روبینچیک سرپرست گروه مؤلفین و نویسنده بخش دستور زبان در جملات بود.

۵. کتاب «اصول اصطلاحات زبان فارسی» (۱۹۸۱). در این اثر توجه خاص به تغییرات در واژگان زبان فارسی پس از انقلاب اسلامی ایران و نفوذ زبان عربی و زبان‌های غربی به این زبان شده است. این اثر ارزشمند رساله دوره فوق دکتری یوری روبینچیک بود؛

۶. «کتاب واژه‌شناسی زبان فارسی» (۱۹۹۱) در خصوص نظریه و تدوین فرهنگ لغت زبان فارسی؛

۷. کتاب «دستور زبان فارسی ادبی معاصر» (۲۰۰۱) این اثر نامزد جایزه بهترین اثر مؤسسه خاورشناسی سال ۲۰۰۱ شد.

در سال ۲۰۱۰، کتاب اصطلاحات زبان فارسی که حاصل عمری تلاش و پژوهش وی در روسیه و ایران بود، نامزد جایزه فارابی شد. وی سال‌های آخر زندگی را به خاطر ضعف جسمانی در آسایشگاه دولتی نخبگان به سر می‌برد، اما از مطالعه و گفتگو در حوزه زبان فارسی غافل نمی‌شد. یوری روبینچیک در یکی از روزهای ماه دسامبر سال ۲۰۱۲ برای همیشه چشم از جهان فرو بست. وی به مقصد رسید، به مأمنی که روحش می‌تواند دمی بیاساید.

**فرزانه شفیعی**

### درینجا که استاد رفت...

با کمال تأسف و تأثر با خبر شدیم پروفیسور زن یان شِن استاد برجسته و پیشکسوت زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پکن، پس از سال‌ها تلاش و ارایه خدمات علمی و آموزشی شایان تقدیر به زبان و ادبیات فارسی، و پس از تحمل حدود ده سال بیماری طاقت فرسا، در ۲۹ دیماه سال



جاری و در زادگاهش شهر شانگهای بدرود حیات گفت. این استاد گرانقدر، بیش از ۴۵ سال با اخلاص تمام و بدون هرگونه چشمداشتی، از طریق تدریس، تهیه و تدوین متون آموزشی، نگارش مقالات و تألیف و ترجمه آثار گرانسنگی همچون «فرهنگ لغت فارسی به چینی و چینی به فارسی»، به فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان و ادبیات فارسی در کشور چین خدمت کرد. وی شخصیتی اخلاقی، آرام و کوشا و در عین حال دارای چهرهای همیشه خندان و خوشرو بود و در زمینه معرفی فرهنگ ایرانی فردی خستگی ناپذیر با روحیه‌ای سرشار از مهربانی و صداقت به شمار می‌رفت. به شایستگی می‌توان این مرحوم را در کنار اساتیدی هم‌چون پروفسور جان هونین و پروفسور یه یی لیانگ از استوانه‌های پایدار زبان و ادبیات فارسی در چین بر شمرد. در ایام حضورم در پکن (سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) افتخار آشنایی با این استاد فرهیخته و گرانقدر را پیدا کردم.

استاد زین یان شین، در سال ۱۹۳۵، در شهر شانگهای دیده به جهان گشود و در همان شهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به پایان رساند. او در سال ۱۹۵۳ برای تحصیل در رشته زبان و ادبیات انگلیسی وارد انستیتو زبان‌های خارجی دانشگاه پکن شد و در سال ۱۹۵۷ موفق به اخذ مدرک کارشناسی در این رشته گردید. با توجه به نیاز کشور چین و بخش تازه تأسیس زبان فارسی دانشگاه پکن به کارشناسان متخصص این رشته، به دلیل قطع رابطه سیاسی میان ایران و چین در آن سال‌ها، وی به همراه پروفسور یه یی لیانگ دیگر استاد بخش فارسی دانشگاه پکن، به منظور فراگیری زبان و ادبیات فارسی به افغانستان اعزام و در دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل به تحصیل پرداخت. او در این مدت زبان فارسی را به خوبی فرا گرفت و بدون لهجه به زبان شیرین فارسی صحبت می‌کرد.

زین یان شین، در سال ۱۹۶۱ بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی در این رشته به چین بازگشت و به عنوان استاد در بخش فارسی دانشگاه پکن به تدریس پرداخت. در سال‌های بعد، وی افزون بر تدریس، به مدت چند سال نیز ریاست این بخش را برعهده داشت.

پروفسور زین یان شین، افزون بر تألیف و ترجمه ده‌ها مقاله پیرامون زبان و ادبیات فارسی، سرویراستاری فرهنگ دو جلدی چینی به فارسی و فارسی به چینی را بر عهده داشت که با مشارکت استادان دانشگاه پکن و دانشگاه تهران - استادان مرحوم دکتر جواد شریعت، مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی و استاد دکتر غلامرضا ستوده و همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در چین تألیف و از سوی دانشگاه پکن منتشر شد. این اثر ارزنده در سال ۱۳۷۷ به عنوان اثر برگزیده ششمین دوره جایزه جهانی کتاب سال ایران انتخاب و جایزه بهترین اثر خارجی در زمینه زبان و ادبیات فارسی را به خود اختصاص داد.

او همچنین، در سال ۱۳۷۹ به خاطر خدماتش نسبت به گسترش زبان و ادبیات فارسی و معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی به علاقمندان چینی، همراه با برخی دیگر از اساتید زبان فارسی دانشگاه



زِن یان شِن

پکن، موفق به دریافت لوح تقدیر از رییس جمهوری اسلامی ایران و در سال ۱۳۸۳ لوح تقدیر از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و در همان سال مفتخر به دریافت نشان افتخار هفتاد سالگی تأسیس دانشگاه تهران گردید. افزون بر تألیف چند کتاب و جزوه درسی آموزش زبان فارسی، از دیگر آثار ارزشمند او می‌توان به کتاب ماندگار «ضرب المثل‌های فارسی به چینی و اصطلاحات چینی به فارسی» اشاره کرد که در سال ۱۳۸۰ در پکن منتشر شد.

فهرست برخی از آثار زِن یان شِن

- تدوین مجموعه کتابهای درسی برای دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد بخش فارسی دانشگاه پکن؛
  - سرویراستاری و تدوین لغتنامه بزرگ چینی به فارسی با همکاری جمعی از استادان دانشگاه‌های پکن و تهران؛
  - سرویراستاری و تدوین لغتنامه بزرگ فارسی به چینی با همکاری جمعی از اساتید دانشگاه‌های پکن و تهران؛
  - تدوین کتاب آموزشی مکالمه به زبان فارسی؛
  - نگارش مقاله زبان فارسی برای دایرة المعارف چین (۱۹۸۸)؛
  - تألیف مقاله «منشأ زبان فارسی و تکامل آن» منتشر شده در مجله فرهنگ مشرق زمین (۱۹۸۲)؛
  - زبان فارسی در چین (۱۹۸۵)؛
  - شناخت حافظ از دیدگاه یک فرد چینی (۱۹۹۲)؛
  - ترجمه تاریخ ادبیات ایران؛
  - ترجمه قسمتی از تاریخ مغول ار جامع التواریخ اثر رشیدالدین فضل الله؛
  - تألیف کتاب ماندگار «ضرب المثل‌های فارسی به چینی و اصطلاحات چینی به فارسی» به سه زبان؛
- مرحوم پروفیسور زِن یان شِن، بارها برای شرکت در سمینارهای مختلف و چهارمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی به جمهوری اسلامی ایران سفر کرد و با ارائه دو مقاله «مشابهت‌ها و مغایرت‌های فرهنگی چین و ایران در کاربرد ضرب المثل‌ها» و «تأثیر فرهنگ



مراسم یادبود پروفیسور زن یان شن

و تمدن ایرانی بر فرهنگ چینی» در این نشست‌های علمی شرکت نمود. در گذشت این استاد فرهیخته را به خانواده آن مرحوم، همکاران و شاگردان ایشان در دانشگاه پکن و تمام دوستان و آشنایان وی تسلیت می‌گوییم. روحش شاد و روانش جاودان.

علی محمد سابقی

### مراسم یادبود پروفیسور زن یان شن در بخش فارسی دانشگاه شانگهای

مراسم یادبود پروفیسور زن یان شن استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی در چین با حضور خانواده، آشنایان، شاگردان و اساتید کرسی زبان فارسی دانشگاه های شانگهای و چین برگزار گردید. در ابتدای این مراسم دکتر شی گوان رئیس بخش زبان فارسی دانشگاه پکن به نمایندگی از دانشگاه پکن مطالبی را در خصوص شخصیت ایشان بیان داشت. در ادامه آقای مهرداد رخشنده وابسته فرهنگی ج.ا.ایران در شانگهای ضمن تسلیت به خانواده، شاگردان، دوستان و آشنایان وی، خلاصه ای از خدمات و سوابق درخشان و شایان تقدیر ایشان را بیان داشت. سخنران بعدی این مراسم پسر پروفیسور زن یان شن و آقای سبحانی سرکنسول ایران در شانگهای بود.

### اعطای پنجمین جایزه ایران شناسی "بیبا دریاباری" به هوشنگ سیحون

پنجمین جایزه ایران شناسی "بیبا دریاباری برای ادبیات و آزادی" در تاریخ نهم آذرماه در دانشگاه استنفورد آمریکا با حضور برخی ایرانیان به هوشنگ سیحون هنرمند ایرانی اهداء شد. این جایزه



یادبود پروفیسور زنِ یانِ شِن در دانشگاه شانگهای

که ارزش آن ده‌هزار دلار است، در سال‌های قبل به سیمین بهبهانی، محمدرضا شجریان و بهرام بیضایی تعلق گرفته است. «جایزه ادبی "بیتا در یاباری" هر سال به فردی که در یکی از زمینه‌های ادبی یا هنری کاری شایسته و ماندگاری انجام داده باشد تعلق می‌گیرد. این جایزه با همکاری بخش مطالعات ایرانی دانشگاه استنفورد آمریکا و کمک‌های خانم بیتا در یاباری بنیان نهاده شده است. بیتا در یاباری، مبلغ دو و نیم میلیون دلار به این دانشگاه کمک کرده است.

"هوشنگ سیحون" نقاش، استاد معماری و رئیس سابق دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. او در سال ۱۳۹۹ در تهران در خانواده‌ای آشنا با موسیقی به دنیا آمد. پدر بزرگ او میرزا عبدالله فراهانی از پیشگامان موسیقی سنتی و معروف به پدر موسیقی سنتی ایران بود. او پس از پایان تحصیل معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به دعوت آندره گدار (رئیس اداره باستان‌شناسی وقت ایران) برای ادامه تحصیل راهی پاریس شد و در دانشسرای عالی هنرهای زیبای پاریس به تکمیل دانش معماری پرداخت. وی در طول فعالیت خود عضو شورای ملی باستان‌شناسی، شورای عالی شهرسازی، شورای مرکزی بسیاری از دانشگاه‌های ایران و کمیته بین‌المللی ایکوموس (وابسته به یونسکو) بود و به مدت ۱۵ سال مسئولیت مرمت بناهای تاریخی ایران را برعهده داشت. از طراحی‌های ساخته شده توسط هوشنگ سیحون می‌توان به آرامگاه بزرگانی چون خیام، کمال‌الملک، بوعلی سینا، نادرشاه افشار، کلنل محمدتقی خان پسیان و ده‌ها مقبره و آرامگاه دیگر و نیز طراحی بنای "موزه توس" ۱۳۴۷ و ساختمان بانک سپه در میدان توپخانه تهران اشاره کرد. سیحون در کنار معماری، به نقاشی از مناظر و روستاهای ایران نیز می‌پرداخت و نمایشگاه‌هایی از آثار خود را در ایران





هوشنگ سیحون

و در خارج از ایران برپا می‌کرد. دانشگاه‌های هاروارد، واشنگتن و برکلی مجموعه‌ای از نقاشی‌های سیحون را گردآوری کرده و از آن‌ها نگهداری می‌کنند.

---

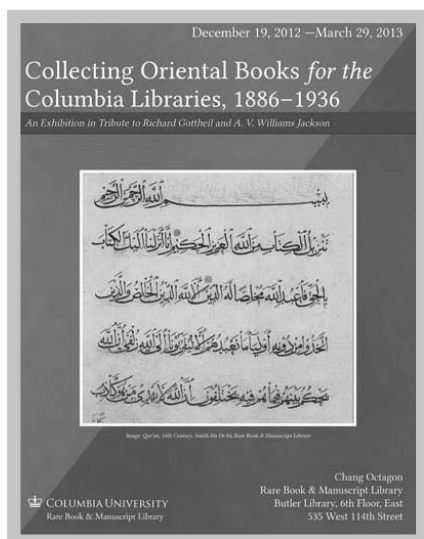
### برگزاری مسابقه ترجمه ادبی از فارسی به انگلیسی در گروه مطالعات ایرانی دانشگاه کمبریج

---

گروه مطالعات ایرانی دانشگاه کمبریج نخستین مسابقه ترجمه اشعار فارسی معاصر و قصه و درام‌های فارسی از زبان فارسی به انگلیسی را از نوزدهم دسامبر ۲۰۱۲ تا ۳۱ جولای ۲۰۱۳ برگزار می‌کند. شرکت کنندگان این مسابقه باید دانشجویان انگلیسی و اروپایی در دانشگاه‌های انگلستان یا یکی از کشورهای اروپایی باشند. افراد علاقمند باید تا تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۱۳ اثر ترجمه شده منتشر نشده خود را به آدرس گروه مطالعات ایرانی ارسال دارند. زمان اعلام نتایج مسابقه و برندگان نهایی ۳۰ جولای خواهد بود. مبلغ جایزه برای بهترین ترجمه ۲۰۰ پوند، برای دومین اثر منتخب ۱۰۰ پوند و برای سومین برگزیده ۵۰ پوند تعیین شده است. آثار برگزیده در این مسابقه در تارنمای دانشگاه کمبریج یا انتشارات آن نشر خواهد یافت. شرکت کنندگان در این مسابقه ادبی، باید اصل متن فارسی اشعار یا قصه و درام، ۱۵ صفحه از متن ترجمه شده به زبان انگلیسی و مبلغ هفت پوند هزینه شرکت در مسابقه را به دانشگاه کمبریج ارسال دارند.



## نمایشگاه کلکسیون کتاب‌های شرقی کتابخانه‌های دانشگاه کلمبیا ۱۸۸۶-۱۹۳۶



این نمایشگاه از سوی کتابخانه کتاب‌های نایاب و نسخه‌های خطی دانشگاه کلمبیا به احترام و افتخار ریچارد گودیل<sup>۱</sup> و ویلیامز جکسون<sup>۲</sup> از تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۲ برابر با ۱۳۹۱ تا ۲۹ مارس ۲۰۱۳ در محل این کتابخانه برگزار می‌شود. در این نمایشگاه انواع نسخه‌های خطی، اسناد و کتاب‌های منحصر بفرد کتابخانه کتاب‌های نایاب و نسخه‌های خطی دانشگاه کلمبیا و مجموعه‌های خطی شخصی مجموعه‌داران به نمایش گذارده می‌شود. در کنار این نمایشگاه، بخش خرید و فروش کتاب‌ها و اسناد خطی نیز دایر است و مجموعه‌داران از شهرهای مختلف آمریکا در آن شرکت می‌کنند.

### برگزاری کنفرانس بین‌المللی مطالعات ایرانی در لهستان

کنفرانس بین‌المللی مطالعات ایرانی: قدرت هویت؛ جهان ایرانی از منظر تحقیق، توسط دیپارتمان مطالعات ایرانی دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه ورشو در روزهای پانزدهم و شانزدهم آوریل ۲۰۱۳ در محل این دانشگاه برگزار خواهد شد. موضوع این کنفرانس، جهان ایرانی یا سرزمین‌های واقع در قلمرو حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی تعیین شده است. برگزارکنندگان کنفرانس در توجیه علت انتخاب این موضوع اعلام کرده‌اند که: «ایران در گذشته یک کشور فرهنگی درخشان و یک تمدن بزرگ بوده و در آینده نیز یک فرهنگ و تمدن با عظمت را نمایندگی خواهد کرد. با توجه به استمرار هویت ایرانی در ایران و تداوم حضور زبان و ادبیات فارسی یا عناصری از فرهنگ ایرانی در کشورهای واقع در حوزه تمدن و فرهنگ جهان ایرانی، شایسته است این استمرار و حضور و نفوذ از جنبه‌ها و منظرهای مختلف مورد بررسی علمی قرار گیرد».

هدف کنفرانس قدرت هویت؛ جهان ایرانی از منظر تحقیق چنین اعلام شده است: بررسی عناصر و مؤلفه‌های مهم در میراث فکری و معنوی ایران و پیام آن برای جهانیان با تأکید بر هویت. مباحث مورد بحث در این کنفرانس مشتمل بر این موضوعات است: زبان و ادبیات فارسی، فلسفه، هنرهای زیبا، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، میراث شفاهی، جامعه و مسائل معاصر در

1. Richard Gottheil
2. Williams Jackson



کشورهایی که زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی در آنجا حضور یا نفوذ دارند. هیأت علمی برگزارکننده کنفرانس این افراد هستند: دکتر میروسلاو میچالاک<sup>۱</sup>، دکتر سیلویا سردیکوسکا<sup>۲</sup>، دکتر مگدالنا زابوروسکا<sup>۳</sup> و پروفسور جولانتا سیراکوسکا دیندو<sup>۴</sup>.



دانشگاه ورشو

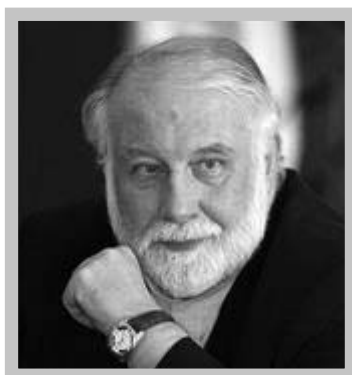
زبان این کنفرانس انگلیسی است و امکان ترجمه سخنان شرکت کنندگان به زبان های دیگر وجود ندارد. هزینه ثبت نام و حضور در این کنفرانس ۱۲۰ یورو و اقامت میهمانان در خوابگاه های دانشجویی برای هر شب بین ۳۵ تا ۴۵ یورو تعیین شده است.

### کارگاه آموزشی ایران شناسی در هند

در روز دوازدهم دی ماه سال جاری کارگاه آموزشی معرفی و شناخت ایران در دانشگاه الله آباد برگزار شد. در این کارگاه که به مدت چهار ساعت برپا گردید، دوازده نفر از دانشجویان تاریخ خاورمیانه و کشورهای آسیای جنوبی و رشته زبان و ادبیات فارسی شرکت کردند. در این نشست پروفسور اکرام الله با بررسی تاریخ زبان و ادب فارسی در شبه قاره و ارتباط شاهانه عادل شاهی و قطب شاهی با دربار ایرانیان و نیز نقش انگلیسی ها در نزول و افول زبان و ادبیات فارسی و آثار خطی فارسی در کتابخانه های شبه قاره هند و پاکستان سخن گفت. وی در پایان به جایگاه زبان فارسی در شناخت سرمایه های فرهنگی کشورهای قلمرو فرهنگ و تمدن ایرانی اشاره نمود و آشنایی با زبان و ادب فارسی را برای دانشجویان رشته های تاریخ و فرهنگ شبه قاره ضروری دانست.

1. Miroslaw Michalak
2. Sylwia Surykowska
3. Magdalena Zaborowska
4. Jolanta Sierakowska-Dyndo

## به یاد دکتر حبیبی رئیس بنیاد ایران شناسی



از حوادث اسف بار زمستان امسال سفر بی بازگشت دکتر حسن حبیبی رئیس بنیاد ایران شناسی و عضو مجمع تشخیص مصلحت بود. دکتر حبیبی وزیر علوم و آموزش عالی، وزیر دادگستری، معاون اول رئیس جمهور واز جمله حقوق دانانی بود که پس از انقلاب ایران، پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی را تهیه کرد. وی سال‌ها نیز عضو دیوان داوری لاهه و رئیس فرهنگستان زبان

و ادب فارسی و مدیر گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود. دکتر حسن حبیبی دولتمردی صاحب نظر، دانشمندی مایه‌ور و دارای استعداد فوق‌العاده‌ای در عرصه سازمان‌دهی نهادهای علمی - پژوهشی بود. بنیاد تفکر آن مرحوم نه فقط معطوف به خدمت فداکارانه و ارتقاء سطح علمی - پژوهشی در داخل ایران بود، که بر جلب و جذب ایران‌شناسان و استادان ادب و زبان فارسی خارج از کشور نیز بود. رساترین توصیف از مرحوم دکتر حبیبی و ویژگی‌های شخصیتی وی نگاشته‌ای است از دکتر احمد جلالی. در اینجا گوشه‌ای از این گزارش را با هم می‌خوانیم. دولتمردی که سرمایه‌ای ستودنی از فرهنگ داشت و انگیزه‌ای به یاد ماندنی برای خدمت. مسلمانی‌اش بی‌رنگ و ریا، و امضاء پای دل‌نوشته‌هایش «بنده خدا». در هوای مسلمانی مشتاقانه نفس می‌کشید. به ایران عشق بل غیرت و تعصب می‌ورزید؛ دلبسته دلپذیری‌های فرهنگ و ادب این کهن بوم بود. و چون با تاریخ و جامعه‌آشنائی داشت، در انتخاب راه خیرخواهی و خدمت خبیر بود و در فهم و دفع آفات آن بصیر. شخصیتش افراط را پس می‌زد. اهل تعادل بود بل نماد



آن. می‌دانست که هم نومی‌دی و منفی بافی‌های روشنفکرمانه چون شبِ بی‌روز است و هم بلندپروازی‌های خیالبافانه بال و پر سوز. چشمه‌های پر آب در این سو را به بهانه خشکسالی در آن سو نادیده نمی‌گرفت. واقع بین بود، یعنی که از هیچ چاهی بیش از آنکه آب دارد نمی‌توان کشید. نمی‌توان دلو را درید که چرا پُر بر نمی‌گردد؛ بل می‌باید کاریزگران را گردآورد، به آن‌ها دست مریزاد گفت، و به لایروبی مسیر کاریزهای کهن کویر فرستاد هرچند کم آب یا حتی خشک شده باشند. همین‌ها بود که او توانست از حواشی فرصت‌کش و مردافکن دولتمردی، تا آنجا که می‌شد، بگریزد و در خدمت درآویزد. پشتوانه‌ی او در این آویز و گریز، پرهیز بود. پرهیزی مردی بود حبیبی. درگذشت این خدمتگزار صمیم و خلیق ایران و ایران‌شناسی به خانواده محترم آن مرحوم، ایران‌شناسان و ایران‌دوستان تسلیت می‌گوییم.

### گزارش سومین نشست پنجاهمین سال نهضت امام خمینی

موضوع سومین نشست از سلسله سخنرانی‌های پنجاهمین سال آغاز نهضت امام خمینی «انقلاب سفید و پیامدهای آن» و سخنرانش دکتر جواد منصوری بود. در این نشست که با حضور شماری از پژوهشگران و نویسندگان حوزه تاریخ و انقلاب اسلامی پژوهی در محل سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شد. ابتدا دکتر محمد جواد مرادی نیا رئیس مرکز ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی کتابخانه ملی در باب اهداف این جلسات و مباحث مطرح شده در جلسات گذشته و نیز چالش‌هایی که در سال ۱۳۴۱ بین روحانیت و سلطنت اتفاق افتاد، توضیحاتی ارائه نمود. سپس دکتر جواد منصوری، معاون سابق وزیر امور خارجه و معاون پژوهشی مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سخنان خود به تفصیل به نقش



آمریکائیان در تشویق رژیم سلطنتی به ایجاد اصلاحات اجتماعی و اصلاحات ارضی و اقدامات دولت اسدالله علم برای تصویب و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی پرداخت و از اقدامات روحانیون و امام خمینی در مقابله با تصویب این لایحه

و کاپیتالاسیون سخن به میان آورد. وی در بخشی از سخنان خود گفت: در سال ۱۳۳۹ در آمریکا، انتخاباتی برای ریاست جمهوری انجام گرفت و با پیروزی کندی بعضی سیاست‌های جدید اعلام شد که تازگی داشت، یکی از این سیاست‌ها اجرای اصلاحات اجتماعی و ارضی بود.

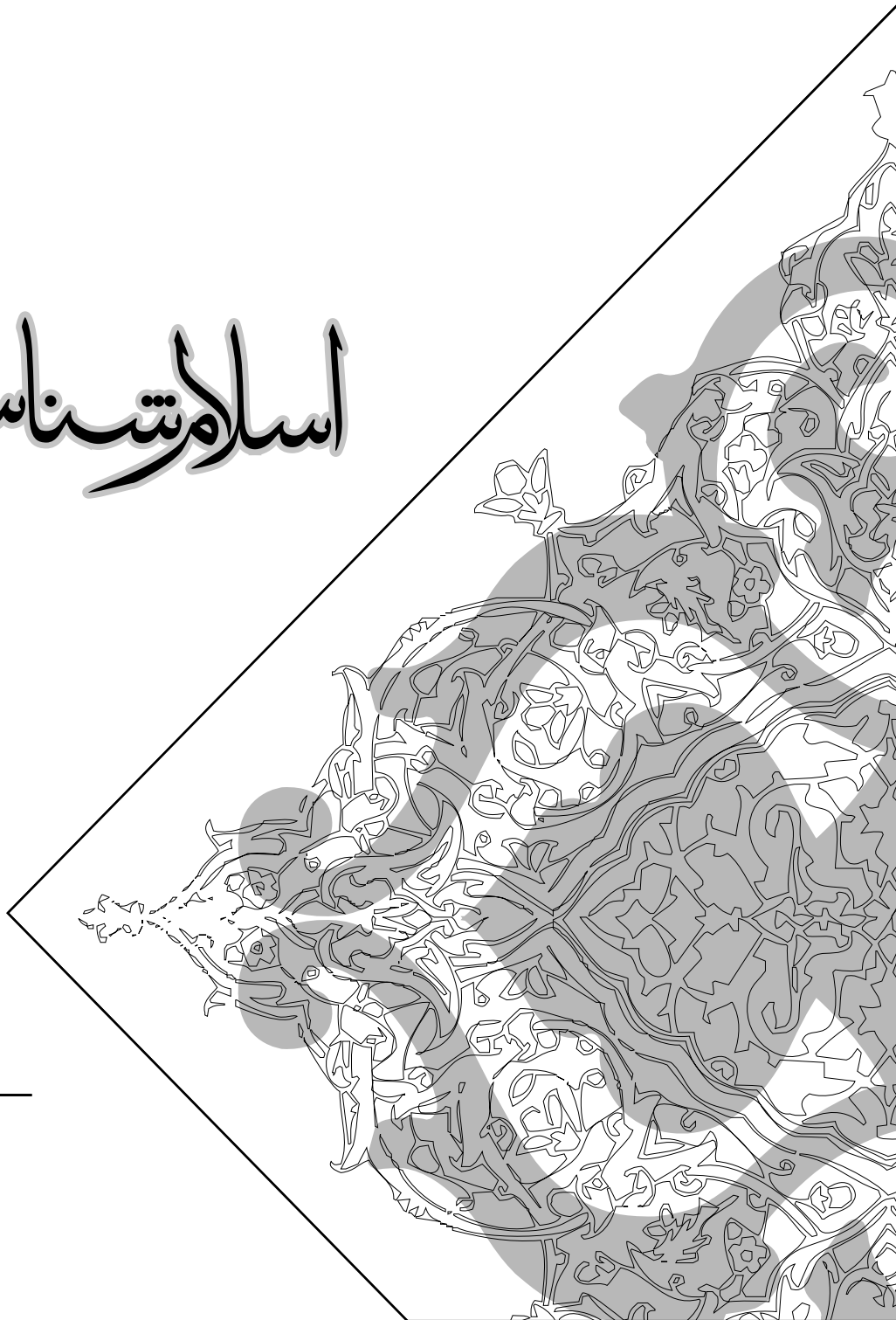
### گزارش چهارمین نشست پنجاهمین سال آغاز نهضت امام خمینی

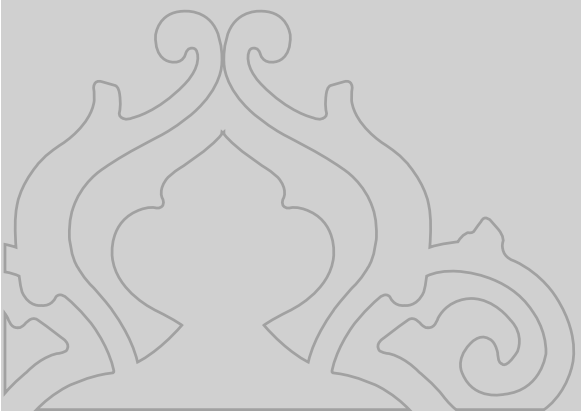
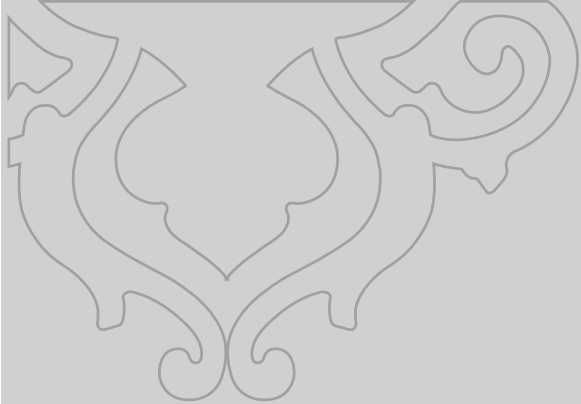
پس از برگزاری سه نشست از مجموعه نشست‌های «پنجاهمین سال آغاز نهضت امام خمینی (س)» که با استقبال پژوهشگران مواجه شد، چهارمین نشست در روز سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه در کتابخانه ملی برگزار شد. این نشست در ادامه نشست پیشین با موضوع «بررسی علل مخالفت روحانیون با انقلاب سفید» با سخنرانی جواد منصوری برگزار گردید و در آن ریشه‌های شکل‌گیری قیام امام خمینی، شرایط کشور، دخالت و نفوذ آمریکاییان و علل مخالفت روحانیون با سیاست‌های رژیم از نظر تاریخی و تحلیلی بررسی گردید. گفتنی است که این سلسله نشست‌ها با هدف روشن شدن ابعاد خیزش مردمی به رهبری امام خمینی که منتج به انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ شد، به همت مرکز پژوهش‌های اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار می‌شود.



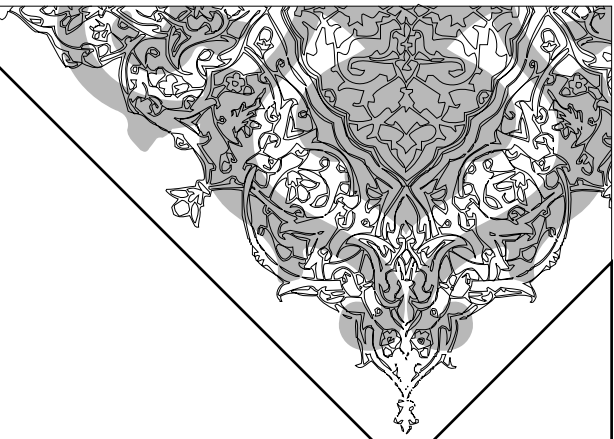


# اسلامت‌ناسی









## اسلام پژوهی فرانسویان؛ از هانری کربن تا شیعه شناسان جدید در گفتگو با دکتر (کریستین بونو) یحیی علوی

### اشاره

اگرچه یحیی بنو با تأثیر از رنه گنون به اسلام گرایش پیدا کرده و تغییر دین داده و به اسلام شیعی گرویده، اما باید او را از نسل هانری کربن‌ها به شمار آورد. او با بکارگیری روش هرمنوتیک در فهم و بیان گزاره های دینی و متون اصلی عرفانی و فلسفه اسلامی یافته هایی را ارائه می‌دهد که کمتر در روش محققان ایرانی دیده می‌شود. روش یا سنت فلسفی عرفان شیعی ایرانی، یک متفکر مسلمان برخاسته از نظام آکادمیک فرانسه را دچار این دغدغه می‌کند که میان سنت اسلامی شیعی و آن نظام فکری نسبتی برقرار کند. یحیی علوی (بنو) از آن دسته از متفکرانی است که رویکرد هرمنوتیک در نظرها و نوشته هایش، غالب و اظهار نظرهای او از منظر برون دینی تحت تأثیر همین رویکرد است. به همین دلیل او در مبنا و روش اندیشه به هانری کربن نزدیک است تا ماسینیون و دیگران.

امتیاز ویژه یحیی بنو بر بسیاری از متفکران دیگر هم عصر خود، متن شناسی اوست. او در متن شناسی بر روی متون اولیه و اصلی شیعی تأکید می‌کند و به این نکته اذعان دارد که ملاک و معیار داوری و شناخت حقیقت، فهم درست متون اصلی شیعی است و تأکید می‌ورزد که اسلام پژوهان غربی به دلیل غور نکردن در متون اصلی شیعه نتوانسته اند در مسیر تحقیق درست قرار گیرند. در این جا گفتگویی داریم با این اسلام شناس فرانسوی تبار در باره خودش، فعالیت و پویه های فکری و علمیش و نیز روش های اسلام شناسی و اسلام شناسان در فرانسه.

محمدصادق امینی



● اگر ممکن است نخست خودتان را معرفی فرمائید و از محل تحصیل، رشته تحصیلی، حوزه مطالعاتی و اساتید خود برای خوانندگان ما سخن بگوئید.

من در ایران مشهور به یحیی علوی هستم، اما نام فرانسوی من کریستین بنو است. چون پدرم در آلمان اشتغال به کار داشت، در آنجا به دنیا آمدم، شش سال در آلمان و چهار سال در الجزایر بودم، در ده سالگی به فرانسه آمدم. در دوره دیپلم به تحقیق و مطالعه در باره ادیان جهان علاقه پیدا کردم. این زمانی بود که باید انتخاب رشته تحصیلی می کردم و در انتخاب موضوع تردید داشتم. بعد از اینکه مسلمان شدم رشته تحصیلی ام را انتخاب کردم.

### ● سیر مطالعاتی و تحصیلات آکادمیک شما چگونه بود؟

فراگیری زبان عربی را از تونس آغاز کردم، بعد در جنوب فرانسه در دانشگاه ماری (اکسپرووانس) و سپس در پاریس، در مؤسسه زبان‌های شرقی [اینالکوا]، که مرکز زبان‌آموزی برای ورود به فعالیت‌های دولتی و بین‌المللی است، دوره فوق دیپلم را گذراندم. پس از آن به دانشگاه سوربن جدید وارد شدم تا در رشته زبان، ادب و تمدن عرب و اسلام‌شناسی به تحصیل بپردازم. چنانکه می‌دانید در فرانسه دروس اسلام‌شناسی در رشته‌ای به نام زبان، ادب و تاریخ عربی ارائه می‌شود و دانشجویان رشته اسلام‌شناسی باید زبان و ادبیات و فرهنگ عربی را فراگیرند، در حالی که در آلمان برای اسلام‌شناسی باید زبان‌های عربی، فارسی و ترکی را آموخت. این را نیز بگویم که ایران‌شناسی که بخواهند در زمینه ایران باستان یا ایران معاصر تحقیق کنند، زمانی که بخواهند در یکی از موضوعات دوره باستانی یا دوره اسلامی ایران تحقیق کنند باید این موضوعات را در ذیل رشته زبان و ادب عربی جستجو کنند نه در رشته ایران‌شناسی یا اسلام‌شناسی. در ضمن، مطالعات شیعه‌شناسی هم در چارچوب برنامه آموزشی ایران‌شناسی جای می‌گیرد و شیعه‌شناسی به صورت یک رشته مستقل در فرانسه وجود ندارد.

من در دوره فوق لیسانس وارد رشته اسلام‌شناسی شدم. مقصود من از رشته اسلام‌شناسی همان رشته زبان، ادب و تاریخ عربی است که اسلام‌شناسی هم در ذیل آن قرار دارد. دوره دکتری را زیر نظر پروفیسور دانیل ژیماره که متخصص در علوم اسلامی است گذراندم. ژیماره کسی است که تفسیر عبدالجبار معتزلی را احیاء کرده، تفسیری که منقولات آن از تفسیر ابوجعفر طوسی و کتاب اشعری [مؤسس اشاعره] اخذ شده است. قرار بود تز دکتری من درباره شیخ احمد تیجانی مراکشی مؤسس طریقت تیجانیه، که شیعه مستقلی است، باشد. او با تیجانی تونسی معروف نسبتی ندارد. تشیع شیخ احمد تیجانی و اعتقاد او به توسل به ائمه دوازده گانه در نوشته‌های او آشکار است. در حالی که برای دوره دکتری آماده می‌شدم، دوست لبنانی من که کتاب‌های عربی مورد نیاز دانشگاه سوربن را تهیه می‌کرد، دو کتاب از کتاب‌های امام خمینی را برایم فرستاد. آن روزها فکر می‌کردم که امام خمینی تنها یک مرد سیاسی است و تصویری که از او در ذهن داشتم شبیه تصویری بود که از رهبران اخوان المسلمین مصر داشتم.



### ● آن دو کتاب امام خمینی کدامها بودند؟

آن دو کتاب، یکی شرح دعای سحر و دیگری مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية بود که هر دو به زبان عربی است. ابتدا فکر می کردم «مصباح الهدایة» یک کتاب سیاسی است اما وقتی آن را تورق کردم دیدم بیشتر مباحث آن مربوط به آراء و نظرات ملاصدرا و ابن عربی است. بیشتر که این کتاب را مطالعه کردم متعجب شدم که چگونه کسی در سن ۲۷ سالگی که سن جوانی، یادگیری و تلمذ است با چنین مهارتی در عرفان و فلسفه وارد شده و موضوعات بسیار سنگین عرفانی که باید در نوشته های شارحین درجه اول اندیشه های ابن عربی مثل قیصری و جندی آمده باشد، شرح و توضیح داده است. کتاب شرح دعای سحر را هم با کتاب شرح دعای سحر آیت الله ابوالحسن رفیعی قزوینی که در همان وقت نوشته شده بود، مقایسه کردم و دیدم که کتاب آیت الله رفیعی از نظر فلسفی قوی است اما پرواز روحانی و بهجت معنوی کتاب امام خمینی را ندارد. به هر حال، بنده «مصباح الهدایة» را که بعدها به تفصیل با مقدمه و شرح استاد سید جلال الدین آشتیانی منتشر شده بود کتاب شگفت و مهمی یافتیم.

### ● آیا شما قبلاً در زمینه آثار و آراء ابن عربی مطالعه و تحقیق کرده بودید؟

بله، در زمینه مکتب ابن عربی و تصوف تحقیق کرده بودم، برای همین بود که به آراء و اندیشه امام خمینی نزدیک شدم و با چهره عرفانی ایشان آشنا شدم و دریافتم که معرفی چهره سیاسی ایشان تحریف واقعیت است و باید روزی کتابی بنویسم و واقعیت را بگویم، آن هم در سال ۱۹۸۵ که در حال بررسی مکتب ابن عربی و شیخ تیجانی برای تز دکتری بودم که به سمت آراء امام خمینی تمایل پیدا کردم. پس از آن موضوع «الهیات در آثار فلسفی و عرفانی امام خمینی» را به عنوان رساله دکتری خود انتخاب کردم.

### ● اگر ممکن است بفرمائید چگونه به اسلام گرویدید و چه چیزی در این دین بود که مجذوب

آن شدید، جذبی ای روحانی یا به قول عرفا واقعه ای بود یا کسی شما را متحول کرد؟ از نوجوانی همواره در جستجوی امر معنوی بودم؛ ابتدا به مسیحیت روی آوردم ولی چیزی که مرا راضی کند، نیافتم؛ وجود تناقض میان محتوای انجیل و رفتار مردم مسیحی خصوصاً کلیسای کاتولیک، مرا از این دین دور کرد. مدتی هم هیپی شدم. در سن ۲۰ سالگی با کتابهای یک فیلسوف فرانسوی به نام «رنه گنون» که در زمره اولین فرانسویهای مسلمان بود، آشنا شدم. گنون حدود ۲۰ جلد کتاب در مباحث متافیزیک، توحید، نقد تمدن مدرن و معنویات دروغین نگاشته است. کتابهای گنون که مبتنی بر بیان سیر عرفان عقلانی بود چنان در من اثر گذاشت که ناگزیر از پذیرش اسلام شده و از آن استقبال کردم. در همین زمان با آثار هانری کربن فیلسوف بزرگ فرانسوی و شخصیت و کتاب «احمد حمپاته با» استاد طریقه تیجانیه مانوس شدم. با تأثیری که این شخص و کتابهایش



بر من گذاشت، مذهب شیعه را در سن ۲۲ سالگی با آگاهی انتخاب کردم. با علاقه‌ای که در من نسبت به اسلام پیدا شد، در رشته زبان و ادبیات عرب و اسلام‌شناسی مشغول به تحصیل شدم. تا این زمان هرگز نام امام خمینی (ره) را نشنیده بودم. با خواندن دو کتاب امام خمینی چنان شیفته او شدم که برای زدودن حجاب از چهره ایشان تصمیم گرفتم تز دکترای خود را در زمینه آثار فلسفی و عرفانی ایشان قرار دهم تا شاید بتوانم حقی که ایشان بر گردنم داشت، ادا کنم.

### ● چگونه به ایران آمدید و چه موضوعی را برای رساله دکتری انتخاب کردید؟

بعد از اینکه عنوان رساله دکتری را در دانشگاه سوربن به تصویب رسانیدم، به این فکر افتادم که برای تحقیق بیشتر و آشنایی عمیق‌تر با اندیشه‌های امام خمینی به تهران بروم. از طریق مرکز ایران‌شناسی فرانسه در تهران به ایران آمدم. این مرکز پیشنهاد مرا برای نوشتن تز دکتری در آراء امام خمینی پذیرفته بود. اما با من شرط کرده بودند که موانع و مشکلات بودن در ایران و درس خواندن را خودم بپذیرم. من شرایط را قبول کردم، آن‌ها هم پذیرفتند که مرا حمایت کنند. مرکز ایران‌شناسی فرانسه در تهران به من گفت که چون ما نمی‌توانیم از نظر محتوایی شما را راهنمایی کنیم شما باید در ایران استادی را پیدا کنید و با او کار کنید. در همان وقت مهمان کنفرانس اندیشه اسلامی در تهران بودم و مقاله‌ای به زبان عربی درباره عرفان امام خمینی ارائه کرده بودم. در آن زمان نمی‌دانستم که آقای سید جلال‌الدین آشتیانی و علامه طباطبایی که استادان هانری کربن بودند در قید حیات هستند. ابتدا نزد آیت‌الله جوادی آملی رفتم برای شاگردی و راهنمایی رساله، اما ایشان آقای سید جلال‌الدین آشتیانی را معرفی کردند و یادم هست که در وصف او گفتند: هو عالم، سید جلیل، عالم معلم. به دنبال سخنان آیت‌الله جوادی آملی، به نزد آقای سید جلال‌الدین آشتیانی رفتم، موضوع پایان‌نامه و تلمذ در پیش ایشان را گفتم و قبول کردند. به پیشنهاد ایشان ابتدا دو ماه حضورشان بودم و تلمذ کردم، سپس ماندنم طولانی شد و به هفت سال کشید. سال ۱۹۹۰ بود که تلمذ را شروع کردم. ابتدا کتاب مظاهر الهیه ملاحظه را در نزد ایشان خواندم.

### ● وضعیت شما در دانشگاه سوربن به کجا انجامید؟ گویا بورسیه‌ای هم برای این تحقیق

#### از دانشگاه گرفته بودید؟

بله بورسیه داشتیم. اساتید سوربن بورسیه من را تصویب کرده بودند اما با حق وتوی وزارت خارجه فرانسه بورسیه لغو شد. من که به ایران آمده و مقدمات کار را فراهم کرده بودم نمی‌توانستم تحقیق را رها کنم. بنابراین به ناچار از دانشگاه سوربن مرخصی بدون حقوق گرفتم. علیرغم این مشکل، به مشهد به حضور آقای آشتیانی رسیدم. وی دو کلاس عرفان و فلسفه داشت که یکی شرح جامی بر اللمعات فخرالدین عراقی بود. ۷ سال در درس آقای آشتیانی حاضر بودم و ایشان روش مباحثه را برای من توصیه و تأکید می‌کردند و شیوه‌های دانشگاهی را توصیه نمی‌کردند. ایشان مطالعه عرفان و فلسفه را با



هم تأکید می کردند و می گفتند کسانی که فلسفه می خوانند، اگر فلسفه ملاصدرا را نخوانند نمی توانند به دقائق عرفان برسند و موشکافانه اندیشه های عرفانی را بررسی کنند. با توصیه ایشان، شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد یکی از شاگردانشان خواندم.

● **نگفتید موضوع رساله دکتری شما چه بود و چرا فرانسوی ها با بورسیه و چاپ رساله دکتری شما مخالفت کردند؟**

عنوان رساله من «الهیات در آثار فلسفی و عرفانی امام خمینی» بود و هیأت داوری دانشگاه سورین بهترین امتیاز را به من دادند و تأکید کردند که رساله باید در دانشگاه چاپ شود، اما وزارت امور خارجه فرانسه، که در آن روزها با ایران مشکل سیاسی داشت، با حق وتویی که در این زمینه دارد با چاپ آن مخالفت کرد. البته بعدها، این رساله به همت همان ناشر لبنانی که مرا با آثار امام خمینی آشنا کرده بود، به چاپ رسید.

● **ترجمه قرآن کریم را از چه زمانی و چگونه آغاز کردید؟ و آشنایی و همکاری شما با دکتر جواد حدیدی از کجا آغاز شد؟**

پس از پایان کار رساله دکتری، در مشهد ماندگار شدم و ترجمه قرآن را شروع کردم. ترجمه قرآن به پیشنهاد و اصرار دکتر حدیدی بود و این کار را با هم شروع کردیم. شرط من در این همکاری، ترجمه همراه با تحقیق بود، چرا که با وجود ۲۹ ترجمه از قرآن به زبان فرانسه، پیشرفتی در ترجمه حاصل نشده بود و همچنان این کتاب مقدس به خوبی فهمیده نمی شد. از این رو، بین خود قرار گذاشتیم که تمام مراحل یک ترجمه کامل و درست را رعایت کنیم و نظرات تمام لغت شناسان و مفسران قرآن را در باره الفاظ قرآن و ترکیب واژگان قرآنی را ببینیم و معانی مختلف را بررسی و با دلیل بیان کنیم. هدف ما آن بود که اهل نظر نخواهند دوباره کار را از آغاز شروع کنند. ملاحظات علمی ما در ترجمه آن بود که براساس لغت شناسی و تتولوژی معنی واژگان قرآنی همان معنی بادیه نشینی باشد که یک متخصص ادبیات عرب می فهمد.

● **در برخی از سخنان شما می بینم که می گوید کار شما در مورد قرآن تحقیق بوده است نه ترجمه. مقصود شما از این تعبیر چیست؟**

گاهی می بینیم که یک مترجم چند ترجمه را بررسی می کند و با تغییر واژگان یا ترکیب چند ترجمه، متن جدیدی ارائه می دهد. این ترجمه قرآن نیست چون با تحقیق تازه محقق همراه نیست. من برای آنکه از ترجمه های قبلی متأثر نشوم، هیچکدام از ترجمه های قرآن به زبان فرانسه را ندیدم تا مبدا واژه های در ذهنم جای بگیرد. بنابراین، بدون داشتن موضع قبلی و بدون مراجعه به ترجمه های موجود، درک خودم را از آیات می نوشتم، آنگاه آقای دکتر حدیدی نوشته بنده را با ترجمه های فرانسه دیگر



مقایسه می‌کرد، پس از آن مباحثاتی بین من و ایشان صورت می‌گرفت که از درون آن ترجمه جدید قرآن به زبان فرانسه بیرون می‌آمد. به این ترتیب بر مبنای تحقیق در تفاسیر و کتاب‌های لغت و حدیث و سرانجام ترجمه‌های فارسی ترجمه را انجام دادیم. اگر نسخه چاپ شده را ببینید به صورت ستونی تنظیم شده چرا که ترجمه‌ها لفظ به لفظ نیستند و اصل متن عربی و معادل آن به زبان فرانسه روبروی هم قرار گرفته‌اند. بدین گونه ما مطمئن هستیم که حتی یک حرف هم مغفول نمانده است، بدین معنا که هر کلمه‌ای معادلی دارد. اگر احتمالاً کلمه‌ای حذف شده باشد، حتماً دلیلی بر حذف آن وجود داشته است. چنین کاری تازه و شبیه آن در هیچ زبان دیگری انجام نشده است. البته این ترجمه تا اواسط سوره آل عمران پیش رفته و متوقف شده است؛ منتظر شرایطی مهیا شود تا آن را ادامه دهیم. البته این کار نیاز به صرف وقت بسیار و رجوع به منابع و تفاسیر گوناگون دارد و صد البته همت و کمک مسئولان این گونه فعالیت‌های علمی و فرهنگی را نیز می‌طلبد.

● اگر موافق باشید بحث را به موضوع اسلام شناسی و مطالعات اسلامی در فرانسه برگردانیم. از مطالعات اسلامی در فرانسه برای ما بگویید؟

مکتب اسلام شناسی فرانسه برگرفته از سنت و نظام فکری فرانسوی هاست و در چارچوب و قلمرو شرق شناسی جای می‌گیرد، اسلام‌شناسی یکی از شعبات یا بخش‌های شرق شناسی است، علمی که بدون موضوع است، چون شرق موضوعیت ندارد و پدیده‌ای به نام شرق داریم که محل تأمل است.

● اما سرزمین‌های شرقی، مردم شرقی و تاریخ شرق می‌توانند موضوع علم شرق شناسی باشند.

ادوارد سعید در کتاب معروف شرق‌شناسی‌اش به خوبی این موضوع را توضیح داده است و ثابت کرده که شرق شناسی علم بلا موضوع است. «ژرژ قرم» از مسیحیان لبنانی که وزیر اقتصاد هم بوده کتابی نوشته به نام «شرق و غرب یک شکاف تخیلی» یعنی شرق و غرب وجود ندارد. وی مدعی شده که غرب از ابتدا متدین بوده و حرکت‌هایی مانند اسلام‌گرایی و هندویزم تحت تأثیر غرب بوده است. چرا که باورهای مذهبی و کلیسا همیشه و در همه جای غرب وجود داشته است. به جای شرق شناسی بهتر است بگوییم فرهنگ‌شناسی ملت‌ها. در این صورت؛ مثلاً دوره‌های مختلف تاریخی ایران را به عنوان شرق می‌توانیم مطالعه کنیم؛ محدوده‌ای که نتیجه یک ایدئولوژی است. به عنوان یک موضوع مثلاً انسان سیاهپوست داریم اما سیاهپوست‌شناسی نداریم و نمی‌توانیم داشته باشیم، سیاهپوستی از عوارض ذاتی نیست.

● پس از نظر جناب‌عالی شرق‌شناسی علم بدون موضوع است؟

بله. امروزه شرق شناسی رو به افول است و اگر در جایی مؤسساتی به نام شرق شناسی وجود دارد



سیر نزولی پیدا کرده اند. در گذشته شرق شناسی با قوت و قدرت و اقتدار در انگستان، روسیه، فرانسه و آلمان وجود داشت اما الان متخصص شرق شناسی نداریم. امروزه با موضوعات سر و کار داریم. مثلاً همین که می‌گوییم علم اقتصاد یا زبان شناسی یا تاریخ و روان شناسی، پژوهشگران در چارچوب این موضوعات بر روی جنبه های مختلف جوامع شرقی مطالعه می‌کنند. مثلاً در مورد اقتصاد ایران یا روان شناسی روحانیت در ایران یا زبان شناسی در قرآن تحقیق می‌کنند. پس اسلام شناسان امروز در چارچوب یک موضوع و محدوده مطالعه می‌کنند. در داخل یک رشته علمی پژوهش می‌کنند. شرق شناسی اگر هم باشد باید بر روی موضوعات جوامع شرقی در چارچوب یکی از رشته های علمی مطالعه کند.

#### ● تأثیر اندیشه های عصر روشنگری بر شرق شناسی را چگونه دیده اید؟

یکی از مدعاهای شرق شناسی که بر مبنای دین غربی است این است که به نور عقل رسیده و بر ظلمات شرقی تابیده است. این نقطه نظر بر شرق شناسی و اسلام شناسی فرانسوی چیره دارد که البته با شرق شناسی انگلیسی یا آلمانی و حتی اندیشه های عصر روشنگری در این کشورها تفاوت دارد. روشنگری آلمانی و انگلیسی همراه با دین بود. کانت ضد دین نبود و می‌خواست دین و عقلانیت را نجات دهد، ولی عقل گرایی عصر روشنگری فرانسه کاملاً ضد دین بود. اگر خدا باورانی مانند ولتر و روسو می‌گفتند خدا هست، اما باز وحی و نبوت و روحانیت را منکر می‌شدند. پس دین ستیزی که در عقل روشنگری فرانسوی هست بر کل شرق شناسی و به ویژه اسلام شناسی نیز سیطره داشته و دارد.

#### ● شما که با پیشینه اسلام شناسی فرانسویان آشنایی دارید، جایگاه لویی ماسینیون در

##### سنت اسلام پژوهی فرانسوی و روش فکری او را چگونه می‌بینید؟

ماسینیون آدم عجیبی است، او توبه مذهبی داشته و عمیقاً هم مذهبی شده؛ یک مسیحی مذهبی با تئوری خاص خودش. از نظر ماسینیون، محمد (ص) مانند ابراهیم و موسی پیامبر و قرآن سخن خداوند به او بوده است. سخن ماسینیون این بود که همه پیامبران بنی اسرائیل آمدند تا قوم بنی اسرائیل را برای پذیرش آئین عیسی و محمد آماده کنند. پیامبر اسلام، به غیر از بنی اسرائیل، برای تمام بشر فرستاده شده بود و عیسی پیامبر نیست و پسر خداست. بنابر این او با دیگر پیامبران تفاوت ذاتی دارد. قرآن و پیامبر برای آماده کردن اهل دنیاست تا مردم را از بت پرستی و ظلمت نجات دهند و به تدریج برای پذیرش عیسی به عنوان پسر خدا مهیا کنند.

ماسینیون در ابتدا جاسوس ارتش فرانسه بوده و همراه با «لورنس» (طراح قیام اعراب بر ضد حکومت عثمانی) وارد دمشق شده و در بغداد بیمار بوده. او در خاطراتش نقل کرده که در حال بیماری و مرگ بوده که شیخی از خانواده آلوسی در یک حالت روحانی بالای سر او سوره یاسین



را می‌خوانده تا شفا پیدا کند. این میهمان‌نوازی و بهبودی اش باعث شده که بعدها شخصیت خاص حضرت فاطمه زهرا(ع) مورد توجه او قرار گیرد و پیرامون این شخصیت بزرگ تحقیقاتی انجام دهد. نوشته‌های او مانند شعر است و در آن شیفتگی و علاقه و عبارات عجیب و قابل تأمل مشاهده می‌شود. واقعیت این است که در نوشته‌های ماسینیون احساس و علاقه به شیعیان و چند شخصیت شیعی دیده می‌شود. از نظر بنده ماسینیون نه در تصوف و نه در مباحث شیعه‌شناسی، کار بزرگ و عمیقی در مقایسه با دیگران نکرده است. کار بزرگ او ریشه‌یابی اصطلاحات صوفیه و تحقیقاتش درباره حلاج است که برگرفته از قرآن و روایات و متون اصلی مسلمانان و دیگران است. تحقیقات او درباره حلاج کار کوچکی نیست، مدارک را آورده و نشان داده که به فلسفه نظری و استدلالی علاقه‌ای ندارد. کربن به ماسینیون ایراد می‌گیرد که این همه در باره تصوف و اصطلاحات کار می‌کند چرا با شیخ اکبر محی الدین یا ابن عربی معروف خوب نیست.

● **گفتید که قدمت شیعه‌شناسی در فرانسه ۵۰ سال بیشتر نیست و قبل از هانری کربن مطالعات و اثری جدی درباره شیعه یا شیعیان وجود نداشته است؟**

زمان کربن و حتی پیش از او اسلام‌شناسی وجود داشته اما موضوع شیعه‌شناسی نبوده و محققان و اسلام‌شناسان فرانسوی، شیعه را یک جنبش سیاسی می‌دانستند که به دنبال خلافت بوده است. قبل از کربن دو نوع بحث یا رویکرد درباره شیعیان مطرح بوده است. یک دیدگاه به رویکرد معترضانه شیعیان و مبارزات آنها برای تصاحب خلافت توجه نموده و جنبش‌های اعتراضی شیعی مانند جنبش «محمد النفس الزکیه» را مورد مطالعه قرار داده و این مبارزات را تلاش برای کسب خلافت تفسیر کرده است. دیدگاه دیگر، به موقعیت و جایگاه اجتماعی شیعیان تمرکز داشته و با تحقیقات اجتماعی در مناطق شیعه‌نشین تحت استعمار سعی کرده وضعیت و جایگاه اجتماعی شیعیان دوازده امامی در لبنان، علوی‌های سوریه و شیعیان سایر مناطق روشن سازد. بیشتر پژوهشگران فرانسوی به رویکرد دوم تمایل داشته و با روش‌های جامعه‌شناسانه به بررسی نظام اجتماعی، قانون اساسی و وضعیت شیعیان و علویان در کشورهای لبنان و سوریه پرداخته‌اند. پر پیچیدگی است که این گونه تحقیقات با هدف کاربردی و برای استفاده در دوائر استعماری فرانسه و مدیریت اداری و سیاسی این کشورها بوده است. البته باید بر این نکته تأکید کنم که تحقیقات فرانسوی‌ها درباره علویان بسیار ضعیف و غیر قابل استفاده است و اقوال و نوشته‌های مستشرقان فرانسوی قابل اعتماد نیست. به هر حال، قبل از هانری کربن کسی درباره ابعاد اعتقادی و فلسفی شیعه کاری نکرده بود و زمینه‌ای هم نبود که کسی به دنبال مطالعه و تحقیق در این موضوع برود. در این میان باید به آثار کنت گوبینو هم اشاره کنیم. او که مدتی در ایران بوده و ملاقاتی هم با حاج ملاهادی سبزواری داشته و توانایی و استعداد فوق‌العاده‌ای در درک محیط و دیگران داشته، اطلاعات پراکنده‌ای درباره شیعیان نوشته. اما نوشته‌های او خالی از ایراد نیست، با اینکه





نوشته‌هایش پیرامون فلسفه‌ها و ادیان در آسیای میانه و ایران قابل تأمل و بی‌نظیر است ولی چون او در این‌ها رشته تخصص نداشته و تنها یک دیپلمات بوده و شرح مشاهدات و برداشت‌های غیر دانشورانه‌اش را نوشته، نمی‌توان اعتبار علمی ویژه‌ای برای نوشته‌های او قائل شد.

#### ● به غیر از امیر معزی چه کسانی در فرانسه درباره شیعه مطالعه و تحقیق می‌کنند؟

در حال حاضر، امیر معزی و کریستین ژامبه در این حوزه فعال و صاحب نظراند، امیر معزی که به عربی هم مسلط است، بسیار هوشمندانه عمل می‌کند. کریستین ژامبه بیشتر به بُعد فلسفی فرهنگ و اندیشه شیعی توجه دارد. به نظر من این دو نفر به جای شیعیان حرف می‌زنند و نظرات خود را به منزله دیدگاه شیعیان معرفی می‌کنند، در صورتی که هانری کربن معتقد بود که وقتی از شیعیان سخن می‌گویم نباید به جای آنها حرف بزنیم و نظرات ایشان را تحریف کنیم. هانری کربن در سن بلوغ فکری، با مطالعه فلسفه اسلامی و آراء ملاصدرا وارد شیعه‌شناسی شده و در اثر ارتباط و تماس با افرادی مانند علامه طباطبایی و دکتر سید حسین نصر توانسته سوالات خود را مطرح و پاسخ کافی را دریافت کند. شناخت و دریافت هانری کربن از شیعه و اندیشه شیعی تا حدودی واقع‌نماست چرا که او به سراغ سرچشمه‌ها رفته و توانسته با یکی از چهره‌های شاخص شیعی مانند علامه طباطبایی به گفتگو بنشیند. امیر معزی و کریستین ژامبه، بر خلاف کربن، چنین موقعیتی نداشته‌اند. با این حال، هم معزی و هم کریستین ژامبه مطالبی در مخالفت با اندیشه‌های کربن مطرح می‌کنند.

#### ● تفاوت آراء کربن با امیری معزی و کریستین ژامبه در چیست؟

کربن در کتاب اسلام ایرانی، شیعه ۱۲ امامی را مطرح می‌کند و به ابعاد فلسفی و عرفانی آن اشاره دارد. او به سایر نحله‌های شیعه اشاره‌ای نمی‌کند و دقیقاً مشخص می‌کند که کدام فرقه شیعی را معرفی می‌کند؛ او سخنان عرفا و حکمای شیعه را همانگونه که هست منتقل می‌کند. اما نظرات امیر معزی من‌عندی و نظرات خود اوست و همه چیز را فدای عرفان خود ساخته‌اش کرده است.

#### ● دیدگاه محمد علی امیر معزی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

تئوری امیر معزی بدنبال تعلیمات اصیل ائمه است یعنی عرفان غیر عقل‌گرا، چیزی که الآن در فرقه‌های غلاة به جا مانده و در مکتب بغداد (شیخ طوسی و شیخ مفید) تحت تأثیر اندیشه معتزلی بوده و یک انحراف عقل‌گرا در تشیع است، تشیعی که نتیجه مکتب بغداد است. چنین تشیعی اصیل نیست، یک تشیع معتزلی شده است و تشیع اصیل همان عرفان غیرعقل‌گراست. بنابراین در روایات هر جا عقل آمده باید جور دیگر تعبیر شود؛ مثلاً عقل قدسی نه عقل استدلالی که اگر چنین باشد خطابات عمومی قرآن کریم مورد سوال خواهد بود. در حالی که خطاب قرآن کریم ناس است؛ یا ایها الناس. لذا عقل استدلالی مورد تشکیک است.



در دیدگاه امیر معزی، بین معجزات و کرامات ائمه و سحر و جادو فرقی نیست و اهل بیت هم سوار بر ابر می‌شدند، چرا که ابوبکر گفت: *انا /خبر تک من سحر بنی‌هاشم*. این نظرات بنیاد گفتمان امیر معزی در مبحث شیعه‌شناسی در فرانسه است. او کسی است که چهار بار به اورشلیم سفر و کتابش را با همکاری دانشگاه اورشلیم منتشر کرده است. آقای مدرسی در آمریکا دیدگاه‌های او را نقد کرده است، اما او در فرانسه حرف اول را در باره تشیع می‌زند. امیر معزی معتقد است که به روایت اصول کافی یک سوم قرآن دست ماست و باقیمانده آن از مکتب بغداد ناشی شده است. کریستین ژامبه هم دانش لازم را در فلسفه اسلامی ندارد، او متخصص فلسفه غرب است و آشنایی او با فلسفه اسلامی در این حد است که اصطلاح صغری و کبری منطقی را به استدلال مختصر و استدلال مفصل ترجمه کند. او رساله الحشر ملاصدرا را ترجمه کرده که در آن چندین اشتباه فاحش وجود دارد. البته کرین هم بی اشتباه نیست؛ مثلاً عرفای بزرگ و حکمای متأخر را که قائل به وحدت وجود و کثرت موجودند و وحدت وجود و موجود را رد می‌کنند، برعکس مطرح کرده است. کریستین ژامبه به من گفت که چرا بر کرین ایراد وارد می‌کنید در حالی که در اینجا وجود به معنی موجود است. در جوابش گفتم در عربی موجود هیچ گاه به معنی وجود نیست و اساتید فن هم می‌گویند وحدة الوجود و الموجود فی عین کثرتهما و وحدة الوجود و کثرة الموجود را رد می‌کنند.

#### ● درباره اسلام‌شناسی در فرانسه چه نظری دارید؟

در همان مرکزی که هانری کرین در آن فعالیت داشته، یعنی مرکز تحقیقات عالی تطبیقی همه ادیان اعم از اسلام و مسیحیت و یهود و ادیانی که دارای گرایش فلسفی هستند مانند دین‌های هندی، تبتی و حتی فلسفه مانی تدریس می‌شود. اولین بار کرسی فلسفه اسلامی توسط هانری کرین گشایش یافت. اما شما که بحث از اسلام‌شناسی و اسلام‌شناس می‌کنید، من ناچارم به نکته‌ای تأکید کنم. این تأکید این است که زمانی که سخن از اسلام‌شناسی به میان می‌آریم نخست باید منظور و حدود موضوع مورد مطالعه را مشخص کنیم. آیا منظور و موضوع مورد مطالعه متون اسلامی، اندیشه، تاریخ و فرهنگ اسلامی است یا رفتار و مناسک مسلمانان؟ اگر مثلاً درباره تاریخ مسلمانان در اندونزی یا آفریقا مطالعه می‌کنیم ما موضوع مطالعه را مشخص کرده‌ایم. اما اگر بخواهیم راجع به خود اسلام تحقیق کنیم، حدود موضوع ما تا به کجاست چرا که اسلام ابعاد متعدد دارد، ابعادی مانند هنر، فلسفه، کتاب مقدس، احادیث، شخصیت پیامبر و دهها موضوع دیگر. امروزه کمتر کسی پیدا می‌کنیم که در تمام این مقولات صاحب‌نظر باشد. یک فرد می‌تواند متخصص حداکثر در دو یا سه موضوع باشد مثلاً متخصص جنبش‌های اسلامی در علم سیاست یا متخصص علم فقه. پیش از جنگ جهانی دوم، بسیاری از شرق‌شناسان به موضوعات مختلف توجه می‌کردند. این وضع در دوره استعمار رواج بیشتری داشت. پس از جنگ این شیوه دایرة المعارفی در شرق‌شناسی از بین رفت و به جای آن متخصصان علوم انسانی که هر یک در رشته‌ای خاص تخصص داشتند پیدا شدند.



### ● شنیده ایم که کرسی فقه در مرکز تحقیقات عالی تطبیقی وجود دارد.

در این مرکز که هانری کربن فعالیت داشته، فقه به طور تخصصی تدریس نمی‌شود، تاریخ فقه یا فلسفه فقه تدریس می‌شود؛ استدلال فقهی مانند آنچه در حوزه های علمیه مسلمانان صورت می‌گیرد، در آن جا وجود ندارد. در یک معنای کلی در این مرکز علم فقه یعنی تاریخ فقه و اسلام‌شناسی مرادف است با تاریخ اسلام، افکار اسلامی و هنرهای اسلامی. در زبان فرانسه اگر اسلام را با E بزرگ یا e کوچک بنویسیم معنی متفاوت می‌شود. E بزرگ یعنی با دین کار ندارد و منظور کشورهای اسلامی و جهان اسلام است اما با e کوچک یعنی دین اسلام؛ در مسیحیت هم چنین است. این را نیز باید بگویم که در دانشگاه سوربن مرکز یا بخشی هست که ادیان و آئین‌هایی مانند مسیحیت، یهودیت و بودیسم را با با رویکرد و گرایش عقلی یا کلامی شان مورد مطالعه قرار می‌دهد. اما در مورد اسلام با این که سه کرسی وجود دارد اما رویکرد غالب بیشتر به سوی علوم نقلی و مباحث فقهی و تصوف اسلامی است. اگر مباحثی مربوط به تشیع هم مطرح می‌شود، معمولاً تلقی محمد علی امیر معزی است.

### ● شما خود را اسلام‌شناس می‌دانید؟

آن کس که سرگذشت اسلام و مسلمانان را در نقاط مختلف جهان مطالعه می‌کند اسلام‌شناس نیست؛ اسلام‌شناس کسی است که در یک موضوع خاص تخصص داشته باشد. برگردیم به همان بحث قبلی که می‌گفتم اسلام‌شناس وجود ندارد، ولی من می‌توانم معرفی کنم. من در بعضی از متون اسلامی کار کرده‌ام اما در فقه تسلط ندارم اگر هم داشتیم باز هم نمی‌توانم ادعا کنم. ما در علم تاریخ عقب هستیم، خصوصاً در باستان‌شناسی که یافته‌هایش در ۵۰ سال گذشته تمام تاریخ را زیر و رو کرده است. تاریخ فرانسه همه بر مبنای نقل قدیم از کتاب ژولیوس سزار فاتح بود. تاریخ ایران بر اساس خاطرات اسکندر نوشته شده بود. بر اساس داده‌های جدید باستان‌شناسان تغییر کرده است. در اینجا باید به باستان‌شناسی اهمیت داده شود.

### ● تعریف شما از اسلام‌شناس چیست؟

اسلام‌شناس یک اصطلاح اشتباه برانگیز است، معمولاً اسلام‌شناس کسی است که در متون اسلام متخصص است؛ به این معنی حتی یک اسلام‌شناس در فرانسه نداریم. من به عنوان یک مسلمان تا آنجا که با متون اسلامی سر و کار دارم حرف می‌زنم؛ در فرانسه کسی نیست که حتی یک کتاب روایی را باز کرده باشد، البته درباره تاریخ قرآن تحقیق می‌کنند اما کسی را به عنوان اسلام‌شناس معرفی نمی‌کنند.



● **ژیل کپل مدعی است که اسلام‌شناس است.**

او می‌گوید که متخصص علم سیاست در جنبش‌های اسلام‌گراست و با منابع اصلی و روایات مسلمانان سر و کاری ندارد. او جنبش‌های اسلام‌گرا را تحلیل و معرفی کرده است. در روش امثال ژیل کپل اصولاً حقیقت و شناخت حقیقت مد نظر نیست و دنبال آن هم نیستند. در مطالعات اجتماعی کسی به دنبال آن نیست که مثلاً آیا حزب کمونیست فرانسه با اصل ایده مارکس همخوانی دارد یا نه. اسلام‌شناسان

فرانسوی در مطالعات اسلامی خود دنبال شناخت حقیقت اسلام نیستند و اصلاً پرسش حقیقت اسلام برای آن‌ها بی‌معناست. از نظر آن‌ها اسلام واقعی وجود ندارد، آنچه وجود دارد سخن و رفتار مسلمانان است که به عنوان یک پدیده انسانی به آن نگاه می‌شود و کسی دنبال این نیست که آیا سخن و عمل مسلمانان با متون اسلامی مطابقت دارد یا نه. بنابراین اسلام‌شناسان دنبال حق و حقیقت نیستند، برعکس چیزی که ما مسلمانان همیشه به دنبال آن هستیم. اگر آن‌ها به معتزله و اشاعره می‌پردازند برای شناخت تأثیر آن‌ها بر جریان‌های فکری و اجتماعی است، کاری با اینکه کدام اندیشه حق است ندارند.

● **طرح مرکز مطالعات اسلامی که دولت فرانسه دنبال می‌کرد، چه بود و چه هدفی داشت؟**

در دوره ناپلئون فقط در آلزاس [شرق فرانسه] قانون ویژه‌ای وضع کرده‌اند مبنی بر این که کشیشان و خاخام‌ها از طرف دولت حمایت شوند و حقوق بگیر دولت شوند تا در مدارس عمومی دولتی تدریس مسائل دینی انجام دهند. طبق این قانون، دروس کاتولیک و پروتستان ممنوع است چون در دانشگاه‌های غیردولتی الهیات کاتولیک و پروتستان تدریس می‌شود. دولت فرانسه با همکاری مسلمانان به این فکر افتادند که نهادهایی برای تدریس و تحقیق پیرامون الهیات مسلمانان تأسیس کنند، یعنی به جای این که ائمه مساجد از ترکیه و عربستان و مراکش و مصر وارد شوند، خود مسلمانان در فرانسه مربیان و ائمه مساجدشان را تربیت کنند. دولت فرانسه می‌خواست اسلام هدایت شده و کنترل شده‌ای بوجود آورد. این روش تنها در آلزاس محقق می‌شود و در سایر جاها ممنوع است.

کشورهایی مثل ایران و عربستان اگر بخواهند هزینه کنند می‌توانند برای خود مرکز اسلام‌شناسی تأسیس کنند. این خلاء وجود دارد که در فرانسه جایی نیست که مسلمانان را یکجا جمع کند، شیعیان و سایر شاخه‌های اهل سنت به دنبال تدریس الهیات خود هستند و جایی می‌خواهند، ولی به دلیل اختلافات مذهبی و فقهی تا کنون یک محل خاص متعلق به تمام مسلمانان درست نشده است.



### ● آیا در فرانسه مسیحیان درباره اسلام تحقیق می کنند؟

خیر، آنها با فلسفه آشنا نیستند اما با تصوف آشنایی دارند و درباره آن تحقیق می کنند. البته برخی افراد مانند لوی گارده و شماری از کشیشان مسیحی از آراء ابن رشد شناخت کافی داشتند. اما می دانید که فلسفه با آرا و نظرات ابن رشد پایان نمی یافت و پس از او نیز فلسفه در ایران رشد و فریبهی یافته است، در حالی که در جهان تسنن، فلسفه با ابن رشد متوقف شده است. امروزه یک جریان ضد هانری کرین در فرانسه پیدا شده که با تلقی پدیدار شناسانه و فلسفی امثال کرین از دین مخالف است. جریانی که نه فقط در فرانسه که در آمریکا نیز طرفدارانی پیدا کرده است. به عنوان مثال نحله‌هایی مانند «واسر اشتروم» که آثاری مانند کتاب «دین بعد از دین» تحت نام پدیدار شناسی در مراکز علمی منتشر کرده اند و می خواهند یک نوع روحیه دینی را بر ضد نوع دیگری از گرایش دینی تقویت کنند. کرین بر این اعتقاد بود که تحقیقات تاریخی و نگاه تاریخی در باب ادیان به تنهایی کافی نیست و باید از منظر دیگری نیز در ادیان نگریست. اما محققان امروزه بر این نظرند که باید به نگاه تاریخ گرایانه باز گردیم. البته ناگفته نگذاریم که رویکرد کرین هنوز هم در فرانسه مدافعینی مانند پیرلوری دارد. حتی در میان اصحاب تألهه نیز طرفدارانی دارد. در این رابطه به موضوعی اشاره کنم. به دنبال سخنرانی معروف پاپ که گفته بود: مسیحیت پیوند وثیقی با آن و اورشلیم دارد. معنی این سخن آن است که مسیحیت ضمن آنکه بر وحی مبتنا دارد در همان حال دینی عقل گرا نیز هست. مسیحیان بر این باورند که اسلام برای عقل جایگاهی قائل نیست، در حالی که واقعیت خلاف این امر است و در قرآن و احادیث تأکید زیادی بر عقل شده است.

### ● تحقیقاتی که درباره اسلام در فرانسه منتشر شده دو گونه‌اند: تحقیقاتی که مسلمانان انجام داده

و تحقیقاتی که غیر مسلمانان نشر داده‌اند. به نظر جنابعالی تفاوت این دو گونه تحقیقات در چیست؟ مسلم است که تحقیقات مسلمانان، جانبدارانه، همدلانه، تاریخی، بومی (از دیدگاه مسلمانان یک فرهنگی یا نحله مذهبی) و بیشتر مبتنی بر روش‌های تحقیق سنتی است و هدف غایی آن دفاع و تقویت دین و طرد شبهات و نفی ادیان رقیب است. اما تحقیقات غیر مسلمانان بر پایه روش‌های پژوهشی و تحقیقی مدرن و نیز تحقیقات میدانی و تبیین یک موضوع علمی و نه دفاع یا طرد رقیب و پاسخگویی به یک شبهه صورت گرفته است. در توضیح این دو روش، می توانم این مثال را بزنم، می خواهیم ابن عربی را بشناسیم. یک بار از این منظر که مطالب اسلامی و درست در اندیشه‌های او کدام است و کدام مطلب او مطابق با قرآن است به تحقیق پرداخته می شود و یک بار فقط می خواهند ببینند که او چه می گوید. در صورت دوم محقق می تواند مسلمان باشد یا غیر مسلمان. اما در صورت اول، محقق مسلمان دغدغه دیگری دارد. البته در میان اسلام شناسان غیر مسلمان کسانی مانند هانری کرین و آنه ماری شیمل هم هستند که نگاه همدلانه به اسلام و مسلمانان دارند و مطالب حقه را مطرح می کنند.

### ● از نظر جنابعالی نگاه برون دینی به دین و استفاده از جامعه شناسی دین، فلسفه تحلیلی و



**نظایر آنها برای فهم و تحلیل گزاره‌ها و مفاهیم دینی چیست و فایده آنها را در چه می‌بینید؟**

این نوع تحقیقات مثل همه تحقیقات تاریخی، جمعیت‌شناسانه و تحلیل‌های جامعه‌شناسی و تاریخی ارتباطی به ایمان دینی پیدا نمی‌کند و فرد از طریق آنها دیندار نمی‌شود. با چنین روش‌هایی نیاز به داشتن عقیده خاصی نیست، همه علوم انسانی و علوم پایه دارای تئوری هستند که برون دینی هستند. آنها در شناخت حوادث تاریخ اسلام به کار می‌آیند و فهم تازه‌ای برای ما فراهم می‌آورند. برای شناخت معنی و پیام قرآن و روایات کاربردی ندارند. یک محقق به میزان شناختش از متون می‌تواند تحقیقاتش را کامل‌تر و عمیق‌تر کند و از احتمالات قویتر در بررسی‌هایش استفاده کند. این غیر از دین‌شناسی است که کربن ارائه کرده، او دین را پدیده‌ای می‌داند که محل وجودش دل مؤمن است و قرآن پدیده‌ای است برای مؤمن. چون آن را می‌خواند یک پدیده است و گرنه به خودی خود یک متن عربی است و این پدیده دینی چون در دل مؤمن است، فایده دارد.

#### ● درباره کارهای گلدزیهر اشاره‌ای داشتید؟

بله، رویکرد او و شبهات او در باره قرآن و موضوعات دیگر اسلامی مایه تعجب است و نگرانی. اما ما باید برای ایرادات و شبهاتش پاسخ داشته باشیم. این که بگوییم این بحث‌ها در تورات هم هست، این پاسخ قانع‌کننده‌ای نیست.

#### ● روش اسلام‌شناسی در ایران و تفاوت آن با اسلام‌شناسی غیرمسلمانان را چگونه می‌بینید؟

چنین به نظر می‌رسد تفاوت اسلام‌شناسی ما با غیرمسلمانان در آن است که ما به دنبال اثبات خود و ابطال و طرد و رد ادیان دیگر هستیم. و نیز با پیش فرض حق بودن دین خود وارد تحقیق می‌شویم. اما غیرمسلمانان به دنبال شناخت و تعمیق دانش خود از برخی از موضوعات پیرامون یکی از ابعاد یا موضوعات اندیشه، تاریخ و فرهنگ اسلامی هستند. در ضمن آنها از پیش فرض حق بودن و طرد و رد سایر ادیان برای اثبات نظر خود دوری می‌جویند. نگاه آنها در تحقیق از کانال روش تحقیق و تئوری علمی گذر می‌کند. بنابراین، می‌بینیم که مسلمانان و غیرمسلمانان هر کدام روش‌ها و پیش‌فرض‌های خاص خود را برای مطالعه و درک موضوعات دارند و از منظرگاه یا به بیان تئوریک از نظریه مختار خویش استفاده می‌کنند. مثلاً ما کسیم رودنسون با یک پیش‌نظریه یا دیدگاه به مسائل اسلامی می‌نگرد. او را باید یک مارکسیست منصف دانست که با دیدگاه مارکسیستی وقتی که در فهم موضوعی دچار ابهام می‌شود و از درک آن عاجز می‌ماند آن موضوع را نفی نمی‌کند یا شبهه‌ای بر آن وارد نمی‌کند مثلاً زمانی که او از درک شخصیت پیامبر اسلام عاجز می‌ماند می‌گوید من از درک شخصیت و زندگی و افکار پیامبر اسلام درمانده‌ام و این شخصیت برای من مشکل ایجاد کرده است.

در برابر این روش، کسانی هستند که با نگاه منفی یا پیشداوری‌های نابجا به موضوعات و شخصیت‌های





● علم جدید مبتنی بر دو چیز است: تئوری و روش و شما هم از پیش فرض‌ها سخن گفته‌اید؟ شما که روش علمی در سنت حوزوی ما و علوم معمول در آن جا را دیده‌اید، روش های علمی در حوزه را در مقایسه با غرب و به طور خاص فرانسه چگونه می بینید؟

متأسفانه حوزه های علمیه از نظر بکارگیری تئوری و روش، در جاهایی که لازم است، دچار توقف شده اند و کمتر حاضرند از روش های سنتی علم آموزی خود خارج شوند، اگر به همین روند ادامه دهند سرنوشت واتیکان را خواهند شد. علیرغم این اشکال باید گفت که امتیاز حوزه ها فراوان است و مردم به فتاوی مراجع و علمای دینی گوش می دهند؛ اما در جهان مسیحیت، به سخن پاپ در باره مسائل حلال و حرام توجه نمی شود و افراد زیادی به آن اعتنا نشان نمی دهند، زیرا سخن پاپ را از روی کارشناسی و سخن علمی نمی دانند و می گویند پاپ فقط باید درباره خدا حرف بزند نه درباره شراب، همجنس بازی یا گاندوم. نگرش مردم در غرب به این صورت است. در غرب، عصر استدلال است و هر چه جلوتر می رود پرسش ها و چالش ها بیشتر می شود. امروزه بیشتر مردم سواد دارند و منابع مطالعاتی و اطلاعات سودمند و مضر و سخنان غیر منطقی را می شناسند. امروزه سخن گویندگان مذهبی عین قرآن تلقی نمی شود.

درست است که می گوئیم کلیسای قرون وسطی با علم مخالفت کرد و شکست خورد، اما اینک بزرگترین مرکز علمی دنیا وابسته به واتیکان است و پژوهشگران آن جایزه های نوبل را به خاطر آراء جدیدشان برده اند. این نشان می دهد که کلیسا هم تحول پیدا کرده و اقتضائات عصر علم و استدلال و تکنولوژی را درک کرده است.

● شما که واتیکان را دیده اید و سنت گرایی حوزوی و غربی را هم از نزدیک شاهد بوده اید، در باب توجه به سنت چه نظری دارید؟

از نظر من سنت وجود ندارد، سنت زمانی است که مدرنیته نبوده، سنتی یعنی چیزی که خود به خود تکراری نیست و چون تغییرات اندک است احساس نمی شود؛ جامعه زمان علامه مجلسی با جامعه شیخ طوسی تفاوت اندکی دارد و می توانیم جهان هر دو را در یک جهان ببینیم. اما امروز جوامع بسیار با هم متفاوت اند. البته سنت گرا داریم و سنت گراست که انتخاب می کند اما انسان سنتی انتخاب ندارد، چون چیزی را نمی شناسد که انتخاب کند. یهویان و مسیحیان سنتی هم این گونه هستند. لذا سنت گرایی در قرن بیست و بیستم یک معنی پیدا کرد. چون انتخاب گذشته هم، خود یک انتخاب است. امروزه کسی حرفی از برده داری نمی زند، در فقه اسلام هم سنگسار اجرا نمی شود. یاد می آید که امام خمینی در ارتباط با سنگسار گفته بود هر چه که موجب وهن اسلام است، انجام ندهید.

به نظرم می آید که سنت گرایی در برخی موارد آینده ای نخواهد داشت. سنت گرایی واتیکان هم با بحران مخاطب مواجه شده است و هر روز مقلدان آن کم می شود. احتمال می دهم که حوزه قم و نجف هم اگر روش برخورد و نوع نگاهشان را به جهان و انسان تغییر ندهند با بحران مخاطب

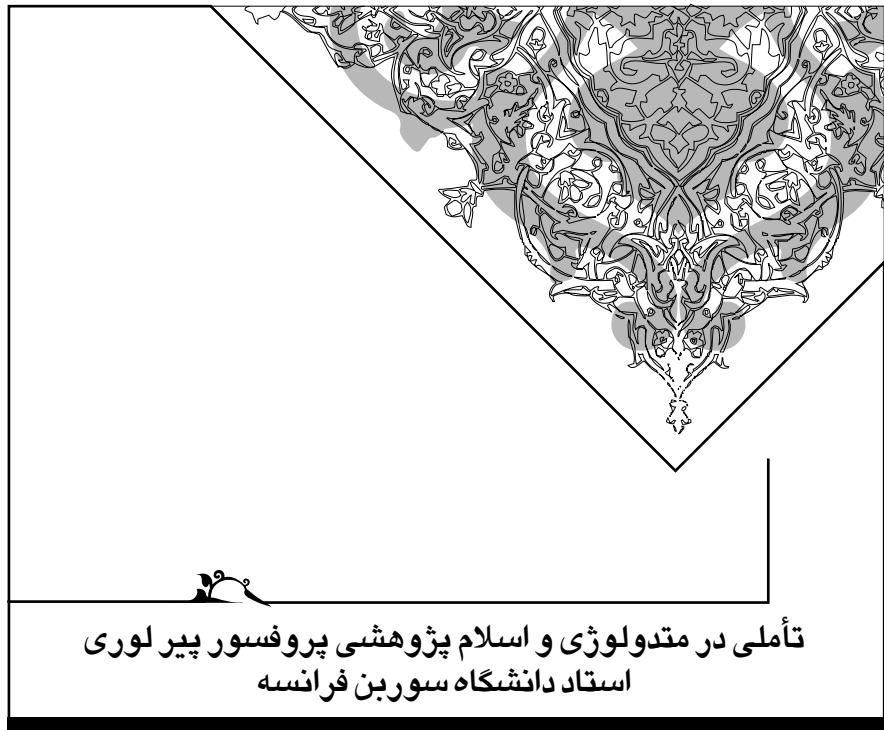






### ● ترجمه آثار اسلامی به زبان فرانسه در ایران چه وضعیتی دارد؟

تعدادی از کتاب‌های آقای مطهری در پاسخ به شبهات جامعه مبتلا به مارکسیست بوده؛ کتاب‌های اساسی مثل شرح الهیات شفا طرفدار چندانی ندارد و برای محیط‌های علمی غربی چندان مقبول نیست و فهمیده هم نمی‌شود. الان ما نباید حرف‌های آقای مطهری را تکرار کنیم. ما نیاز به این داریم که روشی را برای بیان مسائل اسلامی به کار ببریم که استادان و دانشجویان در دانشگاه‌های فرانسه آن روش را بشناسند. ما باید ببینیم پرسش و درد دیگران چیست و به همه گرایش‌ها و دریافت‌ها احترام بگذاریم. به جای تفسیر و توجیه، پاسخ منطقی ارائه کند. به هر روی، در معرفی اسلام باید زبان شعار را از زبان تحقیق و تحلیل جدا کنیم. ما کمتر در نشریات علمی روز جهانی حضور داریم. تحلیل‌های قوی ما جایی در نشریات علمی باز نکرده است. ما با جهان فلسفه ارتباط زیادی نداریم. لازم است بدانیم سال‌هایی که متافیزیک در بورس نبود، در پاریس کرسی متافیزیک تأسیس شد. امروزه نوآوری مسلمانان کم است، در منطق و الهیات کمبود داریم. آثار شهید صدر را درست و بدون ویرایش نمی‌توان ترجمه کرد، اگر چه ایشان نوآوری‌هایی در منطق و اصول داشته و روش استقرار را به محیط حوزه آورده، که در نوع خود بسیار مهم بوده، اما اکنون مباحث جدید تری مطرح شده است. برای ترجمه متون اسلامی باید با ادیان جهانی و با نحله‌های دینی فکری قدیم و جدید و تفاوت‌ها آشنا شد. در مطالعات فلسفی باید حدود را مشخص کنیم. دقت کنیم که در فلسفه مقایسه‌ای بین فیلسوفان غربی و اسلامی باید معلوم شود که درباره کدام مکتب فلسفی و فیلسوف تحقیق می‌کنیم چون هر کدام دیدگاه‌های متفاوتی دارند.



## تأملی در متدولوژی و اسلام پژوهشی پروفیسور پیر لوری استاد دانشگاه سوربن فرانسه

### ■ حجة الاسلام و المسلمین دکتر سعید جازاری

در دو سده اخیر، متد و شیوه های رایج در پژوهش های مربوط به ادیان و مذاهب در مجامع علمی غرب موفقیت های فراوانی داشته است. امروزه مطالعات شرق شناسان و پژوهشگران حوزه ادیان و فرق در محافل آکادمیک غربی در زمینه مطالعه در محتوی و مفاهیم آموزه های دینی و اعتقادی ادیان و آیین های مختلف و تاریخ شکل گیری دین و مذهب و جریان های فکری در درون ادیان از جهاتی پیشتاز و دقیق تر از بسیاری از آثار و پژوهش های پیروان و طرفداران ادیان و آئین هاست. یکی از دلایل این پیشتازی و دقت، بکار گیری متدولوژی یا انواع روش های تحقیق در علوم انسانی است. نظر به تأخر بسیاری از پژوهشگران مسلمان و بویژه عالمان دینی در استفاده از این روش ها در مطالعات و تحقیقات خود، شایسته است با معرفی و نمایاندن متدولوژی های مورد استفاده شماری چند از اسلام شناسان شهیر غربی در مطالعه اسلام و مسلمانان، نسبت به زدودن این تأخر همت گماریم و به موفقیت پژوهشگران و عالمان راستین در شناخت و معرفی اسلام به جهانیان مدد رسانیم.

امروزه، شرق شناسان و اسلام شناسان با استفاده از انواع متدولوژی ها به بررسی و واکاوی ادیان و مذاهب شرقی می پردازند. مطالعه متدولوژی های متنوعی که برای اسلام شناسی و مذهب شناسی در محافل علمی غرب بکار می رود، صد البته کار آسانی نیست، زیرا شیوه های متفاوتی در شناخت ادیان و بویژه اسلام و مذاهب آن در جریان است. شایان ذکر است که هر یک از این متدولوژی ها نسبت به دیگری دارای نکات متمایزی است که گاه حکم مکمل یکدیگر را دارند. نظر به اهمیت شیوه پژوهش و متدولوژی در پژوهش های اسلام شناسان فرانسوی، در این



پژوهش برآنیم تا به متدولوژی‌های آنها و بویژه یکی از متداول‌ترین آنها برای مطالعه و شناخت اسلام و مسلمانان توجه کنیم. اساساً اسلام شناسان فرانسوی برای شناخت موضوعات مربوط به اسلام و مسلمانان از سه متدولوژی استفاده می‌کنند: بررسی متون و منابع دینی و مذهبی، مطالعات میدانی و مطالعات توصیفی-میدانی. هدف این جستار بررسی متدولوژی یا شیوه توصیفی و میدانی است که در پژوهش‌های اسلام شناس و شیعه پژوه فرانسوی به نام پروفسور پیر لوری مورد استفاده قرار گرفته است. در اینجا نخست به اجمال این اسلام شناس را معرفی کرده، سپس روش و متدولوژی او را می‌نمایانیم. در بخش پایانی این نوشتار به آثار و یکی از کتاب‌های او با عنوان علم حروف در اسلام اشاره می‌کنیم.

پروفسور پیر لوری متولد پاریس (۱۹۵۲) در سال ۱۹۷۰ تحصیلات متوسطه خود را در بروکسل، پایتخت بلژیک، به پایان رساند. وی در سال ۱۹۷۳ از بخش روابط بین الملل انستیتوی مطالعات سیاسی پاریس، در سال ۱۹۷۵ از دانشگاه سوربن (پاریس ۳)، لیسانس در رشته ادبیات و زبان عربی و در سال ۱۹۷۷ مدرک اگرگاسیون خود را در همان رشته به دست آورد. پیر لوری در سال ۱۹۸۱ مدرک دکتری در رشته مطالعات تمدن عربی از دانشگاه سوربن و در سال ۱۹۹۰ دکتری دولتی خود را در همان رشته کسب کرد. وی نخستین پژوهش علمی مهم خود را با موضوع عرفان اسلامی در سال ۱۹۷۷ تحت اشراف پروفسور روژر آرناردز<sup>۱</sup> در دانشگاه سوربن با موفقیت به پایان رساند. وی در سال ۱۹۷۸ به کمک پروفسور هانری کربن، بورس پژوهشی از انجمن فلسفه ایران گرفت و به دریافت دکتری دیگری در رشته تمدن اسلامی در سال ۱۹۸۱ نائل آمد. پیر لوری مدتی نیز در مؤسسه پژوهش و تحقیقات عرب در دمشق به تحقیق مشغول بود. وی در سال ۱۹۹۰ پایان نامه دکتری خود را با عنوان درون‌گرایی (عرفان و تصوف) اسلامی به پایان برد و از سال ۱۹۸۱ به عنوان استاد دانشگاه بوردو فرانسه به تدریس پرداخت. در سال ۱۹۹۱ رتبه استادی دانشگاه سوربن و مدرسه پژوهش‌های عالی در بخش علوم ادیان به او تعلق یافت. پیر لوری از آن زمان تاکنون، در زمینه اسلام شناسی و مذاهب آن در مدرسه پژوهش‌های عالی سوربن به تحقیق و تدریس اشتغال دارد. پروفسور پیر لوری استاد و پژوهشگر دپارتمان مطالعات عرب دوره قرون وسطی و معاصر<sup>۲</sup> و عضو مؤسسه فرانسوی خاور میانه و عضو کمیته بررسی تاریخ ادیان و مذاهب<sup>۳</sup> و مشاور و هیأت علمی مجله پژوهشی تاریخ تصوف و عرفان<sup>۴</sup> نیز هست. او همچنین عضو تحریریه نشریه آسیایی و مطالعات اسلامی<sup>۵</sup> و بولتن سالیانه اسلام شناسی<sup>۶</sup> بوده و در کنار آن دبیری انجمن دوستان هانری واستلا کربن<sup>۷</sup> را نیز عهده دار است. وی علاوه بر مقالات علمی فراوانی که در مجلات علمی و پژوهشی مشهور ارایه کرد، در دایرة المعارف اسلام<sup>۸</sup> نیز مقالات با اهمیتی نگاشته است. پروفسور پیر لوری در سال ۱۳۸۳ موفق به دریافت جایزه کتاب سال در جمهوری اسلامی ایران گردید.

در میان شاگردان متعدد هانری کربن، شیعه شناس شهیر فرانسوی و استاد کرسی اسلام شناسی و بنیانگذار کرسی ویژه شیعه شناسی در دانشگاه سوربن، تنها باید پیر لوری را جانشین شایسته

1. Roger Arnaldez
2. Département Études arabes, médiévales et modernes de l'Institut français du Proche-Orient
3. Comités de rédaction de la Revue de l'Histoire des Religions
4. Journal of the History of Sufism
5. Journal Asiatique
6. Bulletin Critique des Annales Islamologiques
7. L'Association des Amis de Henry et Stella Corbin
8. Encyclopédie de l'Islam (Leyde, Brill)



فکری او در دانشگاه های فرانسه به شمار آورد. چرا که او در عرصه های فراوانی در حوزه مطالعاتی خویش احیاء کننده مکتب نظری و ابداعی استاد خود بوده است.

لوری شیوه خاصی در بررسی مذاهب و مکاتب فکری اسلام دارد، به همین دلیل ضرورت دارد با متدولوژی و شیوه مطالعه و بررسی او در تحقیقاتش آشنا شویم. مقصود ما از بررسی متدولوژی پیر لوری عبارت است از بررسی اصول و قواعد حاکم به فرآیند و مراحل تحقیق و پژوهش او به طور عام و شیوه مطالعاتی او به شکل خاص.

پروفسور پیر لوری پس از طرح سوال که غالباً به صورت عنوان بحث مطرح می کند، به اختصار به ذکر پیشینه تاریخی و فلسفه موضوع می پردازد، در مرحله بعد به توصیف و بررسی اسناد و مدارک مربوط به موضوع تحقیق توجه می کند. پس از آن با ذکر نظرات متفاوت و گاه همسو سعی بر آن دارد تا خواننده و پژوهشگر را وادار به استنباط نتیجه کند.

روش شناسی پیر لوری بیشتر عهده دار تبیین اصول و قواعد مربوط به شناخت جنبه های درونی و باطنی اسلام در قلمرو معرفت و باطن گرایی است. از این جهت مقوله عرفان، تصوف، رموز اعداد و حروف و اسماء در آثار اسلامی نظر او را بیشتر از هر چیز به خود جلب کرده است.

شیوه وی در بررسی مبانی و ابعاد اسلام و برخی مذاهب آن بیشتر به صورت پژوهش و بررسی موضوعات خاص در قرآن و متون دینی (منابع حدیثی) است. وی در انتها رویکرد اسلام به آن موضوع را روشن می کند. به عنوان نمونه وی در سال ۲۰۱۱ موضوع سمینارش را در سوربن در حوزه اسلام شناسی به بررسی موضوع «حیوان، ملائکه و جن در متون دینی و قرآن» اختصاص داده بود و در سخنانش پس از مطالعه تطبیقی بحث با آنچه در آیین مسیحیت آمده به استنتاج موضوع مورد نظر پرداخت.

وی در بحث خویش نخست به بررسی تاریخچه جایگاه حیوان در عصر جاهلیت پرداخت، آنگاه حکایت قربانی اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم و حضور گوسفند برای جلوگیری از قربانی شدن او را تشریح کرد. سپس با بررسی موضوع نقش قربانی کردن حیوان و سنت ذبح در عرب جاهلی قبل از ولادت عبدالله پدر رسول گرامی اسلام و داستان قرعه مشهور عبدالملک در حفظ عبدالله از قربانی شدن اشاره کرد و با مقدمه ای تحلیلی امضاء سنت قربانی و اهداف آن را در جامعه عرب بعد از اسلام بیان و استدلال کرد که یکی از اهداف رسم قربانی کردن در اسلام، حفظ نفس و انجام تعهد در برابر خداست.

پروفسور پیر لوری در پژوهش های خود به آثار علمای مسلمان متقدم و بعضاً متأخرین در کنار نظر مستشرقان توجه کرده ولی مبنا و مأخذ خودش را همواره متون اسلامی و آراء مسلمانان قرار داده است. وی سپس به بررسی آیه به آیه آیات قرآنی می پردازد و پس از ذکر هر آیه ابتدا آرای طبری مفسر مشهور را ذکر کرده، سپس به بیان نظر فخر رازی و پرسش ها و پاسخ های او اشاره می کند. وی نظر قرطبی را نیز از یاد نمی برد. آنگاه توجه خود را به آراء مفسران عارف مسلک



و صوفیان مشهور معطوف می کند و در این راستا به نظرات ابوالقاسم قشیری، عبدالرزاق کاشانی و رشیدالدین میبیدی بیش از دیگران اهمیت می دهد. البته وی در سمینارهای خود به آراء علامه طباطبایی و دیگر مفسران شیعی نیز اشاره و استناد می کند.

او در خلال بحث هایش که ممکن است در ظاهر موضوعی از مباحث غیر مهم دینی باشد به بررسی سلسله مسایلی می پردازد که کمتر مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. قصص الانبیاء و احادیث وارده به عنوان شأن نزول آیه از دیگر منابع بررسی و تحقیقات اوست. همین متدولوژی در بررسی موضوع پژوهشی مانند "خواب در اسلام" نیز بکار گرفته شده است. برای آگاهی از روش تحقیق و متدولوژی پیر لوری در مطالعات اسلامی، بر پایه نوشته های خودش، به پاره ای از مهم ترین مؤلفه های مورد نظر او در پژوهش اشاره می کنیم:

**نخست:** وی در بررسی مذاهب از طریق روش موضوعی عمل می کند. بدین معنی که نخست یکی از موضوعات مورد ملاحظه مانند تصوف در یک مذهب را انتخاب کرده به بررسی متون کهن و مرتبط با آن می پردازد. در کنار این بررسی، مطالعه تطبیقی آن موضوع را در میان آراء و نظرات اندیشمندان آن مذهب دنبال می کند.

**دوم:** وی برداشت و دیدگاه شخصی خود را در تحقیقاتش به گونه ای نامحسوس دخالت می دهد. پیر لوری را باید وفادارترین شاگرد مکتب هانری کرین به شمار آورد زیرا همانند کرین به دنبال عقیده خویش و در پی اثبات آن لایه لای آثار و منابع اسلامی را می کاود و دلایل و قرائنی برای اثبات سخن خویش پیدا می کند. به واقع وی تا به موضوعی معتقد نباشد، آن را به منصفه تحقیق نمی رساند و در تحلیل و تنسیق حدود و ثغور آن بحث نمی کند. این همان شیوه ای است که کرین در آثارش به دنبال اثبات گمشده اش بود.

**سوم:** توجه به جنبه های درونی و باطن گرایانه اسلام و مذاهب آن مهم ترین شاخصه پژوهش های پیر لوری است. از این منظر، می توان وی را در شمار محققان درون گرا (ازوتریست) به شمار آورد که به دنبال گمشده خویش در لایه های مستور منابع کهن (و بعضاً نوین) اسلام پرسه می زنند. بررسی عناوین و محتوای پژوهش ها و آثار علمی پروفیسور پیر لوری بیانگر این رویکرد خاص اوست که او را از دیگر همکارانش در دانشگاه سوربن ممتاز کرده است. حتی در بررسی و تحلیل موضوعات قرآنی وی نیز روش درون گرائی آشکار است. توجه به مضامین باطنی و مستور در آیات قرآن سر فصل پژوهش های اوست. به همین جهت مهم ترین آثار او در تبیین نکات عرفانی و باطنی قرآن است.

**چهارم:** غلبه مطالعات تطبیقی بر آثار و نوشته ها، یکی دیگر از جنبه های روش پژوهشی پروفیسور لوری است. او معمولاً در آثار خویش سعی در بررسی تطبیقی یک موضوع در میان آراء و نظرات دانشمندان مذاهب اسلامی اهل سنت و تشیع دارد و در تفاسیر و برداشت های خود از اندیشه و روش علامه طباطبایی پیروی می کند. چنانکه در تحلیل موضوعات مرتبط با قرآن، ابتدا به شرح



و بسط معنی و مفهوم ظاهری آیات مورد نظر اقدام می کند، سپس به تفاسیر روایی از تفسیر طبری و برخی افراد دیگر اشاره می نماید. آنگاه به تفسیر عرفانی همچون "کشف الاسرار" پرداخته، جنبه های عرفانی آیات مورد بحث را مطابق آراء عرفا مسلمان و آموزه های قرآنی تشریح می کند. پنجم: توجه ویژه به آراء و نوشته های دانشمندان مسلمان در علوم خاص و غیر متداول امروز مانند جفر، علم حروف و اعداد از دیگر ابعاد متدولوژی آقای لوری است. این جنبه، یکی از مهم ترین و درخور اعتنا ترین امتیاز پژوهش های پیر لوری است که در آن دقت و تمرکز در علوم غریبه و علوم و فنون اسرار آمیز دانشمندان متقدم مسلمان آشکار است. او بیش از دیگر مستشرقان و نظریه پردازان مغرب زمین، سعی در کشف اسرار و نکته های پنهان مطالعات و آثار دانشمندان خبره در سیمیا و کیمیا کرده است. مطالعه در علوم جفر، علم حروف و اعداد و آثار جابر بن حیان (۱۰۰-۱۹۴ ق) و محمد زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق) بخش عمده ای از پژوهش های علمی پروفیسور لوری را شامل می شود. ششم: توجه دقیق و اعتقاد به تقدم علمی مذهب و مکتب تشیع بر سایر مذاهب اسلامی، وجه دیگری از شیوه پژوهشی پیر لوری است. اگرچه پیر لوری آشکارا و با صراحت به این نظر و عقیده تصریح نمی کند، اما در آثار خود به وضوح نشان می دهد که مذهب و مکتب تشیع در بسیاری از علوم و فنون تجربی و نظری پیشگام و متقدم بوده است. به واقع در منظر و اندیشه او، مکتب شیعی نسبت به دیگر مذاهب اسلامی بیشتر به توسعه علمی و ابعاد حقیقی اسلام پرداخته و از این لحاظ در بسیاری از جنبه های درونی خود به ادیان بزرگ آسمانی همچون مسیحیت و یهودیت نزدیکتر بوده است. صرف نظر از صحت و سقم نظرات و آراء او در این عرصه و نیز تعریف و تبیین اش از تشیع دوازده امامی، واقع گرایی و بی غرضی وی در پژوهش هایش امری محتوم و قطعی است<sup>۱</sup>.

#### هفتم: بی توجهی به تاریخ

پیر لوری متأثر از استاد خود هانری کربن، به تاریخ و نقطه نظرات مورخین توجهی ندارد. وی تفسیر متون دینی را به استناد مبانی و آراء مورخین پذیرا نیست. استاد او هانری کربن که مبدع سبک خاصی در تحقیق و پژوهش بود، روش نسبتاً جدیدی در مطالعات در نظر می گرفت که بیش از اینکه به شخصیت و مؤلف اثر توجه کند، بیشتر بر متن و اندیشه های موجود در آن اثر التفات و توجه داشت.

کربن در شیوه مطالعاتی خود از روش پدیدارشناسی بهره می برد، همان شیوه ای که کم و زیاد در آثار پیر لوری مشاهده می شود. روش پدیدارشناسی کربن با توجه به موضوع مطالعه او، حکمت ایرانی و آراء شخصیت های حکمی ایران، موجب گردید تا کربن روش مطالعه خود را پدیدارشناسی انتخاب کند. با توجه به اینکه بیشتر موضوعات مورد بررسی کربن به ویژه عرفان و تصوف، به گونه ای مرتبط با عالم مثال نیز بود. به همین دلیل، او روش تحقیق خود را متناسب با چنین موضوعی انتخاب کرده بود. از همین رو می توان روش تحقیق او را شیوه پژوهشی - تحقیقی مبتنی بر پدیدارشناسی مثالی - عرفانی نامید.

۱. حداقل بر اینجانب که سالها از نزدیک سیر مطالعات و تحقیقات او را رصد کرده و در کنار ایشان در جریان برخی از این تحقیقات قرار داشته ام، باید خاطر نشان کنم که نگاه او در میان دیگر اساتید شیعه شناس غرب نسبت به تشیع و مضامین آن، نگاهی متضمن امتیاز و مبتنی بر متونی استوار و خرد گراست. هرچند در آثار او بیشتر به منابع و مأخذ اهل سنت رجوع شده است.



پیر لوری نیز متأثر از این سبک و سیاق خاص و با اعتقاد ضمنی به مبانی پدیدارشناسانه کربن، سعی در تفسیر متون دینی و مذهبی دارد. او تنها با معرفی کوتاه و مجملی از مؤلف و پدیدآورنده اثر به بررسی دقیق و پدیداری متن و موضوعات آن اقدام می‌کند. چنانکه گفتیم، در اثر او جایی برای مقولات تاریخی وجود ندارد.

روشی که کربن به کار می‌گیرد، به شدت در مقابل تاریخ‌گرایی می‌ایستد. از نظر کربن تاریخ‌گرایی به ویژه در خوانش متون مقدس و عرفانی ره به حقیقت نمی‌برد. مهم‌ترین تفاوت پدیدارشناسانه و سبک پژوهشی پیر لوری و هنری کربن، در نوع تلقی و نگاه آن دو به تشیع و اسلام است. اگر چه این دو نفر به جنبه‌های معنوی و باطنی تشیع و اسلام نظر دارند، اما رویکرد کربن بیشتر به اسلام و تشیع ایرانی است تا حقیقت اسلام و تشیع. حال آنکه پیر لوری سعی در ارائه تصویری کلی و عمومی از حقیقت تشیع دارد و به جنبه ایرانی‌ت آن التفات نمی‌کند.

البته نمی‌توان منکر این مسئله شد که دلیل توجه او به تشیع، پس از تأثیر او از حوزه درسی و تحقیقی استادش هانری کربن، در مدت حضورش در ایران بوده است. بدیهی است که خاطرات علمی و مشاهدات عینی او از ایران و حضورش در یک جامعه کاملاً شیعی، مسلماً در توجه او به حقیقت تشیع تأثیر فراوان داشته و دارد. با این همه، لوری در نوشته‌هایش کمتر به تشیع ایرانیان می‌پردازد، در حالیکه کربن و برخی دیگر از شرق‌شناسان توجه خاصی به تشیع ایرانی نشان می‌دهند. البته شاید بخشی از این بی‌توجهی یا عدم تصریح او به تشیع ایرانیان به جهات سیاسی دوران پیروزی انقلاب اسلامی بوده باشد. زیرا وی کمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از این کشور خارج شد. البته او در سال‌های بعد سفرهایی به ایران کرد و حتی برنده کتاب سال ایران نیز شد. شاید تنش‌های سیاسی بین دو دولت ایران و فرانسه و تأثیر این تنش‌ها در جهت‌گیری پژوهش‌های فرامرزی و ماموریت‌های علمی او پس از بازگشت از ایران در دیگر کشورهای عربی منطقه، فضا و مجال واسعی برای مطالعات ویژه و اختصاصی پیرامون تشیع ایرانی برای او فراهم نکرده است. به هر روی، مطالعات و تحقیقات او بر آثار دانشمندان ایرانی و اسلام‌شناسان فرانسوی بی‌تأثیر نبوده و وی همواره در شمار محققین علاقمند و متمایل به فرهنگ ایران و مشرب فکری دانشمندان شیعه جای داشته است.

برای آنکه ببینیم پیر لوری چگونه متدولوژی و شیوه پژوهش خود را در کار تحقیق بکار می‌گیرد، در اینجا مروری کوتاه داریم بر شیوه پژوهش او در کتاب «علم حروف در اسلام». این کتاب یکی از آثار قابل توجه و منحصر به فرد پیر لوری و حاصل مطالعات و تحقیقات عمیق او در دانش حروف و یا علم جفر در اسلام است که امروزه محققین و پژوهشگران در جوامع اسلامی به آن توجه نمی‌کنند. کتاب "علم حروف در اسلام" که نخستین بار در سال ۲۰۰۴ توسط انتشارات دروی در پاریس منتشر شد، نتیجه سمینارهای متعدد و سالانه پیر لوری بوده که برخی از بخش‌های آن به صورت مقاله، قبل از انتشار کتاب به چاپ رسیده بود.





این کتاب دارای مقدمه ای نسبتاً طولانی و شامل شش بخش است:

بخش نخست: فرشتگان و کلمات در روحانیت اسلامی (معنویت)، در انتقال فرهنگی و روحانی

بخش دوم: دانش حروف در سرزمین اسلام

بخش سوم: برای دیدن صدای، فلسفه زبان نزد اخوان الصفا و فلسفه اعداد نزد اخوان الصفا

بخش چهارم: ابوعلی سینا و تصوف (در رابطه با رساله نوروزیه)

بخش پنجم: معجزه حروف در شمس المعارف ال بونی

بخش ششم: جسم به کلام مبدل می شود و تجسم حروف و زبان نزد ابن عربی برای دیدن صدای خدا لوری در مقدمه این کتاب به بیان مقدمات و کلیاتی در خصوص شناخت ادیان و مذاهب و اهمیت حروف و جایگاه آن در انتقال مفاهیم خاص در اسلام می پردازد. وی در بخشی از مقدمه چنین آورده است: مطالعه و بررسی هر دین به سخن گفتن، شنیدن، خواندن، یا به طور خلاصه؛ بازیافت معانی آن دین باز می گردد. زبان، برای گویش بهترین و بدترین سخنان، نخستین ابزار ماست. پیر لوری در بخش پایانی مقدمه به دیدگاه وحدت بخش خویش اشاره می کند. به نظر او، تفاوت بارزی میان ادیان بزرگ آسمانی در اصل عقیده به وحدانیت و توحید نیست و تمامی ادیان برای سعادت بشر تلاش دارند.

وی همچنین به بیان ریشه زبان عربی؛ که همان زبان عبریست اشاره کرده و برخی نقاط مشترک میان تورات، انجیل عبری و ادبیات قرآنی را مختصراً توضیح می دهد. از ترکیبات ادبی جملات، توجه مؤلف به ارتباط ضمنی میان علم حروف یا جفر، کابالا<sup>۱</sup> و رموز حرفی و عددی کتاب های مقدس یهود، مسیحیت و اسلام استنباط می گردد.

لوری در بخش نخست کتاب به بررسی نقش فرشتگان و کلمات در انتقال مفاهیم روحانی و عرفانی می پردازد. اولین حکایتی که در آنجا آورده ماجرای حضور جبرئیل در برابر پیامبر گرامی اسلام در غار حراست که از او می خواهد آیتی از قرآن را بخواند. پیر لوری آن حکایت را چنان از زبان پیامبر (ص) بازگو می کند که گویی خود حاضر و ناظر آن لحظات و دقیق روحانی بوده است. وی پس از بیان مقدمه ای به نقش با اهمیت فرشتگان در ارتباط انسان و خدا در قرآن اشاره می کند و می نویسد که در پس آن ارتباط؛ اسرار شگرفی نهفته است.

وی می کوشد تا نقش فرشتگان را واسطه انتقال حروف، کلمات و عبارات میان خدا و انسان نشان دهد و نتایج بررسی نسبتاً دقیق خود در آیات قرآنی را ارائه دهد. او آنگاه به معرفی "جن" می پردازد و به تفاوت جن با فرشتگان اشاره می کند و ادعا می کند که جن برخلاف ملائکه قادر به نافرمانی پروردگار خویش نیز هست.

در بخش دیگری از این فصل به نقش جهانی فرشتگان و موضوع اختر شناسی (و علم رمل) و علم جفر (علم حروف در اسلام) می پردازد. لوری اختر شناسی (یا رمل) را نخستین محل برخورد علم انتظام عالم و جهان فرشتگان بر می شمارد.

۱. کابالا یا کابالا یا قبالا (به عبری: קַבָּלָה) به معنای «دریافت کردن» است. و به معنی «رسم رسیده» است. کابالا تفسیر رمزگونه‌ای از کتاب‌های مقدس عبری است. کابالا نامی است که بر تصوف یهودی اطلاق می‌شود و تلفظ اروپایی قباله عبری است به معنی قدیمی و کهن. این واژه به معنی قباله در بین فارسی زبانان و عرب‌ها رایج بوده است. بیشتر یهودیان ارتدوکس به آئین کابالا (کابالیسم) اعتقاد دارند. به اعتقاد هواداران آئین کابالا، فهمیدن و درک رموز مخفی در آئین کابالا، باعث می‌شود تا انسان به صورت روحانی به خدا نزدیکتر شود و بشریت، قدرت والایی از رموز مخفی خدا را که برای دیگر انسانها پوشیده‌است، پی ببرد. تاریخچه اصطلاح نام «کابالیسم» به درستی مشخص نیست و مورد اختلاف است. برخی سلیمان ابن جبرئیل (۱۰۵۸ - ۱۰۲۱ م) و برخی کابالیست اسپانیولی قرن سیزدهم و شماری بهیا بن اشیر را اولین کسانی می‌دانند که آئین مخفی و سری عهد عتیق را «کابالا» نامیدند. البته برخی مدارک و منابع بسیار قدیمی متعلق به قرن دوم نیز وجود دارد که واژه «کابالا» را برای آئین عهد عتیق بکار نبرده‌اند. با این وجود، هم اکنون اصطلاح «کابالا» وصف کننده تهرین آئین و دانش محرمانه یهود است. مهمترین منابع کابالیستی که به عنوان ستون فقرات و پایه اصلی «آئین کابالا» درآمدند، شامل مجموعه کتاب های عبری بهیر («کتاب روشنایی») و هیچالوت (به معنای «کاخ‌ها») می‌شوند که به قرن اول میلادی بازمی‌گردند. در قرن سیزدهم میلادی کتاب زوهر نیز نوشته شد که تفکر و اصول کنونی «آئین کابالا» منبعث از آن است. برای تفصیل بیشتر بنگرید به منبع زیر: Wolfson, E.R. Venturing Beyond: Law and Morality in Kabbalistic Mysticism, Oxford University Press, 2006



در بخش علم حروف نیز آن را کابالای دانشمندان مسلمان می‌داند که در دریافت مبانی باطنی و مخفی متون دینی و ارتباطات معرفتی کمکشان می‌کند. اهمیت استفاده از این علم در تصوف و مکتب ابن عربی از دیگر نکات مورد تأمل او در اینجاست. لوری در مقدمه فصل دوم به معرفی "علم سیمیا"، علم عملی حروف، که موازی با علم کیمیا و شیمی بنیان گرفته پرداخته است.

مروری به تاریخ علم حروف در دوران قرون وسطی بخش دیگری از این فصل است. در فصل سوم به بررسی علم حروف در مذهب تشیع پرداخته می‌شود، البته تشیعی که برخی جریانات تصوف را در دل خود جای داده است. در این فصل فلسفه زبان در نزد اخوان الصفا و چگونگی استفاده از دانش زبان و فلسفه اعداد نزد اخوان الصفا نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل چهارم کتاب با معرفی کتاب "رساله نوروزیه ابوعلی سینا" آغاز می‌شود. این کتاب که نام اصلی او "الرساله النوروزیه فی معانی الحروفیه الهجائیه" است، در واقع جزوه کوچکی است که ابوعلی سینا در تفسیر حروف مقطعه قرآن نگاشته است. در این فصل مطالبی در تفسیر حروف مقطعه و کاربرد آن‌ها در قرآن و نیز نظریات ابوعلی سینا در موضوع علم حروف آمده است. بحث محاسبات عددی آیات قرآن با توجه به عدد حروف (اعداد جفری کبیر و اوسط و عدد ابجدی آن‌ها) از دیگر مطالب این قسمت است.

شاید مهم‌ترین نکته این فصل، توجه دانشمندان شیعه به دانش سیمیا و علم جفر است که مطابق نظر مؤلف گویای اهمیت خاص این علوم در مکتب تشیع است. در فصل پنجم مؤلف به معرفی تفصیلی کتاب شمس المعارف، اثر ابوالعباس احمد بن علی بن یوسف قرشی بونی، ملقب به محیی‌الدین، تقی‌الدین و شرف‌الدین پرداخته است. بونی در آثار خود به موضوعاتی چون فضایل حروف الفبا، بسمله، اسماء الهی، برخی آیات و سور قرآن و ادعیه و نیز حرز، طلسمات، جداول وفقی و جادویی که به نظر وی موجب تصرف در طبیعت و کائنات است، توجهی ویژه داشته است. بونی همچون بیشتر معتقدان به علوم غریبه برای درمان بیماری‌هایی چون قولنج، وبا، ذات‌الجنب، چشم درد، صرع و نیز آسان‌زایی، شیوه‌های غریب یاد کرده است.

فصل ششم این کتاب به بررسی آراء و نظرات ابن عربی اختصاص یافته و در آن به تفصیل مطالبی پیرامون تبدیل جسم به کلام، سمبولیسم حروف و زبان در نزد ابن عربی، ریشه حروف و اعداد و انسان واسطه شرح داده شده است.

کتاب علم حروف در اسلام از آن جهت مورد توجه و حائز اهمیت است که در لابه لای مطالب آن سعی گردیده تعریفی عرفانی و باطن‌گرایانه از تشیع ارائه شود و این مذهب در بین دیگر مذاهب اسلامی، پیشرو و مقدم در نهضت معرفتی، عرفانی و تفاسیر درونی و باطن‌گرایانه در متون اسلامی معرفی شود.

اگر چه روش مؤلف در این پژوهش، کتابخانه‌ای و توصیفی است، اما گویا در مواردی؛ ناچار به بررسی میدانی موضوع در سوریه، ایران و برخی کشورهای دیگر شده است. به هر حال، موضوع



«علم حروف در اسلام» یکی از موضوعات مورد توجه عده ای از دانشمندان مسلمان و طرفداران باطن‌گرایی دینی بوده است. با این که در سده‌های اخیر این موضوع در بین دانشمندان شیعه، مهجورمانده، اما از دید شرق‌شناسان مغفول‌نمانده و برخی از جنبه‌های آن را بررسی و تحقیق کرده و آثار درخور توجهی نیز نشر داده‌اند.

1. Les commentaires ésotériques du Coran selon 'Abd al-Razzâq al-Qâshânî, Paris, Les Deux Océans, 1980, réédition revue et augmentée en 1991, 123 pages. (ISBN 2361120070 et 978-2361120078) Traduction en turc par Sadık Kılıç, Kaşânî'ye Göre Kur'an'ın Tasavvufî Tefsiri, İstanbul, İnsan yayınları, 2001. Traduction en persan par Zaynab Poudineh Aqai, Ta'wilât al-Qur'ân az دیدگاه-e 'Abd al-Razzâq-e Kâshânî, Téhéran, Enteshârât-e Hekmat, 2004.

2. Alchimie et mystique en terre d' Islam, Lagrasse, Verdier, Collection « Islam spirituel », 1989. Réédité aux éditions Gallimard, folio/essais, 2003, 246 pages. (ISBN 2070427196 et 978-2070427192) Traduction en espagnol par Gracia Lopez Anguita, Alquimia y mística en el Islam, Madrid, Mandala Ediciones, 2005.

3. Le rêve et ses interprétations en Islam, Paris, Albin Michel, collection Science des religions, 2003, 320 pages. (ISBN 2226142320 et 978-2226142320) Traduction en arabe Ta'bir al-ru'yâ fi al-Islâm, par Dalyâ al-Tûkhî, Le Caire, al-Hay'a al-Misryya al-'amma li-al-Kitâb, 2007.

4. La science des lettres en Islam, Paris, Dervy, Esprit de Lettre, 2004, 146 pages. (ISBN 2844543219 et 978-2844543219) Traduction en Arabe par Dâliâ al-Tûkhî, 'Ilm al-hurûf fi al-Islâm, Le Caire, Al-hay'a al-Misriyya al-'amma li-al-kitâb, 2006.

نظر به اهمیت روش و متدولوژی و نیز تحقیقات پروفیسور پیر لوری در حوزه مطالعات اسلام و شیعه پژوهشی در محافل آکادمیک فرانسه، در اینجا عناوین آثار منتشر شده او را می‌آوریم.

- تاویلات القرآن از دیدگاه عبدالرزاق کاشانی<sup>۱</sup>. این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در پاریس منتشر شد، سپس در سال ۲۰۰۱ به زبان ترکی بازگردانده شد. بعدها در سال ۱۳۸۳ توسط زینب پودینه آقایی به زبان فارسی ترجمه گردید.

- ترجمه ده رساله از جابر بن حیان که در سال ۱۹۸۳ در پاریس به چاپ رسید.

- تصحیح چهارده رساله مستقل جابر بن حیان در کیمیا (شیمی) که در سال ۱۹۸۸ توسط انتشارات مرکز مطالعات عربی فرانسه به چاپ رسید.

- کیمیا و عرفان در اسلام<sup>۲</sup> (بررسی آراء و نظرات جابر بن حیان). زینب پودینه آقایی این کتاب را در سال ۱۳۸۸ به زبان فارسی ترجمه کرد.

- خواب و تفسیر آن در اسلام<sup>۳</sup> که ابتدا به صورت سمینار ارائه گردید و بعدها به صورت مقالات در پاریس به چاپ رسید.

- علم حروف در اسلام<sup>۴</sup> که ابتدا به صورت مقالاتی در سال ۱۹۹۷ در دفتر شماره یازده از جُنگ دانشگاه سن ژان اورشلیم منتشر گردید. سپس در سال ۲۰۰۴ توسط انتشارات دوری پاریس به چاپ رسید

- تاریخ هرمسیه و صوفیه در اسلام، ۱۹۸۸.

- جادو و دین در آثار محی الدین بونی، به صورت سلسله مقالاتی در سال ۱۹۸۶ منتشر گردید.

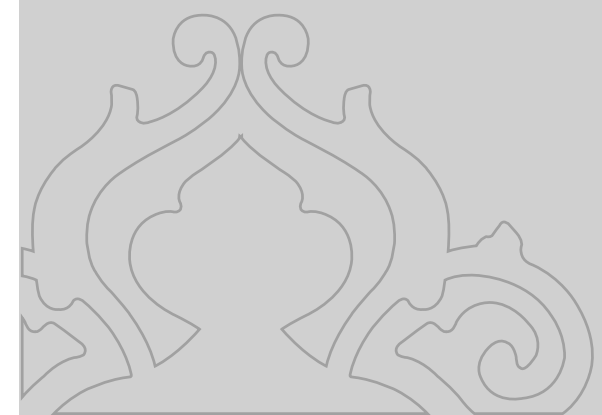
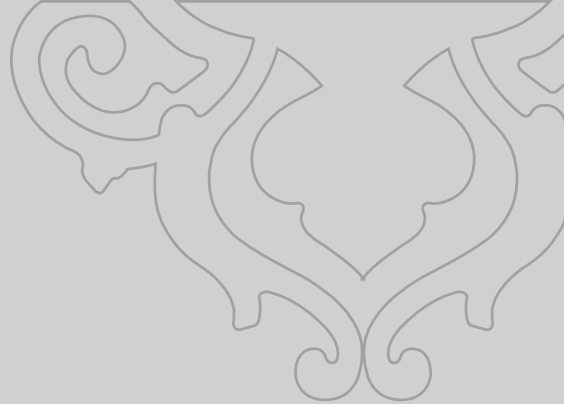
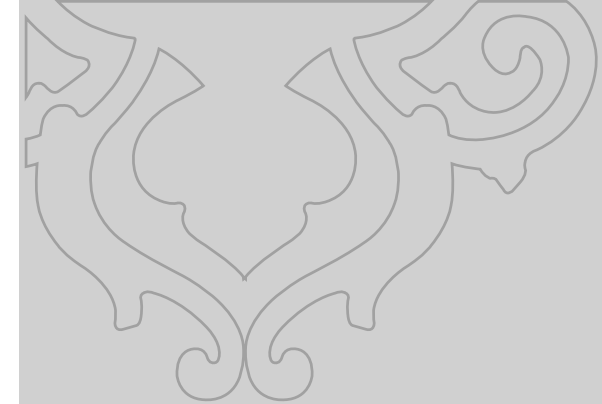
- به سوی دل سنگ، در جستجوی کیمیای عرب، منتشر شده در دانشگاه اورشلیم، ۱۹۸۷

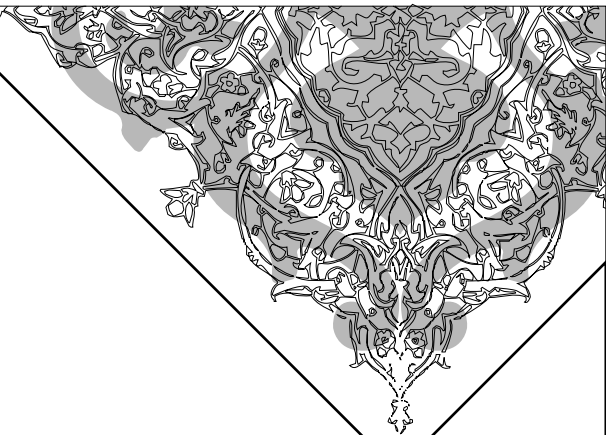
- درباره مفهوم خدا در دین اعراب پیش از اسلام، نشر دفتر مطالعات عربی، ۱۹۸۸

- ممنوعیت تمثال و تصویر سازی در اسلام، ۱۹۸۹

- حرکت و رقص در عرفان اسلامی، ۱۹۹۵

- اماکن مقدسه حجاز و فلسطین در اماکن اسلامی





## اسلام پژوهی چینی؛ از سلسله‌های پنجگانه تا هزاره سوم

■ دکتر عادل خانی<sup>۱</sup>

### مقدمه

دین اسلام یکی از ادیان الهی بزرگ جهان و یکی از سه دین مهم و تاثیرگذار در سرزمین پهناور چین است. برپایه اسناد تاریخی موجود، دین اسلام در دوران حکومت سلسله تانگ در سال ۶۵۱ میلادی به این سرزمین وارد شد. با این که از زمان ورود آئین محمدی به این سرزمین بیش از سیزده قرن می‌گذرد و مسلمانان در برخی زمان‌ها، جایگاه برجسته و شایسته‌ای در جامعه چین داشته‌اند ولی آشنایی جامعه چین با دین اسلام در قرون چهاردهم و پانزدهم چهره بسته است. فقط در این روزگار بوده که کتاب‌ها و نوشته‌هایی در باره دین اسلام به زبان چینی و برای چینیان نگاشته شد و مجال نشر یافت. در این جستار به بررسی کارنامه اسلام پژوهی در چین در تاریخ معاصر این کشور خواهیم پرداخت.

### اسلام در چین

شناخت و فهم کارنامه اسلام پژوهی در چین بدون توجه به پیشینه و وضعیت اسلام و مسلمانان در چین نارسا و ناممکن است، از این رو، نخست اشاره ای اجمالی خواهیم داشت به چگونگی ورود اسلام به سرزمین چین و موقعیت آنان در دوره سلسله‌های پنجگانه حاکم بر این سرزمین. نخست از پدیدار شدن اسلام از طریق زمین و دریا در سرزمین خاقانان آغاز می‌کنیم.

اسلام به سرزمین چین از راه خشکی و از طریق آسیای مرکزی و از مسیر دریایی از چوانجو، گوانجو و هانجو وارد شده است. این مسیرها و راه‌ها در تاریخ به «جاده ابریشم» معروف شده است،

۱. دکتری مردم شناسی، دانشگاه پکن



مسیرهای دریایی با گذشتن از خلیج فارس و کشورهای همجوار آن آغاز و پس از گذشتن از خلیج مانار و بنگال و تنگه مالاگا و دریای چین جنوبی به شهرهای بندری گوانجو (کانتون)، چوانجو (زیتون)، هانجو و یانگ جو رسیده است. مسیرهای زمینی آن نیز با گذشتن از ایران، افغانستان، آسیای مرکزی (سمرقند و بخارا) و با عبور از حاشیه بیابان «تاکلاماکان» از شهرهای ختم، کاشغر و تورفان به چین وارد و در شهر چانگ ان (شی ان امروزی) پایان یافته. نویسنده کتاب «اسلام و فرهنگ» می‌نویسد: اسلام برای اولین بار در نیمه قرن هفتم از طریق شهرهای بندری «گوانجو» و «چوانجو» در ساحل جنوب شرقی و بعداً از طریق زمینی از آسیای مرکزی به چین وارد شده است.<sup>۱</sup> در گسترش اسلام در چین، راه ابریشم دریایی بر راه ابریشم زمینی ارجحیت داشته و آثار تاریخی باقیمانده از راه دریا بیشتر مربوط به دوره های تانگ و سونگ بوده. میراث فرهنگی اسلامی موجود در موزه چوانجو، موزه گوانجو، مسجد گوانجو و مسجد اصحاب چوانجو مؤید این مدعا است.

از زمان ورود اسلام در سرزمین چین پنج سلسله پادشاهی به نام تانگ<sup>۲</sup> (۶۱۸-۹۰۷ میلادی)، سونگ<sup>۳</sup> (۹۶۰-۱۲۷۹ میلادی)، یوان<sup>۴</sup> (۱۲۰۶-۱۳۶۸ میلادی)، مینگ<sup>۵</sup> (۱۳۶۸-۱۶۴۴) و چینگ<sup>۶</sup> (۱۶۱۶-۱۹۱۱) سال ۱۹۱۱ بر چین حکومت کرده اند، در دوره هر یک از این سلسله ها، مسلمانان وضعیت و جایگاه متفاوتی را در جامعه چین تجربه کرده و در نهایت به عنوان بخشی از اقوام چین به رسمیت شناخته شده اند. در حال حاضر در سرزمین چین ۵۶ اقلیت قومی در کنار یکدیگر زندگی می کنند، از این میان ده قوم جامعه مسلمان چینیان تشکیل می دهند.

بزرگترین گروه متشکل در جامعه اسلامی چین در دوره سلسله تانگ تشکیل شد، پس از آن در دوره سلسله سونگ این گروه از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار شد. مسلمانان در دوره تانگ و سونگ عمدتاً شامل دو گروه بودند:

**الف:** نمایندگان و هیأت های رسمی که از طرف حکومت های اسلامی به چین اعزام می شدند.  
**ب:** بازرگانانی که از مناطق مختلف جهان سلام برای داد و ستد به این سرزمین می آمدند.  
از ویژگی های مهم مسلمانان در دوره های تانگ و سونگ ایجاد سکونتگاه ها و اجتماعات جدا از چینیان بود. این روش از سلسله تانگ آغاز و در دوره سونگ به اوج رسید. در این مناطق، مسلمانان ایرانی، عرب و ملیت های دیگر نیز به دلیل وجود اشتراکات دینی و فرهنگی و انگیزه ها و مزایای اقتصادی در کنار چینیان زندگی می کردند و همبستگی خاصی بینشان حاکم بود. سفرنامه ابن بطوطه و یادداشت های آن در چین مؤید این مدعاست.

در دوره های تانگ و سونگ مسلمانان چین تحت تأثیر فرهنگ ایرانی و عربی بودند چون که در این دوره ها شماری از اعراب و ایرانیان مسلمان از طریق جاده ابریشم دریایی و زمینی به چین وارد شدند. با آغاز حکومت سلسله یوان، همزمان با حکومت ایلخانان در ایران و مهاجرت گسترده تجار و اندیشمندان مسلمان به چین، که به تشویق و ترغیب حکام مغولی چین انجام می شد، مسلمانان چین موقعیت و جایگاه بهتری در سرزمین چین پیدا کرده و تحولات عدیده ای را از سر گذراندند.

1. 杨怀中、余振贵，伊  
斯兰与中国文化》，宁  
夏人民出版社，1995年  
版，第52页。

2. 唐Tang  
3. 宋Song  
4. 元yuan  
5. 明Ming  
6. 清Qing



یکی از مهم ترین این تحولات، بومی شدن مسلمانان در چین بود. در توضیح چگونگی پذیرفته شدن مسلمانان در جامعه چین و بومی شدن ایشان باید گفت که مسلمانان تا زمان سلسله یوان در این سرزمین همانند سایر خارجیان به صورت میهمان بودند و هرگز به عنوان بخشی از جامعه چین محسوب نمی شدند و آن ها نیز تعلق خاطری به این سرزمین نشان نمی دادند. ولی از زمان سلسله یوان، مسلمانان به صورت یک اقلیت قومی در چین پذیرفته شدند و توانستند در نظام اجتماعی این سرزمین جایگاه ممتازی بدست آورند. به طوریکه در تقسیم بندی اقشار اجتماعی جامعه چین، مسلمانان به ویژه قوم هویی به عنوان قشر «سی مو»<sup>۱</sup> رسمیت یافتند. این قوم، جایگاه برتری نسبت به قوم «هان جین» پیدا کردند. گفتنی است که در دوره سلسله یوان، جامعه چین را به چهار قشر یا گروه اجتماعی تقسیم کرده بودند که عبارت بودند از: طبقه قوم مغول که طبقه اشرافی و حاکم بر جامعه چین و تعدادشان از نظر کمیت از همه اقلیت ها کمتر بود. طبقه دوم «سی مو» بود که از اقوام مسلمانان از نژادهای مختلف تشکیل می شد. طبقه سوم متعلق به قوم هان و طبقه چهارم متشکل از سایر اقوام بود.<sup>۲</sup>

از زمان سلسله یوان در چین، فرهنگ مسلمانان تحت تأثیر فرهنگ ایرانی اسلامی قرار گرفت چرا که این سلسله را دوران مدیریت ایرانیان بر چین نامیده اند، ایرانیان دانشمندی که در این دوره توسط مغولان به چین آورده شدند، از میانشان کسانی مانند سیداجل عمرشمس الدین و از نوادگان وی شخصی مثل جنگ خه پدید آمدند. بعد از سلسله یوان، دوران حکومت سلسله مینگ آغاز گردید. در ابتدای حکومت این سلسله، مسلمانان به موقعیت برتری دست یافتند ولی این موقعیت استمرار نیافت و مسلمانان به غضب حاکمان گرفتار آمدند. پس از مدتی حکمرانان سلسله مینگ به توانایی و قابلیت مسلمانان در زمینه های مختلف احساس نیاز کردند و جنگ خه را که از مسلمانان نامدار عصر خود بود برای گسترش روابط با کشورهای دیگر به سرزمین های دور و نزدیک اعزام کردند. پس از این بود که مسلمانان برای مدت کوتاهی با آرامش و مسالمت در کنار چینیان زندگی کردند. در این زمان بود که نهضت ترجمه علوم اسلامی به زبان چینی و نظام آموزش دینی نوین در سرزمین چین توسط مسلمانان چینی شکل گرفت. پس از سلسله مینگ، یکی از اقوام مهاجم شمال چین به نام منچوها کنترل سرزمین چین را به دست گرفت. از این زمان تقابل مسلمانان و حاکمان چینی چهره نمود. به همین دلیل، این دوره را دوره رویارویی و تقابل حاکمیت چین با مسلمانان دانسته اند. با این همه، یکی از مهم ترین اقدامات در دوران حکومت سلسله مینگ، گسترش مبادلات دریایی چین با دنیای خارج و شرکت مسلمانان در این مبادلات است. در همین دوره است که نظام آموزش دینی مسلمانان توسط «خو دنگ جو»<sup>۳</sup> و شکل گیری نهضت ترجمه متون دینی به زبان چینی یا در حقیقت اسلام پژوهی و تحقیق و پژوهش چینیان در باره اسلام شروع شده است.

1. 《元西域人华化考》，陈垣，上海古籍出版社，2000.12
2. 《元西域人华化考》，陈垣，上海古籍出版社，2000.12，第4页。
3. 胡登州Hu Deng Zhou



ویژگی های بارز اسلام پژوهی در این دوره عبارتند از :

۱. تحقیقات گسترده در زمینه های مختلف علوم اسلامی مانند: خدانشناسی، سنت اسلامی، تاریخ اسلام، منطق، فلسفه، نجوم، پزشکی اسلامی و...
۲. پیدایش گروهی از دانشمندان و محققان مسلمان در سرزمین چین که به شگل گیری نهضت ترجمه متون اسلامی به زبان چینی مدد رسانیدند. شماری از مهم ترین و شاخص ترین این افراد عبارتند از: وانگ دای یو (۱۵۷۰-۱۶۵۸)، جانگ جونگ (۱۵۴۸-۱۶۷۰)، ووجون چی (۱۵۹۸-۱۶۹۸)، ما جو (۱۶۴۰-۱۷۱۱)، لیو جی (۱۶۶۰-۱۷۳۰)، ما خو چو (۱۷۹۴-۱۸۷۴) و ما لیان یوان (۱۸۴۶-۱۹۰۳).
۳. انتشار کتاب هایی مانند شرح عقاید اسلام، دانش های اسلام، فلسفه و عقاید، ستون دین، مهمات المسلمین، سیره نبوی و ...
۴. ترجمه بخشی از قرآن کریم به زبان چینی؛ لازم به ذکر است که در این دوره مذاهب گوناگون اسلامی و فرقه های تصوف مانند نقشبندیه، قادریه، کبرویه و جهریه در این سرزمین ظاهر شدند و فرهنگ اسلامی با فرهنگ سنتی چینیان در هم آمیخت.

### دوره حاکمیت سلسله گومینگ<sup>۱</sup> (ملی گرایان) ۱۹۱۱-۱۹۴۹

در تاریخ معاصر چین، از سال ۱۹۱۱ با فروپاشی نظام سلطنتی سلسله چینگ و تأسیس نظام جمهوری چین توسط دکتر سون یات سن<sup>۲</sup>، پژوهش و تحقیق پیرامون اسلام و اقوام مسلمان در چین دچار تحول گردید و رعایت شیوه های علمی جدید اهمیت یافت. در این دوره اگرچه شمار اسلام پژوهان و محققان اسلام شناس نسبت به دوره های پیش و پس از آن از نظر تعداد چندان زیاد نبود ولی آثار و تألیفات ایشان که با تکیه بر منابع تاریخی دست اول نوشته شده، از نظر علمی بسیار ارزشمند و پرمایه می نمود. برخی از این اسلام پژوهان عبارتند از: بای شوای، وانگ جینگ جای، جائو جن وو، دینگ جنگ شی و ما ای یو.

در خلال سال های ۱۹۱۱-۱۹۴۹، ترجمه قرآن کریم ادامه پیدا کرد و تمام این کتاب آسمانی به زبان چینی ترجمه گردید. مترجمان قرآن، دو نفر از روحانیون برجسته چینی به نام های یانگ جونگ مینگ و وانگ جینگ جای بودند. در همین زمان، پژوهش های گسترده ای نیز در زمینه تاریخ اسلام در چین به ویژه قوم مسلمان هویی به انجام رسید و آثار ارزشمندی مانند "فرایند بومی شدن مسلمانان در چین" و "بررسی تاریخی ورود و گسترش اسلام در چین" نگاشته چن یوان، "تاریخ اسلام در چین" و "تاریخ قوم مسلمان هویی" اثر بای شوای منتشر شدند. امروزه، پژوهشگران تاریخ مسلمانان چین، این آثار را در شمار منابع تحقیقی مسلمانان چین محسوب می دارند.

1. 国民Guo min (1911-1949)

۲. سون یات سن، پدر چین مدرن، سیاستمدار و رهبر انقلابی چین در براندازی دودمان چینگ در انقلاب ۱۹۱۱.





## دوره چین نوین و انقلاب کمونیستی - از ۱۹۴۹ تاکنون

از زمان پیروزی انقلاب کمونیستی سال ۱۹۴۹، سرزمین چین دو دوره ۳۰ ساله متفاوت را گذرانده است: دوره شکل گیری چین جدید تا انقلاب فرهنگی و دوره پس از انقلاب فرهنگی و اتخاذ سیاست های درهای باز تا به امروز. در دوره سی سال نخست، چین جدید تأسیس شد و نظام کمونیستی بر سراسر کشور حاکم گشت. پیش از انقلاب فرهنگی، دوران شکوفایی اسلام و مسلمانان چین بود، در سال ۱۹۵۶ قوم هوئی به عنوان یکی از پنجاه و شش اقلیت قومی در سرزمین چین به رسمیت شناخته شد. پیش از آن، در سال ۱۹۵۳ انجمن اسلامی چین ایجاد شده بود. به رسمیت شناخته شدن قوم مسلمان و تشکیل انجمن اسلامی به عنوان نماینده مسلمانان چین، موفقیت و دستاورد بزرگی برای مسلمانان و اسلام در چین بود. البته این وضع دیری نپائید و با برآمدن شیپور انقلاب فرهنگی، به مدت ده سال، بسیاری از آثار مکتوب تاریخی و میراث فرهنگی مسلمانان از بین رفت و رکود و ایستایی جامعه و فرهنگ کشور به جامعه مسلمان نیز سرایت کرد و مسلمانان در خود فرو رفتند و امکان هر گونه پژوهش و اجتماع و ظهور و بروز از آنان سلب گردید.

سی سال دوم یعنی پس از پایان انقلاب فرهنگی و اتخاذ سیاست درهای باز اقتصادی، دوران شکوفایی و موفقیت پژوهش های اسلام شناسی و اقوام مسلمان چین است. در این زمان، پژوهش های متعددی در باره قرآن، آموزه های قرآنی، دین اسلام، تاریخ اسلام، مذاهب اسلامی، فلسفه، فرهنگ و هنر اسلامی و مسلمانان صورت گرفت. به همین علت این دوره را، دوره پویایی و شکوفایی مطالعات اسلامی و آموزش دین اسلام در چین دانسته اند. از دیگر ویژگی های این دوره، آشنا شدن مسلمانان و پژوهشگران چینی با آثار و تألیفات اسلام شناسان مسلمانان و غیر مسلمان پیرامون اسلام، اقوام مسلمان و کشورهای اسلامی است، چیزی که پیش از آن وجود نداشت. دستاورد دیگر، ترجمه و تفسیر قرآن کریم به زبان چینی، ترکی اویغوری و قزاقی و چاپ و نشر دایرة المعارف بزرگ اسلامی چین در سال ۱۹۹۴ توسط انتشارت سیچوان است.





### قرآن به زبان چینی

#### مراکز علمی و تحقیقی اسلام پژوهی در چین

در کشور پهناور چین، سازمان ها، مؤسسات و دانشگاه های متعددی به اسلام شناسی یا موضوعات مربوط به اسلام، مسلمانان و کشورهای اسلامی توجه نشان می دهند. در اینجا به معرفی شماری از مهم ترین این مؤسسات و مراکز آموزشی و پژوهشی اشاره می کنیم.

#### آکادمی علوم اجتماعی چین

این آکادمی به عنوان بزرگترین مرکز علمی و پژوهشی چین از سال ۱۹۷۷ فعالیت خود را شروع کرده است. آکادمی با مراکز علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی بسیاری از کشورها همکاری دارد و در داخل چین نیز در همه استان ها شعبه دایر کرده و در زمینه های مختلف فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تحقیق انجام می دهد. شاید بتوان گفت که بررسی مسائل مورد نیاز نظام سیاسی و اداری چین و تغذیه علمی جامعه چین برعهده این آکادمی و پژوهشگران آن نهاد شده است. آکادمی در درون خود گروه های پژوهشی متعدد و متفاوتی مانند گروه مطالعه اسلام و مسلمانان و کشورهای اسلامی، گروه مطالعه ایران و گروه مطالعه هند و ده ها گروه دیگر تشکیل داده است. وظیفه این گروه ها، مطالعه، شناخت و معرفی موضوعات، کشورها یا مسائل مورد نیاز سیاستگذاران و مقامات بالای کشور تعیین شده است.



## دانشگاه مرکزی اقلیت‌های چین

در میان دانشگاه‌های چین چند دانشگاه به لحاظ وظایفی که برای آنان تعیین شده، حوزه فعالیت آنها ارتباط مستقیمی با اسلام و اقوام مسلمان دارند. یکی از این دانشگاه‌ها، دانشگاه مرکزی اقلیت‌های چین<sup>۱</sup> است. این دانشگاه که رشته‌هایی در ارتباط با اقلیت‌های قومی چین دایر کرده، دانشجویانی از اقلیت‌های مختلف چین می‌پذیرد. با توجه به اینکه از بین ۵۶ اقلیت قومی چین، تعداد ده اقلیت به اقوام مسلمانان تعلق دارد، بنابراین، بیشتر دانشجویان این دانشگاه را دانشجویان اقوام مسلمان تشکیل می‌دهد.

افزون بر این، در راستای اهداف و سیاست‌های کلی دولت چین، دانشگاه‌های بزرگی مانند پکن، چینخوا، شانگهای و ... نیز فعالیت‌های آموزشی، علمی و پژوهشی در ارتباط با اسلام و کشورهای اسلامی انجام می‌دهند.

## پژوهشگران چینی حوزه مطالعات اسلامی

محققان چینی که در حوزه مطالعات اسلامی آثار و تحقیقاتی دارند به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. پژوهشگرانی که مسلمان نیستند ولی در مراکز اسلام پژوهی یا بخش مطالعات اسلامی دانشگاه‌ها مشغول تدریس و تحقیق هستند. این گروه دارای چند ویژگی هستند: ۱. با زیربنای فکری و ایدئولوژیکی مارکسیستی به بررسی اسلام، تاریخ اسلام و ملل مسلمان می‌پردازند. ۲. منابع مطالعاتی مورد استفاده این گروه عمدتاً منابع غربی (بیشتر زبان انگلیسی) است. ۳. با روش مطالعه میدانی وضعیت اقوام و کشورهای مسلمان به بررسی دین اسلام و کارکردهای آن در جوامع اسلامی می‌پردازند. ۴. به جای مطالعه و تحقیق پیرامون دین اسلام به مطالعه و ژرفکاوای مذاهب اسلامی پرداخته‌اند. ۵. تعداد این گروه از پژوهشگران بسیار زیاد است و دولت چین از آنها حمایت می‌کند و نظرات و پیشنهادات شان را پذیرا می‌شود.

۲. پژوهشگران و محققانی که خود مسلمان هستند. ویژگی‌های این گروه عبارت است از: ۱. اکثراً در استان‌ها به ویژه مناطق مسلمان‌نشین مانند شمالغرب چین سکونت دارند. بسیاری از این افراد در آکادمی علوم اجتماعی نینگ‌شیا- مؤسسه مطالعات قوم‌هویی مشغول پژوهش هستند. ۲. بیشتر این اشخاص با زبان عربی، تاریخ اسلام و آموزه‌های معنوی و اجتماعی آئین محمدی آشنایی دارند، همین آشنایی موجب شده برای مطالعات و تحقیقات خود از منابع دست اول و اصیل اسلامی استفاده کنند. ۳. تمرکز پژوهش‌ها و آثار منتشر شده این گروه بیشتر درباره‌ی اقوام مسلمان چین است.

1. 中央民族大学 Minzu  
university of china:  
<http://www.muc.edu.cn/>

## مجلات علمی و پژوهشی با موضوع اسلام و مسلمانان

مجلات علمی و پژوهشی که به موضوعات مربوط به اسلام و مسلمانان می‌پردازد و نوشته‌های



پژوهشگران چینی را منتشر می کنند، به دو دسته تقسیم می شوند: نشریات علمی و پژوهی و آکادمیک و نشریه های اجتماعی و غیر پژوهشی. نشریات علمی و پژوهشی که دارای امتیاز علمی و پژوهشی بین المللی<sup>۱</sup> هستند، توسط سازمان ها و مراکز علمی و دانشگاهی چین منتشر می شوند. در این جا ابتدا مهم ترین نشریات علمی و پژوهشی و در ادامه مشهور ترین و مهم ترین نشریات غیر آکادمیک را معرفی می کنیم.

### ۱. نشریات علمی و پژوهشی

- مطالعات ادیان چین وابسته به سازمان ادیان چین نخستین شماره این مجله در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. تا سال ۲۰۰۰ مجله هر دوماه یک بار منتشر می شد ولی از سال ۲۰۰۳ مجله به صورت ماهنامه مجال نشر می یابد.<sup>۲</sup>

- "فرهنگ ادیان جهان" وابسته به آکادمی علوم اجتماعی چین موضوع این نشریه که در سال شش شماره انتشار می یابد، ادیان جهان و فرهنگ های مختلف است. در این نشریه مقالاتی نیز درباره اسلام و مسلمانان نشر می یابد.<sup>۳</sup>

- مطالعه ادیان جهان وابسته به آکادمی علوم اجتماعی چین این مجله بیش از ۳۰ سال قدمت دارد و مطالب مربوط به ادیان جهان را نشر می دهد. از سال ۲۰۱۰ هر سال شش شماره از این نشریه منتشر می شود.<sup>۴</sup>

- مجله مطالعات دینی وابسته به دانشگاه سیچوان این مجله را استادان دین شناس دانشکده مطالعات دینی دانشگاه سیچوان در سال ۱۹۸۲ بنیان نهادند و از سال ۲۰۰۸ رتبه علمی آن را به علمی پژوهشی ارتقا دادند.<sup>۵</sup>

- مطالعات غرب آسیا و آفریقا وابسته به آکادمی علوم اجتماعی چین این فصلنامه که نخستین شماره اش در سال ۲۰۰۸ منتشر شد، هر دو ماه یکبار منتشر می شود.<sup>۶</sup>

- مسلمان چین، وابسته به انجمن اسلامی چین

تنها نشریه علمی و پژوهشی که در چین، هر دوماه یکبار، برای همه اقوام مسلمان چین به دو زبان چینی و ترکی اویغوری انتشار می یابد، این مجله در سال ۱۹۵۷ تاسیس و در سال ۱۹۶۰ متوقف شد. پس از پایان انقلاب بزرگ فرهنگی از سال ۱۹۸۱ دوباره منتشر شد.<sup>۷</sup>

- مطالعات قوم هویی وابسته به آکادمی علوم اجتماعی نینگ شیا این فصلنامه علمی و پژوهشی وابسته به مؤسسه قوم هویی آکادمی علوم اجتماعی نینگ شیاست و از آن هر سال چهار شماره منتشر می شود. این مجله به صورت تخصصی به موضوعات مربوط

به قوم مسلمان هویی می پردازد و در محافل علمی چین از اعتبار برخوردار است.<sup>۸</sup>

- مطالعات جهان عرب وابسته به دانشگاه زبان های خارجی شانگهای این مجله که در سال ۱۹۷۸ آغاز به کار کرده، از سال ۲۰۰۶ به «مطالعات جهان عرب» تغییر نام داده است. نشریه موضوعات مرتبط با بیست کشور جهان عرب را که توسط پژوهشگران چینی

1. ISSN: international standard serial number
2. Website: <http://www.chinareligion.cn/>
3. Website: <http://zjwh.qikan.com/>
4. Website: <http://zjyj.qikan.com/>
5. <http://www.taoism.cc>
6. <http://qk.cass.cn/xyfz>
7. <http://www.chinainislam.net.cn/>
8. <http://www.nxass.com/>



نوشته شده نشر می دهد.<sup>۱</sup>

– مطالعات قومی شمالغرب وابسته به دانشگاه مطالعات قومی شمالغرب لانجو این مجله که در سال ۱۹۸۶ دایر شد، موضوعات مربوط به اقوام شمالغرب چین را نشر می دهد. مجله مطالعات قومی شمالغرب که یکی از معروف ترین مجلات علمی پژوهشی در حوزه مطالعات قومی چین است، هر سال چهار شماره منتشر می شود<sup>۲</sup>

– مطالعات قوم هوئی وابسته به دانشگاه یونن

## ۲. نشریات غیر علمی و پژوهشی

افزون بر نشریات علمی و تحقیقاتی، مجلات و فصلنامه هایی نیز هستند که امتیاز علمی و پژوهشی ندارند اما در دانشگاه ها یا مراکز و مؤسسات وابسته به مسلمانان در زمینه اسلام و مسلمانان مطالبی نشر می دهند. در این جا به برخی از مهم ترین این نشریات اشاره می کنیم:

- نشریه مسلمانان گانسو وابسته به انجمن اسلامی گانسو
- مجله مطالعه فرهنگ اسلامی وابسته به انجمن اسلامی شانسی
- نشریه مسلمانان شانگهای وابسته به انجمن اسلامی شانگهای
- مجله مسلمانان جی نن وابسته به انجمن اسلامی شاندونگ
- مجله مسلمانان هوئی و اوینور هونان وابسته به انجمن اسلامی هونان
- نشریه مطالعات فرهنگ اسلامی وابسته به انجمن اسلامی هه نن

افزون بر این نشریات، صدها مجله و روزنامه نیز در مناطق مختلف مسلمان نشین به زبان چینی برای مسلمانان منتشر می شود.

## بازنمونی از مطالعات اسلامی چینیان در سه دهه اخیر

در جامعه چین به ویژه در میان اقوام مسلمان چین کتاب های دینی مورد استفاده بسیار متنوع هستند. این آثار به چهار دسته تقسیم می شوند: ۱. سیزده جلد کتاب<sup>۳</sup> که منابع درسی در نظام آموزش دینی مسلمانان چین است. این کتاب ها به سه زبان عربی، فارسی و چینی نوشته شده و در بین گویشوران مسلمان ترک به زبان ترکی است. ۲. کتاب های ادعیه و قرآن که در مساجد به عنوان کتاب های دینی در دسترس مردم قرار دارد. البته تعداد این گونه کتاب ها زیاد نیست. ۳. کتاب ها و مجلاتی که برای آشنایی مردم با دین اسلام تهیه شده و در مساجد و محله های اسلامی شهرهای مختلف چین توزیع می گردد. ۴. کتاب ها و آثار علمی که در مراکز علمی و دانشگاهی چین به عنوان منابع تحقیقی، درسی و مطالعاتی مربوط به اسلام و مسلمانان معرفی می شوند. از آن جا که نوع نگاه و محتوای کتاب های دسته چهارم، بر بنیاد فکری و جهت گیری مطالعاتی و تحقیقاتی استادان و دانشجویان چینی تأثیر گذار است، شایسته است با کمیت و کیفیت

1. <http://albs.qikan.com/>

2. <http://albs.qikan.com/>

۱. این سیزده کتاب که منابع نظام آموزش دینی مسلمانان هستند عبارتند از: اساس العلوم، المصباح، لمعات، بیانی، عقائدالنفس، وقایع الشرح، خطبه، مرصاد، المعات اشرح، هواء منهج، گلستان و قرآن. شش جلد از آنها به زبان فارسی است. البته در برخی مناطق کتاب های دیگری مثل تفسیر حسینی هم خوانده می شوند.



این آثار و نویسندگان، ناشران و موضوعات آنها آشنا شویم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۳۰۰ کتاب توسط پژوهشگران و اسلام پژوهان چینی به زبان چینی نوشته شده است. بخشی از مهم‌ترین این آثار عبارتند از:

- «دایرة المعارف بزرگ مسلمانان چین»، انتشارات سیچوان، ۱۹۹۴. این کتاب مشتمل بر ۳۳۶۰ مدخل بوده و با همکاری هشتاد پژوهشگر چینی مسلمان و غیرمسلمان تألیف شده است.
- واژه نامه دین، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات شانگهای، ۱۹۸۱.
- فرهنگ واژه نامه اسلام، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، به سرپرستی جین یی جیو، انتشارات شانگهای، ۱۹۹۷ میلادی.
- سه ادیان بزرگ جهانی در چین، آکادمی علوم اجتماعی چین مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۱۹۸۵.
- گاهشماری وقایع بزرگ اسلامی در چین (۶۵۱-۱۹۴۹)، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۱۹۹۱.
- خلاصه تاریخ اسلام، ترجمه آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۱۹۸۱.
- تاریخ اسلام، جین یی جیو و وانگ خوی دی، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۱۹۸۱.
- جنبه های فرهنگ اسلامی، انتشارات چی لو، ۱۹۹۱.
- یک صد سوال تاریخ اسلام، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات امروز چین، ۱۹۸۹.
- سیاست مدرن و تاریخ اسلام، لیو چینگ هوا، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۲۰۰۰.
- آموزه های اسلام، فنگ جین یوان و وانگ جون دای، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات جهان معاصر، ۲۰۰۰.
- تاریخ اسلام در چین، لی شین هوا، چین هوئی بین، فنگ جین یوان و شا چیو جن، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۱۹۹۸.
- پیامبر اسلام، جوو شیه باو، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۱۹۹۸.
- اسلام در چین، شا چیو جن و جوو شیه باو، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات خا و ن، ۲۰۰۲.
- کاوش در مسائل خاورمیانه: مذهب و سکولاریسم، یانگ تی چنگ، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی.
- دانش های اولیه اسلام در چین، چین هوئی بین، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات



- ادیان، انتشارات فرهنگ ادیان، ۱۹۹۹.
- اسلام گرایان مدرن، چن شی هو، انتشارات اقتصاد، ۱۹۹۸.
  - اسلام و فرایند مدرنیته در خاورمیانه، پانگ شو جی، انتشارات دانشگاه شمالغرب، ۱۹۹۷.
  - عقل و ایمان، لیو ای هونگ، انتشارات شن یانگ، ۱۹۹۷.
  - مذهب تشیع، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۱۹۸۳.
  - مسلمان ایرانی (مذهب تشیع): سنت و مدرنیته، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۱۹۸۲.
  - سرنوشت تاریخی تصوف، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، ۱۹۸۲.
  - اسلام در آسیای مرکزی چگونه تحکیم یافته است؟ دانشگاه پکن دانشکده آسیا و افریقا، ۱۹۹۳.
  - بررسی اجمالی اسلام، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات خلق چینگ های، ۱۹۸۷.
  - اسلام در چین، دانشکده اقوام گانسو، انتشارات خلق نینگ شیا، ۱۹۸۲.
  - اسناد تاریخی تاریخ اسلام در چین (۱۹۱۱-۱۹۴۹)، فنگ جین یوان، آکادمی علوم اجتماعی چین، مؤسسه مطالعات ادیان، انتشارات خلق نینگ شیا (دوجلد)، ۱۹۸۵.
  - مشاهیر قوم هوئی، بای شو ای و یانگ هوای جونگ، انتشارات خلق نینگ شیا، چاپ پنجم، ۲۰۰۰.

پژوهشگران و محققان مسلمان چینی در صد سال اخیر<sup>۱</sup>

ردیف	نام و نام خانوادگی	تولد و فوت	ملیت	ملاحظات
۱	ما جیان	۱۹۰۶-۱۹۷۸م	هوئی	مترجم قرآن
۲	وانگ جینگ جای	۱۸۷۹-۱۹۴۸م	هوئی	مترجم قرآن
۳	دا پو شنگ	۱۸۷۴-۱۹۶۵م	هوئی	اسلام پژوه
۴	ها دی چنگ	۱۸۸۸-۱۹۴۳م	هوئی	مترجم قرآن
۵	ما سونگ تینگ	۱۸۹۵-۱۹۹۲م	هوئی	قرآن پژوه
۶	هو سونگ شان	۱۸۸۸-۱۹۵۵م	هوئی	مسلط به دو زبان عربی و فارسی
۷	ما ای یو	۱۹۰۰-۱۹۶۱م	هوئی	اسلام پژوه
۸	جین جی تانگ	۱۹۰۸-۱۹۷۸م	هوئی	اسلام پژوه
۹	پانگ شی چیان	۱۹۰۲-۱۹۸۵م	هوئی	اسلام پژوه
۱۰	فو تونگ شیان	۱۹۱۰-۱۹۸۵م	هوئی	اسلام پژوه
۱۱	بای شو ای	۱۹۰۹-۲۰۰۰م	هوئی	از مشاهیر در زمینه تاریخ اسلام
۱۲	نا شون	۱۹۱۱-۱۹۸۹م	هوئی	اسلام پژوه

۱. برای مطالعه و آشنایی بیشتر با مشاهیر و اندیشمندان مسلمان چینی به کتاب های زیر مراجعه شود:

白寿彝主编，《回族人物志》，宁夏人民出版社，2000年版。  
《中国大百科全书》（宗教），中国大百科全书出版社，1988年，上海。



۱۳	نا جونگ	-۱۹۱۰	هویی	اسلام پژوه
۱۴	ما تونگ	-۱۹۲۹	هویی	اسلام پژوه
۱۵	یانگ هوای جونگ	-۱۹۳۴	هویی	اسلام پژوه
۱۶	یو جن گویی	-۱۹۴۶	هویی	اسلام پژوه
۱۷	میان وی لین	-۱۹۲۶	هویی	اسلام پژوه
۱۸	یانگ چی چن	-۱۹۳۶	هویی	اسلام پژوه
۱۹	وو جیان وی	-۱۹۴۱	هویی	اسلام پژوه
۲۰	فنگ جنگ لیه	-۱۹۲۶	هویی	اسلام پژوه
۲۱	یانگ کی لی	-۱۹۳۹	هویی	اسلام پژوه
۲۲	لین سونگ	۱۹۳۰	هویی	مترجم قرآن
۲۳	ما چی چنگ	-۱۹۳۸	هویی	اسلام پژوه
۲۴	فنگ جین یوان	-۱۹۴۴	هویی	اسلام پژوه
۲۵	لی هوا یینگ	-۱۹۳۶	هویی	اسلام پژوه
۲۶	لی شین هوا	-۱۹۳۸	هان	اسلام پژوه
۲۷	چین هویی نین	-۱۹۴۰	هان	اسلام پژوه
۲۸	وو یون گویی	-۱۹۳۹	هان	اسلام پژوه
۲۹	جوو شیه باو	-۱۹۴۵	هان	اسلام پژوه
۳۰	جین بی جیو	-۱۹۳۳	هان	اسلام پژوه
۳۱	می شو جیانگ	-۱۹۵۱	هویی	اسلام پژوه
۳۲	وو ای یه	-۱۹۳۶	هویی	اسلام پژوه
۳۳	بای جی سوء	-۱۹۶۴	هویی	مترجم قرآن
۳۴	جانگ جی هوا	-۱۹۳۶	هویی	مترجم نهج البلاغه

### نتیجه گیری

بررسی‌ها گویای آن است که کارنامه اسلام پژوهی در چین در مقایسه با دیگر کشورها حتی کشورهای اسلامی، به‌ویژه در سه دهه اخیر، بسیار چشمگیر بوده و کارنامه پربار و درخشانی داشته است. این کارنامه حاصل دو گروه از اسلام پژوهان چینی بوده است: اسلام پژوهان غیر مسلمان و مسلمان. گروه اول به علت ناآشنایی به زبان عربی، منابع مطالعاتی غیر معتبر و غلبه رویکرد مارکسیستی بر اندیشه و روش تحقیقشان، بر شناخت وضعیت اقوام مسلمان چینی و جوامع اسلامی در سرزمین‌های دیگر تمرکز کرده و بر مطالعات موردی و میدانی تأکید می‌ورزند. این گروه بر آن است که از طریق مطالعه و شناخت جوامع مسلمان به شناخت اسلام و آموزه‌های آن دست یابد. برخلاف این گروه، اسلام پژوهان دیگر به زبان عربی آشنایی دارند، به منابع اصیل

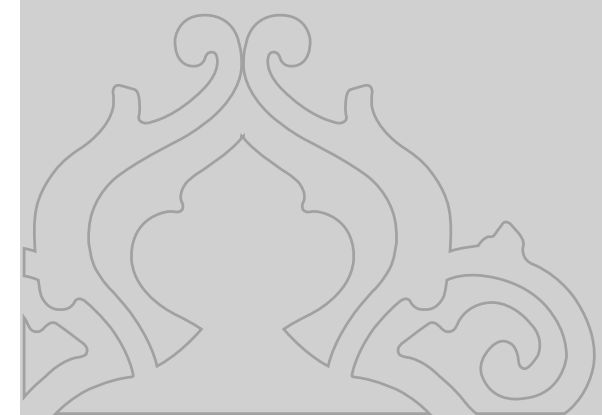
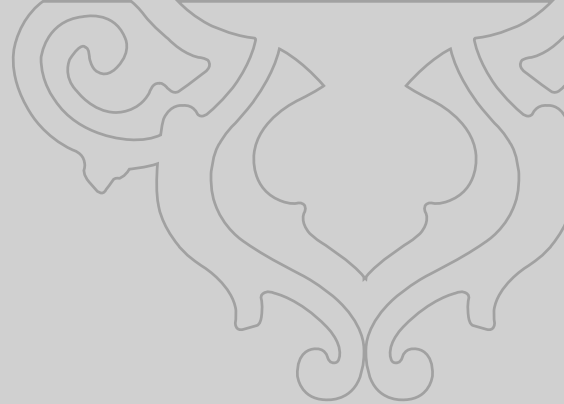


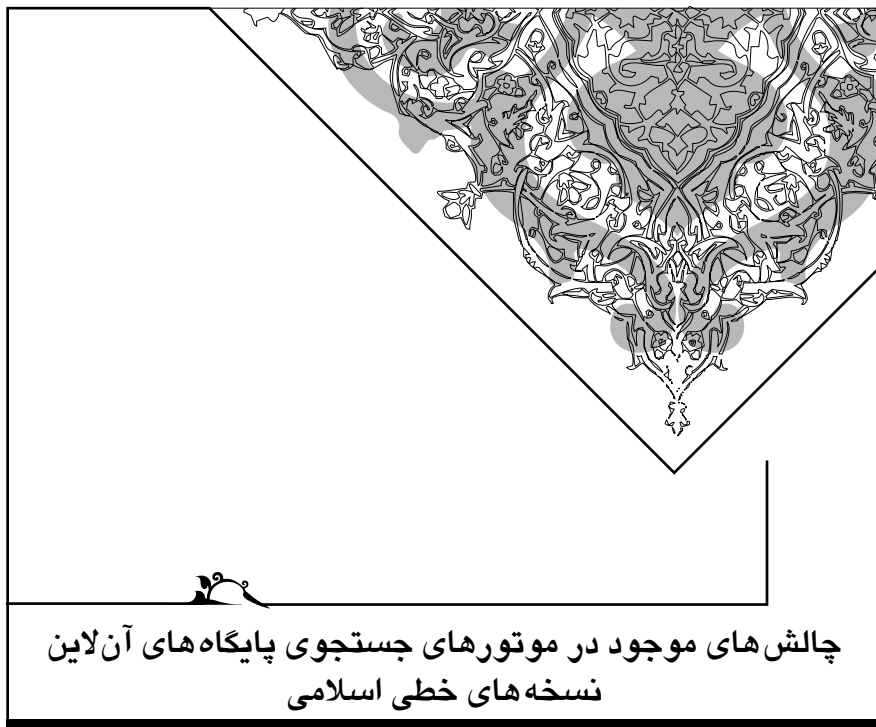


و دست اول و دست دوم اسلامی دسترسی دارند و در مطالعات خود تابع جزم اندیشی ایدئولوژی مارکسیسم نیستند. سخن آخر آن که در سه دهه گذشته، این دو گروه از اسلام پژوهان چینی آثار ارزشمندی درباره وضعیت اسلام و مسلمانان در چین و در شماری از کشورهای دیگر خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی پدید آورده اند، البته تمام این آثار به زبان چینی است. در کنار این آثار، صدها اثر دیگر هست که در دنیای اسلام پژوهی چینی جای می گیرند اما به زبان هایی مانند ترکی اوغوری، قزاقی، مغولی، تاجیکی و تبتی نوشته شده اند. به دلیل غیرقابل دسترس بودن این نوشته ها و ناآشنایی پژوهشگران با این زبان ها، تاکنون یک پژوهش روشمند درباره این آثار و نویسندگان آنها انجام نشده است.

### گزیده منابع و مأخذ

- 1-叶奕良主编《伊朗学在中国论文集》，北京大学出版社1993年版。  
یه یی لیانگ، مجموعه مقالات ایران شناسی، انتشارات دانشگاه پکن، ۱۹۹۳.
- 2-陈垣著《元西域人华化考》，上海古籍出版社2000年12月第1次印刷。  
چن یوان، «بررسی و مطالعه چینی شدن افراد شی یو»، انتشارات باستانی شانگهای، چاپ اول، دسامبر ۲۰۰۰.
- 3-白寿彝主编《中国回回民族史》，中华书局2003年9月版。  
بای شو ایی، تاریخ قوم هوئی هوئی چین، انتشارات جونگ هوا، سپتامبر ۲۰۰۳.
- 4-《中国伊斯兰百科全书》，四川辞书出版社1994年版。  
دایره المعارف اسلامی چین، انتشارات سیچوان، سال ۱۹۹۴.
- 5-白寿彝主编《回族人物志》，宁夏人民出版社1984年版。  
بای شو ایی، مشاهیر قوم هوئی، انتشارات خلق نینگ شیا، سال ۱۹۸۴.
- 6-杨怀中、余振贵，《伊斯兰与中国文化》，宁夏人民出版社，1995年版。  
یانگ هوآنگ جونگ، یو جن گوئی، اسلام و فرهنگ چین، انتشارات خلق نینگ شیا، ۱۹۹۵.
- 7-孔志远：《郑和与印度尼西亚》，载《郑和研究论文集》，大连海运学院出版社1993年版第。  
کونگ جی یوان، جنگ خه و اندونزی، مجموعه مقالات همایش جنگ خه، انتشارات دانشکده دریایی دالیان، ۱۹۹۳.
- 8-杨兆钧：《郑和与穆斯林》，载《云南民族学院报》，1993年第4期。  
یانگ جاو دیاؤ، جنگ خه و مسلمانان، انتشارات اقوام یونن، شماره ۴، ۱۹۹۳.
- 9-张志华，《中国伊斯兰文化要略》，宁夏人民出版社，2010年。  
جانگ جی هوا، «خلاصه فرهنگ اسلامی مسلمانان چین»، انتشارات خلق نینگ شیا، ۲۰۱۰.





## چالش‌های موجود در موتورهای جستجوی پایگاه‌های آن‌لاین نسخه‌های خطی اسلامی

■ علی مشهدی رفیع - محمد محمدی نیا

### چکیده

در سالهای اخیر، پایگاه‌های اینترنتی متعددی با موضوع نسخ خطی اسلامی راه‌اندازی شده‌اند که طیف متنوعی از خدمات کتابخانه‌ای را به کاربران خود ارائه می‌دهند. این خدمات که عمدتاً با تمرکز بر دسترسی کاربر به نسخه دیجیتال نسخه خطی و یا اطلاعات نسخه‌شناختی و کتابشناختی آن سامان داده شده‌اند، بیشتر ساختار بانک‌های اطلاعاتی را دارند و روند بازیابی اطلاعات در آنها بیش از هر چیز، وابسته به موتورهای جستجوی این پایگاه‌های اطلاع‌رسانی است. در حقیقت، اصلی‌ترین ابزار کاربر برای یافتن ماده کتابخانه‌ای موردنظر همین موتورهای جستجو است. با وجود این، اغلب الگوریتم‌های جستجوی به‌کاررفته در این موتورها با الگوی رسم‌الخط زبان‌های اروپایی سازگاری دارند و در نگارش این الگوریتم‌ها، به رسم‌الخط عربی-فارسی که رسم‌الخط اصلی مجموعه فرهنگی تمدن اسلامی است، توجه چندانی نشده است. همین امر و نیز مشکلات فنی-ساختاری موجب می‌شود تا کاربر برای بازیابی مواد آرشیوی موردنظر خود در پایگاه‌های نسخ خطی اسلامی با دشواری‌های متعددی روبه‌رو شود. در مقاله حاضر تلاش بر آن است تا دشواری‌های یاد شده را بررسی و پیشنهادهای برای به‌روز رسانی موتورهای جستجوی این قبیل پایگاه‌های اینترنتی ارائه شود.

**واژگان کلیدی:** نسخه خطی اسلامی، پایگاه اینترنتی، موتور جستجو، الگوریتم جستجو، رسم‌الخط عربی-فارسی، نویسه‌گردانی (Transliteration)



## مقدمه

در سال‌های اخیر، روند دیجیتال‌سازی در بسیاری از مجموعه‌های آرشیوی نسخ خطی اسلامی در سراسر جهان، شتاب چشمگیری گرفته است و اغلب این مجموعه‌ها برنامه‌های متعددی برای راه‌اندازی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دیجیتال تحت شبکه جهانی اینترنت به اجرا گذاشته‌اند<sup>۱</sup>. به‌عنوان نمونه اغلب مجموعه‌های بزرگ نسخ خطی خاورمیانه به دیجیتال‌سازی نسخ خطی خود اقدام کرده‌اند و ارائه خدمات مرتبط با نسخه‌های دیجیتال مواد کتابخانه‌ای رفته‌رفته به شیوه معمول این مجموعه‌ها تبدیل شده است. در حقیقت، روند دیجیتال‌سازی به‌حدی شتاب گرفته است که هم‌اکنون پروژه‌هایی مانند کتابخانه دیجیتال جهانی در دست اجراست<sup>۲</sup>.

یکی از نتایج ملموس پیشرفت روزافزون پروژه‌های دیجیتال‌سازی، راه‌اندازی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مجموعه‌های نسخ خطی است که فارغ از گوناگونی فرم، غالب و نوع خدمات، اغلب با ساختار بانک‌های اطلاعاتی یا کتابخانه‌های دیجیتال سامان داده شده‌اند. این پایگاه‌های اطلاع‌رسانی ما به‌ازاء‌های مجازی مجموعه‌های آرشیوی نسخ خطی هستند که اغلب سرویس قابل جستجوی فهرست مجموعه را شامل می‌شوند و گاهی امکان دسترسی مستقیم به نمونه دیجیتال نسخه خطی را نیز برای کاربر فراهم می‌کنند. مثلاً از هشت مجموعه بزرگ نسخ خطی ایران (کتابخانه ملی ایران، کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه کاخ گلستان، کتابخانه ملک و کتابخانه وزیری یزد)، هفت مجموعه، در تار نمای اینترنتی خود، بانک اطلاعاتی مجزایی برای نسخ خطی منتشر کرده‌اند که خدمات متنوعی در اختیار کاربران خود قرار می‌دهد.

در این بانک‌های اطلاعاتی، کاربران می‌توانند ماده آرشیوی (در اینجا، نسخه خطی) موردنظر خود را به سه شیوه جستجو کنند:

- بازبایی از طریق درختواره موضوعی
- بازبایی از طریق ترتیب الفبایی
- بازبایی از طریق موتور جستجوی بانک

برای مجموعه‌هایی که تعداد کمی عنوان را در خود جای داده‌اند و این عناوین نیز تنوع موضوعی چندانی ندارند، استفاده از شیوه‌های درختواره موضوعی و ترتیب الفبایی، منطقی به‌نظر می‌رسد. اما برای مجموعه‌هایی که هم از نظر تعداد عنوان و هم از نظر تنوع موضوعی، گستردگی قابل ملاحظه‌ای دارند، بازبایی نسخه خطی به دو شیوه مذکور اگر نه غیرممکن، ولی بسیار دشوار است. در واقع، برای استفاده از درختواره باید پیش از هر چیز، تصور دقیقی از تقسیم‌بندی موضوعی فهرست‌نگار مجموعه داشته باشیم و یا برای استفاده از نظم الفبایی باید عنوان مورد نظر خود را به صورت دقیق و کامل از پیش بدانیم. در حقیقت بدون این دو شرط، موفقیت کاربر بیش از هر چیز، به شانس او وابسته خواهد بود.

با این اوصاف می‌توان موتورهای جستجو را یکی از اصلی‌ترین ابزارهای بازبایی بانک‌های

1. Yin-Leng Theng & Schubert Foo (2005) Design and Usability of Digital Library: Case studies in the Asia Pacific, Information Science Publishing (an imprint of Idea Group Inc.), p. 32.  
2. Ibid, p. 34.



اطلاعاتی و به تبع آن پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نسخ خطی دانست و میزان موفقیت کاربر در دستیابی به اطلاعات مورد نظر نیز عمدتاً به الگوریتم جستجوی این موتورها و تناسب ساختار آنها با داده‌های بانک بستگی خواهد داشت.

### روش‌شناسی

برای ارزیابی موتورهای جستجوی پایگاه‌های اینترنتی نسخ خطی اسلامی، نخست فهرستی از این پایگاه‌ها تهیه شد. در بررسی اولیه، پایگاه‌های فاقد خدمات جستجو از لیست خارج و پایگاه‌های باقیمانده از نظر ساختار، رسم‌الخط، حوزه زبانی، نوع خدمات و سطح دسترسی کاربران طبقه‌بندی شدند. نتایج حاصل از این بررسی اولیه ۲۳ پایگاه اینترنتی مشخص کرد و موتورهای جستجوی به کار رفته در آنها بر مبنای شیوه انجام فرایند جستجو و دامنه خدماتی که در اختیار کاربر قرار می‌گیرد، دسته‌بندی و هر موتور جستجو با سرویس‌های جستجوی همسنگ خود مقایسه شد.

این پایگاه‌ها عبارتند از: آرشیو دیجیتال کتابخانه ملی آلمان<sup>۱</sup>، پایگاه نسخ خطی اسلامی دانشگاه لایپزیگ<sup>۲</sup>، پایگاه منابع خطی شرقی دانشگاه آلبرت لودویگ فرایبورگ<sup>۳</sup>، آرشیو دیجیتال گالیکا<sup>۴</sup>، کتابخانه ملی فرانسه<sup>۵</sup>، کتابخانه دیجیتال کمبریج<sup>۶</sup>، پروژه شاهنامه<sup>۷</sup>، پروژه فهرست<sup>۸</sup> (فهرست مشترک نسخ خطی اسلامی کتابخانه‌های انگلستان)، مجموعه‌های خطی شرقی کتابخانه بادلیان<sup>۹</sup>، پایگاه دیجیتال کتابخانه ملی ایران، کتابخانه دیجیتال موزه ملک، کتابخانه دیجیتال مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مرعشی، پایگاه اطلاعات نسخ خطی آقابزرگ، کتابخانه دانشگاه مک‌گیل<sup>۱۰</sup>، فهرست هانا کتابخانه ملی اتریش<sup>۱۱</sup>، پایگاه نسخ خطی وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه<sup>۱۲</sup>، کتابخانه دیجیتال هتی‌تراست<sup>۱۳</sup>، کتابخانه دیجیتال دانشگاه میشیگان<sup>۱۴</sup>، پروژه فهرست‌نگاری برخط کتابخانه دانشگاه میشیگان، کتابخانه دیجیتال نسخ خطی اسلامی پرینستون<sup>۱۵</sup>، نسخ خطی عربی برخط مجموعه ولکام<sup>۱۶</sup> و کتابخانه اسکندریه مصر<sup>۱۷</sup>. در گام بعدی فهرستی از کلیدواژه‌های مرتبط با موضوعات اقماری نسخه‌شناسی نسخ خطی اسلامی تهیه شد و این کلیدواژه‌ها در تمام موتورهای جستجوی پایگاه‌های یادشده مورد جستجو قرار گرفت. در این مرحله از پژوهش، نگارنده تلاش کرده است تا با تحلیل آماری متغیرهای کمی حاصل از این جستجوها، مانند تعداد دفعات موفقیت در یافتن ماده آرشیوی مورد نظر کاربر و یا مقایسه طول رشته کاراکتر مورد نیاز برای یافتن یک ماده آرشیوی واحد، در کنار تحلیل محتوای روند هر جستجو، ایرادات و دشواری‌های روند بازیابی را در این پایگاه‌ها شناسایی کند.

### ۳. ساختار پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نسخ خطی

دسته بزرگی از پایگاه‌های اینترنتی نسخ خطی اسلامی و موضوعات اقماری آن صفحات اینترنتی نسبتاً ساده‌ای هستند که تنها به معرفی بخش‌های نسخ خطی اسلامی مجموعه‌های آرشیوی

1. Deutsche digitale Bibliothek
2. Islamic Manuscripts at the Leipzig university
3. Albert Ludwigs Universitaet Freiburg - Oriental Manuscript Resource (OMAR)
4. Gallica bibliotheque numerique
5. National library of France
6. Cambridge Digital Library
7. Shahname Project
8. Fihrist - Islamic Manuscripts Catalogue Online
9. Oxford Digital Library - Features of the Bodleian Oriental Manuscript Collections
10. McGill library
11. Austrian National library - HANNA Katalog
12. Republic of Turkey, Ministry of Culture and Tourism
13. Hathi Trust digital library
14. Library of university of Michigan
15. Princeton Digital Library of Islamic Manuscripts
16. Wellcome Arabic Manuscripts Online
17. Bibliotheca Alexandrina



می‌پردازند. در این صفحات ساده عمدتاً توضیحات کوتاهی دربارهٔ هستهٔ مرکزی مجموعه، نحوهٔ گردآوری نسخه‌ها، سابقهٔ فهرستنگاری مجموعه و فهرستنگاران آن، شیوه‌های مرمت نسخه‌ها و روند حفاظت و نگهداری مجموعه ارائه می‌شود و به جز چند نمونهٔ سادهٔ تصویری یا امکان بازدید مجازی از چند نسخهٔ مصور و یا نفیس مجموعه، سرویس دیگری به کاربر ارائه نمی‌شود. این دسته از پایگاه‌ها به سبب معرفی مجموعه‌های نسخ خطی اسلامی کتابخانه‌ها و آرشیوها اهمیت شایان توجهی دارند، اما به دلیل عدم ارائه خدمات کتابخانه‌ای، به عنوان پایگاه‌های اینترنتی صرفاً اطلاع رسانی شناخته شده و موتورهای جستجو کاربری چندانی در آنها نخواهند داشت. در حقیقت در این پایگاه‌ها، بانک اطلاعاتی وجود ندارد که موتور جستجوی ویژه‌ای برای آن پیش‌بینی شده باشد و برای جستجو در این صفحات ساده، می‌توان از خدمات جستجوی محتوای سایت و یا موتورهای جستجوی عمومی مانند Ask، Google، Bing استفاده کرد.

اما ضرورت استفاده از یک موتور جستجو زمانی احساس خواهد شد که به همین صفحات ساده، یک بانک اطلاعاتی افزوده شود. اگر به همین صفحات ساده، بانک‌های اطلاعاتی از قبیل نسخهٔ دیجیتال فهرست مجموعه و یا نمایه‌ای موضوعی افزوده شود، به ناچار باید سازوکاری در اختیار کاربر قرار گیرد تا بتواند اطلاعات مورد نظر خود را بازیابی کند. از این دیدگاه می‌توان داده‌های بانک‌های اطلاعاتی نسخ خطی اسلامی را به سه گروه اصلی تقسیم کرد:

- رکوردهای فهرست مجموعه
- شکل دیجیتال‌سازی شدهٔ نسخه‌های مجموعه
- کلیدواژه‌ها

در واقع بانک‌های داده پایگاه‌های نسخ خطی اسلامی با ترکیبی از این سه نوع داده پر خواهد شد. گاهی این بانک‌ها ساختار ساده‌ای از رکوردهای متنی حاوی کلیدواژه‌هایی شبیه به کلیدواژه‌های یک نمایهٔ موضوعی هستند و گاهی رکوردهای مفصلی حاوی شناسه‌های فهرست اصلی مجموعه و نسخهٔ دیجیتال مادهٔ آرشیوی را شامل می‌شوند. به همین جهت می‌توان پایگاه‌های اینترنتی مرتبط با نسخ خطی را از نظر نوع بانک اطلاعاتی آنها در دو گروه بزرگ دسته‌بندی کرد:

- **فهرست‌های برخط (آنلاین)** که عمدتاً به نام OPAC<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند و کاربر می‌تواند از طریق آنها به اطلاعات کتابشناختی نسخهٔ مورد نظر خود دست یابد.

- **کتابخانه‌های دیجیتال** که امکان استفاده از شکل دیجیتال نسخهٔ مورد نظر را به کاربر می‌دهند. بالا در نمونهٔ مورد بررسی این پژوهش، از تعداد ۲۳ پایگاه اینترنتی نسخ خطی اسلامی، ۱۰ پایگاه از نوع فهرست‌های برخط و ۱۳ پایگاه از نوع کتابخانه‌های دیجیتال بودند که می‌تواند نشان‌دهندهٔ تمایل مجموعه‌داران به انتشار الکترونیکی شکل دیجیتال‌سازی شدهٔ نسخ خطی باشد. از طرفی در میان پایگاه‌های بررسی شده، ۱۳ پایگاه صرفاً به ارائهٔ خدمات نسخ خطی اسلامی می‌پردازند و سایر پایگاه‌ها در کنار ارائهٔ خدمات دیجیتال مرتبط با سایر مواد آرشیوی، از قبیل مطبوعات، کتابهای

1. Online Public Access Catalogue



چاپی و نقشه‌ها خدماتی نیز در رابطه با نسخ خطی اسلامی و موضوعات اقماری آن ارائه می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که اهمیت نسخ خطی اسلامی در مجموعه‌های آرشیوی به حدی است که علاوه بر پایگاه‌های مختص این مواد آرشیوی، پایگاه‌های عمومی نیز در کنار خدمات عمومی، به ارائه خدمات مرتبط با نسخ خطی اسلامی می‌پردازند.

#### ۴. کاربرد موتورهای جستجو در پایگاه‌های اینترنتی نسخ خطی

موتورهای جستجو یکی از اصلی‌ترین ابزارهای بازایی در پایگاه‌های نسخ خطی هستند و شاید بتوان کیفیت خدماتی را که پایگاه ارائه می‌کند، براساس کیفیت خدمات موتورهای جستجو تفسیر کرد. در حقیقت موفقیت در جستجو و بازایی بهتر اطلاعات ارتباطی مستقیم با رضایت کاربر از کل پایگاه اینترنتی دارد. سایر عناصر تشکیل‌دهنده پایگاه اینترنتی، از جمله گراف کلی سایت، چیدمان صفحات، طراحی گرافیک و توجه به راحتی کاربر در زمان استفاده از اپلیکشن‌های گوناگون، نیز در میزان رضایت کاربر از سایت اینترنتی نقشی تعیین کننده دارند، اما تأکید مقاله حاضر بر اهمیت موتورهای جستجو از این نکته ناشی می‌شود که هدف اصلی کاربر از مراجعه به یک پایگاه اینترنتی، یافتن اطلاعاتی درباره ماده آرشیوی موردنظرش است.

#### ۴.۱. مزایا

سرعت و سهولت دسترسی دو عامل تعیین‌کننده در روند بازایی اطلاعات در یک پایگاه داده به شمار می‌آیند. به بیان دیگر در این ارزیابی، فارغ از نوع اطلاعاتی که جستجو می‌کنیم، در پی یافتن پاسخی برای دو پرسش زیر هستیم:

- در چه مدت زمانی می‌توان به اطلاعات مورد نظر دست یافت؟
- آیا ابزار بازایی کاربر را مستقیماً به اطلاعات موردنظرش راهنمایی می‌کند و یا پس از استفاده از آن مجدداً کاربر ملزم به وجین کردن نتایج خواهد بود؟

با توجه به این دو شاخص شاید بتوان موتورهای جستجو را نسبت به دو شیوه دیگر بازایی (درختواره موضوعی و نظم الفبایی) ارجح دانست. زیرا از یک سو، بکارگیری دو شیوه مذکور آشکارا زمان‌بر خواهد بود و از سوی دیگر کاربر پیش از اقدام به استفاده از درخت موضوعی و نظم الفبایی، باید تصور دقیقی از تقسیم‌بندی موضوعی مورد نظر طراح پایگاه و یا عنوان اصلی ماده آرشیوی مورد نظر خود داشته باشد. اما یک موتور جستجو می‌تواند در کسری از ثانیه، اطلاعات مورد نظر را بیابد و با ورود یک کلیدواژه موثر، امکان دسترسی بی‌واسطه کاربر به اطلاعات ماده آرشیوی وجود دارد. در حقیقت به شرط استفاده از فناوری متناسب با حجم اطلاعات پایگاه، یک موتور جستجو بهترین ابزار بازایی اطلاعات خواهد بود.

1. Amit Singhal (2001)  
Modern Information  
Retrieval: A Brief  
Overview, Bulletin of the  
IEEE Computer Society  
Technical Committee on  
Data Engineering 24 (4):  
35-43.



## ۲.۴. معایب

معایب موتورهای جستجوی پایگاه‌های اینترنتی نسخ خطی اسلامی را می‌توان در دو گروه کلی دسته‌بندی کرد:

- معایب ناشی از خصوصیات فنی و ساختاری موتور جستجو
  - معایب ناشی از عدم تطابق موتور جستجو با فهرست‌های نسخ خطی اسلامی
- در حقیقت، برخی از این معایب ناشی از ویژگی‌های فنی و ساختاری موتورهای جستجو و برخی دیگر ناشی از عدم تناسب انواع موجود موتورهای جستجو با پایگاه‌های اینترنتی نسخ خطی اسلامی است.

بیشتر معایبی که در دسته اول جای می‌گیرند، به ساختار الگوریتم جستجوی بکار رفته در برنامه‌نویسی موتور جستجو باز می‌گردد. اغلب الگوریتم‌های بکار رفته در این موتورها به شکلی ساده طراحی شده‌اند و صرفاً از تکنیک مقایسه داده ورودی کاربر با داده‌های موجود در بانک بهره می‌برند. اگر چه این تکنیک جان‌مایه اصلی الگوریتم را تشکیل می‌دهد بدون در نظر گرفتن سایر پیشامدها و شیوه‌های متفاوت نحوه ورود اطلاعات توسط کاربر، بازده چندانی نخواهد داشت و شایان ذکر است که موفقیت اغلب موتورهای جستجوی عمومی از قبیل Ask، Google و Yahoo به توجهی که نسبت به این موارد نشان می‌دهند، بستگی دارد.

### ۲.۴.۱. معایب فنی - ساختاری

اولین مشکلی که کاربر در مواجهه با موتورهای جستجوی پایگاه‌های نسخ خطی با آن روبه‌رو می‌شود، این است که او باید داده‌های موردنظر خود را با دقت و به درستی وارد کند. در حقیقت کاربر حق هیچ‌گونه اشتباهی ندارد و خطای او در ورود اطلاعات، لاجرم به خطا در بازیابی منجر می‌شود. به عنوان نمونه اگر کاربر املائی دقیق عبارت مورد نظر خود را نداند و یا تصادفاً در نوشتن ترتیب حروف یک عبارت اشتباه کند، در بازیابی اطلاعات موفق نخواهد بود.

راه‌حلی که موتورهای جستجوی عمومی برای رفع این مشکل در نظر گرفته‌اند، پیشنهاد صحیح‌ترین عبارت نزدیک به عبارت ورودی توسط کاربر است. در این موتورها، بانک اطلاعاتی حاوی کلیدواژه‌های پرکاربرد وجود دارد و اطلاعات ورودی کاربر در گام اول، با عناصر موجود در این بانک مقایسه و در صورت فقدان و یا اندک بودن نتایج جستجو، نزدیک‌ترین عبارت شبیه به عبارت ورودی کاربر برای جستجوی مجدد به او پیشنهاد می‌شود. مثلاً اگر کاربری به دنبال یافتن نسخه‌های موجود از شاهنامه فردوسی در یک پایگاه باشد و سهواً عبارت «شاهنامه» را به صورت «شانهامه» وارد کند، در صورت وجود بانک کلیدواژه، موتور جستجو می‌تواند در حین جستجو برای «شانهامه»، جستجو با عبارت «شاهنامه» را نیز به او پیشنهاد دهد.

لحاظ نکردن این نکته در الگوریتم جستجو گاهی مشکلاتی جدی در روند بازیابی به‌وجود می‌آورد





و شانس کاربر را برای بازیابی ماده مورد نظر خود به شکلی چشمگیر کاهش می‌دهد. یکی از ایرادات معمول ناشی از این نقیصه، وجود شیوه‌های متفاوت املائی یک کلمه واحد است. به عنوان نمونه کلیدواژه «شاهنامه» در اغلب بانک‌های اطلاعاتی انگلیسی زبان به صورت Shahnameh و در پایگاه‌های آلمانی زبان بیشتر به صورت Schahname آوانگاری شده است. روشن است که در نبود سرویس پیشنهاددهنده کلیدواژه و تصحیح جستجو، مشکلات عدیده‌ای برای کاربر هنگام استفاده توأمان از پایگاه‌های انگلیسی و آلمانی به وجود خواهد آمد.

با توجه به آنچه گفته شد، آزمونی برای سنجش میزان موفقیت کاربر در بازیابی نسخه خطی با کلیدواژه حاوی غلط املائی طراحی شد که در آن با توجه به فراوانی قابل توجه واژه «شرح» در عناوین نسخه‌های خطی اسلامی، این کلیدواژه یک بار به صورت درهم‌ریخته «رشح» و یک بار به صورت نادرست «شره» در تمام پایگاه‌های نمونه، جستجو و داده‌های آماری به دست آمده از آن بررسی شد.



نمودار یک: احتمال موفقیت کاربر با ورود کلیدواژه حاوی غلط املائی

نتایج حاصل از این آزمون (نمودار یک) نشان می‌دهد که فرآیند بازیابی، در صورت ورود کلیدواژه درهم‌ریخته در موتورهای جستجوی پایگاه‌های بررسی شده، فقط در ۱۳ درصد موارد، موفق خواهد بود و اگر کلیدواژه وارد شده حاوی حروف نادرست باشد، تنها در ۹ درصد موارد، بازیابی موفق خواهد بود. در حقیقت در هر دو مورد، احتمال موفقیت در بازیابی نسخه خطی مورد نظر کاربر بسیار ناچیز خواهد بود.

#### ۲.۲.۴. معایب ناشی از تطابق نداشتن الگوریتم جستجو با فهرست‌های نسخ خطی اسلامی

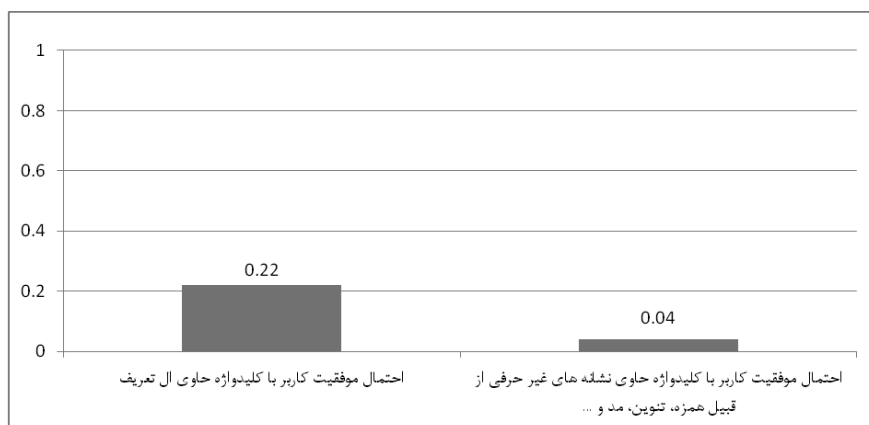
موتورهای جستجوی پایگاه‌های اینترنتی نسخ خطی یا از فهرست مجموعه به عنوان بانک اطلاعاتی استفاده می‌کنند و یا با بانکی سروکار دارند که از فهرست مجموعه اقتباس شده است. در حقیقت



هرچه فهرست شناسه‌ها متنوع‌تر و حاوی اطلاعات بیشتری باشد، کلیدواژه‌های بیشتری در بانک ذخیره و بازیابی به کمک موتور جستجو ساده‌تر و آسان‌تر خواهد شد.

با وجود این، در اختیار داشتن فهرستی توصیفی تنها شرط لازم برای بازیابی ساده‌تر نخواهد بود و باید الگوریتم به کاررفته در برنامه موتور جستجو با برخی از ویژگی‌های بانک اطلاعاتی اقتباس شده از روی فهرست توصیفی، مانند زبان، رسم‌الخط و اعداد تخمینی از قبیل تاریخ کتابت، مطابقت داشته باشد. در غیر این صورت، بسیاری از اطلاعات هیچ‌گاه در نتایج جستجو آشکار نخواهند شد. یکی از مهمترین معایب موتورهای جستجوی فعلی پایگاه‌های نسخ خطی اسلامی، عدم توجه به نکات رسم‌الخطی عربی-فارسی در تنظیم الگوریتم آنهاست. این الگوریتم‌ها عموماً برای رسم‌الخط لاتین و خانواده زبانی آن طراحی شده‌اند و به کارگیری آنها برای پایگاه‌های نسخ خطی اسلامی که بخش قابل توجهی از اطلاعات آن با رسم‌الخط عربی-فارسی نوشته می‌شود، مستلزم بازنگری در این الگوریتم‌هاست. تعداد حروف این رسم‌الخط به مراتب بیش از حروف لاتین است و به سبب متصل‌نویسی، بسیاری از این حروف بر حسب قرار گرفتن در ابتدا، میانه و انتهای واژه، به اشکالی متفاوت ظاهر می‌شوند. افزون بر این، نشانه‌های غیر حرفی از قبیل همزه، مد و تنوین نیز در این رسم‌الخط وجود دارد که نماینده یک آوا و یا یک زنجیره آوایی هستند و عمدتاً در مکان‌هایی خارج از رشته کاراکتر اصلی کلمه نوشته می‌شوند.<sup>۱</sup>

این تفاوت‌ها موجب می‌شود تا موتور جستجویی که بر پایه رسم‌الخط لاتین ایجاد شده است، قادر به تشخیص و بازیابی برخی از کلیدواژه‌های عربی-فارسی نباشد. به همین جهت آزمونی برای سنجش میزان تطبیق موتورهای جستجوی پایگاه‌های اینترنتی مورد بررسی، آزمونی طراحی و سه کلیدواژه «القرآن»، «قرآن» و «قران» در تمامی پایگاه‌ها جستجو شد و نتایج حاصل از این آزمون به صورت آماری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت (نمودار دو).



نمودار دو: احتمال موفقیت کاربر با ورود کلیدواژه حاوی ویژگی‌های رسم‌الخط عربی-فارسی

1. Abolfazl AleAhmad & Others (2008) Experiments with English-Persian Text Retrieval, Proceeding of the 2nd ACM workshop on Improving Non English Web Searching, p.77.



نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که در ۷۸ درصد از پایگاه‌های اینترنتی نمونه بررسی شده، الگوریتم جستجو با رسم‌الخط عربی- فارسی تطبیق داده نشده است و این در حالی است که محتوای چند شناسه اصلی فهرست‌های نسخ خطی از قبیل عنوان اثر، نام مؤلف، نام کاتب و محل کتابت واژه‌هایی عربی- فارسی خواهند بود که بسیاری از آنها حاوی نکات رسم‌الخطی پیچیده‌ای هستند.

مشکلات ناشی از ویژگی‌های رسم‌الخطی زمانی دو چندان می‌شود که عناوین و اسامی عربی- فارسی به رسم‌الخط زبان دیگری نویسه‌گردانی شده باشند. به عبارت دیگر، وجود روش‌ها و استانداردهای متفاوت نویسه‌گردانی موجب می‌شود که تفاوت‌های نگارشی موجود در نام‌ها و عناوین عربی- فارسی چندین برابر شود و شانس موفقیت کاربر در بازیابی به‌شکلی چشمگیر کاهش یابد. مثلاً در نمونه بررسی شده، از میان ۲۳ پایگاه موجود، تمامی عناوین و اسامی عربی- فارسی موجود در ۹ پایگاه با رسم‌الخط لاتین نویسه‌گردانی شده‌اند و کاربر چاره‌ای ندارد جز آنکه کلیدواژه مورد نظر خود را با این رسم‌الخط بازنویسی و در بانک جستجو کند. این مسئله می‌تواند کاربر را از جستجو به‌وسیله کلیدواژه منصرف کند و به استفاده از سایر الگوهای بازیابی از جمله استفاده از ترتیب الفبایی و درختواره موضوعی سوق دهد که مطمئناً فرایندی وقت‌گیر و فاقد دقت لازم خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

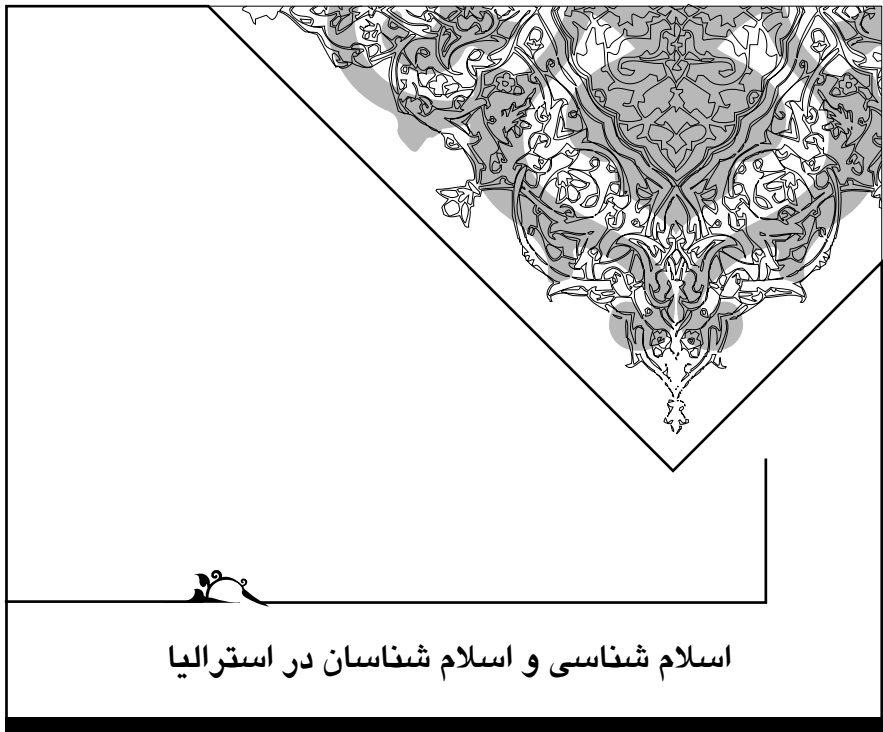
با توجه به آنچه گفته شد، عدم مطابقت الگوریتم‌های جستجو با ملزومات اولیه بازیابی نسخ خطی اسلامی و بی‌توجهی به ویژگی‌های حوزه جغرافیایی و فرهنگی این دسته از مواد آرشیوی را می‌توان یکی از اصلی‌ترین ایرادات وارد بر خدمات جستجو در پایگاه‌های نسخ خطی دانست. به‌طوری‌که نتایج حاصل از آزمون‌های انجام‌شده نشان می‌دهد شانس موفقیت کاربر در بازیابی نسخه‌های خطی موردنظرش بسیار ناچیز و در غالب موارد کمتر از ۰,۲ است.

به عبارت بهتر، موتورهای جستجوی موجود در پایگاه‌های نسخ خطی اسلامی غالباً بر مبنای جستجو در متون نوشته شده با رسم‌الخط لاتین تنظیم شده‌اند و متصل‌نویسی و برخی تفاوت‌های نگارشی موجب می‌شود تا توانایی لازم را برای جستجوی موثر کلیدواژه‌های عربی- فارسی نداشته باشند. در نتیجه باید الگوریتم‌های جستجوی موجود را با کلیدواژه‌های موجود تطبیق داد و یا برای این پایگاه‌ها، الگوریتم‌هایی جدید طراحی کرد تا شانس کاربر را در بازیابی نسخه‌های خطی اسلامی افزایش دهد. این مهم مستلزم اشتراک مساعی کتابداران، فهرست‌نگاران مجموعه‌های نسخ خطی اسلامی و تکنیسین‌های فناوری اطلاعات خواهد بود.



- Nobuko Morishita (2012) *Useful Tips For Finding Arabic and Persian Manuscripts In Different Countries*, Institute of Oriental Manuscripts of Russian Academy of Sciences, Near Eastern Seminar organized by the Section of Near Eastern Studies, IOM RAS, Feb 2012.
- Yin-Leng Theng & Schubert Foo (2005) *Design and Usability of Digital Library: Case studies in the Asia Pacific*, Information Science Publishing (an imprint of Idea Group Inc.)
- Amit Singhal (2001) *Modern Information Retrieval: A Brief Overview*, Bulletin of the IEEE Computer Society Technical Committee on Data Engineering 24 (4): 35–43.
- Abolfazl AleAhmad, Hadi Amiri, Masoud Rahgozar, Farhad Oroumchian (2008) *Experiments with English-Persian Text Retrieval*, Proceeding of the 2nd ACM workshop on Improving Non English Web Searching, 77-80.





## اسلام شناسی و اسلام شناسان در استرالیا

■ دکتر زهرا سبحانی<sup>۱</sup>

### مقدمه

نوشتار حاضر نگاهی دارد به وضعیت مطالعات اسلامی در نظام آموزش عالی استرالیا در دهه گذشته. منظور از «مطالعات اسلامی» در این بررسی، مطالعه، تحقیق و تدریس پیرامون اسلام و جوامع مسلمان در زمینه های دینی، تاریخی، زبان و ادبیات، سیاست، انسان شناسی و جامعه شناسی در مراکز آموزش عالی و دانشگاه هاست. در مطالعه و واکاوی وضعیت مطالعات اسلامی در استرالیا، به روند رشد مطالعات اسلامی، واکنش دولت این کشور به موضوع اسلام، مسلمانان و مطالعات اسلامی، سرمایه گذاری دولت، بخش خصوصی یا جمعیت های مسلمان ساکن استرالیا و تعامل مراکز و مؤسسات آموزش عالی با جوامع و سازمان های مسلمان اشاره خواهیم کرد.

برای ژرفکاووی وضعیت مطالعات اسلامی در نظام آموزش عالی استرالیا و مسائل مرتبط با آن، لازم است اشاره ای مختصر به پیشینه، موقعیت و جمعیت مسلمان این کشور داشته باشیم.

در باب پیشینه ورود اسلام به استرالیا می توان گفت که در قرن هیجدهم عده ای از مسلمانان اندونزیایی پا به این قاره بزرگ نهادند و آئین مسلمانی را در آنجا معرفی کردند. دومین گروه از مسلمانان در سال ۱۸۶۰ (توسط انگلیسی ها) به این قاره وارد شدند. انگلیسی ها هنگام ورود به این منطقه برای شناسایی راه ها و کشف طلا در صحراهای استرالیا، مجبور به استفاده از ساربانان افغان بودند و برای نخستین بار ۱۲ ساربان و ۱۲۰ شتر از افغانستان وارد این کشور کردند. افغان های مسلمان برای انجام فرایض دینی خود، مکان های عبادی در مناطق مختلف از جمله در میان صحراها بنا کردند که آثار برخی از آنها تاکنون باقی است. با سفر تعداد زیادی از مسلمانان مالزیایی در قرن نوزدهم، کُنی

۱. پژوهشگر آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه



های مسلمان نشین پدید آمدند و مسلمانان جلوه بارزتری پیدا کردند. پس از جنگ جهانی اول، جمعی از مردمان مسلمان یوگسلاوی و بعد از جنگ جهانی دوم عده ای از کشورهای عرب زبان و شبه قاره هند و پاکستان به استرالیا وارد شدند و شمار مسلمانان را افزایش دادند.

امروزه، اسلام پس از مسیحیت، بی دینی و بودیسم، چهارمین دین بزرگ در استرالیاست. براساس نخستین سرشماری سال ۱۹۱۱، تعداد ۳۹۰۸ مسلمان در استرالیا زندگی می کردند. در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پس از حذف محدودیت مقررات مهاجرت، استرالیایی ها شاهد ورود مهاجران پاکستانی و ترک به این کشور و رشد جمعیت مسلمان و گسترش کُلی های مسلمان نشین شدند. در سال ۱۹۸۱، دولت استرالیا تعداد مسلمانان را حدود ۷۷ هزار نفر اعلام کرد. براساس آمار سال ۱۹۹۶، جمعیت مسلمانان استرالیا بالغ بر ۲۸۰/۰۰۰ نفر اعلام شد. مسلمانان و مراکز و جمعیت های آنها، با رد این آمار، تعداد واقعی جمعیت مسلمان را حدود هفتصد هزار نفر اعلام کرده اند.

هم اکنون مسلمانان استرالیا به ترتیب میزان جمعیت در شهرهای؛ سیدنی (۵۳/۲ درصد)، ملبورن (۳۴/۷ درصد)، پرت، بریزبین، آدلاید، کانبرا، تاسمانی و داروین سکنی گزیده اند. محله هایی نظیر «لاکمبا» در سیدنی و منطقه «برونزویک» در ملبورن بیشترین تعداد مسلمانان را در خود جای داده اند. گزارش مرکز آمار استرالیا حاکی از آن است که ۴۷ درصد کل جمعیت شهر سیدنی را مسلمانان تشکیل می دهند و ۳۸ درصد مسلمانان متولد استرالیا، ۹ درصد متولد لبنان و ۷ درصد متولد ترکیه هستند.<sup>۱</sup>

### مسلمانان استرالیا؛ مسئله تشکیلات و نهادهای دینی

زمینه های تأسیس و با افزایش شمار مسلمانان در استرالیا، تعداد مساجد، مدارس و مراکز فرهنگی و آموزشی مسلمانان فزونی گرفت و نهادهای دینی و فرهنگی و آموزشی متعددی در شهرهای مسلمان نشین استرالیا شکل گرفتند. در میان این نهادها، مراکز اسلامی از اهمیت درخوری برخوردار شدند چرا که محل اجتماع و آموزش دینی و مذهبی بود. این مراکز در کنار مساجد و خانقاه ها، در فرآیند بومی کردن اسلام در بین مردمان استرالیایی نقش بسزایی داشتند. با افزایش تعداد نهادها و مراکز اسلامی، «فدراسیون شوراهای اسلامی»<sup>۲</sup> به عنوان مهمترین سازمان و تشکیلات مذهبی مسلمانان استرالیا شکل گرفت. فدراسیون نمادی از امت اسلامی در میان جامعه مسلمانان استرالیاست و مانند چتری تمام مراکز اسلامی و مساجد را پوشش می دهد. «فدراسیون شوراهای اسلامی» که نماینده جامعه مسلمان شناخته می شود، با نمایندگان دولت استرالیا مانند وزیر مهاجرت و امور فرهنگی تماس مستقیم دارد. نقش فدراسیون، هماهنگ کننده انجمن ها و شوراهای اسلامی در سراسر استرالیاست، ولی نظارت مستقیمی بر مساجد و انجمن های اسلامی ندارد، اما به مناسبت های مختلف جهت گیری و خط مشی واحدی در موضوعات سیاسی براب آنان تعیین می کند. «فدراسیون شوراهای اسلامی» یک هیأت علمای مسلمان دارد که بر ذبح شرعی گوشت در سراسر استرالیا را تحت پوشش خود دارد.

1. Australian Bureau of Statistics, 2010 at: <http://www.abs.gov.au/>

۲. دکتر گری بوما استاد دانشگاه ملبورن در کتاب «مساجد و اسکان مسلمانان در استرالیا» تعداد مساجد را در سال ۱۹۹۴۹ پنجاه و هفت مسجد دانسته است که نخستین آن در شهر آدلاید در سال ۱۸۸۹ توسط یک ساربان افغانی ساخته شد. در سال ۱۸۹۱ دومین مسجد در منطقه بروکن هیل نیوئاوت ولز بنا شد. اولین مسجد شهر سیدنی در اواخر دهه ۱۹۶۰ در منطقه «ردفرن» احداث شد.

3. Federation of Islamic Australian Fed Councils Australia  
فدراسیون بیش از ۷۵ انجمن و مرکز شورای اسلامی در سراسر استرالیا را تحت پوشش خود دارد.



دولت استرالیا رویکرد و موضع بی طرفانه ای به مسلمانان و باورهای اعتقادی آنها دارد و برای ایجاد مراکز و انجمن های اسلامی کمک هایی در اختیار آنها قرار می دهد و حق برپایی مراسم دینی و فعالیت های فرهنگی آنها را تضمین کرده است.

### مطالعات اسلامی در استرالیا

در استرالیا مدرسه علوم دینی وجود ندارد و علاقمندان به فراگیری این علوم به کشورهای اسلامی مصر، ترکیه، ایران و لبنان سفر می کنند. با این همه، آموزش دینی برای دانش آموزان در مدارس اسلامی که نسبتاً کم هستند و زیر نظر مساجد و انجمن های اسلامی اداره می شوند، صورت می گیرد. در مدارس اسلامی، علاوه بر دروس مصوب دولت استرالیا که دانش آموزان مکلف به یادگیری آنها هستند، دروس مربوط به آموزه های اسلامی توسط آموزگاران مسلمان تدریس می شود.

با افزایش شمار تحصیلکردگان مسلمان در دانشگاه ها و مراکز و مؤسسات پژوهشی استرالیا، تشدید موج اسلام هراسی پس از فروپاشی اردوگاه شرق و تصویر سازی و بازنمایی اسلام و مسلمانان در رسانه ها متعاقب حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در برخی از دانشگاه های استرالیا تشکیل گروه یا مرکز مطالعات اسلامی و مطالعه و پژوهش پیرامون اسلام و مسلمانان در دستور کار قرار گرفت.

یکی از پیشگامان مطالعات اسلامی در استرالیا، دکتر گری بوما استاد جامعه شناسی ادیان دانشگاه ملیبورن است که چندین تألیف در موضوعات مربوط به مسلمانان این کشور منتشر کرده است. مهم ترین اثر تحقیقی دکتر بوما با عنوان «مساجد و استقرار مسلمانان» است که با روش مطالعه میدانی در دو شهر ملیبورن و سیدنی انجام گرفته است. دومین فرد شاخصی که با روش علمی به مطالعه مسلمانان استرالیا پرداخته، خانم «حنیفه دین» است. وی در کتاب «کاروانسرا، سفری در میان مسلمانان استرالیا» مشاهدات خود را از اعمال مذهبی و دیدگاه های مسلمان توصیف می کند.

در سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ «شورای پژوهش استرالیا» مبلغ چهار میلیون دلار استرالیا به پژوهش های اسلامی اختصاص داد. این بودجه، علاقه و گرایش به مطالعات اسلامی را تشدید کرد. با وجود این بودجه، در سال ۲۰۰۲ تنها به یک پژوهش مرتبط با موضوعات اسلامی بودجه اختصاص یافت، در حالی که در سال ۲۰۰۴ شش طرح پژوهشی با موضوع اسلام بودجه دریافت کرد. البته باید این را نیز گفت که بیشتر این پژوهش ها پیرامون اسلام و مسلمانان در اندونزی بود. ضمن آنکه بورسیه پژوهشی دولت استرالیا به رشته مطالعات اسلامی و جوامع مسلمان همچنان برقرار است.



جدول شماره یک : اطلاعات مربوط به پروژه های در دست اجرا مربوط به مطالعات اسلامی در

دانشگاه های استرالیا<sup>۱</sup>

پروژه های مطالعاتی	درمقطع کارشناسی	در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری
مطالعات اسلامی	-	۱
مطالعات دینی	-	۱
الهیات	۲۷	۲۸
مطالعات خاور میانه	-	۱
مطالعات عربی	۳	-

مهم ترین بخش های دولتی اثرگذار بر سیاست های مربوط به مطالعات اسلامی در استرالیا، دو اداره آموزش علوم و پرورش (با نام جدید بخش آموزش، استخدام و ارتباطات محیط کاری) و اداره مهاجرت و شهروندی<sup>۲</sup> بوده اند. ورود اداره مهاجرت به موضوع مطالعات اسلامی، نتیجه اهداف و سیاست های این اداره در ارتباط با جامعه چند فرهنگی استرالیاست.

در سال ۱۹۹۰ انجمن مطالعات خاورمیانه استرالیا و انجمن مطالعات آسیا در استرالیا، با همکاری یکدیگر، فعالیت هایی را برای انجام تحقیقات پیرامون موضوعات اسلامی را پی افکنند. انجمن مطالعات آسیایی همچنان فعالیت های مستقل خود را ادامه داد اما انجمن مطالعات خاورمیانه در سال ۲۰۰۰ منحل شد. با استمرار روند رشد مطالعات اسلامی در استرالیا، دپارتمان اسلام شورای پژوهش استرالیا، شبکه پژوهش آینده اسلام و اقیانوسه را در سال ۲۰۰۴ ایجاد کرد.<sup>۳</sup> این شبکه مجازی وسیله ای است برای همکاری بین رشته ای پژوهشگران استرالیایی که در زمینه اسلام و جوامع مسلمان در آسیا و اقیانوسیه، خاورمیانه، جنوب و جنوب شرقی آسیا و استرالیا فعالیت می کنند. در این شبکه اینترنتی اطلاعات مربوط به پژوهشگران و دانشجویان دوره های دکتری مطالعات اسلامی از سراسر استرالیا گرد آوری شده است.

اساساً مطالعات اسلامی رشته ای جدید و رو به رشد در دانشگاه های استرالیاست. مطالعات اسلامی علمی بین رشته ای است و طیف وسیعی از موضوعات مانند معماری، تجارت، اقتصاد، مطالعات دینی، بهداشت، تاریخ، زبان عربی، حقوق، ادبیات، فلسفه، علوم سیاسی و روابط بین الملل را در بر می گیرد. این مطالعات، بررسی میدانی و موردی پیرامون اسلام و مسلمانان در این کشور، اندونزی و جنوب شرقی آسیاست. در دهه گذشته، پژوهشگران مطالعات اسلامی در دانشگاه های استرالیا به مسلمانان منطقه خاورمیانه نیز توجه نشان داده اند. با وجود این، موضوع و محور اصلی مطالعات اسلامی در استرالیا، مسلمانان منطقه شرق و جنوب شرقی آسیا بوده و گروه های مسلمان مهاجر در استرالیا از اهمیت کمتری برخوردار بوده اند.<sup>۵</sup>

در چند سال گذشته، توجه و علاقه فزاینده ای به بررسی نقش و تأثیر مطالعات اسلامی در جامعه چند

1. International Approaches to Islamic Studies in Higher Education , Subject Centre for Philosophical and Religious Studies, June 2008.

2. Department of Education, Science and Training, <http://www.dewr.gov.au>,

3. Department of Immigration and Citizenship, <http://www.immi.gov.au/>

4. Suez to suva, ARC Asia Pacific Futures Research Network, <http://www.suezto suva.org.au\islam\>

۵. برای اطلاعات بیشتر در باره مطالعات اسلامی در استرالیا بنگرید به :

S.Akbarzadeh et al., Australian-Based Studies on Islam and Muslim Societies, Monash University(2004) <http://www.arts.monash.deu.au/politics/research/arc-network-islam-report1.pdf>.





فرهنگی استرالیا و سهم آن در تربیت و پرورش امام و رهبران دینی مسلمانان و آموزش و تحقیقات مؤسسات آموزش عالی به وجود آمده است. این علاقه و توجه در تولید کتاب و مقاله و گزارشات علمی متعدد درباره اسلام و مسلمانان در استرالیا قابل مشاهده است. البته نباید از یاد برد که بیشتر این مطالعات و تحقیقات توسط شورای پژوهش استرالیا مدیریت و هدایت می شود و بخش آموزش ، علوم و پرورش دانشگاه استرالیا آن ها را سامان می دهد.

نتایج یک گزارش حاکی از آن است که بخش آموزش عالی استرالیا مشغول انجام پژوهش هایی در موضوعات مختلف مربوط به مطالعات اسلامی است.<sup>۱</sup> یکی از نتایج این پژوهش ها، ایجاد چندین پست مرتبط با مطالعات اسلامی در برخی دانشگاه هاست. برخی از این پست ها به قرار زیراند: ایجاد کرسی روابط اسلام و مسیحیت کاتولیک در دانشگاه کاتولیک استرالیایی<sup>۲</sup> ، ایجاد پست استاد تاریخ اسلام در دانشگاه موناش، ایجاد کرسی مطالعات اسلامی در دانشگاه سیدنی غربی و ایجاد پست استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه ملبورن.

نتیجه این گزارش همچنین روشن کرد که میزان استقبال و ثبت نام متقاضیان و علاقمندان به تحصیل در رشته مطالعات اسلامی همگام با افزایش امکانات این رشته نبوده است.<sup>۳</sup>

بر اساس گزارش وزارت آموزش عالی، از سال ۲۰۰۶ شماری از دانشگاه های استرالیا با دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی کشورهای دیگر ارتباط علمی دارند. به عنوان مثال دانشگاه ملبورن با بیشتر دانشگاه های کشورهای مسلمان مانند مالزی، بنگلادش و پاکستان و همچنین بخش های اسلام شناسی در دانشگاه های کشورهای هلند، انگلستان و آمریکا ارتباط و همکاری علمی در زمینه مطالعات اسلامی دارد.<sup>۴</sup> چندین دانشگاه استرالیا نیز با گروه های مسلمان استرالیایی و با مؤسسات دینی آن ها ارتباط علمی و آموزشی برقرار کرده اند.

### مطالعات اسلامی در دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی استرالیا

امروزه، در چندین دانشگاه استرالیا کرسی یا مرکز تخصصی مطالعات اسلامی یا مطالعات خاورمیانه و آسیا دایر است که به امر آموزش و پژوهش در موضوعات مختلف مربوط به اسلام و مسلمانان می پردازند. این مراکز یا مؤسسات عبارتند از:

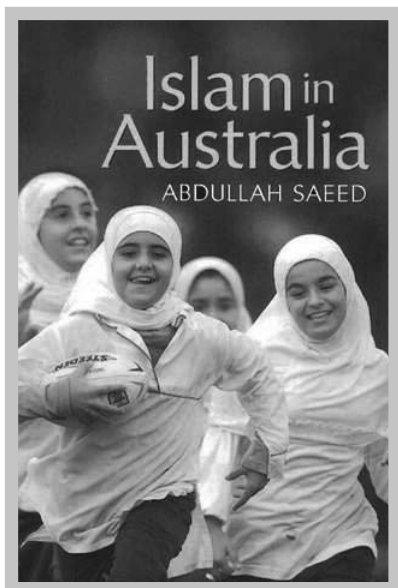
#### - مرکز عالی مطالعات اسلامی

ایجاد مرکز عالی مطالعات اسلامی در استرالیا حاصل همکاری دانشگاه ملبورن، دانشگاه گریفیت و دانشگاه سیدنی غربی است . این مرکز برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی جوامع مسلمان ساکن استرالیا، آموزگاران، دانش آموزان و دانشجویان و دیگر گروه های حرفه ای علاقمند به اسلام و فرهنگ اسلامی ایجاد شده است. در این مرکز و دانشگاه های مؤسس آن، دوره های



1. Annual Report 2010, Australia Higher Education  
2. Gulen movement, [http://en.fgulen.com/ Department, pp23](http://en.fgulen.com/Department, pp23).

۳. عبدالله سعید، مصاحبه با استرالیا نیوز، ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱.  
4. Muslim Community Reference Group, at Australian University



مطالعات اسلامی در مقاطع کارشناسی و بالاتر برگزار می شود. افزون بر این، این مرکز دوره های آموزشی درک اسلام و جوامع مسلمان، مقدمه قرآن شناسی، اسلام در جنوب شرقی آسیا، اسلام در جهان مدرن، اسلام و رسانه، بانکداری اسلامی، حقوق و قوانین اسلامی در دنیای جدید، جامعه شناسی دین، سنت های اخلاقی در اسلام، امپراطوری های بزرگ در تمدن اسلامی، اسلام و غرب و اسلام و شکل گیری اروپا را برنامه ریزی کرده و به صورت آنلاین به علاقمندان ارائه می کند.

مطالعات اسلامی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری با رویکرد بین رشته ای و موضوعات حقوق و قوانین اسلامی، الهیات، سیاست، آموزش و رسانه تدریس و تحقیق می شود. رئیس مرکز عالی مطالعات

اسلامی را دکتر عبدالله سعید بر عهده دارد. وی که متولد کشور مالدیو است، دروه کارشناسی خود را در رشته مطالعات عربی و اسلامی در عربستان سعودی به اتمام رسانده است. عبدالله سعید کارشناسی ارشد خود را در رشته زبان شناسی کاربردی و دکتری را در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه ملبورن به پایان رسانده است. وی از سال ۱۹۹۳ تا به امروز، استاد بخش زبان های آسیایی و انسان شناسی دانشگاه ملبورن بوده است. دکتر عبدالله سعید هم اکنون به تدریس زبان عربی و مطالعات اسلامی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مشغول است. مرکز ملی عالی مطالعات اسلامی برنامه های توسعه تخصصی نیز برگزار می کند که در آن دوره های کوتاه مدت را با همکاری کمیته های مشورتی ملی برگزار می کند. این دوره ها برای برطرف کردن نیازهای محلی، دولتی و تجاری و سازمان های خصوصی و دولتی طراحی و اجرا می شوند.

انتشارات این مرکز، نتیجه پروژه های مطالعاتی و پژوهشی استادان اسلام شناس این مرکز است. هدف مرکز از این آثار، ارتقاء سطح دانش و آگاهی استادان و دانشجویان و اصحاب قلم و رسانه های استرالیا اعلام شده است. موضوعات پژوهشی این مرکز طیف وسیعی از موضوعات گوناگون مربوط به اسلام و مسلمانان بویژه مسلمانان استرالیا را در بر می گیرد.

مدیر انتشارات مرکز مطالعات عالی اسلامی، یک ایرانی است به نام پروفیسور شهرام اکبرزاده. وی که در سال ۲۰۰۸ به دانشگاه ملبورن پیوسته، دارای مدرک کارشناسی ارشد مطالعات روسیه و اروپای شرقی از دانشگاه بیرمنگهام انگلستان و مدرک دکتری از دانشگاه لاتوربه استرالیا است. زمینه مطالعاتی پروفیسور اکبرزاده، مسائل سیاسی آسیای میانه، اسلام و مسلمانان استرالیا و خاورمیانه است.

1. LaTorbe University برخی از آثار منتشر شده مرکز مطالعات عالی اسلامی:



۱. مفهوم تروریسم: بررسی فلسفی، محمد کمال، مؤسسه مطالعات آسیا، دانشگاه ملبورن، ۲۰۰۸.  
 ۲. اهمیت آیه های قرآن در ادبیات علی احمد بختیار، دکتر حزیم اقبال حسین، ملبورن، دانشگاه ملبورن، ۲۰۰۹.

۳. روابط اعراب و آمریکا در عصر گسترش دمکراسی، بنیامین مک کوین، ملبورن، دانشگاه ملبورن ۲۰۰۸.

**- مرکز حقوق و جامعه اسلامی در دانشگاه ملبورن<sup>۱</sup>؛**

دانشگاه «ملبورن» از سال ۱۹۶۱ برنامه «مطالعات اسلامی» را آغاز کرده و شماری از دانشجویان رشته مطالعات اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا از این دانشگاه فارغ التحصیل شده اند.

**- دانشکده مطالعات عرب و اسلام دانشگاه سیدنی**

با همکاری گروه های مسلمان، مرکز صوفی گری استرالیا<sup>۲</sup>، بنیاد روابط بین فرهنگی، مسجد گالی پولی<sup>۳</sup>، دانشگاه ادیت کاون<sup>۴</sup> و کالج اسلامی استرالیا، دانشکده مطالعات عرب و اسلام دانشگاه سیدنی دایر شده است.

**- دپارتمان مطالعات اسلامی و خاور میانه دانشگاه ویکتوریا**

در دانشگاه ویکتوریا، با همکاری فدراسیون شوراهای اسلامی، دپارتمان مطالعات اسلامی و خاور میانه ایجاد شده است. در این دپارتمان، رشته های تاریخ اسلام، اقتصاد، مالیه اسلامی و زبان عربی برای دانشجویان مسلمان برقرار است.

**- مرکز جامعه و دولت های اسلامی، کنسرسیوم استرالیایی مطالعات اندونزی در**

**دانشگاه مرداک<sup>۵</sup>؛**

**- مرکز مطالعات اسلامی و زبان و ادبیات عرب در دانشگاه ملی استرالیا<sup>۶</sup>؛**

مرکز مطالعات اسلامی و عربی ( خاورمیانه و آسیای مرکزی) بخشی از دانشکده هنر و علوم اجتماعی دانشگاه ملی استرالیا ست. مرکز مطالعات اسلامی و عربی، یک مرکز تحقیقاتی و آموزشی چندرشته ای است و با بخش آسیا و اقیانوسیه دانشگاه ملی استرالیا و دپارتمان های سایر دانشگاه ها در ارتباط است و با آنها همکاری و برنامه ها مشترک آموزشی و تحقیقاتی دارد.

برنامه ها و فعالیت های این مرکز از سوی هیأت مشورتی ۱۶ نفره و یک گروه از مشاوران بین المللی متشکل از علمای برجسته زبان عربی، اسلام شناس، مطالعات خاورمیانه و آسیای مرکزی هدایت می شود. در همان حال، دانشگاه ملی استرالیا از فعالیت ها و برنامه های آموزشی و مطالعاتی مرکز حمایت می کند بتواند دامنه فعالیت های خود را گسترش دهد.

این مرکز با دو بخش آموزش و پژوهش خود در باره موضوعات سیاسی کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی و تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و ارتباطات آنها با کشورهای دیگر فعالیت می کند. این مرکز همچنین در رابطه با ادیان بویژه اسلام و زبان های عربی و فارسی از سال ۲۰۰۳ و اخیراً زبان ترکی برنامه های آموزشی و مطالعاتی دارد.

فعالیت های این مرکز در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا به امور مطالعاتی و پژوهشی و در مقطع کارشناسی به آموزش اختصاص دارد.

1. University of Melbourne  
 2. Australian Centre for Sufism  
 3. Gallipoli Mosque  
 4. Edith Cowan University :griffith Islamic Research unit,  
 5. Murdoch University :Centre for Muslim States and Societies  
 6. Australian National University :Centre for Arab and Islamic Studies



زمینه های مطالعاتی این مرکز عبارتند از: جهان عرب و کشورهای شمال آفریقا، ایران، ترکیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و پاکستان.

و بالاخره آنکه مرکز با همتایان خود در جهان اسلام، امریکای شمالی و اروپا ارتباطات گسترده ای برقرار کرده و رئیس کنونی آن پروفیسور امین صیقل است که در شهریور ماه امسال به ایران آمد و از مراکز علمی و پژوهشی کشور بازدید و با برخی آنها موافقتنامه همکاری علمی و آموزشی امضاء کرد.

- مرکز شهروندی و حقوق بشر در دانشگاه دیکین<sup>۱</sup>؛

- واحد پژوهش های اسلامی در دانشگاه گریفیت؛

علاوه بر این مراکز و مؤسسات دانشگاهی، دانشگاه استرالیای غربی و دانشگاه ویکتوریا نیز دوره ها و برنامه های تربیت معلم ویژه مسلمانان برگزار می کنند. در این دوره ها، معلمان برای ایفای نقش های چند فرهنگی و تدریس در مدارس اسلامی و مدارس عمومی مسلمانان آموزش داده می شوند. سخن آخر درباره مراکز و مؤسسات اسلام شناسی آکادمیک استرالیا آن است که برخی از این مراکز و دپارتمان ها، دوره های آموزش دانشگاهی و دوره دکتری پژوهشی درباره اسلام یا مسلمانان را طراحی و اجرا می کنند.<sup>۲</sup>

### اسلام شناسان استرالیایی

حال که با وضعیت مطالعات اسلامی و مراکز، مؤسسات و دانشگاه های دارای کرسی یا دپارتمان مطالعات اسلامی دارند آشنا شدیم، لازم است با اسلام پژوهان یا به عبارت دیگر گردانندگان و استادان این مراکز و مؤسسات نیز آشنا شویم، چرا که بی شناخت آنها، تصویر کاملی از دنیای مطالعات اسلامی در استرالیا نخواهیم داشت.

به طور کلی، اسلام شناسان استرالیایی به سه دسته تقسیم می شوند: اسلام شناسان غیر مسلمان، اسلام شناسان مسلمان و اسلام شناسن مدعو که از کشورهای دیگر به این کشور رفته و مدتی در بخش های اسلام شناسی یا مطالعات منطقه ای مربوط به کشورهای اسلامی تحقیق یا تدریس می کنند. در سال های اخیر، دانشگاه های استرالیا استنادی را به همکاری دعوت می کنند که رویکردی سنتی به مطالعات اسلامی دارند. بدین ترتیب می توان گفت که دورویکرد بر حوزه مطالعات اسلامی در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی و آموزشی استرالیا حاکم است: رویکرد سنتی و رویکرد علمی و آکادمیک.

در این میان، تعدادی از پژوهشگران استرالیایی هستند که در حوزه مطالعات اسلامی در سیاستگذاری های خارجی و ملی دولت استرالیا در قبال مسلمانان و کشورهای اسلامی کمک می کنند. گزارش منتشر شده در سال ۲۰۰۴ با عنوان «دین، تنوع فرهنگی و حفاظت از استرالیا»<sup>۳</sup> و پژوهش «اسلام در دانشگاه استرالیا» نمونه هایی از همکاری علمی اسلام پژوهان استرالیایی با مؤسسه استرالیایی اندونزیایی و شورای روابط اعراب و استرالیا و بخش روابط خارجی و تجارت در زمینه سیاستگذاری خارجی و رویکرد استرالیا در قبال اسلام و مسلمانان است.

1. Deakin University: Centre for Islamic Law and Society
2. Griffith University
3. Desmond Cahill et al., Religion, Cultural Diversity and Safeguarding Australia, Department of Immigration and Multicultural and Indigenous Affairs, Australian Multicultural Foundation, World Conference of Religions for Peace, RMIT University and Monash University(2004)



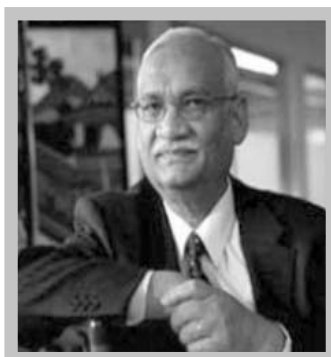
نظر به امکانات و فعالیت های گسترده دو دانشگاه ملبورن و دانشگاه ملی استرالیا، بیشترین و متخصص ترین اسلام شناسان استرالیایی در این دو دانشگاه تمرکز یافته اند. در این جا به عنوان نمونه به معرفی چند تن از ایشان پرداخته و برای بقیه تنها به ذکر اسامی آنها بسنده می کنیم.

#### دکتر حزیم اقبال حسیم



دکتر حزیم اقبال حسیم، پژوهشگر مرکز حقوق آسیایی در دانشکده حقوق ملبورن است. او که تحصیلات خود را در رشته مطالعات اسلامی در دانشگاه ملبورن به پایان رسانده، دروس قرآن و حدیث، حقوق و آموزش اسلامی را در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس می کند. پژوهش های دکتر حزیم اقبال حسیم بر موضوعات تاریخ، نظریه ها و روش های آموزش اسلامی، تاریخ اسلام در منطقه شرق آسیا، تفسیر قرآن و حدیث متمرکز است. وی به زبان های مالی و انگلیسی تسلط دارد. او که اندونزیایی تبار است، عربی را نیز تکلم می کند و قادر به خواندن متون فرانسه نیز می باشد.

#### پروفسور ریاض حسن



پژوهشگر شورای تخصصی استرالیا و استاد افتخاری دانشکده جامعه شناسی دانشگاه فیلندرز در آدلاید در استرالیای جنوبی است. او پژوهش های متعددی در موضوعات: جامعه شناسی مسکن، جامعه شناسی خودکشی، فرهنگ سازمانی و جوامع مسلمان به انجام رسانده است. او پژوهش ده ساله ای با موضوع «اصول و گونه های آگاهی های مسلمانان» در چندین کشور مسلمان را به اتمام رسانده است. بخشی از یافته

های این پژوهش در دو کتاب «خطوط ایمان، درک مسلمانان از اسلام و جامعه» در سال ۲۰۰۳ توسط دانشگاه آکسفورد و کتاب «درون ذهن مسلمانان» در سال ۲۰۰۸ توسط دانشگاه ملبورن منتشر شد. کتاب «اوضاع اجتماعی و اقتصادی مسلمانان استرالیا؛ برخورداری اجتماعی» از دیگر نوشته های مهم و خواندنی پروفسور ریاض حسن است که در سال ۲۰۰۹ توسط دانشگاه فیلندرز<sup>۱</sup> و مرکز مطالعات عالی اسلامی منتشر شده است.

#### دکتر محمد ابراهیم

او پژوهشگر و استاد مطالعات اسلامی مرکز ملی مطالعات عالی اسلامی در دانشگاه ملبورن است. دکتر



محمد ابراهیم در بیست سال گذشته به فعالیت های پژوهشی در سازمان های الکام گینه نو ، شرکت تفت کویت و کالج عالی تکنولوژی امارات متحده عربی تدریس کرده است . وی همچنین در دانشگاه های موناخ و دیکین نیز تدریس می کند. آخرین سخن درباره دکتر محمد ابراهیم آن است که وی سومالیایی تبار است.

### دکتر پتا استفنسن<sup>۱</sup>

متخصص مطالعات فرهنگی و پژوهشگر چالش های فرهنگی بومیان و جوامع مهاجر رنگین پوست ساکن استرالیا است. یکی از کتاب های او با عنوان «مسلمانان بومی استرالیا» در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است. او در این کتاب به به پیشینه طولانی اسلام در میان ساکنان استرالیا و وضعیت کنونی مسلمانان این کشور پرداخته است. کتاب دیگر او «رشد خانگی اسلام: نقش جوانان مسلمان استرالیایی در تحولات فرهنگی داخلی و بین المللی» است.



### پروفسور اسکات پوینتینگ<sup>۲</sup>

اسکات پوینتینگ، استاد مدعو در مرکز مطالعات اسلام و اعراب و استاد دانشگاه کوئینزلند. وی پیش از این استاد جامعه شناسی دانشگاه متروپلیتن منچستر بود. برخی از آثار و تالیفات او: لبنانی بودن در استرالیا، هویت، نژادپرستی و قلمرو نژادی (۲۰۱۰)، بن لادن در حاشیه، مجرم شمردن سایر اعراب (۲۰۰۴)، ضد تروریسم و خشونت سیاسی دولتی (۲۰۱۲)، اسلام هراسی جهانی مسلمانان و رنج های اخلاقی آنان در غرب (۲۰۱۲)، تروریسم دولتی معاصر: تئوری و عمل (۲۰۱۲).



### دکتر محمد کمال

دکتر محمد کمال، استاد مطالعات اسلامی در مؤسسه مطالعات آسیا دانشگاه ملبورن است. او تألیفات متعدد در باره اسلام و فلسفه غربی نگاشته است. برخی از آثار او: اسطوره شناسی هگل (۱۹۸۹)، به سوی انسان شناسی هگل (۱۹۹۲) و فلسفه برتر ملاصدرا (۲۰۰۶). دکتر محمد کمال هم اکنون درباره فلسفه تطبیقی ملاصدرا و هستی شناسی های دیگر پژوهش می کند.

1. Peta Stephenson  
2. Scott Poynting در پایان این قسمت به ذکر استادان اسلام شناس در دو



دانشگاه ملبورن و دانشگاه ملی استرالیا می پردازیم. استادات اسلام شناس دانشگاه ملبورن: دکتر عبدالله سعید، دکتر عبدالصمد عبدالله، دکتر عارف بودیمان، دکتر مرل ریکلفز، دکتر چارلز کوپل، دکتر ریچارد پنل، دکتر تیموتی لیندزی و دکتر مایلا استیونس . استادان دانشگاه ملی استرالیا نیز عبارتند از: پرفسور امین سایکال، دکتر کیریل نورژانوف، دکتر نجمه هاجر، دکتر جفری جوکز ، پرفسور باری هوکر، دکتر ویلیام مالای و دکتر کیوین ویندل.

## منابع

روحانی، محمد، «مطالعات اسلام شناسی و شیعه شناسی در دانشگاه های استرالیا»، فصلنامه شیعه شناسی، بهار ۱۳۸۴، شماره ۹.

1-American Academy of Religion. 'Religion and Theology Programs Census', AAR Religious . Studies News, Fall 2001, [http://www.aarweb.org/Programs/Department\\_Services/](http://www.aarweb.org/Programs/Department_Services/).

2- Studying Islam after 9/11: Reflections and Resources'. PRS-LTSN Journal 1, no. 2.156-64 :(2002)

3-Cahill, Desmond, et al. 'Religion, Diversity and Safeguarding Australia'. Department of Immigration and Multicultural and Indigenous Affairs and Australian Multicultural Foundation, 2004.

[http://www.amf.net.au/rsch\\_research\\_religionDiversityCohesion.shtml](http://www.amf.net.au/rsch_research_religionDiversityCohesion.shtml).

4-Cannistraro, Vincent M. 'The War on Terror Enters Phase 2', The New York Times, 2 May , 2002.

5-Cooke, Miriam. 'Contesting Campus Watch: Middle East Studies under Fire, the Academy and Democracy at Risk'.

<http://www.arabworldbooks.com/Articles/article54.htm>.

6- Gleave, Robert. 'Blending Islamic, Middle Eastern and Arabic Studies'. In HEFCE Report on the Islamic Studies: Current Status and Future Prospects Seminar, 23 November. Lion Court Conference Centre, London. Bristol: HEFCE, 2007.

7- Griffin, Rosarii, ed. Education in the Muslim World. United Kingdom: Symposium Books.2006.

8-Haddad, Yvonne Y., and Jane I. Smith, eds. Muslim Minorities in the West: Visible and Invisible. Walnut Creek, CA: Altamira Press, 2002.

9-Martin, Richard C. Approaches to Islam in Religious Studies. Oxford: One-

world, 2001.

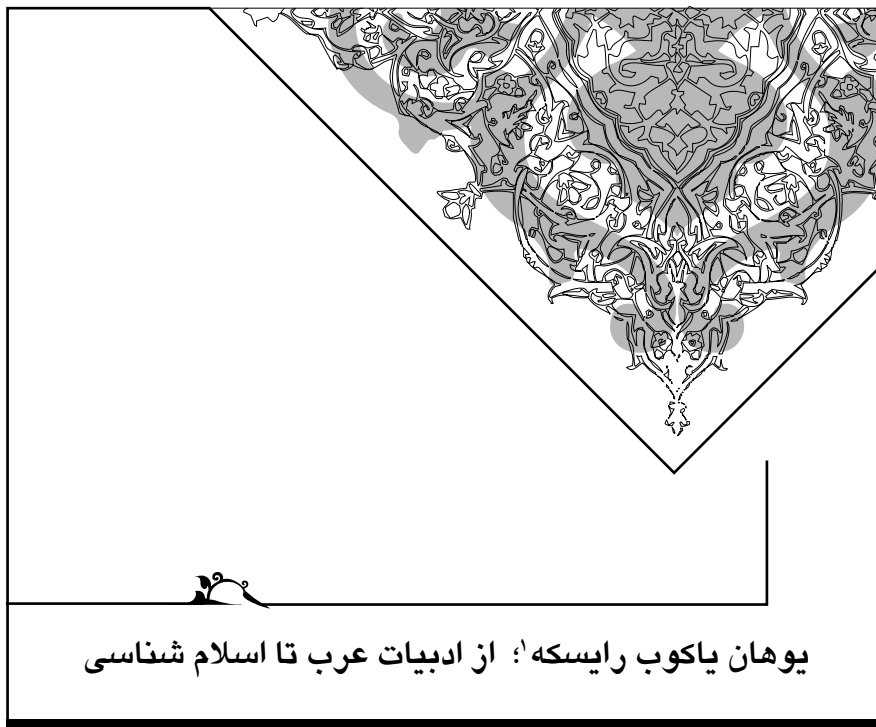
10-Ministerial Council on Immigration and Multicultural Affairs. 'National Action Plan to Build on Social Cohesion, Harmony and Security' (2005-2006).

<http://www.immi.gov.au/living>

11-Muslim Community Reference Group, Building on Social Cohesion, Harmony and Security. (2006) .[http://www.immi.gov.au/living-in-australia/a-diverse-australia/mcrg\\_report.pdf](http://www.immi.gov.au/living-in-australia/a-diverse-australia/mcrg_report.pdf).







## یوهان یاکوب رایسکه<sup>۱</sup>: از ادبیات عرب تا اسلام شناسی

■ ترجمه و اقتباس: شهرام تقی زاده انصاری

بسیار جلوتر از مرگ هاینریش آلبرت شولتنس (۱۷۹۳-۱۷۴۹) یوهان یاکوب رایسکه جوان نخبه توانست در زبان شناسی عربی به مقام شامخی برسد و نخستین عربی شناس مشهور آلمان شود. زمانی که رایسکه به عنوان یک عربی دان در اوج موفقیت بود، وضعیت مطالعات و تحقیقات مربوط به زبان عربی سیر نزولی داشت. سرگذشت یوهان یاکوب رایسکه، داستان جلوه و اهمیت زبان عربی و مطالعات اسلامی در سال های میانی قرن هجدهم در آلمان است. او که فرزند یک دباغ بود، در روز ۲۵ دسامبر ۱۷۱۶ در شهر زوریگ<sup>۱</sup> به دنیا آمد و در سال های ۱۷۲۸-۱۷۳۲ در خانه یتیمان شهر هاله<sup>۲</sup> دوران تحصیل مقدماتی را گذراند. یوهان یاکوب به خاطر علاقه زاید الوصفی که به آموختن زبان عربی داشت، در سال ۱۷۳۳ بدون کمک کسی و تنها با تکیه بر استعداد و اراده خود در دانشگاه لایپزیک به یادگیری زبان عربی پرداخت. رایسکه به سرعت مشکلات مربوط به دستور زبان عربی را مرتفع ساخت و صرف و نحو عربی را به خوبی فرا گرفت. با وجود آنکه بیشتر از ۲۰۰ تالر<sup>۳</sup> (واحد پول) از خانواده اش نمی گرفت، محرومیت ها را تحمل کرد و توانست بیشتر کتاب های عربی آن زمان در آلمان را تهیه کند. وی در سال ۱۷۳۵ کتاب «عجائب المقدور فی وقایع تیمور» عربشاه را که متن آن به سجع بود و خواندن آن بسیار مشکل بود، توانست بخواند. با مشاهده تحریف مطالب این کتاب توسط ژولیوس<sup>۴</sup>، تصمیم گرفت (زمستان ۱۷۳۵) به شهر درسدن برود و از زبیش<sup>۵</sup> مدیر کتابخانه این شهر تقاضا کند دو نسخه خطی از این کتاب را از کتابخانه ملی پاریس برایش تهیه کند. رایسکه این دو کتاب را بدست آورد و از آنها نسخه ای تهیه کرد. او سپس تمام کتاب های عربی را که تا سال ۱۷۳۶ چاپ شده بود، بررسی و ملاحظه کرد. او در کتابخانه لایپزیک به نسخه خطی «رساله هرمس<sup>۶</sup>

1. Hohann Jakob Reiske
2. Zorbig
3. Halle
4. Taller
5. Goliuss
6. Seebisch



که در نکوهش نفس<sup>۱</sup> « بود، برخورد و آن را به لاتین ترجمه کرد. فلاپشر در سال ۱۸۷۰ در مورد این ترجمه گفت: «هیچ جوان ۲۰ ساله ای با بهترین آموزش و مفیدترین ابزار نمی تواند چنین ترجمه ای ارایه دهد». او آرزو کرد که بتواند اشتباهات رایسکه را تصحیح کند تا اثر بهتری به بازار عرضه کند. رایسکه پس از آشنایی با آثار عربی موجود در آلمان به تحقیق در نسخه های عربی پرداخت. در همین سال ۱۸۷۰، نویسنده مشهور کتاب «کتاب شناسی عبری»، یوهان کریستف وولف<sup>۲</sup> (۱۶۸۳-۱۷۳۹) از گنجینه کتاب هایش کتاب «مقامات حریری» را به او به امانت داد. رایسکه در سال ۱۷۳۷، مقاله ۲۶ کتاب حریری را از متن عربی به لاتین ترجمه و منتشر کرد و درباره آن نوشت: «این کارم برای من تجربه دانش آموختن بود». وولف همین که جدیت و کوشایی رایسکه و علاقه اش به زبان و آثار مسلمانان را دید، نسخه های دیگری از آثار خطی ارزنده اش در اختیار او قرار داد. هر چه رایسکه بیشتر به تحقیق می پرداخت، اشتیاق او به زبان عربی و لطایف زبانش بیشتر می شد. هنگامی که شنید کتابخانه لیدن هلند نسخه های خطی عربی بسیاری در خود جای داده، با وجود مشکلات فراوان تصمیم گرفت به هلند برود و مطالعاتش را در زمینه آثار عربی تکمیل کند. رایسکه سفر خود را در ماه می ۱۷۳۸ آغاز کرد، وی ابتدا به هامبورگ رفت تا از یوهان کریستف وولف، که با زبان و ادبیات عرب و نوشته های مسلمانان آشنایی داشت، کمک بگیرد. وولف او را صمیمانه پذیرفت و او را با ریماروس<sup>۳</sup> آشنا کرد و توصیه ای برای او به داورویل<sup>۴</sup> زبان شناس کلاسیک (یونانی و لاتینی) در آمستردام نوشت تا رایسکه را به عنوان دستیار خود با حقوق مکفی استخدام کند. اما رایسکه این پیشنهاد را مانع تحقیقات خود دانست و آن را نپذیرفت. با وجود این، داورویل به او محبت کرد، تصحیح کتابش را به او سپرد و ترجمه بعضی از متون لاتین را به او محول کرد تا هزینه اقامتش در هلند را تأمین کند. رایسکه در روز ششم ژوئن سال ۱۷۳۸ به لیدن رفت و با شولتنس ملاقات کرد تا به کمک او بورس تحصیلی بگیرد، ولی در انجام خواسته اش ناکام ماند. ناکامی دیگر او در آن روزها آن بود که به خاطر نداشتن پول اجازه استفاده از کتابخانه را نداشت. در این شرایط، یوهان لوساک<sup>۵</sup> ناشر، با توصیه شولتنس او را از بی پولی نجات داد و کار نمونه خوانی و تصحیح کارهای چاپی را به او سپرد تا هزینه مسکن و غذای او تأمین شود. او همزمان با کارش در مؤسسه انتشاراتی، زبان یونانی و مکالمه زبان لاتین را به دانشجویان هلندی تدریس می کرد. رایسکه در پائیز همان سال با یاری شولتنس به نسخه های خطی دانشگاه لیدن دسترسی پیدا کرد و به آرزوی خود رسید. با تشویق شولتنس، نظر او به اشعار عربی جلب شد و توانست در سال ۱۷۳۹ اشعاری از جریر و «لامیه العرب» شنفری و دیوان طهمان و در سال های بعد نسخه هایی از «الحمامسه» بختری را کپی برداری کند. با این همه، علاقه ویژه ای به «المعلقات» پیدا کرده بود. رایسکه به نسخه های خطی مجموعه «وارنر»<sup>۵</sup> در لیدن که در آن شرح و تفسیر تبریزی و ابی جعفر النحاس بود، دست پیدا کرد. او آنگاه به تحقیق مفصلی درباره «معلقه طرفه بن العبد» پرداخت و آن را در سال ۱۷۴۲ با عنوان «معلقه طرفه» با شرح نحاس بر اساس نسخه های خطی عربی لیدن همراه با ترجمه و شرح به زبان لاتین منتشر کرد. او

1. hermes
2. Trismegistos
3. Johann Christof Wolf
4. Rimarus
5. D' O'rville



در تعلیقات و شرح خود به سیر افکار شاعر و مقایسه معلقه طرفه با سایر معلقات و دیوان هذلی و ابی تمام و بحتری و شعر متنبی و ابوالعلا مُعَرّی پرداخت. رایسکه در این مقایسه ها نشان داد که آگاهی اش به اشعار عربی زیاد است. او کتاب «معلقه طرفه بن العبد» را بر اساس دو نسخه خطی موجود، که آنها را در مقدمه معرفی می کند، تصحیح کرد و مطالبی در شرح معلقات و نام های گوناگون آن و مختصری از محتوای هر کدام از معلقات و زندگی شاعران آن را در این کتاب آورده است. در پایان مقدمه، زندگی «طرفه بن العبد» و جدولی از انساب که رابطه نسبی طرفه با بقیه شعرای جاهلیت در شمال عربستان را نشان می دهد، آمده است. تصحیح و شرح معلقه طرفه، موفقیت بزرگ و تازه ای در حوزه تحقیقات زبان و ادبیات عرب در نیمه دوم قرن هجدهم بود.

زمانی که آوازه کارهای رایسکه در میان استادان دانشگاه لیدن پخش شد، بخش نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه لیدن از او خواست تا فهرست نسخه های خطی کتابخانه را تهیه کند. این موقعیت، فرصت دلخواه او را فراهم آورد تا از نسخه های خطی مهم استفاده کرده و از نسخه های «المعارف» ابن قتیبه، تاریخ ابی الفداء، «البلدان» ابی الفداء، تاریخ حمزه اصفهانی، منتخبی از «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» ابن ابی اصیبعه و چند نسخه دیگر رونویسی کند.

هنگامی که او مشغول به پایان رساندن رساله اش برای دکترای ادبیات بود، استادش شولتنس کوشش کرد که او را از تحقیق در ادبیات عرب منصرف کند، زیرا او می خواست پسرش یوهان یاکوب را برای استادی کرسی زبان عربی در دانشگاه لیدن معرفی کند. از این رو، به رایسکه گفت که بهتر است به تحصیل در رشته پزشکی بپردازد. رایسکه مجبور شد از دکترای خود در رشته زبان و ادبیات عرب صرف نظر کند و به تحصیل در رشته پزشکی مشغول شود. او با وجود مشکلات بسیار توانست در ماه می ۱۷۴۶ با نوشتن رساله ای در مورد مشاهدات پزشکی اعراب به اخذ دکترای پزشکی نایل آید. او در دهم ماه ژوئن سال ۱۷۴۶ عزم وطن کرد و به لایپزیک بازگشت. اما چون نتوانست به طبابت بپردازد، دوباره به سراغ کارهای نمونه خوانی کتاب، ترجمه به زبان لاتین و تدریس خصوصی روی آورد. البته در کنار این کارها تحقیقات عربی خود را ادامه می داد. در آگوست ۱۹۴۷ مقدمه کتاب «تقویم التواریخ» حاج خلیفه را که شامل مقدمه ای درباره تاریخ اسلام و بیان حوادث از آغاز خلقت تا سال ۱۰۵۸ هجری و مهم ترین حوادث این سال هاست، ترجمه کرد. او در مقدمه کتاب، عنوان «شرقی» را که آن را دقیق نمی دانست حذف کرد و به جای آن «محمدی» یا «اسلامی» را قرار داد، چرا که کتاب فقط درباره تاریخ مسلمانان در شرق نبود، مسلمانان غرب و اروپا را هم در بر می گیرد. این کتاب شامل سه بخش است: ۱. ملل و سلسله هایی که در تاریخ اسلام درباره آنها صحبت می شود؛ ۲. کشورهایی که حوادث تاریخی اسلام در آن روی داده است و ۳. منابع مورد استفاده مورخین. در بخش اول کتاب «تقویم التواریخ» (صص ۲۲۱-۲۱۸) نژادهای مهم ذیل: اعراب، ایرانیان، ترک ها، ترکمن ها، مغول ها، تاتارها و بربرها معرفی شده و شرح کلی سلسله های مربوطه ارائه شده است. در ضمیمه بخش اول موقعیت، وسعت و جایگاه سلسله ها از اسپانیا تا آسیای مرکزی شرح داده



شده است. بخش دوم (صص ۲۲۷-۲۲۱) به اسامی کشورهای اسلامی و شهرهای مهم آنها، دریاها، رودخانه ها و کوه ها پرداخته و جغرافیای تاریخی برخی از مناطق را شرح داده است. بخش سوم (صص ۲۳۸-۲۲۷) به منابع مورد استفاده و نقد کتابشناسی می پردازد. در این بخش، ابتدا کتاب های نادر و کمیاب هر بلوت<sup>۱</sup> مانند کتاب المکن و الفرقانی (ابن عربشاه) معرفی می شوند. سپس قسمتی از کتاب جغرافی الفدا که آثار سیاحان و تاریخ اروپا شرح داده می شود، در ادامه منابع دست نوشته های ابوالفدا، ابن شحنة، حمزه، معرف ابن قطیبه، اشتقاق ابن دورید و همچنین رساله ابن زیدون، فرهنگ نوری و مجموعه نفیس ضرب المثل های میدانی آورده شده است. در پایان این بخش، یک معرفی از فهرست نسخه های خطی شرقی لیدن و اشاره ای مختصر به مجموعه نسخه های کتابخانه های دانشگاه های آکسفورد، پاریس و فلورانس آمده است. رایسکه در این کتاب، به تحسین و تمجید از تاریخ اسلام می پردازد و به دلایل گوناگون مطالعه آن را به همه توصیه می کند. توضیحات، توصیه ها و تحسین های رایسکه درباره اسلام برای پژوهشگران و استادان دانشگاه ها نوشته نشده بلکه به زبان مردم عادی و برای آنها نگاشته شده است. رایسکه در نوشته های خود استدلال کرده که همان گونه که علم باستان شناسی و شناخت تاریخ باستانی جهان از نظر تاریخ جهان بسیار با اهمیت است، مطالعه، تحقیق و شناخت تاریخ اسلام هم که جزیی از تاریخ جهان است، بسیار مهم و لازم است. رایسکه توجه خاصی به روابط جهان اسلام و غرب داشته و تاریخ این روابط را از زمان کارل کبیر و امپراطوری بیزانس و نرمان ها و جنگ های صلیبی<sup>۲</sup> بررسی کرده است. وی در بخش دیگری از نوشته هایش به این نکته اشاره می کند که مورخان غربی نمی توانند از تاریخ و ادبیات شرق بهره مندی های فراوانی داشته باشند چرا که تاریخ شرق از نظر اندیشه و محتوی عقب تر از غرب نبوده است. رایسکه بر این عقیده بود که ظهور پیامبر اسلام محمد (ص) و پیروزی دین او یکی از حوادث بزرگ تاریخ است که نمی توان با کمک عقل انسانی آن را درک کرد، رایسکه تدبیر نیروی قادر متعال را در پیروزی پیامبر مؤثر می داند و پیروزی امویان در امر خلافت و رنج های وارد شده بر شیعیان را به تقدیر و امر الهی نسبت می دهد. رایسکه با نظر به تحقیقات و اسناد تاریخی که مطالعه کرده اعتقاد پیدا کرده که علی (ع) بعد از پیامبر اسلام (ص) برای خلافت شایسته تر و محقق تر از دیگران بوده است. وی در نوشته هایش آورده است که: علی (ع) حدود ۲۴ سال از حش محروم ماند. او بهترین خلیفه جهان اسلام، شجاع و عادل بود، ولی به علت بدشانسی و اقدامات عایشه موفق نشد به خلافت برسد. مبارزه علی (ع) با معاویه نمونه ای از پیروزی فریبکاری بر قدرت و شر بر حق است. رایسکه در جای دیگری علی (ع) را با مارکس و اورلیوس امپراطور فیلسوف روم مقایسه کرده است. او کوشش کرده با قرینه سازی میان اشخاص و حوادث تاریخی اسلام و اروپا نشان دهد که حوادث اتفاق افتاده در شرق اسلامی با حوادث رخ داده در اروپا با یکدیگر شباهت دارند.

رایسکه با ارایه رساله ای به دربار درسدن<sup>۳</sup> عنوان استادی دریافت کرد و مقرر شد سالیانه ۱۰۰

تالر مقررری دریافت کند. به دلیل سعایت بدخواهان و بخاطر اینکه از نظر روحانیون مسیحی، یک آزاد

1. Warner
2. Herblot
3. Kreuzfahrer



فکر<sup>۱</sup> و اسلام را ستایش کرده بود و با دروغگویی و تهمت های دینی آنان نسبت به پیامبر اسلام و اسلام روی موافقت نشان نداده بود، در سال ۱۷۵۵ مفریش قطع شد. رایسکه تنها به ستایش پیامبر مکرم اسلام و علی(ع) بسنده نمی کرد، او به کسانی که پیامبر را کاذب و فریبکار معرفی می کردند می تاخت و آنان را به غرض و بی سوادی متهم می کرد. رایسکه عقیده داشت که نباید تاریخ جهان را به دو بخش مقدس و دنیوی<sup>۲</sup> تقسیم کرد. او عقیده اش را آزادانه، با صراحت و بدون ترس بیان می کرد و به عواقب و پیامدهای آن بی توجه بود. همین رویه باعث گرفتاری اش شد و روحانیون مسیحی را بر ضد خودش برانگیخت. مخالفت با او تا به آن جا بالا گرفت که حتی حامی و استاد سابقش شولتنس نیز از او کناره گرفت و بر ضد او اقداماتی انجام داد. در آن احوال، شولتنس چاپ جدیدی از کتاب ارپنیوس<sup>۳</sup> در موضوع دستور زبان عربی منتشر ساخت و گزیده هایی از «الحماسه» را به آن افزود. او در مقدمه کتاب، نظرات و ادعاهای شارحان تورات یهود و جانشینان مسیحی آنان را که زبان عبری را زبان مقدسی می دانستند، رد کرد. شولتنس همچنین ترجمه ای از سفر «امثال» منسوب به حضرت سلیمان را همراه با شرحی زبانشناسانه منتشر کرد. رایسکه این دو کتاب را نقد کرد. نقد اول او در سپتامبر ۱۷۴۸ و نقد دوم در ژانویه ۱۷۴۹ در مجله «نووا آرتا ارویتوریم»<sup>۴</sup> به چاپ رسید. شولتنس که از این نقادی ها به شدت ناراحت شده بود، نه تنها به نقدش پاسخ داد که برخی ضعف ها و مسایل شخصی او را نیز مطرح کرد. تأثیر زبانبار نقدها و انتقادات شولتنس تا بدان حد کوبنده و مؤثر بود که تا سال ها هیچ دانشگاهی از او برای تدریس دعوت نکرد. حتی ارنستی<sup>۵</sup> استاد زبان شناسی کلاسیک نیز که به او علاقمند بود نتوانست گره فروبسته او را بگشاید.

دوستان دیگر رایسکه که درجه و منزلت علمی او را می دانستند، به تکاپو افتادند تا موقعیت دانشگاهی و استخدام او را درست کنند. پوپوویچ<sup>۶</sup> استاد دانشگاه وین نزد شواخته‌هایم<sup>۷</sup> سفیر اتریش در استانبول، رفت تا او را استخدام کنند، چون رایسکه پیرو مذهب پروتستان بود و کارمندان سفارت الزاماً باید کاتولیک می بودند، رایسکه نتوانست شغلی به دست آورد. بعد از آنکه اوضاع پولی رایسکه، پس از قطع مقرری دولت در سال ۱۷۵۵ در درسدن، بهم ریخت، سرانجام در سال ۱۷۵۶ ناچار شد به همشاگردی قدیم خود یوهان دیوید میخائیلیس<sup>۸</sup> (۱۷۹۱ - ۱۷۱۷) استاد دانشگاه گوتینگن نامه ای بنویسد و از او درخواست کمک کند. رایسکه توقع داشت میخائیلیس کاری کند تا دانشگاه گوتینگن او را به کار دعوت کند تا تحقیقاتش را در باره اسلام و ادبیات عرب ادامه دهد.

اما میخائیلیس که رایسکه را رقیبی توانمند می دید، انگیزه ای برای این کار نداشت و کوچکترین قدمی برای او برنداشت، حتی با او دشمنی کرد و توسط یکی از افراد مورد اعتمادش، نامه ای به مونسهاوزن<sup>۹</sup> وزیر آموزش دانشگاهی نوشت و در آن اتهامات و انتقاداتی بر ضد رایسکه مطرح کرد. بدین گونه امید رایسکه برای حضور در دانشگاه گوتینگن و استادی در یکی از دانشگاه های آلمان نقش بر آب شد و او به ناچار به مدیریت مدرسه «نیکولای»<sup>۱۰</sup> راضی شد.

وقتی که ریشتر<sup>۱۱</sup> مشاور دربار و مدیر موزه سکه شهر درسدن، شناسائی و معرفی سکه های

1. Dersden
2. Freigeiser
3. Profan
4. Erpenius
5. Nova Arta Eruditroum
6. Ernesti
7. Popowitsch
8. schwachtheim
9. Johann David Michaelis
10. Münchenhausen
11. Nikolai



جهان اسلام را به رایسکه سپرد، توجه وزیر کنت واکربارت<sup>۱</sup> به او جلب شد و به او قول داد که فشار و اعتراض روحانیون مسیحی علیه حضور او در مدرسه نیکولای را خنثی کند. وزیر با اقدام خود، نظر و رفتار روحانیون مسیحی را نسبت به رایسکه تغییر داد. رایسکه با پذیرفتن مدیریت این دبیرستان، وضع مالی اش را پس از سال ها مشقت و ناداری بهبود بخشید و توانست با آرامش به تحقیقات خود در باره اسلام و زبان و ادبیات عرب و زبان و فرهنگ یونانی ادامه دهد.

در سال ۱۷۵۴، رایسکه جلد اول ترجمه لاتینی «تقویم ابوالفدا» را تمام و با سرمایه خودش منتشر کرد. اما چون حتی نتوانست ۳۰ نسخه از آن را بفروشد، مجبور شد انتشار کتاب را متوقف کند و به چاپ کتاب های کوچکتر بپردازد. وی در سال ۱۷۵۵ «نامه ابن زیدون به ابن عبدوس» را به عربی و لاتین به چاپ رساند، سال بعد نیز «لامیه العجم» طغرای را نشر داد. زمانی که رایسکه در دبیرستان نیکولای شروع به کار کرد، یکی از دوستانش با سرودن شعری به زبان لاتین به او تبریک گفت و در آن از یاکوب اشتاب<sup>۲</sup> و باکولوس<sup>۳</sup> نام برد. رایسکه با نوشتن یک نامه از او تشکر کرد و در نامه مجموعه هفت ضرب المثل مربوط به عصا را شرح داد. او یک بار دیگر در سال ۱۷۶۵ با انتشار نمونه هایی از شعر عربی (با ترجمه آلمانی و تعلیقات، لایپزیک ۱۳۶۵) و بعضی از غزلیات عشقی متنبی و دو مرثیه<sup>۴</sup> کامل برای او، حضور و فعالیت های علمی و ادبی خود را نمایاند. او این مجموعه شعر عربی را به همسرش ارنستین کریستین<sup>۵</sup> هدیه کرد. رایسکه در تحقیقاتش به مسایل کم اهمیت نمی پرداخت و بیشتر به دنبال معرفی اشعار شاعرانی بود که برای اروپائیان ناشناخته بود. وی اشعار شاعران را از نظر زیبایی شناسی مورد بررسی قرار می داد.

رایسکه در روز ۱۴ آگوست ۱۷۷۴ در برابر بیماری سل تاب نیاورد و فوت کرد. همسرش نمی خواست ماترک شوهرش به دست ارنستی<sup>۶</sup> بیافتد، به همین دلیل مقالات و نوشته های رایسکه را به لسینگ<sup>۷</sup> شاعر بزرگ آلمانی، که رایسکه او را تکریم می کرد و بزرگ می داشت، تحویل داد. لسینگ مدتی از نوشته های او مواظبت کرد و پس از مدتی آنها را به فون زوهم<sup>۸</sup> یکی از مسئولین کاخ سلطنتی دانمارک سپرد تا آنها را به کتابخانه سلطنتی تحویل دهد. پس از مرگ رایسکه، همسرش زندگینامه خودنوشت او را که سخت برایش تکان دهنده بود و در آن اختلافاتش را با همسرش توضیح داده بود، منتشر کرد. او همچنین تحقیقات رایسکه را که در آن پیشنهادهایی پیرامون اصلاحات در متن «سفر ایوب» و «امثال» سلیمان بود به همراه سخنرانی های او در سال ۱۷۴۸ منتشر کرد. با تلاش های همسر رایسکه، شخصیت و جایگاه علمی او در زمینه تحقیقات اسلامی و ادبیات عرب بیشتر شناخته شد. افزون بر همسر او، تنی چند از دوستان و شاگردان رایسکه نیز پا به میدان نهادند و شماری از تحقیقات او را نشر دادند. چنانکه گرونر در سال ۱۷۷۶ دوباره رساله دکترای او را و ایشهورن<sup>۹</sup> مجموعه نامه های رایسکه به ریشر مشاور دربار دانمارک و ناظر موزه سکه های درسدن را تحت عنوان «نامه هایی درباره سکه های عربی» در سال ۱۷۸۱ منتشر کردند.

رایسکه در حالی زبان شناسی عربی را به عالی ترین شکل خود به عنوان یک علم مستقل مطرح

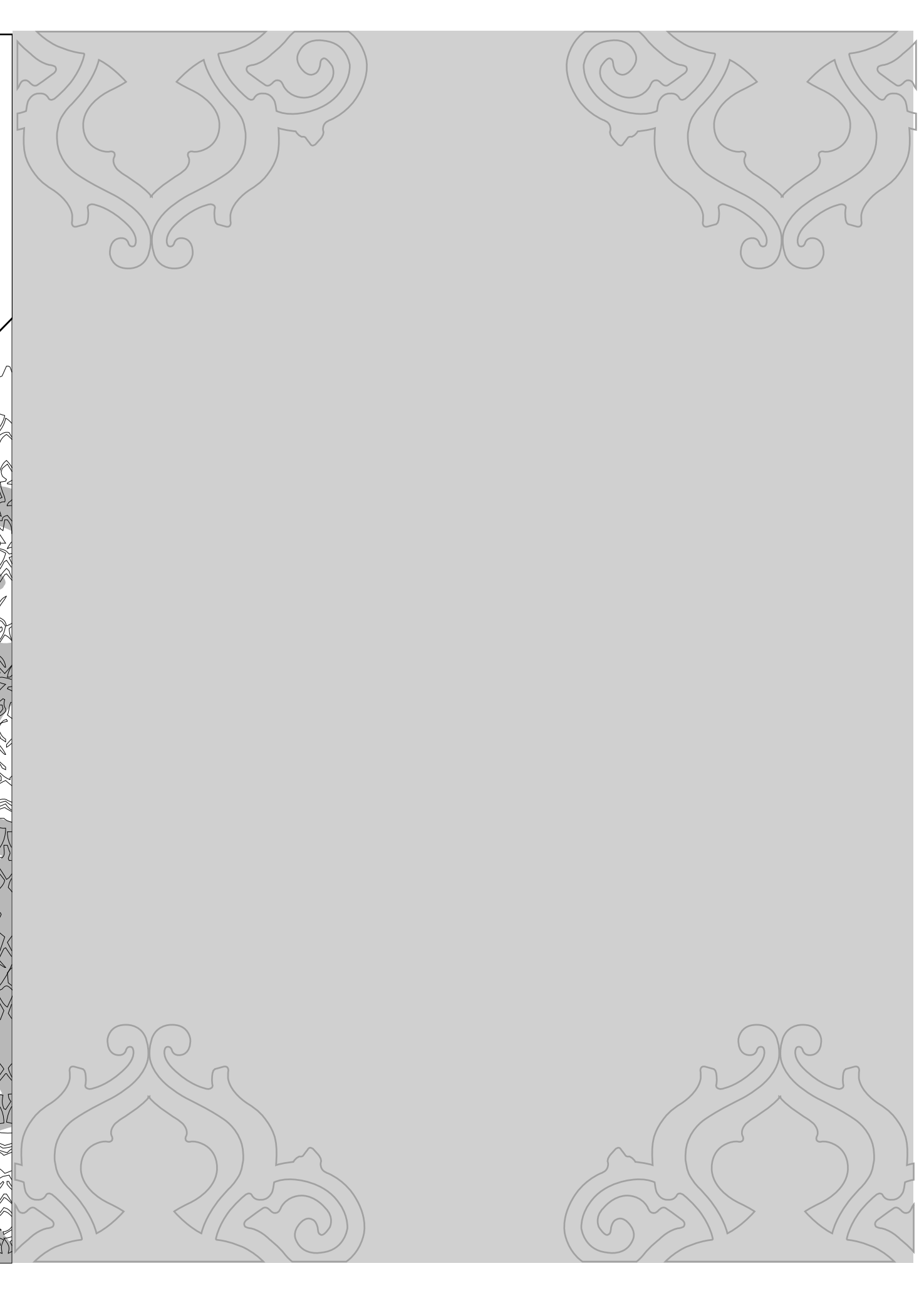
1. Richter
2. Wackerbart
3. Jakobsstab
4. baculus
5. Tpavergedichte
6. Ernestinchrestine
۷. یکی از شاگردان همکارش
8. Lessing
9. von Suhm



کرد که هیچکس مانند او نتوانست قانونمندی و استقلال این زبان را بشناسد و بشناساند، هیچکس همانند او آگاهانه با جریان زبان شناسی آن روزگار به مخالفت برخاست، چرا که در آن زمان، زبان عربی ابزاری برای استفاده از لغات بود و برای پیدا کردن معنی یک واژه عبری ابتدا ریشه عربی آن را جستجو و از میان معانی متعدد آن واژه عربی، معنی مناسب تر را انتخاب می کردند. او بر خلاف جریان رایج، وقت خود را منحصرأ صرف زبان عربی کرد و از مطالعه اصطلاحات خویشاوند خود را کنار کشید. رایسکه می دانست که کار طولانی صبورانه بر روی آثار نویسندگان عرب می تواند معلومات او در زبان عربی را تعمیق بخشد. وی عقیده داشت که ادبیات مسیحی از هر حیث از ادبیات مسلمانان عقب تر است. او همواره در جستجوی گنجینه ادبیات اسلامی بود و تلاش می کرد اندیشه مسلمانان را بفهمد. تحصیل زبان عربی برای او هدف نبود، در نظر او این زبان دریچه ورودی بود برای تحقیقات او در زمینه تاریخ اسلام. رایسکه که به اهمیت نقش اسلام در تاریخ مغرب زمین آگاه شده بود، متون عربی را به قصد زبان شناسی نمی خواند تا معنی مورد نظر نویسنده را دریابد، او به عنوان یک مورخ می خواست سهم و نقش تاریخ اسلام را در تاریخ جهان نشان داده و آن را تشریح و تفسیر کند. رایسکه مصمم شده بود تا تاریخ اسلام را از منظر نویسندگان عرب زبان بفهمد و بنویسد. به خاطر زحمات و مرارت هایی که رایسکه در پویه و تلاشش در زمینه ادبیات عرب و تاریخ اسلام کشیده، عده ای از شرق شناسان و آشنایان با تاریخ مطالعات اسلامی و ادبیات عربی در آلمان و دانمارک، او «شهید ادبیات عرب» نامیده اند. با اینکه رایسکه یکی از بزرگ ترین عربی دانان عصر خود بود و صمیمانه و مجدانه می خواست خانه یا مرکزی برای تحقیقات ادبیات عرب و اسلام شناسی در آلمان احداث کند ولی متأسفانه در زمان حیات خود ناشناخته ماند و هیچ یک از همعصران او این دانشمند نابغه و قدر و منزلت علمی او را نشناختند. اما زمانی نگذشت که در قرن نوزدهم و در شهر لایپزیک که رایسکه در آن بسیار مرارت ها و سختی ها کشید، مدرسه ای برای مطالعات زبان و ادبیات عرب افتتاح شد که در آن نام رایسکه در ردیف دانشمندان طراز اول قرار گرفت و آثار، نظرات زبان شناسی و میراث علمی و ادبی او مورد مطالعه قرار گرفت.

#### منبع:

Fück, Johann, Die Arabischen Studien in Europa, Otto.H: Leipzig, 1955.

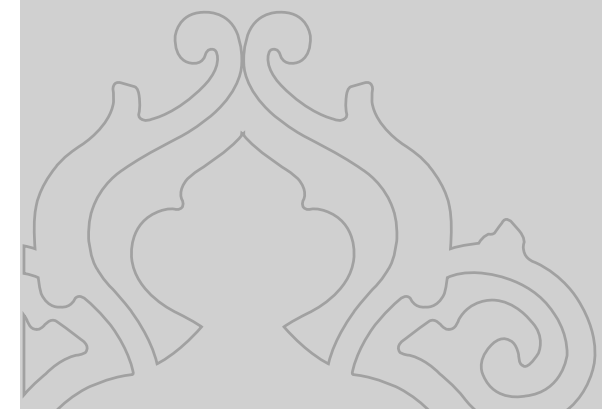
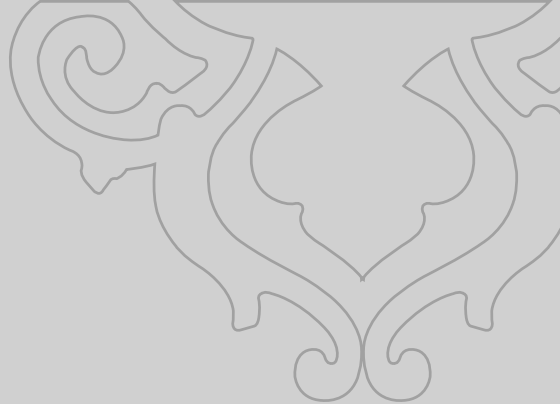


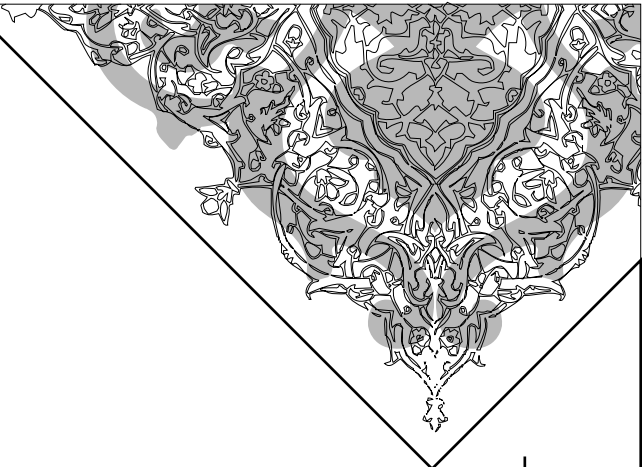




# معرفی کتاب



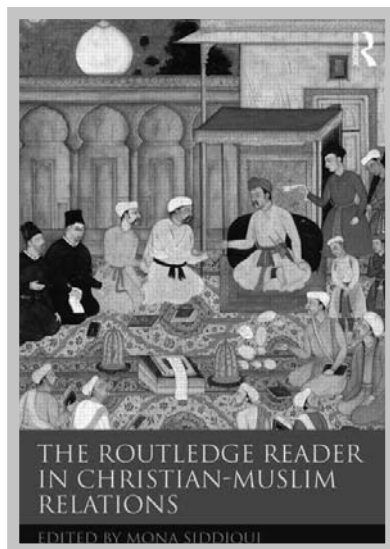




## معرفی کتاب

شبیما طاهری

در این شماره نشریه، پنج کتاب تازه منتشر شده در موضوع اسلام و مسلمانان معرفی می شود: موضوع این کتاب‌ها به ترتیب عبارتند از: روابط و تعامل اسلام و مسیحیت، اسلام هراسی، پیشداوری و غرض ورزی غربیان نسبت به اسلام و مسلمانان، فهرست نسخ آلمانی زبان قرآن و راهنمای قانون شریعت و ایدئولوژی اسلامی در اروپای غربی.



Siddiqui, Mona (2012) *The Routledge Reader in Christian-Muslim Relations*, London: Routledge, 384pp.

مونا صدیقی (۲۰۱۲) کتاب ویژه روابط اسلام و مسیحیت، لندن: انتشارات راتلج، ۳۸۴ص.

در دو دهه گذشته، علاقه به گفتگوی ادیان بین مسلمانان و مسیحیان افزایش یافته و جلسات و سمینارهای متعدد در کشورهای اسلامی و غربی بین دانشمندان مسلمان و فرق مختلف مسیحی برگزار شده است. در این کتاب، مباحث و شیوه‌های مختلفی که مسلمانان و مسیحیان در جلسات خود



مد نظر دارند، بحث و بررسی شده اند. این کتاب دربردارنده دیدگاه های علمی دو طرف مسلمان و مسیحی در باب روابط این دو دین با یکدیگر است.

عناوین برخی فصول این کتاب چنین است: مقدمه سرویراستار، جان دمشق، مخالفت اسماعیلیه آلبرت دیویس و پییم والکنبرگ؛ تصویر اسلامی پائول مقدس جبرئیل در انجیل برنابا؛ گزیده عقاید مسلمانان اولیه علیه مسیحیت؛ برخورد قرن نوزدهمی با قرآن با نیکلاس رسچر؛ اطلاعات لوتر و نگرش او نسبت به آدم در اسلام؛ گزیده ای از نوشته های ساموئل زویمر در باره اسلام؛ به سوی مسیحیت شناسی اسلامی: مرگ مسیح، توهم یا واقعیت؛ گزیده ای از پیام مسیحی در یک محیط غیر مسیحی؛ دیالوگ بین تمام ادیان؛ در جستجوی پیامبر تاریخی، برخی نظرات در همسایگی و برادری عاشقانه در سنت اسلامی.

مونا صدیقی، سرویراستار این کتاب، پیش از این نیز کتاب های ارزنده ای پیرامون مسادل مختلف اسلامی نگاشته است. برخی از این کتاب ها عبارتند از: مسلمان خوب: اندیشه هایی در باره الهیات و حقوق اسلامی؛ اسلام؛ چگونه قرآن بخوانیم؛ مسیحیان، مسلمانان و یهودیان؛ شریعت به عنوان یک گفتمان: سنت حقوقی. برخورد با اروپا؛ مسیح در بین ادیان جهان: متفکران برجسته از پنج دین و تصاویر مسیح: قدیمی و جدید.

Sheehi, Stephen (2011) *Islamophobia: The Ideological Campaign Against Muslims*, Clarity Press, 272pp.

شیهی، استفان (۲۰۱۱) اسلام هراسی: مبارزه ایدئولوژیکی بر ضد مسلمانان، انتشارات کلریتی، ۲۷۲ص.

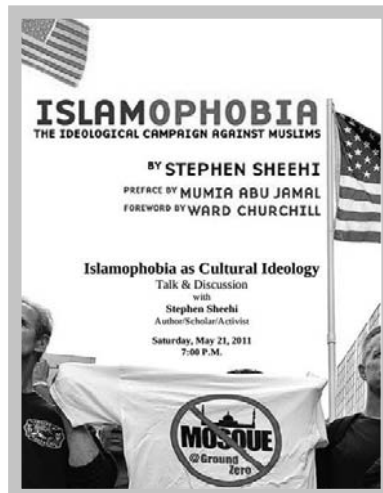
استفان شیهی، در این کتاب از منظر جدیدی به اسلام هراسی می نگرد. او در کتاب توضیح می دهد که چگونه آمریکا به ایجاد وحشت روانی از اسلام و مسلمانان دست زده تا بتواند جنگ های ضد مسلمانان خود را توجیه کند و رفتارهای ضد مسلمانان را برای آمریکاییان اجتناب ناپذیر و ضروری جلوه دهد. کتاب «اسلام هراسی: مبارزه ایدئولوژیکی بر ضد مسلمانان» به بررسی جریان های «اسلام هراسی» از زمان فروپاشی شوروی تا پایان جنگ سرد و سپس در زمان جرج بوش و باراک اوباما می پردازد. استفان شیهی برای روشن کردن ادعا و موضوع مورد بررسی خود مدارک زیادی را مورد مطالعه قرار داده است. وی اسناد و مدارک پرشماری پیرامون عملیات طوفان صحرا در سال ۱۹۹۰، سیاست های تبعیض گرایانه غرب نسبت به مسلمانان و رفتارهای پلیس با قربانیان مسلمان در ماجرای برج های دوقلو بررسی کرده است. نکته برجسته دیگر در این کتاب، بررسی اسلام هراسی در بیانات، نوشته ها و رفتارهای برخی افراد سیاستمدار و مؤثر در تصمیم گیری در کشورهای غربی است. چند نمونه از این افراد مشهور که مورد توجه و تأمل نویسنده بوده اند،



عبارتند از: برنارد لوئیس، فرید زکریا، ایان هرسی علی و جرج دبلیو بوش. کتاب شیعی در زمینه اسلام هراسی، کتاب کامل و مستندی است و به کسانی که برای نخستین بار با پدیده اسلام هراسی و مسلمان هراسی آشنا می شوند، اطلاعات کامل و جامعی ارائه می کند.

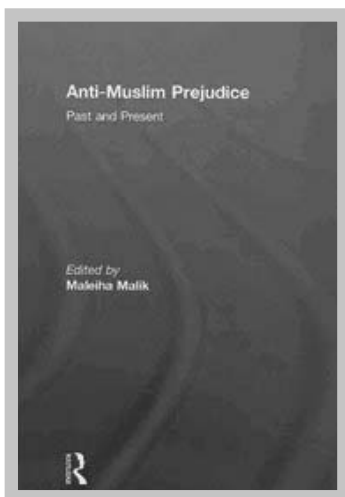


استفان شیعی



این کتاب در هفت فصل، بخش نتیجه گیری، فهرست منابع و فهرست اعلام سامان یافته است. عناوین فصول هفتگانه کتاب چنین است: فصل اول: شبکه سیاست خارجی نخبگان؛ فصل دوم: روزنامه نگاران، آکادمیسین ها و آگاهان بومی: محاصره ذهن اعراب؛ فصل سوم: آگاهان بومی: زنان و بهانه اخلاقی برای سلطه غربی؛ فصل چهارم: آموزش و فعالیت در عرصه قدرت؛ فصل پنجم: زندگی در حالت ترس؛ فصل ششم: اسلام هراسی در دوره اوپاما و سخن نهایی.

نویسنده کتاب، استفان شیعی، دانشیار فرهنگ و زبان عربی و مدیر برنامه عربی در دانشگاه کارولینای جنوبی است. او میراث فرهنگی-هنری عربی اسلامی درس می دهد. زمینه مطالعات و تحقیقات وی هنر، جامعه و اقتصاد سیاسی در جهان عرب از منظر مدرنیته است. او نویسنده کتاب بنیاد هویت جدید عرب و مقالات متعدد درباره اسلام، جنبش های اسلامی و اسلام هراسی نیز بوده است.



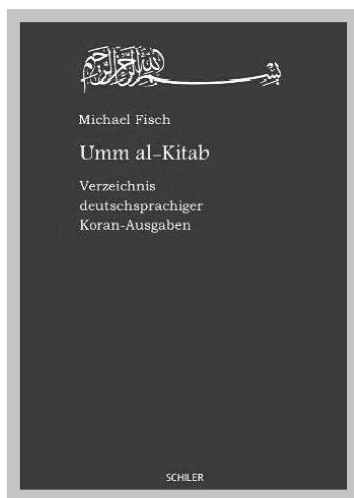
Malik, Maleiha (2012) *Anti-Muslim Prejudice: Past and Present*, London :Routledge,232pp.

ملیحه مالک (۲۰۱۲) پیشداوری ضد مسلمان: گذشته و حال، لندن: انتشارات راتلج، ۲۳۲ص.



عناوین فصول این کتاب چنین است: پیشداوری ضد مسلمانان در غرب، گذشته و حال: یک مقدمه؛ بریتانیایی ها و مسلمانان در اوایل دوره معاصر: از پیشداوری تا رواداری از نیل مطار؛ گرایش ضد ترکان و مسلمانان بالکان از اسلوبودان دراکوایک؛ آیا دیوارها می توانند بشنوند؟ از جیل اندیجار؛ سربازان صلیبی بر روی بدن زنان توشته سونیا فرناندز؛ حجاب زنان در فرانسه و یونیفورم های ارتش در اسرائیل: مطالعه تطبیقی شهروندی به عنوان ماسک از لئورا بیلسکی؛ بسیج سیاسی برصد اسلام اروپای غربی معاصر از هانس گتورک بتس و سوسی مرت؛ طرد نژاد پرستی در پرسش مسلمانان از ناصر میر و طارق مودود؛ به طرف بسیاری از آنها تیراندازی کن: گزارش انتخابات مسلمانان در روزنامه های انگلستان از جان ریچاردسون؛ مسلمانان در سلسله مراتب قومی نژادی در انگلستان و فرانسه در کجا قرار دارند؟ شواهدی از تحقیق فضای عمومی ۱۹۸۸-۲۰۰۸ نوشته اریک بلیچ و مقابله با اسلام هراسی در امریکا؛ شکل گیری فعالیت های حقوق مدنی درین امریکائیان خاورمیانه ای تبار از اریک لاو.

این کتاب به پیشداوری های رایج در بین غیر مسلمانان نسبت به مسلمانان می پردازد و نشان می دهد که از قرن یازدهم تا به امروز این گونه پیشداوری ها وجود داشته است. در بخشی از کتاب به نقش این پیشداوری ها در ایجاد یا تقویت سایر اشکال پیشداوری مانند نژاد پرستی، یهودی ستیزی و چگونه پیشداوری نهادینه شده، پرداخته است. نویسنده در تحلیل پیشداوری از زوایای مختلف سیاسی، جامعه شناسی، فلسفه، تاریخ، روابط بین الملل، حقوق، مطالعات فرهنگی و ادبیات تطبیقی به موضوع می نگرند. ملیحه مالک به مسائل امروز و موضوعاتی مانند حجاب زنان و اسلام هراسی نیز اشاره می کند. ملیحه مالک، نویسنده این کتاب، استاد حقوق در مدرسه حقوق کینگز کالج دانشگاه لندن است.



Fisch, Michael (2013) *Umm al-Kitab, Verzeichnis Deutschsprachiger Koran-Ausgaben*, Berlin: Verlag Hans Schiler, 120 pp.

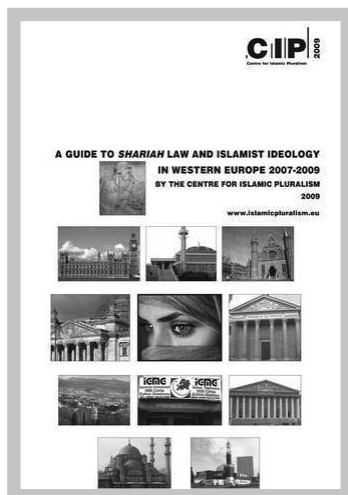
مایکل فیش (۲۰۱۳) *أم الكتاب، فهرست نسخ آلمانی زبان قرآن، برلین: انتشارات هانس شیلر، ۱۲۰ص.*

این اثر که تا یک ماه دیگر به بازار عرضه می شود شامل فهرستی از مهم ترین ترجمه های قرآن از قرون وسطی

تا به امروز است. هر یک از آثار مندرج در این فهرست شامل مشخصات نشر، نام مترجم، موقعیت تاریخی، زمان ترجمه و انگیزه مترجم می شود. نگاهی به گستره پذیرش قرآن و مناسبات میان



مسیحیت و اسلام، نه فقط در آلمان که در کل اروپا، از دیگر ویژگی های این کتاب است. این کتاب به زبان آلمانی است.



Suleyman Schwartz, Stephen and Irfan Al-Alawi (2013) *A Guide to Shariah Law and Islamist Ideology in Western Europe* (2007-2013), Centre For Islamic Pluralism, 288 pp.

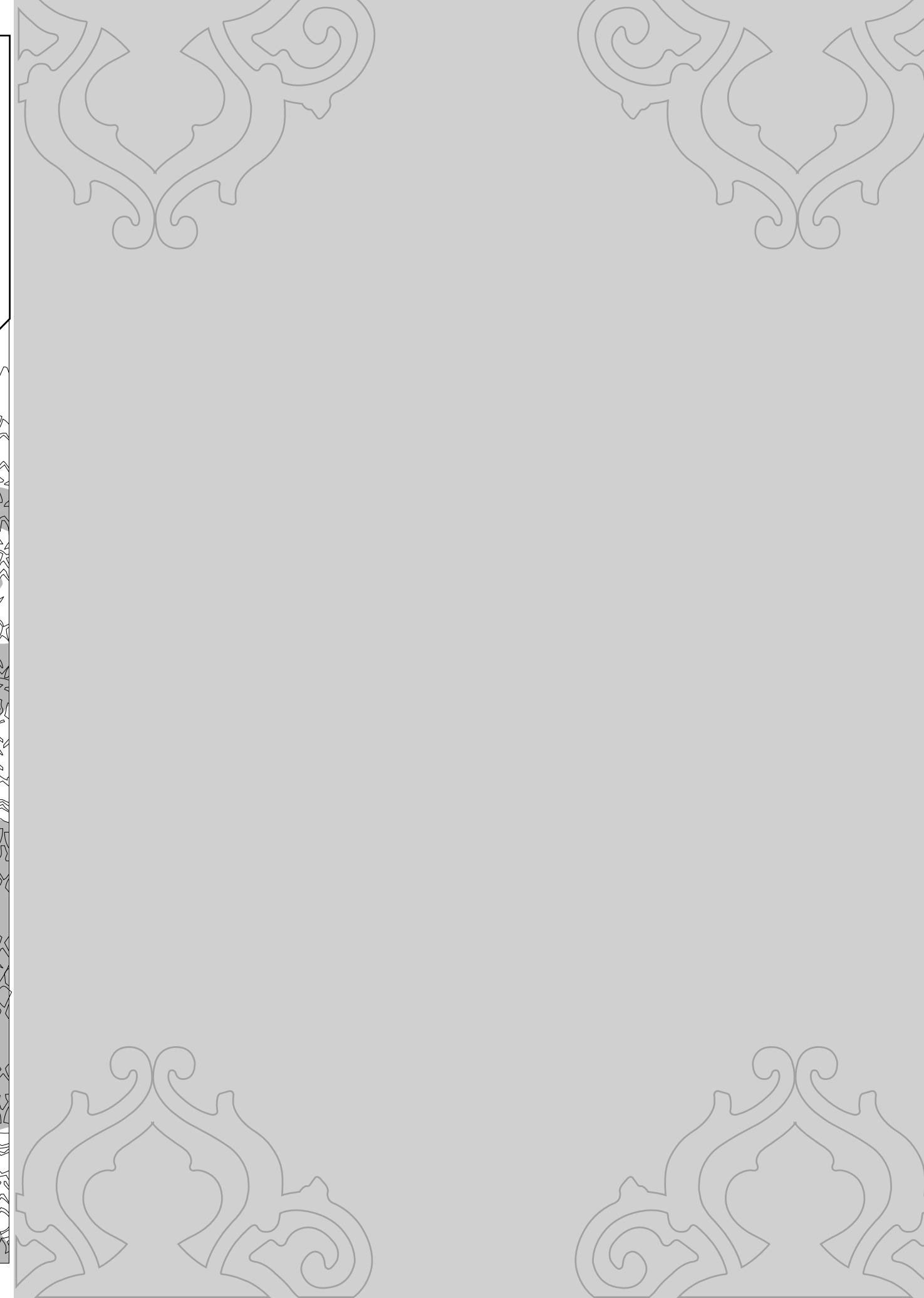
استفان سلیمان شوارتز و عرفان العلوی (۲۰۱۳) راهنمای قانون شریعت و ایدئولوژی اسلامی در اروپای غربی (۲۰۰۷-۲۰۱۳)، مرکز تکثرگرایی اسلامی، ۲۸۸ص.

نویسندگان کتاب در اثر خود کوشیده اند تصویری مثبت

و معقول از شریعت اسلامی و مسائل چالش برانگیز آن مانند حجاب و جهاد دینی و جایگاه زن در آموزه های مسلمانان ارائه دهند. خلاصه دیدگاه آنها چنین است: برخی از قوانین شریعت برای مسلمانان شخصی هستند و قابل اعتراض نمی توانند باشند. قواعد مربوط به غذای حلال و نوع پوشش در قوانین اساسی و مدنی بیشتر کشورهای اروپایی به عنوان حقوق خصوصی افراد پذیرفته شده اند. برخی از قوانین شریعت مانند مهمان نوازی از بیگانگان، وفای به عهد به ارتقای روحی و معنوی مسلمانان اشاره دارد و هدف از اجرای آنها تعالی اخلاقی پیروان دین اسلام است. برخلاف مسلمانان، شهروندان غربی برخی قوانین مانند چند همسری، قتل به خاطر دفاع از ناموس، جهاد بر ضد کافران و ازداج اجباری را بر نمی تابند و آنها را مخالف فرهنگ خود می دانند.

نوشته های این کتاب توسط چند نویسنده برجسته مسلمان ساکن اروپا که دیدگاهی روشن و مترقی از مسائل جهان جدید دارند، نوشته شده است. آنها ضمن حفظ دین و آئین خود، به هنجارها و قوانین جوامع اروپایی احترام می گذارند.

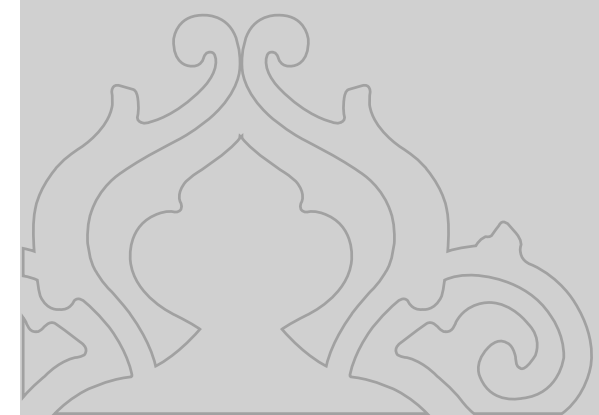
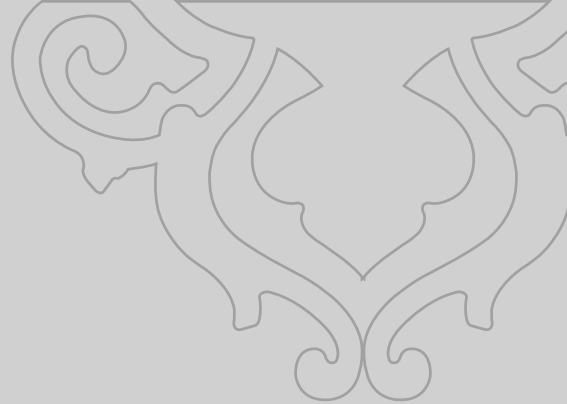
از نظر نویسندگان کتاب، حامیان و طرفداران تندرو پیاده کردن احکام شریعت ناقضان هنجارهای حقوقی و قانونی جوامع غربی اند و همین تلقی و رفتار موجب می شود که شهروندان کشورهای اروپایی مسلمانان را هنجار شکن و دشمنان خود تلقی کنند. نویسندگان این کتاب کوشیده اند مسائل مربوط به شریعت اسلامی و چگونگی تحقق آن در جوامع اروپایی را از منظر افراد غیر مسلمان مورد بررسی قرار دهند و ضمن دفاع از شریعت به شبهات و ابهامات شهروندان غیر مسلمان اروپایی پاسخ دهند.





# الخبز







## در دنیای کنفرانس‌ها و نشست‌های علمی

دومین کنفرانس جهانی فرهنگ اسلامی و عربی در آمریکای لاتین در روزهای ۱۴-۱۲ نوامبر ۲۰۱۲ / ۲۱-۲۲ آبان ۱۳۹۱، دومین کنفرانس جهانی تأثیر فرهنگ اسلامی و عربی در آمریکای لاتین و دریای کارائیب توسط مرکز اسلامی شیلی، دفتر فرهنگی و تبلیغات اسلامی آرژانتین با همکاری وزارت اوقاف کویت در شهر سانتیاگو برگزار شد. در این کنفرانس شماری از اعضای هیأت‌های علمی و اسلام‌شناسان مراکز و مؤسسات اسلامی آمریکای لاتین و دریای کارائیب و نیز شماری از اسلام‌شناسان اسپانیا، ترکیه، کویت و اتحادیه مراکز و مؤسسات اسلامی برزیل شرکت نمودند.

در مراسم افتتاحیه که در هتل اینترکنتیننتال سانتیاگو برپا گردید، «کلاودیو رادونیش خیمینیس» رئیس بخش روابط سیاسی رئیس‌جمهور شیلی، قائم مقام وزارت اوقاف کویت دکتر مطلق القراوی و نمایندگان سیاسی کشورهای اسلامی در شیلی و مدیران و کارگزاران مراکز و مؤسسات آمریکای لاتین و دریای کارائیب حضور داشتند. مشاور سیاسی رئیس‌جمهور شیلی به حضور مسلمانان و اعراب در آمریکای لاتین و نقش آن‌ها در این قاره و تأثیر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مسلمانان و نیز ضرورت تعمیق و گسترش ارتباط بین کشورهای اسلامی و آمریکای لاتین پرداخت و از برگزاری جشن‌ها و جشنواره‌های فرهنگ اسلامی استقبال نمود. وی همچنین از توزیع کتاب‌های اسلامی به زبان اسپانیولی که دفتر تبلیغات اسلامی با همکاری وزارت اوقاف کویت انجام می‌دهد، تمجید کرد. قائم مقام وزیر اوقاف کویت در سخنان خود به نقش اسلام در تمدن‌سازی و ضرورت ارتباطات فرهنگی و تمدنی بین مسلمانان و کشورهای آمریکای لاتین اشاره کرد و از آمادگی دولت کویت برای کمک به نهضت فرهنگی مسلمانان در منطقه که دور از مهبط وحی هستند اعلام کرد.



مهندس محمد یوسف هاجر رئیس دفتر فرهنگی و تبلیغاتی آرژانتین و دبیر کنفرانس نیز در سخنانی به موقعیت مسلمانان در آمریکای لاتین پرداخت و به مشکلات و دوری آن‌ها از امت اسلامی و پراکندگی آن‌ها در نقاط مختلف قاره آمریکا اشاره نمود.

در این کنفرانس برخی سخنرانان به موضوع اسلام معاصر، حقیقت قانون اسلام، نقش دولت‌ها در گسترش فرهنگ جدید و میزان آزادی افراد، حضور کشورهای عربی و اسلامی در آمریکای لاتین و دریای کارائیب و اندلس و تأثیر فرهنگی مسلمانان در این منطقه جغرافیایی، جایگاه زن در شریعت اسلامی و علم اخلاق در اسلام پرداختند.

برخی از توصیه‌هایی که شرکت کنندگان کنفرانس بر آن‌ها تأکید ورزیدند عبارت بودند از: ایجاد مرکز مطالعات و تحقیقات پیرامون تمدن اسلامی در آمریکای لاتین، حمایت از گسترش روابط فرهنگی بین جهان اسلام و دولت‌های آمریکای لاتین، گفتگو و زندگی مسالمت‌آمیز بین ادیان و ملل مختلف، دعوت مسلمانان به برقراری رابطه خوب و حسنه با مردم این قاره و حکومت‌هایشان، مقابله با نظریه تضاد تمدن‌ها و برگزاری کنفرانس‌های مشابه در سایر کشورهای این منطقه کنفرانس با تأکید بر ایجاد صندوق همکاری با دولت کویت برای حمایت از طرح‌های فرهنگی که موجب تقویت مسلمانان و تمدن اسلامی شود، خاتمه یافت.

### همایش بین‌المللی تصاویر کلیشه‌ای رسانه‌های غربی درباره اسلام

در روزهای ۲۹ آذر تا اول دی ماه ۱۳۹۱، همایش بین‌المللی تصاویر کلیشه‌ای رسانه‌های غربی درباره اسلام به همت سازمان آموزش، علوم و فرهنگ اسلامی (آی‌سسکو) و با مشارکت وزارت اوقاف و امور اسلامی کویت، اتحادیه رادیوهای اسلامی و مؤسسه علوم انسانی و اسلامی «بوعلی سینا» در شهر «لیل» فرانسه برگزار شد. برگزاری این همایش با هدف مقابله با تصویرسازی منفی و هجوم بسیاری از رسانه‌های غربی به مقدسات اسلامی و مسلمانان و مبارزه با موج گسترده اسلام‌هراسی در جوامع غیراسلامی برگزار شد. در این کنفرانس، کارشناسان مسلمان و اروپایی از کشورهای مختلف شرکت داشتند. برنامه‌های کنفرانس در دو بخش با موضوع «آزادی بیان و اندیشه و کلیشه‌های رسانه‌ای» و «لزوم آموزش روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه در زمینه احترام به عقاید و باورهای پیروان ادیان مختلف» تنظیم شده بود و سخنرانان مختلف در موضوعاتی مانند تصاویر کلیشه‌ای و کج‌فهمی‌های رسانه‌های غربی از اسلام، اسلام‌هراسی و دلایل سیاسی و اجتماعی آن، اخبار رسانه‌ها از منظر اخلاق حرفه‌ای، نحوه مقابله با فعالیت‌های ضداسلامی در روزنامه‌ها، مجلات و رسانه‌های دیداری و شنیداری مقالات خود را ارائه نمودند.



## چند همایش اسلامی ترکیه در سال ۲۰۱۳

- کارگاه بین‌المللی بازنگری مفاهیم و تفکرات اقتصاد اسلامی، اول تا سوم ماه مارس ۲۰۱۳، استانبول، ترکیه
- کنفرانس بین‌المللی گردشگری دینی و تساهل، نهم تا دوازدهم ماه می ۲۰۱۳، قونیه، ترکیه
- چهارمین همایش جهانی بازاریابی اسلامی، ۲۰ تا ۲۱ ماه می ۲۰۱۳، استانبول، ترکیه

## وزارت کشور آلمان و برگزاری کنفرانس جوان اسلام

«بنیاد مرکاثر»<sup>۱</sup> و «دانشگاه هومبلدت برلین»<sup>۲</sup> برای ۴۰ جوان در آلمان این امکان را فراهم می‌کنند که در «کنفرانس جوان اسلام»<sup>۳</sup> که در بهار سال ۲۰۱۳ برگزار می‌شود، شرکت کنند. جوانان در چهارچوب برنامه «کارگاه آینده» در روزهای ۱۶ و ۱۷ فوریه ۲۰۱۳ در «دانشگاه هومبلدت برلین» و از ۸ تا ۱۰ مارس در محل وزارت کشور آلمان طرحی را ارائه خواهند کرد. این طرح در برابر وزیر کشور آلمان و دیگر شرکت‌کنندگان در کنفرانس مورد بحث قرار خواهد گرفت. شرکت‌کنندگان در این کنفرانس درباره چگونگی ادامه گفت‌وگو میان دولت و مسلمانان در آینده گفتگو خواهند کرد. آن‌ها پیشنهادهای خود را در این کنفرانس به اطلاع وزیر کشور آلمان می‌رسانند. هزینه اجرای این پروژه برای چهار سال آینده، به مبلغ دو میلیون یورو از سوی «بنیاد مرکاثر» پرداخت می‌شود. «کنفرانس جوان اسلام» متشکل از ۴۰ جوان ۱۷ تا ۲۵ ساله از سراسر آلمان، به بحث و گفتگو برای یافتن پاسخی برای این پرسش برخواهد آمد که گفتگوهای مربوط به اسلام و مسلمانان در آینده در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی با چه ساز و کارهایی باید به انجام برسند. «کنفرانس جوان اسلام» این امکان را برای جوانان مسلمان و غیرمسلمان آلمانی فراهم می‌سازد که درباره نقش اسلام و مسلمانان در آلمان به تبادل نظر و ارائه راه کار بپردازند.

به عبارت دیگر، در کنار محافل موجود برای گفتگو، از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶، مذاکرات جدیدی در زمینه همگرایی در سطح آلمان به انجام خواهد رسید. تمام ۱۶ ایالت آلمان می‌توانند برای برگزاری و اجرای «کنفرانس جوان اسلام» داوطلب شوند، اما از میان آن‌ها چهار ایالت از سوی «بنیاد مرکاثر» و «دانشگاه هومبلدت برلین»، با همکاری مقامات مربوطه دولتی، برای اجرای این برنامه در نظر گرفته خواهند شد.

## تازه های کتاب به زبان آلمانی

1. Die Stiftung Mercator
2. Die Humboldt-Universität zu Berlin
3. Die Junge Islam Konferenz

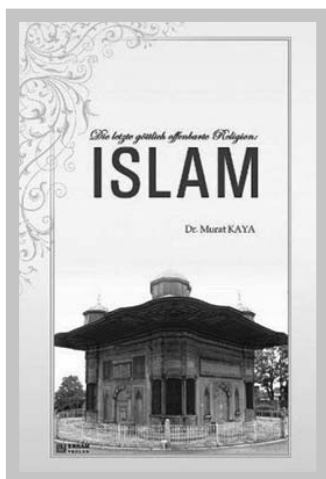
دعوت به اسلام؛ مقایسه‌ای میان کتاب مقدس و قرآن از نگاه یک مسلمان، پروفیسور دکتر مظفر آنداج.



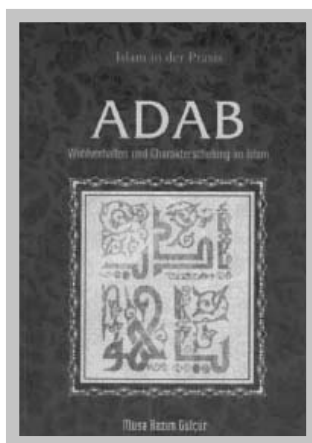


این کتاب در قطع جیبی در ۲۸۴ صفحه، به زبان آلمانی از سوی انتشاراتی «و اوندت» در دسترس علاقمندان قرار گرفت.

پروفیسور آنداچ در این اثر به بررسی مقایسه‌ای آیات قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان می‌پردازد و با تکیه بر آیات موجود در اناجیل اربعه درباره بشارت به ظهور منجی از زبان حضرت عیسی (ع)، به بحث درباره شرایط نجات‌دهنده و تطابق این شرایط با شخص نبی اکرم (ص) می‌پردازد و در نهایت، مؤمنان به حضرت عیسی (ع) را به پیروی از گفتار ایشان در تبعیت از حضرت محمد (ص) دعوت می‌کند



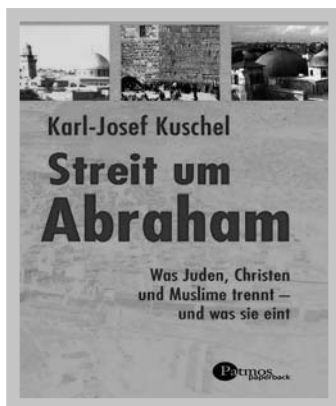
**اسلام، آخرین دین مُنزل الهی، دکتر مورات کایا**  
این کتاب توسط «راضیه ارکان» به زبان آلمانی ترجمه و «عبدالحافظ ونتسل» آن را ویراستاری کرده و در ۱۵۲ صفحه از سوی «انتشارات اِرکام» منتشر گردیده است. ناشر این کتاب درباره محتوای آن چنین نوشته است: این کتاب برای کسانی که به تازگی با اسلام آشنا شده‌اند مناسب است و می‌تواند به عنوان یک مرجع مستند مورد بهره برداری قرار گیرد. این اثر با توضیح درباره روابط میان انسان، کائنات و خالق هستی، همچنین توصیف اهمیت دین برای بشریت، آغاز می‌شود و سپس به شرح ارکان تشکیل دهنده اسلام می‌پردازد. علاوه بر موارد فوق، یک سلسله از موضوعات دیگر نیز در این کتاب مورد بحث واقع شده اند که عبارتند از: اصول عقاید اسلامی، معنای محیط زیست در اسلام، شرح برخی از محرمات در اسلام، قرآن کریم و زندگانی پیامبر (ص).



**ادب، رفتار نیکو و تربیت شخصیت در اسلام، موسی کاظم گولجور**  
ناشر این کتاب در معرفی آن آورده است: «شخصیت خوب و رفتار پسندیده یک انسان در اسلام تحت عنوان ادب توصیف



می شود. ادب یک عنصر ماهوی از اخلاق اسلامی است که ریشه در قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) دارد. سنت و ادب، مؤدب بودن و شرافتمند زیستن، اخلاق نیکو را پاس داشتن و تربیت و آموزش صحیح را مراعات کردن، جنبه های گوناگون ادب اسلامی است. موسی کاظم گولجور (Musa Kazim Gülcür) نویسنده این کتاب، از دانشکده الهیات «دانشگاه سلجوق» در قونیه فارغ التحصیل شده و به عنوان استادیار زمینه تعلیم و تربیت دینی در دانشکده الهیات دانشگاه استانبول مشغول به کار شده است. وی پیش از این نیز آثار دیگری را درباره تربیت و پرورش شخصیت از نظر اسلام به چاپ رسانده است.



Josef Kuschel, Karl (2011) Streit um Abraham; was Juden, Christen und Muslime trennt uns was sie eint, Patmos Verlag, 334pp.

یوزف کوشل، کارل (۲۰۱۱) منازعه درباره ابراهیم: آنچه یهودی ها، مسیحیان و مسلمانان را از یکدیگر جدا می سازد و آنچه آنها را به هم پیوند می دهد، انتشارات پاتمس، ۳۳۴ص.

ناشر این کتاب در معرفی این کتاب چنین نگاه داشته است:

پروفسور کارل یوزف کوشل با آگاهی عمیق از اشتراکات و افتراقات سه دین ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهودیت کوشیده رهبران و پیروان این ادیان را به یکدیگر نزدیک کرده و پاره ای سوء تفاهم های موجود بین آن ها را برطرف کند. پیام اصلی کتاب این است: در خانه ابراهیم بر روی تمام انسان ها باز است. این کلام «کارل یوزف کوشل» با نابداری و سرسختی موجود در میان پیروان سه دین بزرگ جهانی مقابله می کند. در خاور میانه یهودیان و مسلمانان با یکدیگر می جنگند، در بوسنی هرزگوین، مسیحیان و مسلمانان به جان هم افتاده اند، در ایرلند مسیحیان با مسیحیان درگیرند. باورهای دینی دین بجای آنکه پایه گذار صلح باشد، گاه نقش جنگ افروز را پیدا کرده است. نگاه به پدر مشترک این سه دین ابراهیمی از بین برنده بسیاری از بدفهمی ها و منازعات است و نشان می دهد که این سه دین که کتاب آسمانی دارند، چندان با یکدیگر متفاوت نیستند. بدین ترتیب، ابراهیم می تواند به عنوان شخصیت راهبردی برای وحدت مطرح شود و یهودی ها، مسیحیان و مسلمانان را به یکدیگر نزدیک سازد.



---

## انتشار تقویم اسلامی " قلب ما مکه " در آلمان

---

انتشارات «م-هادیتک» تقویم اسلامی سال جدید میلادی را با عنوان «قلب ما مکه» در آلمان چاپ و منتشر کرد. ناشر این تقویم درباره آن آورده است: «این سالنامه، سال خورشیدی گریگوریانی (مسیحی) را با سال قمری اسلامی هماهنگ می‌سازد. در آن تلاش شده تا تعطیلات کشورهای آلمانی زبان با تعطیلات و مراسمی که برای مسلمانان مهم هستند، در کنار یکدیگر در یک تقویم گردآورده شوند. اطلاعات این تقویم از «دایره المعارف اسلام» اقتباس شده است. تقویم اسلامی سال ۲۰۱۳ به قیمت ۸ یورو در دسترس علاقمندان قرار دارد.



برگ اشتراک نامه ایران و اسلام  
فصلنامه علمی- تحقیقاتی ایران شناسی و اسلام شناسی  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

مشخصات مشترک

نام: نام خانوادگی:  
نام سازمان (برای سازمان ها):  
نشانی:  
شناسه (کد) پستی: صندوق پستی:  
شماره تلفن: شماره اشتراک قبلی:  
شروع اشتراک از شماره:  
تاریخ درخواست:

شرایط اشتراک

- ۱- واریز بهای اشتراک به حساب سیبای شماره ۲۰۰۲۰۹۰۴۰۹۰۲۱۷، نزد بانک ملی ایران شعبه کتابخانه ملی.
- ۲- تکمیل برگ اشتراک.
- ۳- ارسال برگ تکمیل شده اشتراک و اصل فیش بانکی، به نشانی زیر.
- ۴- ارائه معرفینامه برای استادان و دانشجویان، به منظور برخورداری از تخفیف.

بهای اشتراک همراه با هزینه پستی

تک شماره	۴۵۰۰۰	ریال
داخله	۱۸۰۰۰۰	ریال
سالانه	۳۰	دلار
خاورمیانه	۳۲	دلار
اروپا	۳۷	دلار
آمریکا، کانادا، استرالیا و ژاپن		

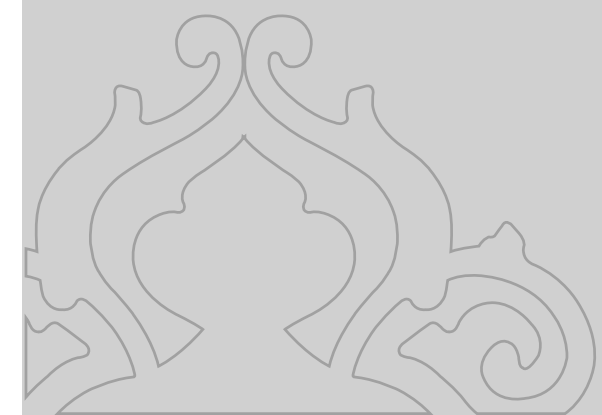
حق اشتراک سالانه برای استادان و دانشجویان با معرفی نامه، ۵۰۰۰۰ ریال است.  
نشانی: تهران، بزرگراه حقانی، بلوار کتابخانه ملی، ساختمان کتابخانه ملی، فروشگاه کتاب.

صندوق پستی ۱۹۹۳۵-۶۵۵

شناسه (کد) پستی ۱۵۴۸۶

تلفاکس: ۰۲۱-۸۱۶۲۳۳۱۵

پیام نگار: j-iranislam@nlai.ir





## **The Challenges of Search Engines of Online Sites for Islamic Manuscripts**

■ Ali Mashhadi Rafi - Mohammad Mohammadinia

During the recent years, numerous websites have been established for Islamic manuscripts which render a diverse range of library services to their users. These services which are mainly organized by focusing on users' access to digital edition of manuscript and/or bibliographic information, have the structure of data banks and the process of information retrieval is more dependent on the search engines of these websites. The present article is an effort to investigate the mentioned problems and to offer some suggestions for updating the search engines of these websites.

---

## **From Arab Literature to Islamic Studies; Johann Jakob Reiske**

■ Shahram Taghizadeh Ansari

Reiske is one of the pioneers of studying and teaching Arab language and literature as well as Islamic studies in Germany and Denmark. He investigated Arabic manuscripts, history of Islam and the lives of Prophet Muhammad and Ali (SA) with an unspeakable interest and became famous as the martyr of Arabic literature. Living in the mid 18<sup>th</sup> century, Reiske raised some issues to prove the caliphate of Imam Ali. He also compared the personality of Prophet Mohammad with some historical figures such as Marx.

---

## **Islamic Studies and Islamologists in Australia**

■ Zahra Sobhani

In this article, the author examines the background of Islam in Australia, the status of Muslims, Australian government attitude toward Islam and Muslims and finally Australian Islamologists and the status of Islamic Studies in universities and research centers in Australia. The author focuses on the introduction of centers and departments of Islamic studies in universities and the role of Australian government and Muslim groups in supporting and cooperating with them.

into French by Muslims, he believes that these kinds of translations would prevent misunderstanding of Islam and Muslims by the French people.



---

### **A Reflection on the Methodology and Islamic Studies of Pierre Laurie**

■ Saeed Jazari

This article deals with the methodology of Islamic studies in universities and research centers on Islam in western countries, particularly in France, as well as one of well-known French scholars, Pierre Laurie. By explaining the principles of this Islamologist's thoughts, the author investigates Laurie's method of studying and his look to subjects on Islam and Muslims. According to the author, Pierre Laurie examines Islam by relying on ideas and methodology of Henry Corbin and by applying historical, field and phenomenological studies.

---

### **The Islamic Studies in China: From Five Ruling Dynasties to Modern Era**

■ Adel Khani

In this article, the author investigates the background of Islamic studies in the contemporary history of China and points to how Islam entered this country and to its status during the quintuple dynasties of China. In this regard, he talks about the period of Tang and Song dynasties when Chinese Muslims were under the influence of Iranian and Arab culture. He also gives a description of the features of Muslims during the rule of these dynasties.

The author also gives a detailed description of the conditions of academic and research centers of Islamic studies as well as several organizations, institutions and universities in China which are engaged in Islamic studies or subjects related to Islam, Muslims and Islamic countries. The final section of the article is dedicated to introducing academic and social journals on Islamic studies as well as the names of well-known Chinese islamologists during the recent hundred years.



of Iran and Iranians, we immediately think of Iranologists, researchers and anthropologists. But today, there are photographers who have shown Iran and Iranians through the pictures they have taken of various parades of cities and different social classes. One of these photographers is Brandon Stanton, a well-known photographer from New York. In his trip to Iran, he has taken various photos from Tehran, Shiraz and several other cities and has presented them in his website.

---

### **The Contribution of Germany to Iranian Studies**

#### ■ Bertold Spuler

Bertold Spuler is one of the prominent orientalists and Iranologists of Germany who is specialized in Mongolian studies, Islamic history and culture of the East and the history of the Islamic period. In this article, he investigated the contribution of German Iranologists to and their role in the study, recognition and introduction of Iranian history and culture. He also examines the impact of Iranian culture on the culture and language of its neighboring and even farther countries. In his opinion, Iran by using the peaceful method of intellect and civilization promoted the status of Arabs through its ancient cultural heritage and hence enriched the culture of Arabs further and led the ruling of Abbasid Caliphs.

---

### **The Method and Islamic Studies in Frances; From Henry Corban to shie'te New Scholars**

#### ■ An Interview with Prof, Yahya Alavi

Prof. Yahya Alavi gives a detailed description about the methods of education and research in Islamic and western traditions as well as the kind of subjects and methodologies they apply. He also talks about the viewpoints of French scholars on Islam, in particular Henry Corbin. In Bonaud's opinion, most French Islamologists rely on historical and second-hand resources and are not familiar with original and first-hand Islamic sources and Persian, Arabic and Turkish language. Having reviewed the translations of Quran

literature in the universities of Turkey as well as the teaching methods, textbooks, professors and their problems. At the end of the article, some recommendations and solutions are offered to solve these problems and to strengthen the status of Persian language and literature in the universities of Ankara and Istanbul.



---

### **Siagh: Numerical Marking and Computing in Iran**

■ Brian Spooner and William Hanaway

Siagh is a kind of numerical system, the today form of which was firstly promoted during Islamic Caliphate, particularly in the era of Umayyad Caliphs in Damascus in 656-751 A.D. The authors of this article have investigated the role of Iranians in the expansion of this writing style in Iran and countries inside the realm of Iran's culture and civilization in Central Asia, India, Pakistan and Turkey.

---

### **Centers for Iranian Studies in Russian Federation**

■ Saeed Shiri

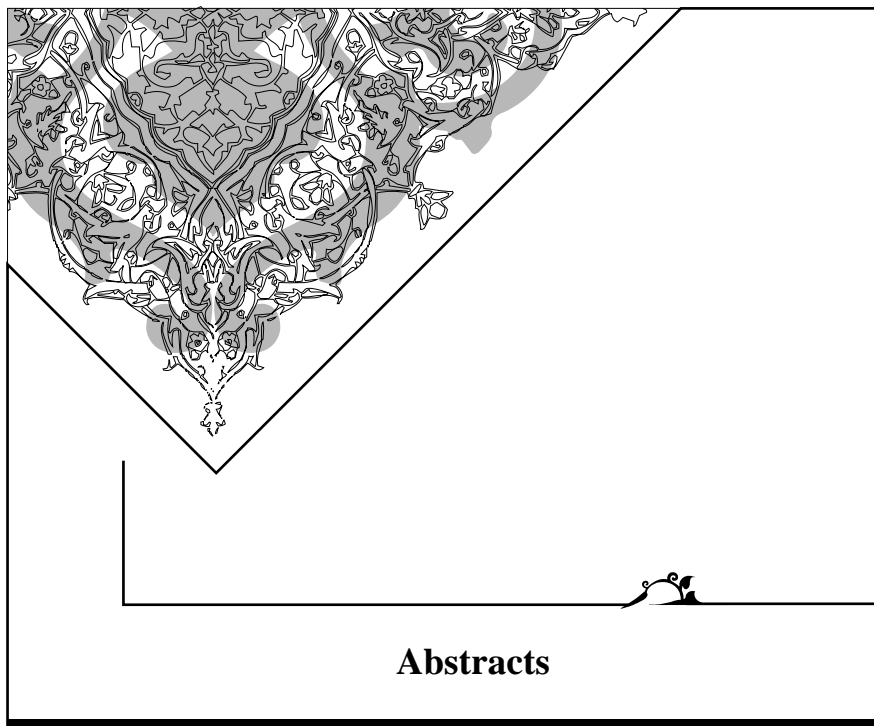
The school of oriental studies and therefore Iranian studies has witnessed many upheavals in Russia. The Russian school of Iranian studies has passed three historical periods: the empire era and the confrontation of this country with Britain; the era of communists; and the era after the collapse of former Soviet Union. In the first era, some centers were established for the study of the Orient with a political objective. During the Soviet Union, Oriental and Iranian studies were carried out on the basis of Marxist ideas. After the formation of Russian Federation, these centers took a new approach. The background and developments of the most significant centers for Iranian studies in the Russian Federation are represented in this article.

---

### **The Representation of Iran and Iranians through the Brandon Stanton's Camera**

■ Ahmad Ali Amiri

When faced with discussions about Iran, Iranian people and the introduction



**An Interview with Dr. Ashk Dahlén, President of Scandinavian Society for Iranian Studies: “Definition and Scope of Iranian Studies in Scandinavian Countries”**

**Alexander (Sándor) Kégl and Iranian Studies in Hungary**

■ Miklós Sárközi

Dr. Miklós Sárközi, Hungarian Iranologist, describes the history of Iranian studies and its development in Hungary as well as the tireless efforts of Alexander (Sándor) Kégl. Kégl can be accounted as one of the pioneers of Oriental studies in Hungary. He taught Persian language and literature in Oriental Chair of Budapest University for more than 50 years. Of course, the founder of teaching Persian language and literature in Hungary was Arminius Wambri who stayed almost one year in Iran and for a while worked as an interpreter for Nasereddin Shah and Mozafareddin Shah. Wambri was the teacher of Persian language and literature for more than 30 years. Kégl's academic endeavors was mainly focused on classical Persian and Qajarid's literature.

---

**Persian Language and Literature in the Universities of Turkey; from Challenges to Educational Tactics**

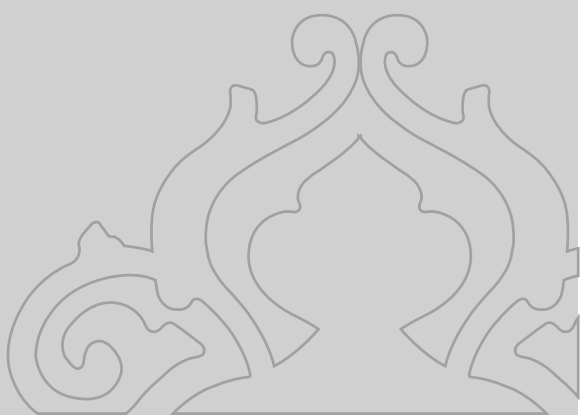
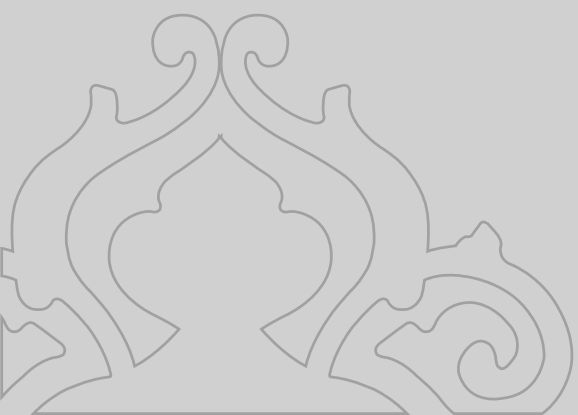
■ Reza Dehqani

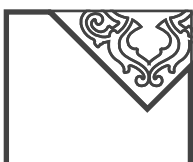
This article deals with the status of teaching Persian language and

## Table of Contents

<b>Iranian Studies</b>	9
An Interview with Dr. Ashk Dahlén	11
<b>President of Scandinavian Society for Iranian Studies: Definition and Scope of Iranian Studies and its Research in Scandinavian Countries</b>	
Alexander (Sándor) Kégl and Iranian Studies in Hungary / Miklós Sárközi	19
<b>The status and presentation of Persian Language and Literature in the Universities of Turkey; from Challenges to Educational Tactics / Reza Dehqani Siagh: Numerical Marking and Computing in Iran / Brian Spooner and William Hanaway</b>	31
<b>Centers for Iranian Studies in Russian Federation / Saeed Shiri</b>	43
<b>The Reperesentation of Iran and Iranians through the Brandon Stanton's Camera / Ahmad-Ali Amiri</b>	65
<b>The Contribution of Germany to Iranian Studies / Bertold Spuler</b>	75
<b>Some Recommendation for Iranian and Islamic Studies Research / Mohssen Jafari mazhab</b>	81
Book Review	93
Iranian Studies Events	97
<b>Islamic Studies</b>	107
<b>An Interview with Dr. Yahya Alavi, The Method and Scope of Islamic Studies in France: From Henry Corban to Shie'te Scholars</b>	127
<b>A Reflection on the Methodology and Islamic Studies of Pierre Laurie / Saeed Jazari</b>	129
<b>The Islamic Studies in China: From Five Ruling Dynsties to Modern Era / Adel Khani</b>	147
<b>The Challenges of Search Engines of Online Sites for Islamic Manuscripts / Ali Mashhadi Rafi; Mohammad Mohammadinia</b>	157
<b>Islamic Studies and Islamologists in Australia / Zahra Sobhani</b>	171
<b>From Arab Literature to Islamic Studies; Johann Jakob Reiske / Shahram Taghizadeh Ansari</b>	181
Book Review	193
Islamic Studies Events	201
	209







— Nameh —

# Iran & Islam

Scientific - Research Quarterly on Iranian and Islamic Studies

Vol.1 | No.3 | Winter 2013 | Price: 45000 Rials

A journal published by the National Library  
and Archives of Islamic Republic of Iran

**Managing Editor:** Ali Akbar SafiPour

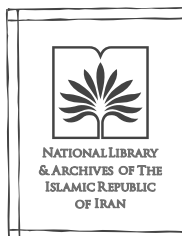
**Editor in Chief:** Kiyomars Amiri

## **Editorial Board:**

Ali Akbar Velayati/Ataollah hassani | Aref  
Noshahi | Ali Akbar Safipour | Ali Mohamad  
Valavi | Bert Fragner

Javad Mansouri | Hasan Bolkhari/Karim Najafi  
Barzegar | Mehdi Mohaqeq | Mohamad Javad  
Moradinya |

Rasoul Jafarian | HamidReza Ayatolahi  
Sharif Hoseein Qasemi | Sayed Ali Reza Vasaei



**English Editor:** Edic Melcomian

## **Address**

National Library and Archives of Islamic  
Republic of Iran

**Tel:** (+9821) 81623173

**P.O.Box:** 15875-3693

**Email:** j-iranislam@nlai.ir